

شرح و تفسیر

دعای نذیبه



سید جعفر رفیعی

تفسیر و شرح دعای ندبه

نوشته:
سید جعفر رفیعی

شناسنامه کتاب

نام کتاب	تفسیر و شرح دعای ندبه
مؤلف	سید جعفر رفیعی
ناشر	مؤسسه یاران قائم <small>علیه السلام</small>
تاریخ چاپ	۱۳۸۲
نوبت چاپ	اول
چاپخانه	افق
نوع قطع	وزیری
تیراژ	۳۰۰۰
قیمت	۴۰۰ تومان

شابک X - ۷ - ۹۳۷۶۴ - ۹۶۴

قم : خیابان امامزاده ابراهیم ۲۴۷ متری سوم خرداد کوچه ۲۱ پلاک ۱۰

مؤسسه فرهنگی یاران قائم علیه السلام (بخش رحمانی).

تلفن : ۰۲۵۱-۸۸۴۱۹۳۲-۰۹۱۲۳۵۱۳۱۷۷

۰۲۵۱-۷۷۴۹۲۶۱-۰۹۱۲۳۵۱۹۱۳۵

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ

سُبْحَانَ الْأَكْبَامِ الْمُنْتَهَى الْحَمْدُ لِلَّهِ الْمُنْتَهَى الْمُهْدَى عَلَيْهِ

مقدمه

شناخت و درک عمیق معارف اسلامی یکی از سر لوحه هایی است که اسلام می خواهد امت در سایه آن حرکت کند و به آرمان خود که دستیابی به حیات طیبه است برسد از این رو مسئله تدبیر، تفکر، تعمق و تفقه در دین بعنوان یک وظیفه برای مسلمانان تعیین گردیده شده است تا خواندن دعاها و زیارات مأثوره با تفکر و تعمق در معنا همراه باشد و از این طریق به معارف اممیل اسلام برسند و ارتباط روحی برقرار نمایند.

ولی نوعاً توسلات و خواندن ادعیه در اکثر مجالس فردی و اجتماعی، صوری و لفظی شده است که اصلاً با تدبیر و تفکر همراه نیست و در آن عادات و رسوم و تشکیلات و تشریفات خاصی دخالت پیدا کرده است و تا حتی دیده شده است که در بعضی از مجالس دعا و توسل، بعضاً با یکدیگر مشغول صحبت یا خوردن چای و غذا و تنقلات هستند در حالی که اگر انسان کمترین معرفت و محبت به امام خویش داشته باشد، معنای جملات دعای ندبه او را به حزن و اندوه سختی می اندازد و در فراق و غربت امام خویش شیون کشده و فریاد سر می دهد.

بدیهی است اینگونه خواندن دعا و توسلات همراه با توجه و حضور قلب نبوده و ارتباط روحی و معنوی برقرار نمی‌گردد و اکثراً نتیجه‌ای نمی‌بینند و شاید اکثر مؤمنین چون آشنائی با ادبیات عربی و معانی لغوی ندارند خود بخود از تفکر و تعمق در معانی محروم گردیده‌اند که بر علماء و فضلاء است که تا حد امکان بعضی از ادعیه و اذکار را ترجمه و شرح نموده و در دسترسی مؤمنین قرار دهند. در این راستا برای اولین بار زیارت آل یاسین و زیارت استغاثه به امام زمان علیه السلام را تفسیر و شرح نمودیم که مورد استقبال و تشویق مؤمنین و اهل دل قرار گرفت و پس از آن مکرر در مکرر تقاضا نمودند تفسیر و شرحی بر دعای ندبه نیز نوشته شود. گرچه بعضی از بزرگان شرحهای متعدد بر این دعای عظیم الشان نوشته‌اند که «والفضل ولهم ولله درهم و علیه اجرهم» از این روی ما روش و اسلوب خاصی را در تفسیر و شرح این دعای شریف اخذ کردیم و سعی نمودیم بعضی از الفاظ و واژه‌های آن را از جهت معنای لغوی شرح دهیم و سپس مضمون جملات دعای ندبه را با آیات و روایتی که از آنها گرفته شده و متأثر از آنهاست تفسیر و شرح دهیم.

قبل از ورود در تفسیر و شرح اجمالاً در یک تقسیم بندی عرض می‌کنیم این دعای شریف به چهار قسمت تقسیم شده است.

قسمت اول: در بیان توحید و نبوت و امامت است.

قسمت دوم: واله و حیران شدن در فراق و غیبت امام زمان علیه السلام

قسمت سوم: رسیدن به لقاء و وصل و قرب روحی و معنوی امام زمان علیه السلام

قسمت چهارم: دعا و نیایش و طلب وصل و حوائج است.

امیدواریم که این تفسیر و شرح سراسر وجود خوانندگان دعای ندبه را سرشار از سوز و معرفت گرداند و آنها را با تمام وجود مستعد حرکت و تحوّل

۶..... تفسیر و شرح دعای ندبه

نموده و خط مشی زندگی را که همان انتظار است برایشان ترسیم نماید و ما را نیز مشمول دعاهاى خالصانه خود بگردانند و در هنگام وصل و لقاء معنوی با امام زمان علیه السلام از این حقیر که واله و حیران در فراق امام خویش بسر می برد، یاد کنند و تقاضای عفو و بخشش و وصل بمولای خویش در دنیا و آخرت بنمایند که عاجزانه محتاج دعای دوستان امام زمان علیه السلام هستیم.

قم - سید جعفر رفیعی

سند دعای ندبه

گرچه معارف و حقایق درخشان که با اسلوبی بدیع و با عباراتی بلند و فصیح در دعای عظیم الشان ندبه آمده است ما را از ارائه سند و منبع بی نیاز می کند ولی گوشه و کنار شنیده می شود که بعضی یا جاهلاً و یا معانداً به این دعای عظیم الشان ایراد گرفته و در سند و محتوای آن خدشه وارد می سازند، از این رو ما پس از آنکه سند آن را از کتب حدیثی نقل کرده، بر آن شدیم که کلمات و جملات این دعای شریف را با آیات و روایات قطعی الصدور نیز منطبق سازیم و از این طریق ثابت کنیم که این دعای مبارک از متون آیات و روایات گرفته شده و ماثور می باشد. در مرتبه اول سند و راوی آن را نقل می نمائیم سپس در ضمن شرح و تفسیر سند تطبیقی را ذکر خواهیم کرد که انشاءالله در استحکام عقائد و نورانیت دل‌های مشتاق امام زمان علیه السلام مآثر واقع شود:

نخستین فرد موثق که دعای شریف ندبه را از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام نقل نموده و در کتب خود ثبت کرده است جناب ابو جعفر

۸..... تفسیر و شرح دعای ندبه

محمد بن حسین بن سفیان بزوفری است.

در کتاب معجم البلدان می نویسد: بزوفری منسوب به روستای «بزوفرا» از توابع «قوسان» در نزدیکی «بغداد» در کرانه نهر «موققی» در غرب دجله است. (۱)

و جناب شیخ محمد بن جعفر بن علی بن جعفر مشهدی حائری که از بزرگان قرن ششم هجری و از محدثان بزرگوار شیعی است در کتاب معروفشان «مزار» این دعا را از کتاب «ابن ابی قره» نقل نموده که اولین مأخذ محسوب می شود، و فرموده: من آن را (دعای ندبه) از کتاب ابو جعفر محمد بن حسین بن سفیان بزوفری نقل کرده ام.

لازم به تذکر است که جناب ابو جعفر بزوفری رحمته الله از مشایخ و اساتید شیخ مفید رحمته الله بوده و مرحوم شیخ مفید از او روایات بسیاری را نقل نموده و برای او طلب رحمت نیز نموده است.

دومین منبع و مأخذ که این دعا را نقل کرده، مزار قطب الدین راوندی است. قطب الدین سعید بن هبة الله راوندی رحمته الله از علماء بزرگ شیعه و مؤلف کتابهای ارزنده مثل الخرائج و الجرایح، لب اللباب، قصص الانبیاء، شرح نهج البلاغه و «مزار» که دعای ندبه در آن نقل شده است، می باشد و قبر شریفش در صحن بزرگ حضرت فاطمه معصومه علیها السلام در شهر قم می باشد.

سومین منبع قدیمی «مصباح الزائر» سید بن طاووس رحمته الله است، رضی الدین علی بن طاووس رحمته الله نیز از علمای کم نظیر شیعه و صاحب کرامات و ملاقات های متعدد با حضرت بقیه الله (ارواحنا فداه) می باشد و تالیفات

فراوانی دارد که از جمله آنها کتاب «مصباح الزائر» است که در آن این دعای شریف از محمدبن علی بن ابی قره رضی الله عنه نقل شده است و فرموده مستحب است این دعا در اعیاد اربعه «فطر» و «اضحی» و «غدیر» و «جمعه» خوانده شود. (۱)

لازم به ذکر است که محمدبن علی بن ابی قره رضی الله عنه از اساتید و مشایخ نجاشی رضی الله عنه صاحب کتاب رجال معرف است که در اواخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم هجری می زیسته است و کتب رجالی از وی به بزرگی یاد کرده اند. این بزرگوار یعنی «ابن ابی قره» در یکی از کتابهای خود می نویسد:

نقلت من کتاب ابی جعفر محمدبن الحسین بن سفیان بزوفری رضی الله عنه هذا الدعاء و ذکر فیه انه الدعاء لصاحب الزمان (صلوات الله علیه و عجل الله فرجه و فرجنا به) یعنی: این دعا را از کتاب ابو جعفر محمدبن حسین بن سفیان بزوفری نقل کردم و در آن ذکر کرده که این دعا برای صاحب الزمان است که درود خداوند بر او باد و فرجش را نزدیک گرداند و فرج ما را به آن مقرون نماید.

چهارمین منبع و مأخذ که این دعای عظیم الشأن را نقل نموده کتاب زادالمعاد علامه مجلسی رضی الله عنه است که می فرماید:

و اما دعای ندبه که مشتمل است بر عقائد حقه و تأسف بر غیبت حضرت قائم (صلوات الله علیه) به سند معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است، که سنت است این دعای ندبه را در چهار عید بخوانند یعنی در

۱- احوالات معنوی و ملاقات های آن عالم ربانی در کتاب «امام زمان و سید بن طاووس» نوشته شده است.

۱۰..... تفسیر و شرح دعای ندبه

روز جمعه و عید فطر و عید قربان و عید غدیر.

از عبارت مرحوم علامه مجلسی چند مطلب مهم بدست می‌آید که در تقویت سند دعای ندبه حائز اهمیت است:

۱- مشتمل است بر عقائد حقه

۲- تأسف بر غیبت حضرت قائم علیه السلام

۳- سند معتبر

۴- از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است.

۵- مستحب است که در اعیاد اربعه خوانده شود.

این بود سند دعای ندبه که در کتب حدیثی نقل شده بود و انشاء الله سند تطبیقی را، که با آیات و روایات تطبیق شده است در ضمن شرح و تفسیر مطالعه خواهید نمود.

سفرش

صدرالاسلام علی اکبر همدانی

مرحوم صدرالاسلام علی اکبر همدانی در کتاب خود
«تکالیف الانام فی غیبه صاحب الزمان» سفرش
زیادی بر خواندن دعای ندبه می کند و می فرماید:

از جمله تکالیف انام، در غیبت امام علیه الصلاة والسلام خواندن دعای
مبارک «ندبه» است و ناله و ندبه نمودن برای آن حضرت است این دعای مبارک
را سید بن طاووس نقل کرده...

این دعای مبارک از کثرت اشتها کالشمس فی رابعة النهار است. خوب
است در هر جمعه دوستان آن حضرت، ارواحنا فدا، از مرد و زن در مسجدی
از مساجد یا معبدی از معابد اجتماع نموده، این دعای مبارک را با کمال تضرع
و زاری و ناله و سوگواری و بانهایت حزن و اندوه و بی قراری، بخوانند و گریه
کنند و بر غیبت آن شمس تابان و فقدان آن جان جهانیان توجه کنند و ضجه و

۱۲..... تفسیر و شرح دعای ندبه

آه سرد از دل پُر درد کشند. و چنین مصیبت عظمی را سهل نشمارند و چنین داهیه کبری را آسان نپندارند، که از غیبتش اسلام بکلی از میان رفته و تنها اسمی از آن باقی مانده «ظهرالفساد فی البرّ و البحر بما کسبت ایدینا» کفر و فسق و فجور و ناسپاسی تمام کره ارضی را فرا گرفته، آنچه پیدانیست آثار مسلمانی است و آنچه پیدا و ظاهر است آثار شیطانی. همه در وادی غفلت، حیران و در تیه ضلالت و جهالت، سرگردان و تابع جنود شیطان و عاصی بر حضرت صاحب العصر والزمان. اللهم عجل فرجه و سهل لفرجه بمحمد واله الطاهرین (۱)

سپس در صفحاتی بعد از استاد خود جناب میرزا

حسین نوری (رحمة الله علیه) نقل نموده که فرموده:

مستحب است در روز و شب جمعه خواندن دعای ندبه معروفه که متعلق است به آن حضرت و فی الحقیقه مضامین آن سوزنده دلها و شکافنده جگرها و ریزنده خون از دیدگان کسانی است که اندکی از شربت محبت آن جناب نوشیده‌اند و تلخی زهر فراقش به کامشان رسیده است. در روز جمعه بلکه در شب آن نیز - چنانکه در یکی از مزارات قدیمه ما که مؤلف آن معاصر شیخ طبرسی صاحب احتجاج است، مروی است - باید خوانده شود.

از جمله خواص خواندن این دعای مبارک آن است که در هر مکانی و موضعی که خوانده شود با حضور قلب و اخلاص کامل، و ملتفت مضامین

سفرش..... ۱۳

عالیه فائقه، و عبارات و اشارات نامیه رائقه آن بودن؛ توجه و التفات مخصوص حضرت صاحب العمر و الزمان، ارواحنا فداه در آن مکان و محل، بلکه حضور به هم رسانیدن آن حضرت است در آن مجلس چنانکه در بعضی مواضع و موارد اتفاق افتاده است^(۱).

سفرش

آیه الله سید شهاب الدین مرعشی نجفی رحمته الله

بسمه تعالی

دعای شریف ندبه از ادعیه معتبره و توسلات جلیله می باشد، علماء نقاد حدیث از قبیل شیخ محمد بن المشهدی النجفی و سید بن طاووس و علامه مجلسی و علامه نوری در کتب خود آن را ذکر فرموده اند و سند آن به شیخ بزرگوار بزوفری منتهی می شود.

علماء اعلام شیعه و مؤمنین سنین متمادیه باین توسل جلیل القدر متوسل می شدند و خود حقیر شخصاً آثار و برکات زیادی از مداومت آن دیده ام و از آقایان رؤساء هیئات مذهبی خواستارم بیش از پیش برادران ایمانی و دوستان خاندان حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله را تشویق و ترغیب باین توسل بفرمایند
والسلام علی من اتبع الهدی

حرره الداعی ابوالمعالی شهاب الدین الحسینی المرعشی النجفی

فی ۹ جمادی الاولی ۱۳۹۲

حکایت

آقا سید جواد خراسانی قدس سره

علامه نهاوندی از مرحوم آقای سید جواد خراسانی که
مورد اعتمادترین ائمه جماعت اصفهان بوده و
مقالاتی عالی علمی داشته نقل نموده:

از طرف حکومت خیال داشتند «صالح آباد اصفهان» را غصب نمایند، در
حالی که ملک من و دیگران بود، لذا افرادی را برای تصرف آن جا فرستادند.
ماهر چه درخواست نمودیم مذاکرات نتیجه‌ای نداد.
عریضه‌ای به حضور مقدس امام عصر علیه السلام نوشتم و در رودخانه انداختم و
به تخت فولاد رفتم و در خرابه‌ای با تضرع مشغول خواندن دعای ندبه شدم و
مکرر می‌گفتم:

۱۶..... تفسیر و شرح دعای ندبه

هل اليك يا بن احمد سبيل فتلقني

یعنی: آیا راهی برای رسیدن به شما هست تا حضرتت را ملاقات نمایم؟! ناگاه صدای شم اسبی را شنیدم و دیدم عربی سوار اسب اَبْلَقِي (اسب سفیدی که با رنگ دیگر مخلوط است) رو به قبله می رود. نگاهی به من کرد و غائب گردید. از مشاهده او قلبم راحت شد و به اصلاح کارها اطمینان پیدا کردم. شب بعد مشکلم کاملاً حل شد. ضمناً در خواب مکرراً حضرتش را می دیدم که به همین شمایل بودند.

حکایت

توسل آقا سید رضا، عالم اصفهانی رحمته الله

علامه نهاوندی از آقا سید رضا که از علمای موثق

اصفهان است نقل نموده که فرمود:

زمانی به خاطر قرضهایی که داشتم به اموات متوسل شدم و برای دویست نفر از آنها - تقریباً - به اسم طلب مغفرت و آمرزش نمودم، بعد هم به امام عصر علیه السلام متوسل شدم و بخشهایی از دعای ندبه مثل «هل الیک یا بن احمد سبیل فتلقی» را می خواندم ناگاه دیدم اتاق به نور مخصوصی که حتی از نور آفتاب بیشتر بود منور و روشن شد و در همان روز فرج کاملی رسید.

حکایت

آیه الله حاج میرزا صمدی شیرازہ رحمۃ اللہ علیہ

از آیه الله حاج میرزا صمدی شیرازی (قدس) که از

مراجع تقلید و مقیم کربلا بوده نقل شده است:

زمانی که من در سامرا بودم، شبها به سرداب حضرت حجت علیه السلام می رفتم و برای اینکه کسی مزاحم نشود قفل در را نیز می بستم و تا صبح به دعا و قرآن و توسل و گریه مشغول می شدم.

شبی در سرداب نشسته مشغول دعای ندبه بودم تا به این عبارت رسیدم «و عرجت بروحه الی سمائک» در اینجا حتی در کتاب مفاتیح نیز دو نسخه است یکی «و عرجت به» و دیگری «و عرجت بروحه» و هر دو نیز صحیح است، چون عربها کلاً به بدن نیز «روح» می گویند و هنوز هم چنین است، یعنی هم به روح و هم به بدن «روح» گفته می شود و از نظر من هیچ اشکالی نداشت.

حکایت..... ۱۹

ناگهان دیدم شخصی کنار من نشسته و خطاب به من فرمود: در نسخه اصلی «و عرجت به الی سمائك» آمده است.

من متحیر شدم که من در سرداب را بسته بودم، این شخص از کجا آمده! دیدم هیچکس نیست. (۱)

حکایت

ایة الله میرجهانی رحمته اللہ علیہ

مرحوم آية الله میرجهانی که از علما و نویسندگان
بزرگ و پرتلاش بود، تشریفی نیز در سرداب مقدس
داشته‌اند که تقریباً شبیه به حکایت قبلی می‌باشد، و ما
آن را از جناب شیخ محمد شریف رازی قدیر نقل
می‌کنیم:

در دوران زعامت و مرجعیّت آية الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی قدیر
که به سامرا رفته بودند صبح روز دهم و پیش از سپیده دم جمعه بود که درب
حرم را گشودند و من با شور و شوق بسیار به سرداب مقدس تشریف یافتم.
آن روزها هنوز برق نیامده بود با این وصف هنگامی که از پله‌ها سرازیر
شدم دیدم فضای سرداب مقدس روشن است و در آن روشنایی که به

روشنایی مهتاب شباهت بسیاری داشت، سید گرانقدری در آنجا به عبادت و ذکر خدا مشغول است. از برابر او عبور کردم و در نقطه‌ای مخصوصی به زیارت سالارم حضرت مهدی علیه السلام مشغول شدم و پس از آن کمی جلوتر از آن بزرگوار، نماز زیارت شروع کردم پس از نماز به خواندن دعای ندبه پرداختم و بازمزمه دعا را تا این فراز خواندم که می‌فرماید: و عرجت بروحه الی سماء که ناگهان دیدم که آن سید بزرگوار که تاکنون نه من با او حرفی زده بودم و نه او با من، فرمود: این جمله از ما نرسیده است، صحیح آن این است: و عرجت به الی سماء.

وقتی به او توجه یافتم فرمود: چرا شما رعایت وظیفه را نمی‌کنید و جلوتر از امام نماز می‌خوانید؟ شگفتا که من از هر دو نشانه و آیت بزرگ غفلت کردم و بدون اینکه بدانهادقت کنم به ادامه دعا پرداختم.

دعای ندبه به پایان رسید به نماز ایستادم در میان نماز و در حالت سجده به ناگاه متوجه شدم که آن بزرگوار کیست، که فرمود: «این جمله از ما نرسیده است» و فرمود: «چرا رعایت وظیفه نمی‌کنید؟»

اضطراب سراسر وجودم را گرفت سراز سجده برداشتم تا دامن پر برکتش را بگیرم و از او عذر خواهی کنم، اما دریغاً که وقتی سر برداشتم دیدم سرداب مقدس تاریک است و هیچ کس هم در آنجا نیست، دریافتم که به چه دولتی رسیدم اما به رایگان آن را از دست دادم.

حکایت

آیه الله خادمی شیرازی رحمته الله علیه

مرحوم حاج شیخ محمد خادمی شیرازی یکی از علما و خدمتگزاران صدیق آستان مقدس پیشوای انس و جان حضرت بقیة الله ارواحنا لتراب مقدمه الفداه، بود که چون عاشقی دلسوخته دائماً در صدد تبلیغ و ترویج فرهنگ مهدویت بسر می برد، معظم له که از دوستان و صدیقان نزدیک استاد عزیزم می باشند و توفیق درک آن مرد خدا را پیدا کرده بودم، مکرر سعادت تشریف و ملاقات به پیشگاه کعبه مقصود و قبله موعود را پیدا کرده بود، که در اینجا به یکی از تشریفاتی که در ارتباط با دعای ندبه می باشد ذکر می کنیم خداوند روحش را شاد و با موالیانش محشورش گرداند.

در ایام نوجوانی به عتبه بوسی حرم مطهر حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام مشرف شده بودم، شب جمعه ای را در حرم آن امام مهربان بسر بردم و برای فرج امام زمان ارواحنا لتراب مقدمه الفداه بسیار دعا کردم و در فراغ و غربت آن حضرت

بسیار اشک ریختم. همان شب در عالم رؤیا خدمت حضرت بقیة الله روحی له الفداه رسیدم و به من تفضیلاتی نمودند و خواستند بروند که از حضرتش سؤال کردم: آقا جان قربانتان کردم آیا باز به من روسیاه اجازه ملاقات می دهید؟

فرمودند: فردا صبح در مجلس دعای ندبه

عرض کردم: سرورم من در این شهر، غریبم و زائر هستم کدام مجلس دعای ندبه را می فرمائید.

فرمود: مجلس دعای ندبه در منزل سید جواد مجتهدی.

از خواب برخواستم، و راهی حرم مطهر امام رضا علیه السلام شرح و از آن حضرت به جهت عنایت دیشب تشکر کردم. هنگامی که از حرم خارج می شدم در صحن مسجد گوهر شاد با یکی از دوستان مقیم مشهد برخورد کردم گفتم در مشهد، کجا مجلس دعای ندبه هست؟

در جواب گفتم: منزل حاج سید جواد مجتهدی.

با خرسندی فراوان آدرس منزل را گرفتم و با عجله خود را به آن مجلس ندبه رساندم که آن مجلس را پر فیض و نورانی و پر معنویت یافتم و بهره‌هایی معنوی بسیاری نیز بردم، و از آن تاریخ هرگاه به مشهد مقدس مشرف می شدم، سعی می نمودم که حتماً صبح جمعه خود را به مجلس دعای ندبه در منزل حاج سید مجتهدی برسانم.

مرحوم حاج سید جواد مجتهدی یکی از عاشقان دلسوخته از درد و هجران حضرت بقیة الله علیه السلام ایام شهادت ائمه علیهم السلام و یا سرور آن بزرگواران در منزل خود مجالسی برپا می کرد و عاشقان ولایت و امامت در منزلش حضور بهم رساندند و خدایتعالی توفیق درک آن مجلس را نیز به این حقیر عطا فرموده بود. کرازانقل می شد که بعضی در آن منزل خدمت امام زمان علیه السلام مشرف شده‌اند.

مکاشفه

یکی از علماء اهل معنا که راضی نیست نامشان ذکر شود این مکاشفه را نقل نمودند:

صبح روز جمعه‌ای داشتم دعای ندبه را تنها در اطاقی با توجه می‌خواندم و با خدای خود راز نیاز می‌کردم، وجود خدایتعالی را با تمام اعماق وجودم حس می‌کردم و با او از طریق دعای ندبه صحبت می‌کردم تا اینکه جملات دعای ندبه به اینجا رسید.

این الحسن و این الحسین، این ابناء الحسین، صالح بعد صالح...

که سیری برایم پیش آمد (مسائل روحی خیلی مهم و روشن هستند اگر در وادی معنویت و روحانیت قدم بردارید خوب آن را متوجه می‌شوید) همینطور که این جملات را می‌خواندم به دنبال امام زمان می‌گشتم، دیدم رفته‌ام در حرم حضرت امام رضا علیه السلام و دنبال آن حضرت می‌گردم (چون این

دعا را در مشهد مقدس می خواندم).

همینطور که دعا را می خواندم دیدم رفته ام کربلا می گفتم کجائید یا صاحب الزمان همینطور که کلمات را می خواندم سیر هم می کردم تا اینکه رفتم نجف، کربلا، کاظمین، سامرا، سرداب مقدس، جمکران، مسجد سهله، حرم پیامبر، بقیع، هیچ کجا حضرت را پیدا نکردم همینطور که اشک می ریختم و گریه می کردم و سیر می کردم تا اینکه رسیدم به این جملات:

این ابن النبی المصطفی و بن علی المرتضی و بن فاطمة الزهرا...

در این اثناء رفتم مسجد الحرام دیدم حضرت بقیة الله علیه السلام پشت به من دستهای مبارک را بر در خانه خدا گذاشته اند و مشغول دعا و مناجات و انس با پروردگارند.

عرض کردم: بابی انت و امی و نفسی... عبای مبارکشان را گرفتم و تکان می دادم و عرض می کردم آقا جان مُردم در فراق شما از بس که دنبال شما گشتم یابن السادات المقربین یابن... ولی حضرتش مشغول دعا و مناجات بودند و من دائماً با جملات دعای ندبه صدایشان می زدم و می گفتم جانم بقربانت ای فرزند پیامبر ای فرزند امیر المؤمنین ای فرزند فاطمة زهرا علیها السلام که یک دفعه رویشان را برگرداندند و فرمودند: چه می گوئی؟! چه می خواهی!؟

گفتم: عزیز علی ان ارالخلق و لاتری... بر من مشکل است که مردم را ببینم ولی شما را نبینم و عرض کردم یک ملاقاتی به من بدهید هل الیک یابن احمد سبیل فتلقى... متی ترانا و نراک... از ناحیه مقدسش وعده هائی داده شد، و سپس بر جملات آخر دعا که خواندم امین می گفتند. تا اینکه دعا به پایان رسید و ناگهان متوجه شدم من در اطاقم تنها هستم.

قسمت اول

از تفسیر و شرح دعای عظیم الشان
نذبه

قسمت اول

از تفسیر و شرح دعای عظیم الشان ندبه

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين - الذي لا اله الا هو

«سپاس خدایی که پروردگار جهانیان است - خداوندی که هیچ معبود بحقی

جز او نیست»

الله - نام ذات مقدس خدایتعالی است که تمامی صفات جلال و جمال و کمال را در بردارد و ذات اقدسش را از جمیع نواقص مبرا می سازد لذا در تعریف آن گویند: مستجمع جمیع صفات کمال و جلال است.

رب - به معنای صاحب و مالک است مالکی که به تمامی امور بندگانش رسیدگی می کند و او را می پروراند.

العالمين - لفظ جمع از «عالم» است که شامل عالمهای متعدد می شود.

۲۸..... تفسیر و شرح دعای ندبه

دعای ندبه با کلمه «حمد» شروع می‌شود که عبارت است از ستودن و تمجید کردن از کسی که قصد تعظیم و تکریم او را داشته باشیم و «حمداللهی» وظیفه هر انسان موحد می‌باشد. به عبارت دیگر هر انسانی که خدایتعالی را شناخت و دانست تمام رشحات فیض مادی و معنوی از آن او است دائماً در حال حمد منعم مهربان خویش به زبان و قلب و جوارح بر می‌آید. شکر و ثنایا به زبان می‌باشد که آن را ثنا گویند و یا به قلب که اعتقاد به صفات نیک منعم می‌باشد و یا به جوارح که تحمل اطاعت و فرمانبرداری از نعمت دهنده خود می‌باشد. لذا یکی از بهترین نشانه‌های مؤمن «حامد» بودن اوست به این معنا که انسانی که دائماً خدای را حمد می‌کند یک موحد کامل است.

الف و لام در کلمه «الحمد» برای افاده استغراق و شمول جنس است یعنی حقیقت و اصل حمد و تمام افراد حمد از آن خداوند است و پر واضح است که هر چه انسان عظمت خدایتعالی را درک کند بیشتر در مقام حمد و ستایش پروردگار خویش بر می‌آید تا جایی که حقیقت و اصل حمد را از آن خداوند خویش و منحصر به او می‌داند بعد از کلمه حمد اسم «الله» که محمود مطلق است و لفظ جلاله نیز نامیده می‌شود، آورده شده، این اسم مبارک تنها اسمی است که جمیع صفات کمال الهی را در بر دارد لذا اسماء دیگر الهی صفت برای او هستند ولی خود برای دیگر اسماء صفت واقع نمی‌شود.

«عالمین» جمع عالم است که بعضی گفته‌اند شامل عالم دنیا و عالم آخرت

می شود. و بعضی گفته اند عالمین یعنی تمام عوالم وجود چه عالم قبل از دنیا (مثل عالم ارواح و عالم ذر) و عالم دنیای خاکی و عالم آخرت یا اینکه گفته شده است که عالمین شامل عالم بشر و جن و ملک می شود.

و بعضی دیگر گفته اند «عالمین» شامل عالم صاحبان عقل و غیر صاحبان عقل مثل عالم حیوانات و نباتات و جمادات می گردد.

خلاصه کلام اینکه حمد از آن خداوندی است که تمام عوالم وجود را رزق داده و پرورش می دهد، می باشد. لذا در ابتداء نماز یا هر دعایی حمد خدایتعالی ذکر شده است.

چنانکه از باب نمونه در دعای افتتاح که از حضرت بقیة الله علیه السلام نقل شده می فرمایند:

اللهم انی افتتح الثناء بحمدک

یعنی خدایا! سر آغاز ثناء تو را بحمد و سپاس تو آغاز می کنم.

و قرآن نیز این درس را به بشر داده و در آیات متعددی حمد الهی را فرموده:

مثل سوره حمد: الحمد لله رب العالمین

و در سوره جاثیه می فرماید: وقل الحمد لله رب السموات والارض رب العالمین

و در سوره سبأ می فرماید: الحمد لله الذی له مافی السموات ومافی الارض وله الحمد.

در بعضی از نسخه های دعای ندبه «الحمد لله الذی لاله الا هو» نیز آمده که

پس از حمد اشاره به توحید نموده و چون توحید و خداپرستی یک امر فطری

است و کار انبیاء هم بر فطرت استوار بوده اینجا نیز این تذکر را داده و پس از

۳۰..... تفسیر و شرح دعای ندبه

ستایش و حمد توحید را آورده است چون اصولاً هر کجا از دعاها و زیارات که توحید ذکر می‌شود برای این است که انسان در عرصه زندگی خویش تنها خداوند واحد را بندگی کند و بداند بغیر او خدایی وجود ندارد و بغیر او به کسی یا چیزی دلنبندد و فریب نخورد و بداند مؤثر واقعی در وجود ذات اقدس احدیت است لذا در این جا نیز دعای ندبه می‌فرماید: حمد از آن خدائی است که «لا اله الا هو» یعنی هیچ خدا و معبودی نیست مگر او.

و صَلَّى اللهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ نَبِيهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ تَسْلِيمًا

«درود و رحمت خداوند بر آقای ما محمد نبی حق و خاندان پاک و مطهرش»
در این قسمت از دعای ندبه، نیز بر طبق دستوراتی که از ائمه عليهم السلام اطهار وارد شده عمل شده است و آن این است که هر گاه دعا کننده خواست دعا کند، اول باید حمد خدایتعالی را بجای آورد و سپس بر پیامبر اکرم و خاندان پاکش درود و صلوات بفرستد چنانکه در روایات زیادی این امر آمده است و ما در اینجا به جهت اختصار یک روایت نقل می‌کنیم حضرت امام جعفر صادق عليه السلام می‌فرمایند:

من كانت له الى الله عزوجل حاجة فليبدأ بالصلاة على محمد واله، ثم يسأل حاجته
ثم يختم بالصلاة على محمد وال محمد، فان الله اكرم من ان يقبل الطرفين ويدع الوسط
اذ كانت الصلاة على محمد وال محمد لا تحجب عنه^(۱)

قسمت اول ۳۱

«هر کس به خداوند متعال حاجتی داشته باشد، یا بخواهد دعا کند، باید اول بر پیامبر و آل او صلوات فرستد و بعد از آن دعا کرده و طلب حاجت نماید، و دیگر بار ختم کند به صلوات بر محمد و آل او، بدرستی که خدایتعالی کریمتر است از آنکه قبول کند هر دو طرف را و واگذارد میان آن را!»

و سلموا تسليماً - بعد از طلب درود و صلوات بر آن حضرت و فرزندانش، سلام را اهدا می کند به این معنا که در پیشگاه مقدس پیامبر و فرزندانش تسلیم و منقاد و مطیع محض است

چنانکه در سوره احزاب می فرماید:

ان الله و ملائکته يصلون علی النبی یا ایها الذین امنوا صلوا علیه و سلموا تسليماً^(۱)

یعنی: تحقیقاً خدا و فرشتگانش بر پیامبر خدا صلوات و رحمت می فرستند، ای کسانی که ایمان آورده اید، شما هم بر او صلوات بفرستید، و آنطور که شایسته است سلامش دهید و تسلیم شوید

ابوالمعزی از ابی الحسن علیه السلام روایت کرده و می گوید از آن حضرت سؤال

کردیم: ما معنی صلوات الله و صلواة الملائکة و صلواة المؤمن؟

در جواب فرمود: صلوات خدا رحمت است و صلوات فرشتگان تزکیه و

تنزیه پیامبر است و صلوات مؤمنین طلب رحمت و دعا است^(۲)

مطلب پر اهمیتی که در اینجا باید به آن تذکر دهیم این است که پیامبر اکرم

صلوات الله علیه و آله فرمود: لاتصلوا علیّ صلاة الا بتر

۳۲..... تفسیر و شرح دعای ندبه

یعنی صلوات مقطوع بر من نفرستید هر گاه بر من صلوات می فرستید
فرزندان مرا هم ضمیمه کنید و بگوئید: اللهم صل علی محمد و آل محمد

اللهم لك الحمد علی ماجری به قضائك فی اولیائك

«بار الها حمد و سپاس از برای توست بر آنچه از حکم و قضا درباره اولیائت
جاری نمودی»

اللهم - این کلمه در اصل «یاالله» بوده که یاء نداء حذف گردیده و به جای آن
میم مشدد به آخر آن اضافه شده است.

قضائک - قضاء حکم و فرمان الهی است که بر تقدیرات وارد می شود.

اولیائک - اولیاء جمع «ولی» به معنای متولی امور، سرپرست و اداره کننده
می باشد:

در این عبارت کلمه «لک» بر «الحمد» مقدم داشته شده که از آن انحصار
حمد به خدایتعالی فهمیده می شود چون «لک» که خبر است بر مبتدا «الحمد»
مقدم شده که افاده حصر می کند به این معنا که حقیقت حمد فقط برای
خدایتعالی است.

به موجب آیات و اخبار وارده خدایتعالی بر هر موجودی قضا و قدر دارد به
این معنا که عروض بلایا و یا عطایا و نعمتها همگی ارتباط با قضا و قدر الهی
دارد به عبارت واضحتر خدایتعالی خوبیها و سعادتها را برای بشر مقدر کرده و
بر حسب رفتار و کردار بشر قضاء می آید در این فقره از دعای ندبه اشاره به

سرنوشت جاری در انبیاء و اوصیاء دارد که به قضا الهی صورت گرفته تا آنها با برنامه هائی که از جانب حق تعیین شده بیایند و بشر را به سوی کمال و حقیقت دعوت و ارشاد کنند.

لذا تمام تحولات و جریانات برنامه‌های الهی تا حتی ابتلائات آنها برای ارشاد و هدایت بشر بوده که قضاء الهی به آن تعلق گرفته به عبارت دیگر خدایتعالی انبیاء و اولیاء را براین امر منصوب کرد و یک سری تکالیف که مخصوص آنهاست بر آنها قضا و مقرر نمود تا حقانیت ایشان بر عالمیان ظاهر گردد. چنانکه آن بزرگواران به این دنیا آمدند و با مشکلات گریبانگیر شده و با آن همه ستیزها و جنگ و جدالها روبرو شدند تا افرادی که لائق هستند هدایت شوند و راه سعادت را بیابند و در این مأموریت از هیچ فداکاری دریغ نکردند تا اینکه به مرز شهادت و رحلت رسیدند و آنان نیز به جهت علم و کمالاتی که داشتند با آغوش باز این مأموریت را پذیرفتند و تمام آن ابتلائات را با صبر و استقامت تحمل کردند.

پس ارسال آن بزرگواران در حقیقت لطف بوده در حق بشر که قضا و قدر پروردگار به آن تعلق گرفت و جای دارد براین نعمت و لطف خداوند متعال حمد و سپاس گفت. لذا در این فقره در مقابل آن قضاء الهی حمد و شکر خدایتعالی را بجای آورده است.

الذین استخلصتہم لنفسک و دینک

«آن اولیائی که وجودشان را برای خود و دین خود خالص گردانیدی»
 استخلصتہم - از ماده «خلص» به چیزی گویند که به چیز دیگری مخلوط
 نباشد.

این جمله صفت اولیاء را بیان می‌کند. اولیاء خدا به دلالت آیات و اخبار
 عدیده دارای مراتب عالیہ و مقام شامخی هستند چون خداوند متعال آنها را
 برای ارشاد بشر ارسال داشت لذا از امتیاز خاصی برخوردار گردیدند و آن
 خلوص و پاکیشان بوده از هر نقص و عیبی تا مردم را بدون هیچ خطری به سر
 منزل سعادت برسانند البتہ خدایتعالی در علمش گذشته بود که آنها در مقابل
 عظمتش خاضع و خاشع و منقاد هستند لذا آنها را کمک نمود تا خود را خالص
 گردانند چنانکه در سورہ زمر می‌فرماید: قل انی امرت ان اعبدا لله مخلصا له الدین^(۱)
 «بگو من مأمور شدم که خدا را بپرستم در حالی که دین را برای او خالص می‌دارم».
 و از خصائصی اولیاء خدا این است که راضی به قضای الهی هستند و به دنیا
 و زخارف آن دل نیستند و از فقدان آن محزون نمی‌گردند و از مصیبت‌هایی که به
 آنها می‌رسد دلگیر نمی‌شوند و حزنی به خود راه نمی‌دهند چنانکه قرآن در
 تعریف آنان می‌فرماید:

الا ان اولیاء الله لا خوف علیہم و لا هم یحزنون

«بدرستی که اولیاء خدا، نه ترسی دارند و نه غمگین می‌شوند»

بدین جهت انبیاء و اولیاء خود را در برابر خدایتعالی خالص و پاک کرده بودند و همچنین در مقابل تبلیغ دین و آئینی که به آنها مأموریت داده می شد خود را پاک و خالص کرده بودند که این امر به کمک خدایتعالی صورت گرفت و این فقره از دعا به آن اشاره دارد که می فرماید: تو اولیاء را خالص نمودی و برگزیدی برای خود و دین خود.

اذا اخترت لهم جزیل ما عندک من النعمیم المقیم الذی لازوال له ولا اضمحلال

«هنگامی که اختیار نمودی و برگزیدی برای ایشان نعمتهای بزرگ خود را که پایدار بوده و هیچ زوال و فنائی در آن نیست»

جزیل - از ماده «جزل» بر وزن فعیل، صفت مشبه به معنای زیاد و قوی و در اینجا به معنای عطا و بخشش است.

المقیم - صفت از ماده «قوم» به معنای پایدار و دوام می باشد.

لازوال - از ماده «زول» به معنای فناء و از بین رفتن است.

لا اضمحلال - از ماده «اضمحل» یعنی تغییر یافتن و نیست شدن.

خدایتعالی برای اولیائش عطای بزرگ خود را از نعمت پایداری که هیچ زوال و فنائی در آن راه ندارد مرحمت فرمود و این عطا و بخشش مطابق لیاقت و ظرف آنهاست. چون ایشان به جهت قابلیت و استعداد لازم که دارند هیچگاه قابلیت نعمت خداوند را از دست نمی دهند و هیچگاه برای آنها زوال و اضمحلال نعمت وجود ندارد.

۳۶..... تفسیر و شرح دعای ندبه

زوال نعمت برگشت به عدم ظرفیت و عدم پذیرش دارد به این معنا که وقتی ظرف وجود قابلیت نداشته باشد، نعمت از او به زوال می‌انجامد ولی اگر خود را پاک کرده و ایمان کامل را بدست آورده باشد این زوال برای آنها نیست و اولیاء خدا چون ظرف وجودشان پاک و طاهر است و در عالم ارواح و عالم ذر بوسیله امتحانات و آزمایشهایی که شدند این قابلیت را از خود نشان دادند، قابلیت درک نعمت و رحمت را دارند و برای آنها زوال و اضمحلالی وجود ندارد.

اولیاء خدا در عالم ارواح و عالم ذر این شرط الهی را پذیرفتند که هیچگاه فریب دنیا و زیباییهای زودگذر آن رانخورند و آنها نیز این تعهد و شرط را پذیرفتند و خدایتعالی نیز وفا و ثابت قدم بودن بر این شرط را در آنها دانست لذا نعمت بی پایان و زوال ناپذیر خود را بر آنها ارزانی داشت.

و در بعضی از آیات قرآن به این نعمتهای پایدار (نعیم مقیم) اشاره شده و می‌فرماید:

يَبْشُرْهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَرِضْوَانٍ وَجَنَّاتٍ لَّهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُّقِيمٌ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ (۱)

«پروردگارشان آنها را به رحمتی از ناحیه خود و رضایت (خویش)، و باغهایی از بهشت بشارت می‌دهد که در آن نعمتهای جاودانه دارند و تا ابد در این باغها خواهند بود، زیرا پاداش عظیم نزد خداوند است»

بعد ان شرطت عليهم الزهد في درجات هذه الدنيا الدنية وزخرفها وزبرجها

«بعد از اینکه بر آنان شرط کردی که از زینت و آرایشهای این دنیای پست
کناره جویند و زهد و ورزند»

الزهد-بی رغبتی و عدم وابستگی را «زهد» گویند.

الدنية-خار، پست و بی ارزش.

زخرفها- «زخرف» یعنی زینت و آراستن و به انواع وسائل تجملی در دنیا
«زخرف» گفته می شود.

زبرجها- «زبرج» یعنی آرایش به جواهرات و غیره.

این نعمتهائی که خداوند متعال برای انبیاء و اولیائش مقرر فرموده به دنبال
شرط و عهدی است که با آنها بسته است چنانکه در سوره احزاب اشاره به
همین عهد و میثاق می کند و می فرماید:

و اذا اخذنا من البنين میثاقهم و منک و من نوح و ابراهیم و موسی و عیسی بن مریم...

«این همان عهد و میثاقی است که خداوند در روز «الست» از پیامبران گرفته

و از تو و از نوح و ابراهیم و موسی و عیسی بن مریم...»

و در حقیقت این فقره از دعای ندبه اشاره به عهد و میثاق «عالم ذر» دارد که
خداوند در ابتداء خلقت این عهد و پیمان را با ارواح مقدس انبیاء و اولیاء بسته
است که دل به دنیا و زینتهای آن نبندند و فریب دنیا و زخارف آن را نخورند.
چون دلبستن و وابسته بودن به دنیا و زینتهای آن خلاف زهد می باشد.

در این قسمت برای روشن شدن معنای «زهد» کلام را بسط می دهیم و به

۳۸..... تفسیر و شرح دعای ندبه

خوانندگان عزیز یادآور می‌شویم که زهد معنایش این نیست که از دنیا و نعمتهای آن کناره‌گیری شود و از آنها استفاده نکند چنانکه در قرآن آمده است:

قل من حرم زینة الله التي اخرج لعباده

بلکه معنای «زهد» این است که به دنیا وابسته نباشید و دل به آن نبندید، چون اگر روح و دل انسان وابسته به دنیا و زخارف آن شد دیگر هرگز نمی‌تواند از آن بگذرد و تمام فعالیت و تلاش انسان فقط برای رسیدن به دنیا می‌شود و هرگز نمی‌تواند خود را به حقیقت برساند و خود را برای پروردگار خویش خالص گرداند. چنانکه از امام زین العابدین علیه السلام از حقیقت زهد سؤال شد، آن حضرت در جواب فرمودند حقیقت زهد در یک آیه قرآن است و آن این است که خدایتعالی می‌فرماید:

لكيلا تأسوا على ما فاتكم و لا تفرحوا بما آتاكم

«برآنچه از دست داده‌اید تأسف نخورید، و به آنچه به شما داده شده است

دل بسته و شادمان نشوید».

انسانی که دل به دنیا و زخارف آن نبسته است هنگامی که چیزی از دنیا و زخارف آن فوت شود ناراحت نمی‌شود و هر گاه به دنیا و زخارف آن دست یابد بیش از حد خرسند نمی‌شود.

فشرطوا لک ذلک و علمت منهم الوفاء به

«سپس آنان نیز این شرط را پذیرفتند و تو هم می‌دانستی آنان به عهد خود وفا می‌کنند»

انبیاء و اولیاء بر آن عهد و میثاقی که از آنها گرفته شد ثابت قدم ماندند و هرگز عهد و پیمانشان را نشکستند و نسبت به زخارف و زینت‌های دنیا زهد پیشه کردند و نقض عهد نمودند چنانکه در سوره رعد می‌فرماید:

الذین یوفون بعهد الله و لا ینقضون الميثاق (۱)

«آنان به عهد خدا وفا کنند و پیمان را نشکنند»

و در سوره احزاب نیز در مدح کسانی که از پیامبر ﷺ پیروی نمودند عهد و پیمان خود را نقض نمودند می‌فرماید:

من المؤمنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه فمنهم من قضی نحبه و منهم من ینتظر و ما بدّلوا تبدیلاً (۲)

یعنی: در میان مؤمنان مردانی هستند که بر سر عهدی که با خدا بستند صادقانه ایستاده‌اند و بعضی پیمان خود را به آخر بردند و بعضی دیگر در انتظارند و هرگز تغییر و تبدیلی در پیمان خود نداده‌اند.

این عبارت از دعای ندبه اشاره به همین مطلب یعنی تعهد و پیمان انبیاء دارد که این شرط را با خدایتعالی کردند و ثابت قدم ماندند.

علمت منهم - البته خداوند متعال قبل از خلق و ایجاد موجودات، مقدرات

۴. تفسیر و شرح دعای ندبه

همه چیز و همه کسی را می دانست و در لوح محفوظ ثبت کرده بود و همچنین در علم خدایتعالی بود که چه اتفاقات و جریاناتی می افتد لذا از ثبات و ایستادگی انبیاء و معصومین بر عهد و پیمان خویش خبر داشت و آن را می دانست و در این فقره از دعا به این احاطه علمی پروردگار اشاره دارد که می فرماید «علمت منهم الوفاء به» یعنی «می دانستی که آنها بر شرطی که کرده ای وفا خواهند کرد» لذا آن ها را رهبر و امام و مقتدای خلق قرار دادی تا به آنها اقتدا کنند و صراط مستقیم را دریابند و به سعادت دارین برسند.

امام صادق علیه السلام در ارتباط با علم پروردگار نسبت به انبیاء می فرماید:

خداوند از میان بندگان خود پیامبرانی را برگزید، از این جهت که آنان استحقاق آن را داشتند یعنی هنگامی که خداوند آنها را می آفرید می دانست که آنها فرمان از او می برند و بندگی او می کنند و به او شرک نمی ورزند. پس اینان به واسطه فرمانبرداریشان بوده که به جایگاه بلند مرتبه در نزد او رسیدند. (۱)

فقبلتهم و قربتهم و قدمت لهم الذکر العلی و الثناء الجلی

«سپس از آنان پذیرفتی و مقربین بارگاه خود ساختی و بر آنان مقدم داشتی

نام نیک و بلند و ثناء آشکار را».

همانطوریکه قبلاً عرض کردیم خدایتعالی می دانست که انبیاء و ائمه علیهم السلام

بر عهد و میثاق خود وفا خواهند کرد و بر دیگران سبقت خواهند گرفت و

هرگز از آن پیمان و عهد اعراض نخواهند کرد لذا خدایتعالی آنها را پذیرفت و مقام قرب به ذات اقدسش را به آنها کرامت فرمود و آنها را از مقربین درگاهش قرار داد چنانکه در سوره واقعه می فرماید:

وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ

در تفسیر این آیه شریفه آمده است که مقربان درگاه الهی که سبقت گرفتند در اطاعت و ایمان بخدایتعالی، انبیاء و اوصیاء می باشند.

اولیاء پس از شرطی که پذیرفتند و بر آن وفا نمودند مورد پذیرش خدایتعالی قرار گرفتند و از مقربین بارگاه الهی گردیدند و به کرامت «ذکر علی و ثناء جلی» نائل شدند

ذکر علی و ثناء جلی همان است که خدایتعالی اولیاء خود را به مخلوقاتش معرفی نمود و از آنها تمجید کرد چنانکه در کتب آسمانی نام اولیاء و انبیاء بنیکی برده شده و از آنها تمجید گردیده شده و بر دیگران فضیلت داده شدند. مثلاً در آیات متعدد از قرآن انبیاء علیهم السلام و اوصیاء علیهم السلام را به نیکی یاد می کند و آنها را بر دیگران فضیلت می دهد مانند سوره انعام که برخی از انبیاء را نام می برد و به فضیلت هایی اشاره می فرماید:

و اسماعیل و الیسع و یونس و لوطاً و کلاً فضلنا علی العالمین (۱)

و در سوره انشراح در مورد «ذکر علی» راجع به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

ورفعنا لک ذکری (۲)

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام می فرمایند:

۴۲..... تفسیر و شرح دعای ندبه

ما نخستین خاندانی هستیم که خداوند نام ما را بلند کرده است آن هنگام که خداوند آسمانها و زمین را آفرید دستور داد تا منادی فریاد زند.

سه مرتبه اشهد ان لا اله الا الله

سه مرتبه اشهد ان محمداً رسول الله

سه مرتبه اشهد ان علیاً امیر المؤمنین (۱)

و اهبطت علیهم ملائکتک و کرمتهم بوحیک و رفدتهم بعلمک

«و فرشتگان خود را بر آنان نازل فرمودی و بوسیله وحی خود آنان را گرامی داشتی و به علم خود آنان را حمایت نمودی».

اهبطت - «هبط» فرود آمدن و پائین آمده است.

رفدتهم - از ماده «رقد» به معنای عطا کردن، دادن و یاری نمودن است.

این جمله از دعا عطف به ماقبل است که چون از انبیاء و اوصیاء وفای به عهد و میثاق را دیدی ملائکه را بر آنها نازل فرمودی.

هبوط و نزول ملائکه بر انبیاء و اوصیاء یا برای آوردن علم و حکمت و شریعت بوده چنانکه جبرئیل علیه السلام بر انبیاء نازل می شد و آنها را به علم و شریعتشان آگاه می ساخته و آنها نیز مردم را به آن دعوت می کردند و حقائق را آنچنان که از خدایتعالی بوسیله ملائکه گرفته بودند برای مردم بیان می کردند. / و یا اینکه هبوط و نزول ملائکه برای یاری و کمک به انبیاء و اوصیاء بوده

چنانکه قرآن می فرماید:

الن یکفیکم ان یمدکم ربکم بثلاثة الاف من الملائكة منزلین (۱)

یعنی: آیا کافی نیست که پروردگارتان شما را به سه هزار نفر از فرشتگان که از آسمان فرود می آیند یاری کند؟!

و در جای دیگر که ملائکه برای یاری رساندن نازل شدند می فرماید:

هذا یمدکم ربکم بخمسة الاف من الملائكة مسؤمین (۲)

«خداوند شما را به پنج هزار نفر از فرشتگان که نشانه هائی با خود دارند یاری خواهد نمود».

و یا نزول و هبوط ملائکه بر انبیاء به جهت نزول رحمت و نعمتهای الهی بوده چنانکه در اخبار آمده است ملائکه بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل می شدند و سلام رحمت خداوند را بر حضرتش عرضه می داشتند.

در زمان ما هبوط و نزول ملائکه بر هر سه معنا بر امام زمان علیه السلام صورت می گیرد چنانکه وارد شده است که ملائکه و روح در شب قدر بر امام زمان علیه السلام نازل می شوند لذا در زیاراتشان می خوانیم:

و مختلف الملائكة

«و نزد (امام) ملائکه آمد و شد دارند».

و در جای دیگر از زیارات آمده است:

السلام علیک و علی الملائكة الحافین بک

۴۴..... تفسیر و شرح دعای ندبه

«سلام بر شما و بر ملائکه‌ای که گرداگرد شما هستند».

و در دعای افتتاح می‌فرماید:

و حفه بملائکتک المقربین.

«و یاری نما او را با ملائکه مقرب درگاهت»

کرمتمهم بوحیک - پس از نزول و هبوط ملائکه بر انبیاء می‌فرماید از جمله لطف و مرحمت الهی بر انبیاء این است که آنها را به وحی گرامی داشت. وحی که به انبیاء می‌شود با وحی که به سایرین از مخلوقات می‌شود فرق دارد. و فرق آن این است که چون آنها حامل پیام و شریعت الهی هستند علم و حکمت بوسیله ملائکه بر انبیاء افاضه می‌شود که شیطان در آن هیچ دخل و تصرفی ندارد و با وسوسه شیاطین مشتبه نمی‌شود بر خلاف سایرین که هرچه از جهت روحی آلوده به ردائل باشند، درک الهامات رحمانی برای آنان سختتر است و با وسوسه شیاطین اشتباه می‌گیرند.

و رفتهم بعلمک - یکی دیگر از صفات کمالیه انبیاء که از جانب حق تعالی صورت گرفته این است که آنها را به علم و حکمت خود حمایت نموده به این معنا که آن ذوات مقدسه به علم پروردگار مجهز شده و حقایق اشیاء را آنطور که خدایتعالی قرار داده می‌شناسند و آگاهند لذا از اشتباه و لغزشها مبری هستند. و در فقرات دیگر دعای ندبه اشاره به همین علم دارد که می‌فرماید:

«و اودعته علم ما کان و ما یكون الی انقضاء خلقک».

و قرآن راجع اعطاء علم به حضرت آدم می‌فرماید:

و علم ادم الاسماء كلها^(۱)

و در سوره نمل راجع به داوود و سلیمان می فرماید:

و لقد اتینا داود و سلیمان علماً

خلاصه اینکه خدایتعالی علم مخصوص خودش را از شریعت و غیر شریعت به انبیاء عطا فرموده لذا در مورد پیامبراسلام و ائمه معصومین گفته می شود که تمامی حرکات و سکنات و کلماتشان حجت است و باید به آنها اقتدا نمود چون کردار و گفتارشان مطابق با علم و دستور پروردگارشان می باشد.

و جعلتهم الذریعة - الذرائع - الیک و الوسیلة الی رضوانک

«آنان را واسطه درگاهت و وسیله رسیدن به بهشت رضوانت قراردادی»

ذریعة - وسیله، واسطه و آنچه که به آن بدیگری پیوندند.

بطور کلی می توان گفت «ذریعة» و «وسیلة» دو کلمه مترادف هستند که به یک معنا می باشند جمیع انبیاء و اوصیاء که تعداد آنها طبق روایاتی یکصد و بیست و چهار هزار پیغمبر و یکصد و بیست و چهار هزار وصی بوده اند به جهت آن مقام و منزلتی که در فقرات قبل ذکر شد، واسطه و وسیله میان بندگان و خدایتعالی قرار گرفتند و پر واضح است آنانی که می خواهند واسطه و شفیع برای بندگان خدا قرار گیرند خود باید به مقام قرب و منزلت خاصی رسیده

۴۶..... تفسیر و شرح دعای ندبه

باشند و آنها جز انبیاء و اوصیاء کسی دیگری نمی باشد. و رسیدن به رضوان الهی فقط از این طریق میسر می باشد لا غیر، به عبارت دیگر اگر غیر از طریقی که خدایتعالی معین فرموده به سوی خدا رفت، پذیرفته نمی شود چنانکه در روایات آمده است که:

در بنی اسرائیل خانواده ای بوده اند که هر کدام از آنها اگر چهل شب به درگاه خدا دعا می کرد و حاجتی را طلب می نمود، هرگز دست خالی بر نمی گشت تا آنکه یکی از ایشان برای خواسته خود چهل شب تهجد کرد و آنگاه دعا نمود ولی حاجتش روا نشد. خدمت حضرت عیسی علیه السلام رسید و از حال خود نزد ایشان گلایه کرد و از او درخواست دعا نمود.

حضرت عیسی هم کسب طهارت کرد و به نماز ایستاد، آنگاه به درگاه خداوند دعا کرد خدا در پاسخ پیامبرش چنین فرمود:

یا عیسی، انّ عبدی اتانی من غیر الباب الذی اوتی منه، انه دعانی وفی قلبه شک منک، فلو دعانی حتی ینقطع عنقه و تنتشر انامله، ما استجبت له

ای عیسی! بنده من از غیر آن دری که می توان نزد من آمد، آمده است او در حالی مرا خوانده است که در قلبش نسبت به تو شک دارد بنابراین اگر آنقدر مرا بخواند تا اینکه گردنش قطع شود و انگشتانش بیفتد، من جواب او را نخواهم داد.

عیسی علیه السلام رو به آن شخص کرد و فرمود پروردگارت را می خوانی در حالی که درباره پیامبرش شک داری؟

گفت: ای روح خدا و ای کلمه خدا، قسم به خدا همانطور بود که گفתי. خدا را بخوان تا شک مرا از بین ببرد.

حضرت عیسی علیه السلام برایش دعا کرد و خدا او را بخشید و از او پذیرفت و (او هم) در رتبه (سایر افراد) خانواده اش قرار گرفت.

ملاحظه می شود که از غیر طریق انبیاء نمی توان به درگاه خداوند رفت بلکه باعث رانده شدن از درگاه الهی می گردد. البته از این بیان باید چنین تصور کرد که خلفا و رسولان الهی فقط جنبه طریقت برای کشف احکام خدا دارند که در نهایت از این طریق به رضای الهی می رسیم چنانکه دعای ندبه به این حصر طریقت اشاره می کند و می فرماید آنها را «ذریعة» و «وسیله» برای رضوان خود قرار دادی.

فبعض اسکنته جنتک الی ان اخرجته منها

«پس بعضی از آنان را در بهشت خود سکونت دادی تا اینکه او را (به جهتی) از آن بهشت بیرون کردی»

در اینجا بعد از بیان مسائل کلی درباره نعمت رسالت و نقش انبیاء در رسانیدن بشر به کمال و سعادت، اشاره به ذکر سیر علمی و عملی بعضی از انبیاء می کند که اولین آنها حضرت آدم ابوالبشر علیه السلام است و با ذکر بعضی از خصوصیات و وقایع انبیاء که چگونه در این دنیا بودند و چه بر آنها گذشت تا اینکه سلسله انبیاء را به آخرین حجت خدا می رساند

۴۸..... تفسیر و شرح دعای ندبه

لذامی فرماید «بعض اسکنته جنتک» که منظور از «بعض» حضرت آدم است چنانکه قرآن به آن اشاره می‌کند و می‌فرماید:
وقلنا یا ادم اسکن انت و زوجک الجنة... (۱)

یعنی: گفتم: ای آدم! با همسرت در بهشت سکونت کن و از نعمتهای آن از هر جا می‌خواهید بخورید اما نزدیک این درخت نشوید که از ستمگران خواهید شد، سپس شیطان موجب لغزش آنها از بهشت شد و آنان را از آنچه در آن بودند بیرون کرد.

از این آیات به خوبی روشن می‌شود که این بهشت، جنت موعود نبوده بلکه بهشت زمینی بوده چون از جنت موعود هرگز اخراجی در کار نمی‌باشد و دیگر اینکه شیطان در آن راه ندارد لذا خدایتعالی پس از اینکه حضرت آدم و حوا را در بهشت زمینی قرار داد با یک ارزیابی و آزمایش آنها را از بهشت زمینی خارج نمود.

و بعض حملته فی فلکک و نجیته و من آمن معه من الهلکة برحمتک

«و بعضی را هم در کشتی خود حمل نمودی و سپس او را و کسانی که با او ایمان آورده بودند بوسیله رحمتت نجات دادی»

بعد از بیان مختصری از احوالات حضرت آدم ابوالبشر، در لفافه و سر بسته با کلمه «بعض» از اولین پیامبر اولوالعزم سخن می‌راند و می‌فرماید و «بعض

حمله فی فلکک» که منظور از این «بعض» حضرت نوح علی نبینا و اله و علیه السلام است.

مردم زمان نوح به جهت تکبر و خودخواهی از توحید سرپیچی کرده و روی به شرک و نفاق آورده و غیر خدای یکتا را می پرستیدند. خداوند حضرت نوح را که اولین از انبیاء اولوالعزم است با کتاب و شریعت به سوی آنها فرستاد تا آنها را از مرداب خرافات و شرک نجات دهد و به افق بلند سعادت و توحید برساند. ولی آنها به آزار و اذیت نوح پرداختند ولی نوح دست بردار نبود و به وظیفه الهی خود عمل می نمود و با صدای بلند آنها را دعوت می کرد عده ای برای اینکه صدای مبارک نوح را نشنوند گوشهای خود را می گرفتند و صورتهایشان را با لباس خود می پوشاندند تا چشمانشان به نوح نیفتد و تا حتی بعضی از مردم در مقام مسخره و ایداء بر آمده و به آن حضرت سنگ پرتاب می کردند تا اینکه نزدیک ده قرن گذشت و نوح دست از دعوت به سوی توحید بر نداشت «فکذبوا عبدنا و قالوا مجنون و اذجر»

تا اینکه امر شد به حضرت نوح کشتی بسازد که وقت آمدن عذاب است

واصنع الفلک باعیننا و وحینا و لاتخاطبنی فی الذین ظلموا انهم مغرقون^(۱)

از آسمان و زمین آب می جوشید و تا حتی تنور که مرکز زبانه شعله آتش بود مجرای آب قرار گرفت و از آن آب می جوشید و طوفان شروع شد و روی زمین را گرفت. و فقط نوح و کسانی که ایمان آورده بودند به عنایت خداوند

۵. تفسیر و شرح دعای ندبه

متعال نجات یافته و همه انسانها در امواج عظیم آنها غرق گشتند و از بین رفتند.

فانجیناه و من معه فی الفلک المشحون ثم اغرقنا بعد الباقین (۱)

«پس نجات دادیم نوح را و آنان که با او در کشتی بودند سپس غرق کردیم

بازماندگان را»

اباصلت هر وی می گوید: از حضرت امام رضا علیه السلام پرسیدم: چرا خداوند

عزوجل در زمان نوح علیه السلام همه را غرق کرد، در صورتی که در میان ایشان

اطفال و کسانی بودند که گناهکار نبودند؟

آن حضرت در جواب فرمود: اطفال در میانشان نبود، چون خداوند حدود

چهل سال آنان را عقیم کرده بود و نسلشان منقطع شده بود. و خداوند با عذاب

خود کسی را که گناه نکرده، هلاک نمی کند. و اما آنان را بواسطه تکذیبشان به

پیغمبر خدا غرق نمود و سایرین را هم بجهت سکوتشان و راضی بودن به

تکذیب مکذبین غرق نمود و هر کس بعمل کسی راضی باشد و سکوت کند

هر چند حاضر هم نباشد همانند شخص حاضر و انجام دهنده عمل است.

(عیون اخبار الرضا علیه السلام)

و بعض اتخذته لنفسک خلیلاً

«و بعضی از آنانرا برای خودت دوست و خلیل قرار دادی»

خلیلاً- دوست و صدیق خالص و پاک.

بعد از اشاره‌ای به سرگذشت حضرت نوح علیه السلام به سیره حضرت ابراهیم علیه السلام می‌پردازد و می‌فرماید حضرت ابراهیم علیه السلام را برای ارشاد بشریت فرستادی و او را برای خود «خلیل» انتخاب نمودی و مقام «خُلت» را به او عطا نمودی که اشاره به این آیه شریفه است که می‌فرماید:

واتخذ الله ابراهیم خلیلاً^(۱)

مقام «خُلت» به معنای دوست و محبوب است که خدایتعالی پس از امتحانات متعدد و سختی که از حضرت ابراهیم علیه السلام نمود و آن حضرت نیز از خود استقامت و پایداری در مقابل این امتحانات نشان داد، به مقام «خُلت» رسانید. لذا حضرت ابراهیم هرگز دشمنان خدا را دوست نداشت و تمام حب و بغض او فقط برای رضای پروردگارش بود و سالیان درازی تنها و غریب میان قوم خود زندگی کرد و هرگز به آنها که مشرک بودند میل نکرد و با جدیت کامل آنها را به توحید دعوت می‌نمود. لذا خداوند ابراهیم غریب و وحید را به عنوان «خلیل» انتخاب کرد و این منصب و مقام بزرگ را به او عطا نمود. در روایتی آمده است:

انما اتخذ الله ابراهیم خلیلاً لانه لم یرد ولم یسأل احداً قط غیر الله^(۲)

یعنی: خداوند ابراهیم را خلیل خود خواند برای اینکه هیچ سائلی را از خود محروم نمی‌فرمود و بغیر از در خانه خدا دست مسئلت نزد کسی دراز نمی‌نمود.

۵۲..... تفسیر و شرح دعای ندبه

و در روایت دیگری حضرت امام هادی علیه السلام می فرماید:

مقام «خلت» حضرت ابراهیم به جهت کثرت صلوات بر محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله بوده. خلاصه اینکه خدایتعالی به جهت خصائصی که حضرت ابراهیم داشت، مقام او را آنقدر بالا برد که ملکوت آسمانها و زمین را به او نشان داده و سپس او را به مقام و منزلتی مفتخر کرد که در میان انبیاء ممتاز می باشد و تنها اوست که لقب «خلیل» را دارا می باشد.

و سئلک لسان صدق فی الاخرین فاجبته و جعلت ذالک علیاً

«و از تو زبان راستگوئی (ونیک نامی) در امم آینده را طلب کرد و تو دعا و

مسألت او را اجابت فرمودی»

هنگامی که خدایتعالی حضرت ابراهیم را مقام و منزلتی بس رفیع عطا نمود از خداوند طلب کرد که پروردگارا! به من علم و دانش مرحمت فرما و مرا با صالحان ملحق کن و سپس عرض کرد:

و اجعل لی لسان صدق فی الاخرین

«و برای من در امتهای آینده زبان صدق قرار بده»

بعضی از مفسرین گفته اند حضرت ابراهیم تقاضا نمود که ذکر جمیل و ستایش نیکوی او را در نسل ها و امت های بعد باقی بدارد و یا اینکه خداوند فرزندی به او عطا کند که در آخر الزمان همگان را دعوت به سوی توحید کند و برای حق قیام نماید و «لسان صدق» باشد یعنی آن فرزند همانند لسان راستگو

صادق باشد مانند خود ابراهیم که توحید و یکتاپرستی را ندا می‌کرد و به سوی آن دعوت می‌نمود. و خداوند نیز خواسته او را قبول نمود و این درخواست را به هدف اجابت رساند چنانکه در قرآن می‌فرماید:

و وهبنا لهم من رحمتنا وجعلنا لهم لسان صدق علیاً^(۱)

«و از رحمت خود به آنان (ابراهیم و ذریه او) عطا کردیم و برای آنها نام نیک و مقام بلند قرار دادیم».

در بعضی از تفاسیر آمده است آن فرزندی که خدایتعالی به ابراهیم عطا کرد حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام بوده لذا در این قسمت از دعای ندبه می‌فرماید:

فاجبته و جعلت ذلک علیاً

یعنی: سپس او را اجابت فرمودی و آن را علی علیه السلام قرار دادی

و در تفسیر علی بن ابراهیم ذیل این آیه شریفه می‌فرماید:

منظور از کلمه «رحمتنا» در این آیه شریفه حضرت محمد صلی الله علیه و آله است و مراد

از جمله «لسان صدق علیاً» امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام است.

و در تفسیر برهان ذیل این آیه شریف آمده است:

جناب یونس بن عبدالرحمن می‌گوید به حضرت امام رضا علیه السلام عرض

کردم که روزی افرادی از من سؤال کردند که کجای قرآن نام و اسم

امیرالمؤمنین علی علیه السلام آمده است؟

من در جواب آنها این آیه شریفه را تلاوت نمودم: وجعلنا لهم لسان صدق

۵۴..... تفسیر و شرح دعای ندبه

علیا) یعنی علیاً نام امیرالمؤمنین است که در آخر این آیه شریفه آمده است).

حضرت امام رضا علیه السلام فرمودند: صدقت هو هکذا.

و بعض کلمته من شجرة تکلیما

«و بعضی را از طریق درخت سخن گفتی و تکلم نمودی»

در این فراز از دعای ندبه نیز اشاره به یکی دیگر از انبیاء اولوالعزم یعنی حضرت موسی علیه السلام دارد.

حضرت موسی در زمان فرعون بوده که بزرگترین مشرک و کافر زمان خود بوده و مردم را به الوهیت خود دعوت می کرده است و با شدت از یکتاپرستی و توحید جلوگیری می نموده لذا خدایتعالی برای نجات انسانها حضرت موسی را در آن زمان و به قدرت کامله خود در کاخ فرعون پرورش داد و سپس به رسالت مبعوث نمود، تا اینکه فرعون و وقبطیان از حقیقت رسالت حضرت موسی با خبر شدند و در صدد گرفتن و کشتن او بر آمدن، اینجا بود که موسی تصمیم به هجرت گرفت و از شهر خارج شد تا اینکه از جانب حقتعالی ملهم شد که به شهر «مدین» نزد حضرت «شعیب» برود. و دختر شعیب را به همسری گرفت و مدتی نزد شعیب بود و پس از مدتی به همراه عیالش برای دیدار خاندان خود به طرف مصر حرکت کرد. این حرکت و هجرت زندگی جدیدی را برای وی رقم می زند چون حضرت موسی و همسرش در بیابان سرما و تاریک از راه باز می ماند که ناگهان از دور آتشی را می بیند:

قسمت اول ۵۵

اذ رأ ناراً فقال لاهله امكثوا انى انست ناراً العلى اتيكم منها قبس او اجد على النار هدى (۱)

«هنگامی که از دور آتشی مشاهده کرد، به خانواده خود گفت اندکی درنگ کنید که من آتشی دیدم، شاید شعله‌ای از آن برای شما بیاورم، یا بوسیله این آتش راه را پیدا کنم»

وقتی حضرت موسی عليه السلام نزدیک می‌شود می‌بیند نور است نه نار و این نور از یک درخت به اطراف ساطع است و ندائی شنید:

يا موسى انى انا ربك فاخلع نعليك انك بالواد المقدس طوى (۲)

«ای موسی من پروردگار توام، کفشهایت را بیرون آور، که تو در سرزمین مقدس «طوی» هستی»

و همچنین خطاب می‌شود که تو را به پیامبری برگزیدیم:

وانا اخترتك فاستمع لما يوحى

و من تو را برگزیدم و اکنون آنچه به تو وحی می‌شود گوش فراده و مرا عبادت کن و دیگران را نیز بر همین راه دعوت و هدایت نما و بدان قیامت آمدنی است پس مراقب باش کسانی که گرفتار هوسند تو را از یاد قیامت غافل نکنند و گرنه هلاک خواهی شد.

موسی به این امر الهی قیام نمود و به طرف فرعون و فرعونیان رفت و با سختی و تلاش آنها را به توحید دعوت کرد.

در این فقره از دعای ندبه به «کلیم» بودن موسی اشاره می‌کند چون خداوند

۵۶..... تفسیر و شرح دعای ندبه

مستقیماً با آن حضرت صحبت کرد و درخت وسیله‌ای برای رساندن صحبت خدا به حضرت موسی بوده است چنانکه قرآن می‌فرماید:

و کلم الله موسی تکلیماً^(۱)

در این قسمت نکته‌ای که باید به آن توجه داشته باشیم این است که از القاب و خصوصیات حضرت موسی «کلیم الله» بودن است که هیچ احدی را خدایتعالی مستقیماً با او صحبت نکرده است چنانکه قرآن می‌فرماید:

وما کان لبشر ان یکلمه الله الا وحیاً او من وراء حجاب او يرسل رسولا فیوحی باذنه ما یشاء انه علی حکیم^(۲)

هیچ بشری را در خور آن نیست که خدا با او صحبت کند مگر بوسیله وحی، یا از پس پرده (الهام) یا فرستاده‌ای (پیامبری) بفرستد - پس خداوند آنچه را بخواهد وحی می‌کند زیرا او بلند مقام و حکیم است.

و جعلت له من اخیه رداءً و وزیراً

«و برادرش را برای او یاور و جانشین قرار دادی»

رداء - یعنی یار، پشتیبان و معین می‌باشد.

وزیراً - جانشین و قائم مقام.

این جمله از دعای ندبه اشاره به وزیر بودن حضرت هارون (علی نبینا و اله و علیه السلام) برای حضرت موسی (علی نبینا و اله و علیه السلام) دارد و

همچنین اشاره به اینکه این وزارت از جانب حق تعالی بوده، دارد تا او را در امر رسالت یاری کند چنانکه قرآن نیز بر این انتصاب وزارت از جانب پروردگار تصریح می کند و می فرماید:

و جعلنا معه اخاه هارون وزيرا

«و برادرش هارون را برای کمک همراهش ساختیم»

البته این انتصاب وزارت بعد از درخواست حضرت موسی عليه السلام بود که از خدایتعالی طلب نمود از خاندانش برای او وزیر و پشتیبانی قرار دهد لذا عرض کرد:

واجعل لي وزيراً من اهلي، هارون اخي (۱)

و این وزارت آنقدر در امر رسالت حضرت موسی مآثر و مهم بوده که اگر هارون نبود برای موسی هم در امر نبوت نصیب و تأثیری نبود. لذا دعای ندبه بخصوص به این وزارت اشاره می کند و می فرماید: خداوند این وزارت و جانشینی را برای موسی قرار داد.

و بعض اولدته من غير اب

«و بعضی را بدون واسطه پدر (تنها از مادر) متولد ساختی»

در این عبارت نیز به طور اختصار و کنایه و با کلمه «بعض» از حضرت عیسی بن مریم عليه السلام یاد می کند و می فرماید «بعضی از انبیاء را بدون پدر به دنیا

۵۸..... تفسیر و شرح دعای ندبه

آوردی» و مسلم است که این شخص بغیر از حضرت عیسی علیه السلام شخص دیگری نبوده و تا بحال نیز کسی چنین ادعایی نکرده که بدون پدر به دنیا آمده باشد لذا فقط حضرت مریم است که خدایتعالی بدون همسر به او فرزند پسری عطا نمود و سوره آل عمران در این ارتباط می فرماید:

و اذ قال الملائكة يا مريم ان الله يبشرك بكلمة منه اسمه المسيح عيسى بن مريم

«و هنگامی که ملائکه گفتند: ای مریم خداوند تو را به کلمه‌ای از طرف

خودش بشارت می دهد که نامش مسیح عیسی بن مریم است»

در زمان حضرت عیسی علیه السلام اکثر مردم از کاهنان و جادوگران پیروی می کردند و یهودیان نیز که خود را پیروان موسی علیه السلام می دانستند از دین صحیح منحرف شده بودند و تا می توانستند به فقرا و ضعفا ظلم می کردند. در این بین خدایتعالی حضرت عیسی علیه السلام را از یک زن پاک بدون همسر بدینا آورد تا خود نشانه اعجاز و حقانیت حضرت عیسی باشد چنانکه قرآن می فرماید:

فارسلنا اليها روحنا فتمثل لها بشراً سوياً

«پس فرستادیم به سوی او روح خود را، و او بشکل انسانی بی عیب و

نقص بر مریم ظاهر شد»

آن ملک در مقابل مریم علیه السلام قرار می گیرد و خود را معرفی می نماید و او را بشارت می دهد و می گوید: من فرستاده خدای تو هستم. آمده‌ام تا به تو فرزندی پاک هدیه کنم.

هنگامی که عیسی بدینا می آید و مریم این وضع استثنائی را مشاهده می کند

طوفانی از غم و اندوه سراسر وجود او را می‌گیرد. چون اماج تهمت و ناسزاهای مردم و قوم خود واقع می‌شود. در این بین گفت: ای کاش مرده بودم و چنین روزی را نمی‌دیدم.

ناگهان از پائین پایش صدائی شنید که به او می‌گفت: غمگین مباش بنگر پروردگارت از پائین پای تو چشمهٔ آب گوارائی جاری ساخته^(۱) و در بالای سرت ساقه خشکیده‌ای از درخت نخل را بارور نموده است. تکانی به این درخت بده تا رطب تازه از آن فروریزد و از این غذای نیروبخش تناول کن و از آن آب گوارا بنوش و چشمت را به این مولود روشن دار و اگر کسی از تو سؤال کرد با اشاره بگوی برای خدای رحمان روزه گرفته‌ام لذا با کسی سخن نمی‌گویم. پس از اینکه مردم او را یافتند زبان به شماتت و استهزاء و سرزنش باز کردند و گفتند آنچه را که گفتند.

مریم به امر الهی به کودک اشاره کرد که هر سؤالی دارید از این کودک بپرسید، آنها گفتند: چگونه با کودکی که در گهواره است سخن بگوئیم؟! ناگهان آن کودک و نوزاد با بیان بسیار زیبا و فصیح گفت:

انی عبدالله اتی الکتاب و جعلنی نبیا^(۲)

«من بندهٔ خدایم و کتاب آسمانی به من داده و مرا پیامبر قرار داده است»

به این صورت حضرت عیسی علیه السلام از پاکدامنی مادر و نبوت خود خبر داد که این فقره از دعانده به آن اشاره می‌کند و می‌فرماید: بعضی از انبیاء را بدون واسطه پدری (و تنها از مادر) متولد ساخته و ایجاد نمودی.

۶. تفسیر و شرح دعای ندبه

و اتیته البینات و ایدته بروح القدس

«و او را معجزات دادی و به روح القدس تأییدش فرمودی»

بِیِّنَات - بیّنات همان معجزاتی هستند که خدایتعالی از آنطریق نبوت پیامبرش حضرت عیسی علیه السلام را آشکار نمود و مردم را به توحید دعوت کرد. لذا بعضی از مفسرین، علم و حکمت و تکلم کردن در کودکی حضرت عیسی را و شفا دادن و زنده کردن مردگان و معجزات دیگر را جزء «بیّنات» شمرده‌اند و قرآن نیز در مورد اعطای بیّنات و معجزات به حضرت عیسی علیه السلام می‌فرماید:

و اتینا عیسی بن مریم البینات (۱)

و در سوره دیگر در ارتباط بیّنات و معجزات حضرت عیسی می‌فرماید:

اذ قال الله یا عیسی بن مریم اذکر نعمتی علیک و علی والدتک اذ ایدتک بروح

القدس تکلم الناس فی المهد و کهنلاً و اذ علمتک الكتاب و الحکمة (۲)

بیادآور موقعی را که خداوند فرمود: ای عیسی بن مریم یاد کن نعمتی را که من به تو و مادرت عطا کردم، وقتی که من تو را بروح القدس تأیید کردم. و تو موقعی که در گهواره (و کودکی) و میانه سالی تکلم کردی. و موقعی که تو را کتاب و حکمت و تورات و انجیل تعلیم دادم و زمانی که مجسمه هائی از گل بصورت پرنده می‌ساختی و در آن می‌دمیدی و به اذن من پرنده می‌شد (و پرواز می‌کرد) و کور و بیمار و مبتلا به پیسی و جذام را به اذن و خواست من

شفای دادی و مردگان را هم به اذن من زنده و از گور بیرون می آوردی و بیاد آور موقعی را که من تو را از شرّ بنی اسرائیل حفظ کردم.

این بیّنات و معجزات در آیات ۴۸ و ۴۹ سوره آل عمران به عبارت دیگر نیز آمده است.

ایدته بروح القدس - خدایتعالی پیامبرش حضرت عیسی بن مریم علیه السلام را بوسیله «روح القدس» تأیید و یاری می کرد و در مورد معنای «روح القدس» بین مفسرین اقوال مختلفی وجود دارد از جمله اینکه بعضی گفته اند «قدس» ذات اقدس پروردگار است که روح پاک و منزّه از ناحیه قدس الهی خلق شده و سپس به جناب عیسی علیه السلام دمیده شد. چنانکه در قرآن نیز آمده است:

نفخت فيه من روحی تفسیر دیگر روح القدس این است که ملکی بسیار مقرب که در میان ملائکه است می باشد.

و در تفسیر دیگر آن گفته شده است که حضرت جبرئیل منظور است.

و در تفسیر دیگر روح القدس که همراه با شواهد و اماراتی است این است که روح القدس حضرت فاطمه زهرا علیها السلام می باشد که خدایتعالی به وسیله این روح مقدس انبیاء و اولیائش را تأیید و یاری می نماید.

در تفسیر فرات کوفی نیز به این تفسیر اخیر اشاره شده است.^(۱)

۱- تفسیر فرات کوفی صفحه ۵۸۲ برای اطلاعات بیشتر به کتاب نور فاطمه اطهر در سوره قدر و کوثر مراجعه شود.

و کل شرعت له شریعة و نهجت له منهاجاً

«و برای هر یک آئین و شریعتی، و طریقه و روشی قرار دادی»
شریعة- از ماده «شرع» به معنای «مستقیم بودن راه» می باشد.
منهاجاً- از ماده «نهج و منهاج» به معنای روشن و معلوم است.

منظور از «کل» اشاره به انبیاء عظام است که خدایتعالی برای هر کدام شریعتی و طریقی واضح و روشن و برنامه‌ای جامع تدوین و قرار داد تا مطابق بانیاز و احتیاج مردم هر عصر و زمانی دعوت نموده و آنها را به هدایت کامل برسانند چنانکه سوره مائده می فرماید: لکل جعلنا منکم شرعةً و منهاجاً^(۱)

بعضی گفته‌اند «شریعت» به راهی می گویند که به سوی آب می رود و به آن منتهی می شود در اینجا منظور دینی است که انبیاء آن را آورده‌اند که همانند راهی می باشد که روح را به آب معنوی رسانده و سیراب می سازد.

و منهاج به معنای روشن و معلوم است که در آن هیچ ظلمت و تاریکی نیست و مثل چراغی می باشد که باید در دست گرفت و در راه حرکت کرد.
راغب در روایتی از ابن عباس نقل می کند که گفته: فرق میان «شریعة» و «منهاج» آنست که شریعت به آنچه در کتب آسمانی و قرآن وارد شده گفته می شود. و منهاج به اموری که در روایات و سنت پیامبران صلی الله علیه و آله وارد گردیده است اطلاق می شود.

لازم به تذکر است که تمامی ادیان در اصول متحدند و اتفاق دارند مانند

دعوت به توحید و صفات جمالیه و جلالیه و اعتقاد به قیامت و روز حساب و جزا و متصف بودن به اخلاق و صفات پسندیده و انجام عمل خیر و نیک و منزّه بودن از اخلاق رذیله و اعمال زشت و قبیح.

و شرایع مختلف به این جهت بوده که در هر زمانی با یک بیان خاصی برنامه الهی به انسانها عرضه شود چرا که در بعضی از زمانها مردم آمادگی لازم را نداشتند که مطالب جامعی برای آنها گفته شود لذا آن مقداری که مورد نیاز آنان و متناسب با فهم و توان علمی و عملیشان بوده برای آنها بیان شده است و بدین جهت هر نبی از انبیاء برای خود شریعت و منهاجی برای ارشاد بشر داشته‌اند.

و در سوره شوری می‌فرماید:

شرع لكم من الدین ما وصیّ به نوحاً و الذی اوحینا الیک و ما وصینا به ابراهیم و موسی و عیسی ان اقیموا الدین و لا تتفرقوا فیه (۱)

«خداوند) آئینی برای شما تشریح کرد که به نوح توصیه کرده بود و آنچه را بر تو می‌فرستادیم و به ابراهیم و موسی و عیسی سفارش کردیم این بود که دین را بر پا دارید و در آن تفرقه ایجاد نکنید»

خلاصه اینکه هیچ عصری نبوده که مردم بدون معلم و راهنما باشند و این‌ها لطف و رحمت پروردگار است که به بندگانش ارزانی داشته است.

و تخیرت له اوصیاء مستحفظا بعد مستحفظ من مدة الى مدة اقامة لدینک

و حجة علی عبادک

«و برای هر یک جانشینانی انتخاب کردی که یکی پس از دیگری حافظ و نگهبان دین در هر دوران و زمانی باشند تا دین تو را برپا دارند و راهنما و حجت بر بندگانت باشند»

مستحفظ - یعنی حافظ و نگهبان

برای حفظ شریعت و آئین انبیاء خدایتعالی برای آنها جانشینانی معین کرد لذا انبیاء، اوصیاء و جانشینان خود را معرفی می کردند که اینها «مستحفظ» بودند یعنی نگهبان و نگهدارنده دین و مردم بودند و در بعضی از تفاسیر آمده است که اوصیاء پیامبران اولوالعزم دوازده نفر بودند که حافظ و نگهبان شریعت آن پیامبر صلی الله علیه و آله بشمار می رفتند. و هر یک بر حسب مأموریتی که از جانب حقتعالی داشتند مدت معینی جانشینی نموده و سپس مأموریت را به وصی بعدی تسلیم می کردند تا آئین و دین الهی اقامه شود و مردم بدون حجت و امام و رهبر نمانند. در روایتی در اصول کافی آمده است که:

روش تمام اوصیاء پیامبران از «هبة الله» تا «امام قائم» علیه السلام دارای برنامه مخصوصی بوده و هر کدام برنامه اختصاصی به خود داشته اند.

مثلاً در اوصیاء پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می بینیم بعضی از آنها در تعلیم مسائل و مبادی می کوشیدند و بعضی در نشر معارف الهی و بعضی در راه مبارزه و جهاد قیام می کردند. و بعضی سازش و مصالحه نموده تا اصل و حقیقت دین را

حفظ نمایند و به دیگران برسانند و هیچ یک از آنها کاری نکردند مگر طبق دستور و سفارش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که از طرف خداوند متعال امر شده بودند.

حجة علی عبادک - تمامی انبیاء و اوصیاء آنها حجتهای الهی بر بندگان می باشند تا بشر بدون راهنما و مرشد نباشد و به عبارت دیگر با ارسال رسل و اوصیاء حججت از طرف خداوند بر ایشان تمام شده و راه عذر و بهانه آنان مسدود گشته و نمی توانند بگویند چرا برای ما پیغمبری نفرستادی که ما را هدایت کند و لذا قرآن به همین مطلب اشاره می کند و می فرماید:

رسلاً مبشرین و منذرین لئلا یكون للناس علی الله حجة^(۱)

«(خدایتعالی) پیامبرانی که بشارت دهنده و بیم دهنده بودند فرستاد تا حجتی برای مردم بر خدایتعالی نباشد».

پس این عبارت دعای ندبه علت و انگیزه ارسال رسل و انزال کتب از جانب پروردگار را در سه مطلب خلاصه کرده است.

اول - از برای اقامه دین و حفظ آئین الهی

دوم - اتمام حجت بر بندگان خداوند تا جای عذر باقی نباشد

سوم - ثابت بودن حق در جهان و غلبه آن بر باطل

و لئلا یزول الحق عن مقره و یغلب الباطل علی اهله

«تا حق از میان نرود و باطل بر اهلش غلبه پیدا نکند»

۶۶..... تفسیر و شرح دعای ندبه

حق که همان آئین و روش انبیاء برای رساندن بشر به حقیقت بندگی و کمال عبودیت است، با تلاشهای بسیار و کوشش فراوان از طرف انبیاء آورده شد و به امتهای رسید تا از آن پیروی کنند و به سعادت دنیا و آخرت برسند.

حال اگر اوصیاء و جانشینان انبیاء نباشند این حق یعنی آئین و روش صحیح انبیاء از مقر و جایگاه خود منحرف می شود و بجای آن آئین باطل و منحرف جایگزین می شود چنانکه این معنا را در زمان رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله مشاهده می کنیم که چگونه افرادی که اوصیاء رسول اکرم را نپذیرفتند و دچار گمراهی در دین و آئین گردیدند و به بدعتها و انحطاطهای بسیار بزرگی دچار شدند. ولی برعکس آنهایی که اوصیاء و جانشینان بر حق را شناختند و به آنها متمسک شدند هرگز گمراه نشده بلکه بر عکس توانستند از طریق آنها به مقصد الهی خویش برسند.

یغلب الباطل علی اهل - و از طرفی هنگامی که آئین انبیاء دستخوش انحراف و تحریف قرار گرفت اهل باطل که همان کفار و مشرکین باشند در غالب دین و آئین انبیاء بر روی کار آمده و مسندها را گرفته و بر آن تکیه زدند و بر اهل حق که همان پیروان راستین باشند چیره شده و آنها را از بین بردند تا جایی که شما می توانید نمونه های بسیار زیادی را در تاریخ اسلام یا انبیاء پیشین بیابید که چگونه باطل بر مسندهای کلیدی امت تکیه زده و حق را نابود ساختند مثال روی گرداندن بنی اسرائیل از حضرت هارون و گوساله پرست شدن آنها.

و یا روگرداندن از حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و خانه نشین

شدن آن حضرت. و یا روی گرداندن از حضرت امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام و...

پس در حقیقت این فقره از دعای ندبه حکمت تعیین «اوصیاء و جانشین انبیاء» را بیان می‌کند که برای حفظ حق و تمیز آن از باطل بوده تا با حضور و تربیت انسانها حق از بین نرود و با باطل مشتبه نشود.

و لا یقول احد لولا ارسلت الینا رسولاً منذراً و اقامت لنا علماً هادياً فنتبع

ایاتک من قبل ان نذلّ و نخری

«و کسی نگوید چرا رسول بیم دهنده برای ما نفرستادی و همچنین چرا پرچم و علامتی که راهنمای ما باشد نگماشتی تا پیش از آنکه به ذلت و خواری درافتیم، ما را هدایت کند و از ایات و دستورات پیروی کنیم»

حکمت دیگر ارسال رسل و اوصیاء این است که کسی نگوید بارالها! ما از بی خبری مرتکب جرم و گناه و نافرمانی تو شدیم و اگر برای ما «فرستاده‌ای» می‌بود هرگز مابه گمراهی کشیده نمی‌شدیم!

خدایتعالی برای رفع این عذر و بهانه که بشر دیگر هیچ عذری نداشته باشد حکمتش اقتضا کرد انبیاء و اوصیاء را برای ارشاد آنها فرستاد و حجت را بر آنها تمام کرد چنانکه در سوره طه می‌فرماید:

لقالو ربنا لو لا ارسلت الینا رسولاً فنتبع ایاتک من قبل ان نذلّ و نخری^(۱)

۶۸..... تفسیر و شرح دعای ندبه

حقیقتاً اگر خدایتعالی برای هدایت بشر ارسال رسل و انزال کتب نمی فرمود و فقط مستقیماً به خود آنها از طریق وحی و الهام حقائق را می رساند باز جای بهانه و عذر برای آنها بود و زبان به اعتراض باز کرده و می گفتند اگر تابلوها و اسوه های هدایت را در برابر ما قرار می دادی و به وسیله نبوت و امامت ما را رهبری می کردی ما هرگز راه را گم نمی کردیم و دچار دامها و وسوسه های شیطان نمی شدیم لذا خدایتعالی به انسانها حجت را تمام کرده و هم از طریق وحی و الهام و هم از طریق نبوت و امامت راه رسیدن به سعادت را هموار نمود تا جای هیچ عذر و بهانه ای برای کسی باقی نماند.

مقصود از «رسول منذر» و «علماً هادياً» که در عبارت دعای ندبه آمده است پیامبر و امام است چنانکه ابن عباس در روایتی می گوید هنگامی که آیه «انما انت منذر» نازل شد، پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود:

انا المنذر و علی الهادی و بک یا علی یهتدی المهتدون من بعدی (۱)

یعنی من بیم دهنده ام و علی هدایت کننده است، ای علی! پس از من راه یافتگان به وسیله تو راه می یابند.

الی ان انتهیت بالامر الی حبیبک و نجیبک محمد صلی الله و علیه و اله

«تا آنکه امر رسالت و هدایت را منتهی کردی به حبیب گرامیت محمد کنه

درود خدا بر او و آلش باد»

حبیبک - «حبیب» یعنی دوست و عزیز که یکی از القاب پیامبر اسلام است.

نجیبک - «نجیب» بر وزن «فعیل» به معنای برگزیده و اختیار شده است.

در اینجا می‌فرماید سلسله انبیاء و رسل را به پیامبر اسلام خاتمه دادی آن پیامبری که حبیب و نجیب تو است و نام مقدسش محمد ﷺ می‌باشد که درود و صلوات تو بر او و آل او باد.

در این عبارت می‌فرماید «انتهیت بالامر» که اشاره به خاتمیت رسول اکرم ﷺ در نبوت دارد به این معنا که حضرتش «خاتم النبیین» است و پس از او دیگر پیامبری نخواهد آمد چنانکه قرآن به این خاتمیت تصریح می‌کند و می‌فرماید:

ما کان محمد ابا احد من رجالکم و لکن رسول الله و خاتم النبیین (۱)

و باز در سوره سباء می‌فرماید:

و ما ارسلناک الا کافه للناس بشیراً و نذیراً (۲)

که مفهوم این آیه این است که آن حضرت برکافه و تمام مردم ارسال شده است و تا روز قیامت حضرت محمد ﷺ پیامبر خدا بر کافه مردم می‌باشد و پس از او پیامبری نخواهد آمد.

حبیبک - یکی از القاب مختص به رسول گرامی اسلام «حبیب الله» است و

هیچ شخص و پیامبری مگر اهل بیتش به این لقب مفتخر نگردد.

پیامبر اکرم ﷺ به جهت آن مقام شامخ و قرب حقیقی به حق تعالی چنان

۷۰..... تفسیر و شرح دعای ندبه

میل به عبودیت و بندگی پروردگار پیدا کرده بود که جایی برای صحبت و مصاحبت اغیار نگذاشت و هر چه بود فقط برای محبوبش یعنی خداوند متعال دوست می داشت چنانکه در روایتی در معرفی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

کان اکثر الناس محبةً لله تعالى و اعظمهم ادباً^(۱)

خداوند هم حضرتش را حبیب خود قرار داده و از میان جمیع خلائق اختیارش نمود و از بهترین نجباء خود قرار داد تا جایی که یکی دیگر از القاب مقدسش «نجیب الله» گردید و پر واضح است که علت نجابت حضرتش منزّه بودن از هر پستی و فرومایگی و توجه نداشتن به غیر خدایتعالی بوده است. و هر کس نیز زیر سایه محبت رسول اکرم صلی الله علیه و آله از حضرتش اطاعت کند او نیز محبوب خدایتعالی می گردد به عبارت دیگر متابعت از حبیب الله انسان را محبوب خدا می گرداند چنانکه قرآن می فرماید:

ان كنتم تحبون الله فاتبعوني يحببكم الله^(۲)

فكان كما انتجبه سید من خلقته و صفوة من اصطفيته و افضل من اجتبته و اکرم

من اعتمدته.

«پس همانطور که او را به رسالت برگزیدی، سید و سرور خلائق هم قرار دادی و برگزیده برگزیدگان و افضل و برتر آنان انتخابش کردی و گرامی ترین کسیکه مورد اعتماد تو بود قرارش دادی»

پس از معرفی رسول گرامی اسلام و تصریح به خاتمیت حضرتش در این عبارات شروع می کند بعضی از صفات و خصوصیات آن حضرت را بر می شمارد که در آنها منفرد و بی همتا می باشد، آن خصوصیات و صفات عبارتند از:

۱- سید من خلقته = سرور خلائق

۲- صفوة من اصطفیته = برگزیده برگزیدگان الهی

۳- افضل من اجتیته = برتر از جمیع انتخاب شدگان

۴- اکرم من اعتمدته = گرامی ترین فرد که مورد اعتماد است

این صفات و خصوصیات که حضرتش در آنها بی همتا است دلیل بزرگی است بر تقدم آن وجود مقدس بر تمامی مخلوقات و تا حتی بر تمامی انبیاء و مقربین بارگاه الهی.

که اولین آن مختصات «سید من خلقته» است یعنی آقا و سرور تمامی مخلوقات که خدایتعالی آفریده است چنانکه در زیارت آن حضرت آمده است:

انه سید الاولین و الاخرین

و در فراز دیگری آمده است:

وانه سید الانبیاء والمرسلین

و در روایتی از حضرت امام رضا علیه السلام نقل شده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: من سید اولاد آدم هستم.

۷۲..... تفسیر و شرح دعای ندبه

صفوة من اصطفیته - این فقره اشاره دارد بر اینکه خدایتعالی پیامبر گرامی اسلام را از میان جمیع انبیاء برگزیده و انتخاب نموده است چنانکه در روایتی رسول اکرم صلی الله علیه و آله خود این معنا را چنین بیان می نمایند:

خدایتعالی برگزید از فرزندان ابراهیم «اسماعیل» را و از فرزندان اسماعیل «کنانه» را و از فرزندان کنانه «قریش» را و از قریش «بنی هاشم» را و از بنی هاشم برگزید «مرا»

و افضل من اجتیته - این جمله نیز با صراحت کامل دلالت بر افضلیت و برتری «رسول گرامی اسلام» بر جمیع انبیاء تا حتی اولوالعزم دارد چنانکه در روایتی آمده است: اللهم فصل علی... نجیبک من خلقک

«خدایا درود بفرست بر (محمد) که از میان تمامی خلق انتخابش کردی».

اکرم من اعتمدته - این جمله اشاره به گرامی بودن پیامبر اکرم در نزد خدایتعالی دارد تا جایی که از میان جمیع معتمدین الهی، اعتماد به حضرتش در نزد خدایتعالی بیشتر بوده لذا بیشتر از دیگر معتمدین مورد مهر و کرامت قرار گرفتند چنانکه در روایتی آمده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

انا اتقی ولد آدم و اکرمکم علی الله

یعنی: من پرهیزگارترین فرزندان آدم هستم و از میان شما گرامیترین نزد خداوند می باشم

قدمته علی انبیائک و بعثته الی الثقلین من عبادک

«مقدم داشتی او را بر سائر پیامبرانت و بر تمام بندگان از جنّ و انس مبعوث

نمودی»

الثقلین - مفرد آن «ثقل» و به معنای شیء با ارزش، وزین، گرانقدر، بزرگ و با

عظمت می باشد.

با توجه به معانی که در فقرات و جملات قبل از این ذکر کردیم معنای این

فراز از دعا بخوبی روشن می شود که چگونه خدایتعالی آن حضرت را «مقدم»

بر تمامی انبیاء قرار داده است تا جایی که حضرتش بر جمیع مخلوقات مبعوث

می گردد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله افضل و اقدم بر جمیع انبیاء الهی است چون آن حضرت به

مقامی رسید که احدی توان ره یابی به آن را نداشت چنانکه در معراج جبرئیل

عرض می کند:

یا رسول الله به جایی سیر کرده و رسیده ای که هیچ کس قبل و بعد از شما به

این مقام و جایگاه نرسیده و نمی رسد (سپس جبرئیل عرض می کند) اگر یک

بند انگشت جلوتر بیایم «لأحترقت» آتش می گیرم.

و در روایتی آمده است که افرادی از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله سؤال کردند:

بای شیء سبقت الانبیاء و انت بعثت آخرهم و خاتمهم؟

فقال: انی کنت اول من آمن بری و اول من اجاب حیث اخذ الله میثاق النبیین و

۷۴.....تفسیر و شرح دعای ندبه

اشهد هم علی نفسه الست بربکم. (۱)

یعنی: من اول کسی بودم که به پروردگارم ایمان آورده‌ام، و نیز در هنگامی که خداوند عهد و پیمان خود را از پیغمبران می‌گرفت من اولین کسی بودم که او را اجابت کردم و هنگامی که آنان را بر خودشان گواه گرفت که آیا من پروردگار شما نیستم، من اول کسی بودم که «بلی» گفتم و در اقرار به ربوبیت الهی از آنان سبقت گرفتم.

و منظور از «ثقلین من عبادک» دو گروه عظیم از جن و انس مراد می‌باشد که پیامبر گرامی اسلام بر آنها تا روز قیامت مبعوث شده و بعد از حضرتش از جانب حقتعالی رسولی نخواهد آمد. چنانکه قرآن نیز با واژه «ثقلین» از جن و انس صحبت به میان می‌آورد و می‌فرماید:

سنفرغ لکم ایّه الثقلان (۲)

یعنی: به حساب شما می‌پردازیم ای دو گروه انس و جن

اگر گفته شود چرا به جن و انس کلمه «ثقل» که به معنای «سنگین» یا «شیء با ارزش» است اطلاق شده؟ در جواب می‌گوئیم: چون جن و انس هر دو دارای عقل و شعور و علم و آگاهی بودند، به آنها ارزش خاصی داده شده است لذا هر دو مکلف به یک سری تکالیف و احکام گردیدند که با عمل به آنها به مقام بلند قرب حقتعالی نائل می‌گردند.

۱- اصول کافی ۲۴ صفحه ۱۰- مرآة العقول جلد ۷ صفحه ۳۱.

۲- سوره الرحمن - آیه ۳۱.

در هر حال پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رسالتشان شامل جن و انس بوده و این رسالت تا روز قیامت باقی خواهد بود.

آیاتی که دلالت می‌کند بر اینکه پیامبر اکرم فرستاده الهی بر طایفه جن نیز بوده این آیه است که می‌فرماید:

قل اوحی الیّ انه استمع نفر من الجن فقالوا سمعنا قراناً عجبا یدعی الی الرشد فامنا به ولن نشکرک بر بنا احداً.

«بگو: به من وحی شده است که جمعی از جن به سخنانم گوش فرا داده‌اند، و گفته‌اند: ما قرآن عجیبی شنیده‌ایم که به راه راست هدایت می‌کند لذا ما به آن ایمان آورده‌ایم و هرگز کسی را شریک پروردگارمان قرار نمی‌دهیم».

در روایتی خدایتعالی به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

وارسلنک الی اسود اهل الارض و احمرهم و انسهم و جنّهم (۱)

یعنی: من تو را به سوی اهل زمین از سیاه و سرخ و انس و جن به پیامبری فرستادم.

و أوطأته مشارقک و مغاربک

«و او را به شرق و غرب عالم رساندی»

أوطأته - یعنی کسی را واداشتن که چیزی را طی کند.

خدایتعالی به قدرت لایزال خود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را به شرق و غرب عالم

۷۶..... تفسیر و شرح دعای ندبه

رساند و زیر پای مبارکش نهاد و در حقیقت حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله را به تمامی نقاط زمین سیر و حرکت داد و تمامی این نقاط را طی نموده و بچشم مبارک دید.

این سیر و حرکت در مشارق و مغارب مقدمه معراج جسمی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بود که پس از آن به سوی تمامی عوالم وجود سیر نموده و عجائب خلقت را مشاهده نمود.

در اینجا شاید این سؤال به ذهن شما آید که چرا کلمه «مشارق و مغارب» با صیغه جمع آمده است، مگر چند مشرق و چند مغرب وجود دارد؟!

در جواب می گوئیم: این جمله در قرآن نیز آمده است:

رب المشارق و المغرب (۱)

در معنای جمله «المشارق و المغرب» دو احتمال دارد که هر دو صحیح می باشند.

اول اینکه منظور خود زمین می باشد که به جهت کروی بودن کره زمین هر نقطه از نقاط آن برای خود مشرق و مغربی دارد که به وسیله حرکت وضعی آن بوجود می آید و این امر یکی از موارد اعجاز قرآن نیز شمرده می شود، چون بشر تا چندی پیش تصور می کرده کره زمین مسطح است و هیچ حرکتی ندارد. ولی قرآن هم از کروییت زمین خبر داده که فرموده «مشارق و مغارب» و هم از حرکت و عدم ثبات زمین خبر داده است.

در روایتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

زویت لی الارض فأریت مشارقها و مغاربها و سیبلغ ملک امتی ما زوی لی منهما
یعنی: زمین برای من جمع شد و مشرقها و مغربهای آن برای من نمایان
گشت و به زودی سلطه و اقتدار امتم به آنچه برای من جمع و نمایان شد
خواهد رسید. (که اشاره به زمان ظهور دارد)

خلاصه اینکه این جمله دعای ندبه مؤید دیگری است بر کرویت زمین
چون کرویت زمین و حرکت آن به دور خود، موجب طلوع آفتاب در هر
نقطه‌ای از نقاط زمین می‌شود که مستلزم غروب آن از نقطه مقابل است که به
این صورت تمام نقاط زمین دارای مشارق و مغاربی حقیقی می‌گردد.

دوم اینکه این جمله «المشارق و المغرب» اشاره به کرات آسمانی و
کهکشانها دارد که هر یک از این کرات آسمانی خود مشرق و مغربی دارند که
حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله در سیر و سفر معراجی خود آنها را مشاهده کردند و
زیر قدم خود نهادند.

چنانکه در روایتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در ارتباط با معراج می‌فرماید:

ملکوت آسمانها و زمین بر من نمایان شد. (۱)

و سخرت له البراق و عرجت به الی سماءک

«و براق را برای او مسخر کردی و به وسیله آن به آسمانهای خود به معراج بردی»

۷۸..... تفسیر و شرح دعای ندبه

البراق «از ماده برق» است و به سرعت حرکت بسیار شدید برق می گویند و بعضی گفته اند جنبنده ای از جنبندگان بهشت است و به مرکب پیامبر اکرم نیز «براق» گویند.

این فقره از دعای ندبه اشاره به داستان معراج رسول اکرم صلی الله علیه و آله دارد که آن بزرگوار به سوی آسمانها و ملک و ملکوت سیر نمودند و عجائب خلقت را مشاهده کردند.

معراج یکی از بزرگترین نعمتهای الهی بوده که خداوند بوسیله پیامبرش در اختیار بشر قرار داده است تا از حقیقت وجود ملک و ملکوت آگاهی یابد و به آنها برساند.

و قرآن نیز به معراج پیامبر اشاره می کند و می فرماید:

سبحان الذی اسرى بعبده لیلاً من المسجد الحرام الی مسجد الاقصی الذی بارکنا حوله لئریه من آیاتنا^(۱)

منزه است خدائی که بنده خود (محمد) را شبی از مسجد الحرام به مسجد الاقصی که پیرامونش را (ازنهرها و درختان و اثمار) برکت دادیم سیر داد تا آیات خود را به او بنمائیم.

حضرت رسول اکرم یک معراج نداشتند بلکه چندین معراج داشته چنانکه امام صادق علیه السلام می فرمایند: عرج النبی صلی الله علیه و آله مائة و عشرين مرة^(۲) یعنی: پیامبر اسلام یکصد و بیست مرتبه به معراج رفتند

معراجهای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله طبق روایات بوسیله «براق» صورت گرفته و براق به معنای مرکبی که بسیار سریع و مانند برق سیر و حرکت می‌کند می‌باشد.

شایان ذکر است که بالاترین سرعتی که بشر آن را کشف کرده «سیر نوری» می‌باشد که در هر ثانیه سیصد هزار کیلومتر مسافت را طی می‌کند. حال اگر رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌خواست با سیر نوری عوالم را طی کنند با گستردگی پهنه آسمانها و کهکشانها میلیونها سال زمان لازم داشته تا بتوانند در این عوالم سیر کنند و حال آنکه آن حضرت در مدتی کمتر از یک شب از مسجدالحرام به مسجدالاقصی و سپس به آسمانها برای مشاهده آثار عظمت و قدرت پروردگار سیر نمودند. و این خود یکی از آثار قدرت پروردگار است که رسول خود را با توان و قدرت لایزال خود در یک شب در تمام عوالم سیر داد لذا مسئله معراج یکی از معجزات شگفت‌انگیز خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله می‌باشد که خدایتعالی این نیرو و قدرت را در اختیار حضرتش قرار داد و در دعای عرفه نیز به «براق» اشاره می‌کند و می‌فرماید:

و باسمک الذی سخرت به البراق لمحمد صلی الله و علیه و آله

مطلبی که باید به آن توجه داشت، مسئله جسمانی بودن معراج رسول اکرم است بعضی از علما و فلاسفه چون نتوانستند این حقیقت و اعجاز الهی را با فکر و عقل خود بسنجند، آن را نپذیرفته‌اند و دست به تأویل و تفسیراتی زده‌اند از جمله اینکه بعضی آن را خواب تصور کرده‌اند و گروه دیگر که

۸۰..... تفسیر و شرح دعای ندبه

نمی‌توانستند آیات قران و احادیث متواتری که در معراج وجود دارد منکر شوند قائل به «معراج روحانی» شده‌اند که این قول خلاف نص صریح آیات قران و روایات متواتر است خلاصه اینکه از عقائد مسلم شیعه و پیروان مکتب اهل بیت علیهم‌السلام این است که «معراج جسمانی» و در بیداری بوده.

عرجت به الی سمائک - در بعضی از نسخ دعای ندبه به جای «عرجت به الی سمائک» آمده است «عرجت بروحه الی سمائک» که بعضی از منکرین معراج جسمانی که خود دعای ندبه را قبول ندارند و تا حتی آن را مخدوش می‌شمارند خواسته‌اند از این جمله استفاده کنند و بگویند معراج روحانی بوده نه جسمانی.

در جواب این گروه می‌گوئیم: در تمامی مستندات و کتابهایی که دعای ندبه را نقل کرده‌اند «عرجت به» آمده است مگر در کتاب مصباح الزائر مرحوم سیدبن طاووسی که در بعضی از نسخ آن «عرجت به» و در بعضی دیگر «عرجت بروحه» آمده است و پر واضح است که در قدیم الایام کتابها بوسیله خطاطها نوشته می‌شده و تکثیر می‌گردیده است.

لذا این اشتباه به احتمال بسیار قوی از نویسندگان رخ داده و اشتباهاً «عرجت بروحه» آورده شده است چون نسخ دیگر مصباح زائر با تمامی مستندات و کتابهایی که دعای ندبه را نقل کرده‌اند موافق بوده چنانکه در تمامی آنها «عرجت به» ضبط شده است، لذا «عرجت به» متفق علیه تمامی نسخ و کتابهایی است که دعای ندبه را نقل کرده‌اند که این متفق علیه بودن، احتمال

اشتباه و سهو خطاط و نویسنده‌های بعضی از نسخ مصباح الزائر را قوی می‌گرداند و یقیناً «عرجت به» درست می‌باشد، چنانکه در ملاقات و تشریفی که در قسمت اول این کتاب نقل شد امام زمان علیه السلام می‌فرمایند: «عرجت به» صحیح می‌باشد.

ثانیاً جمله «عرجت بروحه الی سمائک» نظریه منکرین معراج جسمانی را تأیید نمی‌کند چون این جمله هیچ منافاتی با «معراج جسمانی» ندارد چون از واضحات و مسلمیات است که جسم انسان بوسیله روح در حرکت و تلاش است و ما نمی‌توانیم به انسانی که زنده است و در حرکت و تلاش می‌باشد بگوئیم جسمش حرکت نمی‌کند بلکه این روح است که جسمش را به حرکت درآورده، چون جسم همانند مرکبی برای روح است و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با جسم و روحشان حرکت و سیر می‌نمودند. پس بر فرض اینکه این جمله اگر نقل شده باشد می‌فرماید پیامبر اکرم با قدرت روح بلندشان بوده که جسمشان را نیز بحرکت درآورده‌اند و به معراج رفته‌اند.

و علامه مجلسی رحمته الله در اعتقادات می‌فرماید:

باید معتقد باشی که معراج، جسمانی بوده و رسول اکرم صلی الله علیه و آله با بدن شریف خود به آسمانها رفت. در این زمینه به گفتار فلاسفه گوش نکن که می‌گویند اگر معراج جسمانی باشد در افلاک خرق و الیتام لازم می‌آید!! که این حرفها پوچ است و معراج از ضروریات دین بوده، انکارش کفرآمیز است.

۸۲..... تفسیر و شرح دعای ندبه

و اودعته علم ما کان و ما یکون الی انقضاء خلقک

«علم گذشته و آینده را تا پایان آفرینش نزد او به ودیعت و امانت سپردی»

اودعته - از ماده «ودع» به معنای امانت و ودیعه می باشد.

انقضاء - از ماده «نقض» به معنای انتهاء و اتمام می باشد.

خدایتعالی فرستادگان و رسولانش را به علم و معارف مجهز نموده سپس آنها را برای هدایت بشر فرستاده است ولی هر یک از انبیاء بر حسب موقعیت زمانیشان و همچنین به جهت قدر و مرتبه اشان، سعه علم و دانش آنها با یکدیگر فرق می کرده و بعضی بر بعضی دیگر تفوق و فضیلت داشته اند و اینطور نیست که همه انبیاء و رسولان الهی از جهت علم و دانش در یک سطح باشند. چنانکه در قرآن آمده است:

تلك الرسل فضلنا بعضهم على بعض

در میان یک صد و بیست و چهار هزار پیامبر، فقط خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله بوده که از جهت کثرت علم و دانش بر همه آنها برتری داشته اند و این خود یک امتیاز مخصوص نسبت به آن حضرت محسوب می شود.

بطور کلی بر حسب یک تقسیم، علوم الهی بر دو قسم تقسیم می شود، یک قسم از علوم آن است که اختصاص به ذات اقدس پروردگار دارد و هیچ کس از آنها مطلع نیست که علم غیب نامیده می شود و یک قسم علوم می هستند که گرچه متعلق به آینده هستند ولی خدایتعالی آنها را اراده و تقدیر نموده و به خاتم الانبیاء و فرزندان معصومش عطا فرموده، در این صورت علوم می که به

ذات خدایتعالی اختصاص دارد تا حتی نسبت به خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله علم غیب است و از آنها آگاهی ندارند و علومی که خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام از آنها مطلع هستند نسبت به سایر مخلوقات باز هم علم غیب می باشد. چون تمامی مخلوقات از آنها بی خبرند.

خدایتعالی تمامی علومی که در گذشته خلقت وجود داشته به آخرین رسول و فرستاده خود یعنی حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله عطا نمود و همچنین تمام علوم و وقایعی که در آینده تا انقضاء خلق رخ خواهد داد به حضرتش تفویض نمود چنانکه این دعای شریف به آن اشاره می کند و می فرماید «اودعته علم ماکان و ما یکون»

و همچنین از امام محمد باقر علیه السلام نقل شده است که فرمود:
پیامبر اسلام عالم به علم جمیع انبیاء و عالم به وقایع گذشته و آینده تا قیامتند (۱)

و همچنین از حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام نقل شده که فرمود:
به پیامبر اسلام علم انبیاء و اوصیاء و علم آنچه را که تا روز قیامت واقع می شود داده شده (۲)

و از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده که فرمود:
به رسول خدا صلی الله علیه و آله علم گذشته و آینده تا روز قیامت داده شده (۳)

۸۴..... تفسیر و شرح دعای ندبه

الی انقضاء خلقک این جمله از دعای ندبه اشاره به این مطلب دارد که اولاً علوم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نسبت به ذات اقدس پروردگار محدود است و علم تا انقضاء خلق به آن حضرت تفویض شده است.

ثانیاً انقضاء خلق به معنای فنا و نیستی خلق نیست که بعضی چنین توهم کرده‌اند چون فنا و نابود شدن خلق با مخلد بودن بعضی از مخلوقات در بهشت یا جهنم که در آیات و روایات آمده است، منافات دارد. بلکه مقصود از انقضاء خلق به این معنا است که «هنگامی که عالم تکلیف و امتحان تمام می‌شود و قیامت برای دادن جزاء و پاداش بر پا می‌گردد». که علم تمامی این وقایع تا خلود در بهشت یا جهنم به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله داده شده است.

چنانکه امیرالمؤمنین در علم رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

عَلَّمَ الْبَنِيَّ عِلْمَ جَمِيعِ النَّبِيِّينَ وَ عِلْمَ مَا كَانَ وَ مَا هُوَ كَائِنٌ فِيمَا بَيْنَ وَ بَيْنَ قِيَامِ السَّاعَةِ (۱)

«به پیامبر اسلام علم جمیع انبیاء و علم آنچه که گذشته و آنچه که هم اکنون

وجود دارد و بین آنها تا برپائی ساعت قیامت داده شده است»

ثم نصرته بالرعب و حففته بجبرئیل و میکائیل و المسومین من ملائکتک

«آنگاه او را به واسطه رعب و ترسی که در دل دشمنانش افکندی یاری

نمودی و به جبرئیل و میکائیل و ملائکه علامت دار او را احاطه داده و حفظ

نمودی.»

رعب - به معنای ترس و وحشت می باشد.

المسومین - یعنی دارای نشانه و علامت

خدایتعالی پس از اینکه رسول خود را به علم «ماکان و مایکون» مجهز نمود به وسیله رعب و ترسی که در دل دشمنان حضرتش انداخته بود، یاری نمود چنانکه در روایتی حضرت رسول اکرم به این نحو یاری خدایتعالی اشاره می کنند و می فرمایند:

نصرت بالرعب مسيرة شهر (۱)

یعنی: تا مسافت یک ماه راه رعب و ترس از من در دل دشمنان اسلام قرار گرفته و از آن طریق خدایم یاریم کرده است.

هنگامی که تاریخ صدر اسلام را مطالعه می کنیم می بینیم در بسیاری از جنگلها خدایتعالی چنان مهابتی به رسول اکرم صلی الله علیه و آله داده بود که تمامی دشمنان اسلام خائف و ترسناک و مرعوب می شدند و همانا پیروزی از آن حضرت می گردید. مثلاً در جنگ بدر که تعداد لشکر اسلام ۳۱۳ نفر بودند و دشمنان اسلام بیش از هزار نفر، تعداد بیشماری از کفار کشته و بقیه فرار را بر قرار ترجیح دادند و مسلمانان با سرافرازی تمام در جنگ پیروز شدند و قرآن به این عامل یعنی «رعب و ترس در دل دشمن» در چند موضع اشاره کرده و از آن یاد می کند از جمله

و قذف في قلوبهم الرعب فريقاً تقتلون و تأسرون فريقاً

۸۶..... تفسیر و شرح دعای ندبه

و در دل‌هایشان رعب و ترس افکند (تا جایی که) گروهی را به قتل می‌رساند و گروهی را اسیر می‌کردید. (۱)

و در سوره آل عمران می‌فرماید:

سنلقى فی قلوب الذین کفروا الرعب بما شرکوا باللہ (۲)

بزودی در دل کافران بخاطر شرکشان، رعب و ترس می‌افکنیم

خلاصه اینکه خدایتعالی به وسیله رعب پیامبرش را نصرت داد به این معنا که وسیله‌ای که حضرتش را برای انجام رسالتش یاری داد، ایجاد رعب و ترس در قلب و دل مخالفین بود.

عامل دیگر پیروزی رسول اکرم صلی الله علیه و آله که در این فقره از دعای ندبه به آن اشاره شده است، کمک و یاری رساندن ملائکه است.

خدایتعالی به وسیله ملائکه از جمله جبرئیل و میکائیل و ملائکه نشانه دار پیامبر خود را یاری نمود لذا حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله دائماً در حمایت جبرئیل و میکائیل و فرشتگان الهی بودند و آنها در تمامی لحظات عمر پیامبر اکرم، آن حضرت را حمایت و یاری می‌رسانند که یکی از مصادیق واضح و معروف آن یاری رساندن ملائکه در جنگ بدر بوده که خدایتعالی جبرئیل و میکائیل و فرشتگان را به یاری و کمک پیامبر اکرم و مسلمانان فرستاد و آنها را در جنگ نابرابر پیروز و یاری کردند.

و قرآن از یاری رساندن ملائکه به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در چند آیه شریفه خبر

می دهد و می فرماید:

هذا یمدکم ربکم بخمسة الاف من الملائكة مسومین^(۱)

«خداوند شما را به پنجهزار نفر از فرشتگان که نشانه های مخصوص دارند

مدد خواهد داد»

و در سوره تحریم می فرماید:

وان تظاہر اعلیہ فانّ اللہ هو مولہ وجبرئیل و صالح المؤمنین و الملائکة بعد ذلک ظہیرا^(۲)

«اگر به ضد او (پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ و آلہ) دست به دست هم دهید (کاری از پیش

نخواهید برد) زیرا خداوند یاور اوست و همچنین جبرئیل و صالح المؤمنین

(علی علیه السلام) و فرشتگان بعد از آنان پشتیبان اویند»

و وعدته ان تظہر دینہ علی الدین کله و لو کرہ المشرکون

«و وعده دادی به او که دینش را بر تمام ادیان غلبه دهی هر چند مشرکان

کراهت داشته باشند»

خدایتعالی به پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ و آلہ وعده داده که دین و آئین وی سراسر عالم را

فراخواهد گرفت و بر تمامی ادیان و مذاهب مختلف غالب می گردد به این معنا

که تمامی ادیان و مذاهب و هر نوع مسلکی که وجود دارد از بین خواهد رفت

و فقط دین اسلام در سراسر عالم حاکم می گردد و هیچ خانه و کلبه ای نمی ماند

مگر اینکه در آن آئین اسلام نفوذ می کند و قرآن نیز به این پیروزی و غلبه در

۸۸..... تفسیر و شرح دعای ندبه

چند آیه بشارت داده و می‌فرماید:

هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لینهطره علی الدین کله ولو کره المشرکون^(۱)
«او (خداوند) کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد، تا آن را بر همه آئین‌ها غالب گرداند، هر چند مشرکان کراهت داشته باشند»
پر واضح است که وعده‌های خداوند حق می‌باشد و هرگز تخلف‌پذیر نیست به عبارت دیگر هر چه را خدایتعالی وعده دهد به حکم آیات قرآن، محقق شده و تخلف از آن نمی‌شود، چنانکه در سوره نساء آمده است:

وعد الله حقاً و من اصدق من الله قیلاً

«وعدده خدا راست است و کسی راستگوتر از او در سخن و گفتار نیست».
و جمله «و لو کره المشرکون» که در جملات دعای ندبه و آیات قرآن آمده است، حتمی بودن پیروزی و غلبه اسلام را بر دیگر ادیان و مسلکها ثابت می‌کند به این معنا که اگر چه مشرکان از گسترش اسلام کراهت داشته باشند و مخالفت کنند، ولی خدایتعالی این غلبه را برای اسلام محقق می‌سازد.

شاید سؤالی که به ذهن خطور کند این باشد که پس چرا اسلام جهانگیر نشده است؟ و پیروزی همه جانبه اسلام بر تمامی ادیان عالم تاکنون تحقق نیافته است؟ در جواب عرض می‌کنیم: هنگامی که به روایات که در تفسیر این آیه شریفه «هو الذی ارسل رسوله...» آمده است رجوع می‌کنیم می‌بینیم معنای آن را چنین بیان کرده‌اند که این امر یعنی پیروزی کامل اسلام به دست توانای

۱- سوره توبه - آیه ۲۳، سوره فتح - آیه ۲۸، سوره صف - آیه ۹.

آخرین فرزند معصوم و جانشین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله صورت می گیرد چنانکه در تفسیر مجمع البیان حضرت امام محمد باقر علیه السلام ذیل آیه شریفه می فرماید:
وعدہای که در این آیه است به هنگام ظهور مهدی علیه السلام صورت می پذیرد و در آن روز هیچکس در روی زمین نخواهد بود مگر اینکه اقرار به حقانیت محمد صلی الله علیه و آله می کند (۱)

و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام می فرماید:
به خدا سوگند هنوز محتوای این آیه تحقق نیافته است و تنها زمانی تحقق می پذیرد که قائم علیه السلام ما خروج کند و به هنگامی که او قیام کند کسیکه خدا را انکار نماید در تمام جهان باقی نخواهد ماند.

و ذلک بعد ان بوئته مبعوء صدق من اهلہ

«این وعده پیروزی را وقتی به او دادی که او را با فتح و پیروزی به جایگاه صدق و راستی (مکه) بازگردانیدی»

بوئته، مبعوء - از ماده «بوء» به معنای جایگاه صدق و راستی
این وعده ظفر و پیروزی که خدایتعالی به پیامبر اکرم عطا کرده پس از آن بود که حضرتش را به شهر مکه مکرمه که شهر و مکان امن است بازگردانید.
و در این فراز از دعا اشاره به اهمیت و ارزش و قداست مکه است که مرکز نزول وحی بوده و مکانی بوده که حضرتش از آنجا مبعوث شده و قیام نمود و

۹۰..... تفسیر و شرح دعای ندبه

پس از اینکه مشرکان حضرتش را از آن شهر الهی خارج کردند دوباره خدایتعالی به آن شهر بازگردانید و این امر که مکه معظمه از تسلط پیامبر اکرم و فرزندانش خارج گردیده، باز خدایتعالی با ظهور حضرت بقیه الله آن را به فرزندان پاک پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ باز می گرداند و تحت تسلط آنان قرار می دهد.

و در روایات آمده است که خانه کعبه مکان مقدسی می باشد و از اول خلقت آدم عَلَيْهِ السَّلَام بنا شده و در زمان حضرت نوح عَلَيْهِ السَّلَام و حضرت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام تجدید بنا گردید، این مکان مقدس از اول خلقت تا پایان خلقت نقش مؤثری در عالم آفرینش داشته و دارد بطوری که اکثر انبیاء از آن مکان مقدس مبعوث شده اند چنانکه خاتم الانبیاء پیامبر اسلام از این مکان مقدس مبعوث شد و همچنین خاتم الاوصیاء حضرت بقیه الله عَلَيْهِ السَّلَام نیز از این مکان مقدس قیام می کند و جهان را به صلح می کشاند.

مطلب حائز اهمیت که در این فقره از دعای ندبه آمده است بیان ارزش و قداست مکه مکرمه است که از آن به تعبیر «مبوا صدق» یعنی جایگاه صدق، شده است

و در قرآن نیز راجع به حضرت ابراهیم می فرماید که وی را در شهر مکه ماوا دادیم.

و اذ بوأنا لابراهيم مكان البيت (۱)

حضرت ابراهیم با هدایت های خدایتعالی به سرزمین مقدس که همان مکه

معظمه باشد راهنمایی شد و حضرت ابراهیم همراه با خانواده خود در آن مکان مقدس مستقر شد و رسالت خود را از آنجا شروع کرد.

و همچنین در مورد بنی اسرائیل نیز این امر واقع شد به این معنا که پس از آنکه فرعونیان بر سرزمینهای پاک تسلط پیدا کردند خدایتعالی بنی اسرائیل را به آن سرزمینهای پاک و مقدس برگردانید و تحت تسلطشان در آورد لذا در سوره ابراهیم از ارزش و قداست مکه معظمه چنین می فرماید:

و لقد بوأنا بنی اسرائیل مبوأ صدق (۱)

«ما بنی اسرائیل را در جایگاه نیکو و راستی منزل دادیم»

وجعلت له و لهم اول بیت وضع للناس للذی بیکه مبارکاً و هدی للعالمین

«و قراردادی برای او و اهل بیتهش اولین خانه‌ای را که عبادتگاه مردم بوده، و آن سرزمین مکه است که مبارک و هدایت برای جهانیان است».

در اینجا امام علیه السلام در قالب این جملات اشاره به پایگاه تبلیغاتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اوصیاء گرامیشان علیهم السلام می کند به این معنا که خدایتعالی برای آنها مکان کعبه را جهت اعلام و دعوت خلق به سوی توحید و کمال قرار داد لذا می فرماید: «جعلت له و لهم» یعنی برای پیامبر و خاندانش و سپس خصوصیات و قداست کعبه را در الفاظی که از آیات قرآن برگرفته شده است بیان می کنند چنانکه در سوره عمران آمده است

۹۲..... تفسیر و شرح دعای ندبه

اول بیت وضع للناس للذی یبکة مبارکاً و هدی للعالمین

این آیه شریفه چند خصوصیت از امتیازات خاص مکه را معرفی می‌کند و می‌فرماید:

۱- اول مکانی که برای همه مردم به عنوان مرکز هدایت قرار داده شد. «اول بیت وضع للناس»

۲- خصوصیت دیگر اینکه این مکان مقدس، مبارک و با خیر همراه است. «للذی یبکة مبارکاً»

۳- خصوصیت سوم این است که این مکان برای هدایت جهانیان به خدایتعالی تعیین شده است. «هدی للعالمین»

فیه آیات بینات مقام ابراهیم و من دخله کان امنا

«در آن نشانه‌های روشن و آشکاری هست همانند مقام ابراهیم و هر کسی داخل آن شود در امن و امان است.»

از خصوصیات دیگر این مکان مقدس نشانه‌های روشنی است از خداپرستی و توحید و معنویت چنانکه می‌فرماید «فیه آیات بینات مقام ابراهیم»

آیات و نشانه‌های روشنی که وجود دارد عبارتند از حجر الاسود، حطیم، زمزم، رکن یمانی، حجر اساعیل و ارکان اربعه، صفا و مروه که هر یک آیه و نشانه‌هایی هستند برای توجه و اقبال به پروردگار متعال، سپس مقام ابراهیم را

یاد آور می شود که مکانی بوده حضرت ابراهیم در آن محل ایستاد و عموم جهانیان را دعوت به سوی اعمال حج و توحید نمود.

و در جمله آخر می فرماید: «من دخله کان امنا» یعنی هر کس داخل در این مکان مقدس شود، در امن الهی قرار می گیرد و این همان دعائی است که حضرت ابراهیم علیه السلام از خدایتعالی طلب نمود:

و اذ قال ابراهیم رب اجعل هذا البلد امنا

«و آن هنگامی که ابراهیم گفت: خدایا این شهر را مکان امن قرار ده».

از خصوصیات معنوی کعبه این است که از جانب حق تعالی مکان امن معرفی شده است و هر کس داخل آن شد در ایمنی کامل به سر می برد و هیچ کس حق ندارد در این مکان مقدس سلب امنیت نماید و تا حتی حیوانات باید در این مکان مقدس از هر اذیت و آزاری در امن باشند.

چنانکه امام جعفر صادق علیه السلام میفرمایند:

هر کس از مردم به حرم پناهنده شود در امان است و هر کس از گنهکاران داخل خانه شود و به آن پناه ببرد، از خشم خدا در امان است و حیوانات و حتی درندگان و پرندگان که وارد حرم شوند از هر گونه شوراندن یا آزاری در امانند تا زمانی که از حرم بیرون شوند^(۱)

۹۴..... تفسیر و شرح دعای ندبه

و قلت انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا

«و فرمودی: همانا خدا اراده فرموده از شما اهل بیت هر پلیده و ناپاکی را دور سازد و کاملاً پاک و مبرا گرداند»

بعد از اینکه عظمت مکان بیت الحرام بیان شد و پیوستگی آن با پیامبر اکرم و خاندانش ذکر گردید در این جملات از دعا شروع در قداست و طهارت پیامبر اکرم و خاندانش می‌کند و در غالب دعا خطاب به خدایتعالی می‌فرماید: قلت: یعنی «ای پروردگارا! تو گفتی» که اشاره به آیه از سوره احزاب دارد که در آن آمده است:

انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا^(۱)

این آیه شریفه در طهارت و عصمت حضرت رسول اکرم و خاندان پاکش نازل شده است که با صراحت کامل آنها را از هر پلیدی مادی و معنوی منزّه می‌دارد و مقصود از «انما یرید الله» اراده تکوینی خداوند است که «رجس و هر بدی» را از آن ذوات مقدسه دفع می‌کند نه رفع، چون «ازالۀ رجس» به دو صورت متصور است ۱- دفع، ۲- رفع.

و دفع آن است که از اول زمانی که خدایتعالی آن ذوات مقدسه را خلق نمود رجس و پلیدی را از آنان دفع نمود. و رفع آن است که بعضی از سادات یا اولیاء خدا با تزکیه نفس خدایتعالی از آنها رجس و پلیدی را رفع می‌کند و به

اندازه ظرفشان آنها را به طهارت معنوی می‌رساند البته پر واضح است که این طهارت نسبی می‌باشد و افراد با یکدیگر در طهارت معنوی فرق دارند و یکسان نمی‌باشند.

با ملاحظه موارد استعمال لفظ «رجس» در آیات و روایات که به معانی نجاست، ناپاکی، پلیدی، زشتی، جهل و کفر آمده است می‌توان گفت این لفظ هم شامل پلیدی محسوس و ظاهری می‌شود و هم شامل آلودگی معنوی و باطنی می‌گردد و شکی نیست که آیه تطهیر شهادت به دفع تمامی پلیدیها و ناپاکیها با تمام موارد آن از وجود مقدس ائمه معصومین علیهم‌السلام می‌دهد و آنها را از هر پلیدی و ناپاکی ظاهری و باطنی و جهل و کفر و اشتباه مبرا و منزه می‌گرداند. و سپس با جمله «لیطهرکم تطهیرا» این پاکی و تنزیه را مورد تاکید قرار می‌دهد. که قطعاً مقصود نفی و دفع همه نوع پلیدی خواهد بود که نتیجه آن عصمت از خطا و نسیان و جهل، که بالاترین مراتب عصمت است نیز می‌گردد و الا تاکید آن وجهی نداشت لذا این نوع طهارات و عصمت مخصوص پیامبر اکرم و خاندان معصومش می‌باشد و تا حتی انبیاء با آنان در این عصمت و طهارت شریک نمی‌باشند و به همین جهت است که در ابتداء آیه شریفه کلمه «انما» آورده شده است که از ادات حصر است به این معنا که این عصمت و طهارت فقط انحصار به رسول اکرم و فرزندان معصومش دارد لاغیر.

چنانکه در زیارت جامعه این مقام عظمی را چنین بیان می‌کند:

۹۶..... تفسیر و شرح دعای ندبه

عصمکم الله من الذل و امنکم من الفتن و طهرکم من الدنس و اذهب عنکم الرجس
و طهرکم تطهیرا

«خداوند شما را از لغزشها ننگه داشته و از فتنه‌ها در امان داشته، و از پلیدیها پاک نموده، و رجس و پلیدی و کثافت را از شما بر طرف نموده، و پاک گردانده شما را پاک گرداندنی»

مطلب دیگر که باید به آن تذکر داد معنا و مقصود «اهل البیت» است.

به شهادت روایات فریقین شیعه و سنی مقصود و منظور از «اهل البیت» در این آیه شریفه فقط علی بن ابیطالب علیه السلام و فاطمه زهرا علیها السلام و حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نقر از فرزندان حسین علیه السلام می باشند و ما به جهت اختصار به دو حدیث از عامه اکتفا می کنیم در کتاب کفایة الخصام از عایشه دختر ابوبکر می نویسد:

روزی صبح رسول، خدا از اطاق بیرون شد در حالی که برتن عبائی سیاه رنگ از مو داشت، در این هنگام حسن بن علی علیه السلام درآمد، رسول خدا او را به زیر عبا داخل کرد بعد از او حسین آمد علیه السلام او را هم داخل کرد، پس از او فاطمه علیها السلام آمد او را هم به زیر عبا درآورد سپس علی علیه السلام آمد او را نیز داخل کرد آنگاه گفت: انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا.

و در روایتی دیگر از خاصه نقل می شود: که امیر المؤمنین علی علیه السلام می فرماید روزی به خدمت رسول خدا به خانه ام سلمه رفتم و آیه انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس و اهل البیت و یطهرکم تطهیرا بر آن حضرت نازل شده بود،

رسول خدا ﷺ فرمود: یا علی این آیه در شأن تو و دو فرزندم حسن و حسین و ائمه علیهم السلام از اولاد حسین نازل شده، علی علیه السلام گفت: یا رسول الله امامان بعد از شما چند نفرند؟

فرمود: تو یا علی! و بعد حسن و حسین و بعد از حسین علی فرزندش و بعد از علی پسرش محمد و بعد از محمد پسر او جعفر و بعد از جعفر پسرش موسی و بعد از موسی فرزندش علی و بعد از علی پسرش محمد و بعد از محمد پسرش علی و بعد از علی پسرش حسن و بعد از او حجت بن الحسن و این است نامهای ایشان که به ساق عرش نوشته شده است.

و من از خدای تعالی سؤال کردم از آنها فرمود: یا محمد ﷺ! اینانند امامان بعد از تو که همه مطهر و معصوم اند و دشمنان ایشان همه مطرودند.

لازم به ذکر است که بعضی خواسته اند بگویند مقصود از «اهل بیت» در آیه شریفه زنان پیغمبر هستند چون به آنها نیز اهل بیت گفته می شود. در جواب این افراد می گوئیم اولاً اگر مقصود زنان پیامبر بود ضمیر «عنکم» که ضمیر جمع مخاطب مذکر است غلط می بود چون این ضمیر مذکر برای مردان است و اطلاق آن بر زنان پیامبر صحیح نیست و یقیناً قرآن از غلط و اشتباه مبرّی است. ثانیاً روایات بسیار زیاد و متواتر از شیعه و سنی در این باب وارد شده است که مقصود از «اهل بیت» علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام و حسن علیه السلام و حسین علیه السلام می باشند. ثالثاً اهل بیت شخص افرادی هستند که انتساب نسبی داشته باشند نه سببی و همسران پیامبر جملگی انتساب سببی داشتند که بوسیله

۹۸..... تفسیر و شرح دعای ندبه

عقد حاصل شده بود و اگر هم در بعضی موارد به زن، اهل بیت اطلاق می شود مجازی است نه حقیقی چون زنی که مدتی در نکاح و عقد مردی باشد با او محرم است و هنگامی که طلاق داده شد و با مرد دیگری ازدواج نمود اهل بیت زوج اول شمرده نمی شود و با او نامحرم است.

ثم جعلت اجر محمدٍ صلواتک علیه و آله مودتهم فی کتابک فقلت : قل لا
اسألکم علیه اجراً الا المودة فی القربی، و قلت: ما سألتکم من اجر فھولکم،
و قلت: ما اسألکم علیه من اجر الا من شاء ان يتخذ الی ربه سیلاً

«سپس تو ای پروردگار در قرآن اجر و پاداش پیامبرت محمد که درود تو بر او و آتش باد، محبت و دوستی آنان قراردادی و فرمودی: بگو ای پیامبر! من از شما اجر رسالت را جز دوستی و محبت به نزدیکانم نمی طلبم، و باز فرمودی: بگو هر اجر و پاداشی که از شما خواستم به نفع خود شما است. و باز فرمودی: بگو من از شما اجر رسالت نمی خواهم مگر آنکه کسی بخواهد راهی به سوی خدا در پیش گیرد».

خدایتعالی در مقابل زحمات طاقت فرسای پیامبر اکرم از امت خواسته است که فرزندان را دوست داشته و به آنها محبت ورزند و این یک امر الهی بوده به این معنا که خدایتعالی از خلق خواسته است که مودت و محبت به فرزندان رسولش داشته باشند لذا علمای شیعه و سنی فتوی بر وجوب محبت به اهل بیت علیہم السلام داده اند و سر آن این است که محبت و مودت به فرزندان

رسول خدا که در حقیقت تداوم خط رهبری و ادامه راه پیامبری است، آنها را در مسیر و صراط اهل بیت علیهم السلام قرار می‌دهد و هر چه مودت و محبت در قلب بیشتر شود، در اعضا و جوارح اثر کرده و آنها را بیشتر در مسیر اهل بیت علیهم السلام قرار می‌دهد. لذا خدایتعالی از طریق محبت که یک راه معنوی است خواسته مردم هدایت شوند و به بی راه نیفتند لذا چنانکه در این فقره از دعای ندبه آمده است خدایتعالی در قرآن پاداش اجر پیامبر را محبت و مودت آن حضرت و فرزندان او قرار داد، سپس آیاتی که دلالت بر وجوب مودت و محبت است ذکر می‌کند:

قل لا اسئلكم عليه اجراً الا المودة فى القربى (۱)

و سپس در آیه دیگر تصریح می‌شود که این محبت و مودت شما به اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله به خود شما باز می‌گردد به این نحو که به سبب این مودت و محبت، از آنان پیروی کنید و موجبات سعادت دنیا و آخرت خود را فراهم سازید به عبارت دیگر این اظهار محبتها به منزله اجر و مزد زحمات پیامبر اکرم است و الا اجر و مزد واقعی رسول خدا را فقط خدایتعالی است که می‌تواند بپردازد. لذا در آیه بعدی به این مطلب تصریح می‌کند و می‌فرماید:

قل ما سئلتکم من اجر فهو لکم ان اجرى الا على الله (۲)

و در آیه دیگر می‌فرماید: هر کسی می‌خواهد به سوی خدایتعالی راهی باز کند و ارتباطی داشته باشد به امر محبت و مودت اهل بیت علیهم السلام اقدام کند:

۱۰۰..... تفسیر و شرح دعای ندبه

قل ما اسئلكم عليه من اجر الا من شاء ان يتخذ الى ربه سبيلا^(۱)

خلاصه اینکه محبت و مودت چیزی نیست که نفعش به پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ برسد بلکه صد در صد نفعش به خود شما بر می‌گردد و راه رسیدن به سوی خدا را برای شما هموار می‌گرداند.

مطلب دیگر که لازم به ذکر است این است که در تفاسیر شیعه و سنی آمده است که «ذوالقربی» پیامبر اکرم فرزندان پیامبر از فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ و علی عَلَيْهِ السَّلَامُ هستند.

فكانوا هم السبيل اليك و المسلك الي رضوانك

«پس همان اهل بیت پیامبر گرامیند که طریق و رهبر به سوی تو اند، و راه رسیدن به بهشت رضوان و راه رسیدن به رضا و خوشنودی تو می‌باشند»
بعد از اینکه در جملات قبل و جوب محبت و مودت اهل بیت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ را از آیات قرآن بیان فرمود در اینجا بعضی از خصائص و صفات ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَامُ را بیان می‌کند که می‌توان از طریق آنها راه سلوک و سیر الی الله را پیمود تا اینکه به «رضوان الهی» رسید و به همین مطلب زیارت جامعه اشاره می‌کند و می‌فرماید:

فبكم يسلك الي رضوان

«بوسیله شما می‌توان به سوی بهشت راه یافت»

و اما اینکه ائمه اطهار عَلَيْهِمُ السَّلَامُ «سبیل الله» هستند روایات متعددی بر آن دلالت

می‌کند از جمله در زیارات آمده است:

انتم یا ساداتی السبیل الاعظم^(۱)

«شما ای سروران من، طریق بزرگ و راه اعظم خدائید»

و در جای دیگر آمده است:

انتم السبیل الاعظم و الصراط الاقوم^(۲)

«شما راه اعظم و طریق مقاوم خدائید»

و اما اینکه اهل بیت عصمت و طهارت «مسلك الهی» می‌باشند نیز روایاتی

بر این معنا دلالت می‌کند از جمله اینکه:

یسلك بكم الطريق المستقیم^(۳)

«بواسطه شما می‌توان راه مستقیم را پیمود»

بكم یسلك الی الرضوان^(۴)

و در روایتی دیگر آمده است:

(فان رسول الله ﷺ سبيله الذی من سلکه وصل الی الله عزوجل و کذلک کان

امیرالمؤمنین من بعد^(۵))

«تحقیقاً رسول خدا طریق رسیدن به خداست که هر کس با اطاعت، از وی

پیروی کند به خدا می‌رسد و همچنین است امیرالمؤمنین علی^{علیه السلام} بعد از او»

۲- بحار جلد ۱۰۲ صفحه ۱۵۱.

۴- بحار جلد ۱۰۲ صفحه ۱۳۲.

۱- بحار جلد ۱۰۰ صفحه ۳۴۴.

۳- بحار جلد ۳۸ صفحه ۱۳۸.

۵- بحار جلد ۱۶ صفحه ۳۵۹.

۱۰۲..... تفسیر و شرح دعای ندبه

در زیارت حضرت امام عصر علیه السلام آمده است:

السلام عليك يا سبيل الله الذي من سلک غيرہ هلك (۱)

«سلام بر شما ای راه خدا که هر کسی از غیر این راه برود هلاک می شود»

فلما انقضت ایامه اقام ولیه علی بن ابیطالب صلواتک علیهما و الهما هادياً

اذکان هو المنذر و لكل قوم هاد

«سپس چون عمر پیامبر سپری گشت به وصایت و جانشینی خود علی ابن ابیطالب را که درود تو بر آن دو و فرزندانشان باد، برای هدایت و راهنمایی امت گماشت، همچنانکه او منذر است برای هر قومی هادی و راهنمایی است»

در این فراز از عبارت دعا، مسئله جانشینی پیامبر را پیش می کشد و می فرماید بعد از اینکه دوران عمر رسول خدا صلی الله علیه و آله سپری گشت آن حضرت مردم را بدون رهبر و جانشین قرار نداد بلکه برادرش و وصیش علی بن ابیطالب علیه السلام را به عنوان امام و هادی امت قرار داد.

از این عبارت خلافت بلافصل علی بن ابیطالب علیه السلام نیز روشن می شود و همچنین از این جمله چنین بدست می آید که افرادی که بعد از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله ادعای خلافت کردند همه بر باطل بوده و به خواست رسول خدا صلی الله علیه و آله نبوده است، و باصراحت روایات بیشماری از فریقین شیعه و سنی فقط و فقط جانشین و خلیفه رسول خدا حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام بوده نه غیر.

قسمت اول ۱۰۳

سپس می فرماید: اذ كان هو المنذر و لكل قوم هاد.

چون انبیاء انذار و بیم از کفر و بت پرستی و از آینده سختی که در پیش دارند می دادند و سپس راه توحید و صراط مستقیم را به مردم معرفی می کردند «منذر» بودند و بعد از ارتحال انبیاء جانشینان آنها چون نبی نبودند و شریعت یا مسلکی را نمی توانستند وضع کنند کارشان هدایت به همان شریعت پیامبری بوده که بجای او معرفی گردیده اند، لذا به این جانشینان «هادی» یعنی هدایت کنند به راه پیامبر، گفته می شود و در اسلام پیامبر اکرم پس از اینکه ابلاغ رسالت نمودند و مردم را از بت پرستی انذار دادند و دعوت به توحید و شریعت مقدس اسلام نمودند برای گمراه نشدن از راه و روشی که برای امت تعیین کرده بودند، در غدیر خم جانشین را به امر پروردگار به امت معرفی کردند که حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام بود. لذا حضرتش و فرزندان معصومشان «هادی» امت می باشند.

و در قران نیز پیامبر را به معنای «منذر» و امام را «هادی» معرفی می کند و می فرماید: انما انت منذر و لكل قوم هاد (۱)

ذیل این آیه شریفه از امام محمد باقر علیه السلام نقل شده که فرمود: منذر رسول خدا صلی الله علیه و آله است و علی علیه السلام هادی می باشد و در هر زمانی امام و پیشوایی از ما، مردم را به آنچه که پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله آورده است هدایت می کند.

۱-۴ تفسیر و شرح دعای ندبه

فقال و الملاً امامه من كنت مولاه فعلى مولاه اللهم وال من ولاه و عادمن عاداه

و انصر من نصره و اخذل من خزله

«او در حالی که جمعیت مردم پیش روی او بود فرمود: هر کسی که من مولا و پیشوای او بودم، پس علی هم مولا و پیشوای او خواهد بود، خدا دوست بدار هر که علی را دوست دارد و دشمن بدار هر که علی را دشمن دارد و یاری کن هر که علی را یاری کند و خوار و تنها گذار هر که علی را خوار و تنها گذارد.»

پس از اینکه در جملات قبل خلیفه و جانشین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را معرفی کرد و فرمود پیامبر «منذر» و علی «هادی» است، در اینجا می فرماید: پیامبر اکرم در حالی که جمعیت مسلمانان در حجة الوداع در مکانی بنام «غدیر خم» جمع شده بودند علی بن ابیطالب علیه السلام را به عنوان جانشین و امام امت تعیین نمودند و به مسلمانان معرفی کردند و سپس فرمودند:

من كنت مولاه و فعلى مولاه

«هر کس من پیشوا و ولی اویم علی نیز پیشوا و ولی او خواهد بود.»

بعضی از مورخین نقل کرده اند که پیامبر اکرم این جمله را سه مرتبه تکرار کردند و سپس در جملاتی در قالب دعا فرمودند:

بارها دوست بدار هر که علی را دوست دارد و دشمن بدار هر که علی را دشمن دارد و یاری کن هر که علی را یاری می کند و خوار و تنها بگذار هر که علی را خوار و تنها گذارد. در روایت حضرت امام رضا علیه السلام از پدران بزرگوارش از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می کنند که فرمود:

قسمت اول ۱۰۵

من كنت مولاه فعلى مولاه اللهم و ال من و لاه و عاد من عاداه و نصر من نصره و اخذل من خزله (۱)

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در واقع با این جملات دعا به مردم فهماندند هر کس به علی عَلِيهِ السَّلَام مودت و محبت داشته و او را دوست بدارد و اطاعت کند خدایتعالی او را دوست می‌دارد و هر کس با حضرتش دشمنی و اطاعت نکند دشمن خداوند خواهد بود.

خلاصه اینکه هر کس از ولایت علی عَلِيهِ السَّلَام روی بگرداند مورد غضب خداوند واقع خواهد شد چون دعای پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ حتماً به هدف اجابت مقرون می‌گردد.

و قال من كنت انا نبیه فعلى امیره

«و فرمود: هر کس که من پیامبر او هستم، علی امیر و فرمانروای اوست»
امیر- به معنای امارت و فرمانده می‌باشد.

در این عبارت از دعای ندبه مطلب بسیار مهمی که فهمیده می‌شود این است که میان نبوت حضرت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و ولایت امیر المؤمنین علی عَلِيهِ السَّلَام تلازمی وجود دارد که هرگز گسستنی نیست لذا این عبارت از زبان پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نقل شده که فرمود که هر کس من پیامبر اویم علی عَلِيهِ السَّلَام هم امیر اوست.

۱۰۶..... تفسیر و شرح دعای ندبه

و مفهوم آن این می شود که هر کس که علی امیر او نباشد من هم پیامبر او نیستم. مطلب دوم که از این عبارت بدست می آید امیر بودن علی علیه السلام است که بدون هیچ واسطه ای بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بوده، و به بیان دیگر بین پیامبر صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین هیچ فاصله ای نیست لذا او خلیفه بلافصل است و کسی نمی تواند ادعا کند که بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله من امیر هستم و بعداً علی علیه السلام. لذا لقب امیرالمؤمنین از القاب خاص حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام است که ما به بعضی روایات آن اشاره می کنیم:

کتاب وظائف الشیعه نیز نقل نموده که طبق اخبار متواتره قریب به هشتاد خبر از طرق عامه و خاصه رسیده که خدایتعالی و رسول گرامی به حضرت علی علیه السلام لقب «امیرالمؤمنین» دادند.

ابن عباس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می نماید که :

بعضی انکار این نام را برای علی علیه السلام نمودند، در این هنگام حضرت رسول صلی الله علیه و آله به منبر رفتند و فرمودند: ای مردم همانا خدای عزوجل مرا به سوی شما مبعوث نمود و فرمان داده است که علی علیه السلام را بر شما «امیر» نمایم پس هر که من پیغمبر او باشم علی نیز بر او امیر است، و این منصبی می باشد که خدا به او داده و مرا دستور داده است که آن را به شما برسانم تا آنکه شما اجابت و اطاعت کنید، پس امر خدایتعالی را فرمان برید و از آنچه نهی می فرماید بر کنار باشید همانا نباید احدی در حیات من و پس از وفات من نافرمانی علی علیه السلام نماید زیرا خدا او را بر شما امارت داده و بنام

قسمت اول ۱۰۷

«امیرالمؤمنین» نام نهاده، و احدی را قبل از او به این نام نخوانده است و من درباره علی علیه السلام رسالت خود را بشما رسانیدم.

در روایت دیگری آمده است که:

شخصی بر حضرت امام جعفر صادق علیه السلام وارد شد و عرض کرد:

السلام علیک یا امیرالمؤمنین

امام علیه السلام بر پا شدند و فرمودند: ساکت باش که هیچکس شایسته این نام نیست مگر جدم امیرالمؤمنین علی علیه السلام که خدا او را به این نام خوانده است. و در روایت دیگری وارد شده است:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هنگامی که به معراج رفتم خطاب رسید، ای پیغمبر! بخوان بر علی ابن ابیطالب این نام را «امیرالمؤمنین» که پیش از این احدی را به این نام نخوانده‌ام و بعد از این هم احدی را به این نام نخوانم.

از سلیم بن قیس هلالی نقل است که عمر گفت به ابوبکر بفرست شخصی را به سوی علی علیه السلام تا بیعت کند بجهت آنکه سلطنت و ریاست ما قوی نیست تا آنکه او بیعت نماید، سپس ابوبکر شخصی را بخدمت آن حضرت فرستاد که اجابت کن و حاضر شو نزد خلیفه رسول خدا، چون آن شخص این کلام را به علی علیه السلام رسانید آن حضرت فرمود: چه زود است دروغ بستن شما به رسول خدا صلی الله علیه و آله، ابوبکر می‌داند و اشخاصی که اطراف او هستند می‌دانند که خدا و رسول صلی الله علیه و آله کسی خلیفه قرار نداده‌اند مگر مرا!

دفعه دوم ابوبکر پیغام داد به آن حضرت که اجابت کن امیرالمؤمنین را،

۱۰۸..... تفسیر و شرح دعای ندبه

چون این پیغام به آن حضرت رسید فرمود: سبحان الله! هنوز طول نکشیده زمان رسول خدا ﷺ تا فراموش کنند! به خدا قسم ابوبکر می داند که این اسم صلاحیت ندارد مگر از برای من به درستی که رسول خدا ﷺ امر فرمود او را و شش نفر دیگر را که بر من سلام کنند به امارت مؤمنین، سپس سؤال نمود او و رفیقش از آن حضرت ﷺ که آیا این امر حق است از طرف خدا و رسول او؟ در جواب فرمود: بلی حق است از طرف خدا و رسول او بدرستی که او علی امیر المؤمنین و سید مسلمین و صاحب پرچم مؤمنینی است که در قیامت دست و پا و صورت های نورانی دارند، خداوند عزوجل علی بن ابیطالب علیه السلام را می نشاند در روز قیامت بر پل صراط و داخل می نماید اولیاء و دوستانش را در بهشت و می اندازد دشمنانش را در آتش.

یکی از علت هایی که لقب امیر المؤمنین به آن حضرت داده شده کثرة علم و حکمت است چنانکه در روایتی عبدالؤمن از حضرت امام محمد باقر علیه السلام می پرسد که به چه سببی حضرت علی علیه السلام بلقب «امیر المؤمنین» ملقب شده است؟

امام محمد باقر علیه السلام می فرمایند:

لأن ميرة المؤمنین منه وهو یمیرهم العلم

یعنی: چون غذای (معنوی و روحی) مؤمنان از اوست، که او آنان را بعلم

خود اطعام می کند.

باز در حدیث دیگری جابر جعفی از امام محمد باقر علیه السلام سؤال کرده و

عرض می‌کند:

فدایتان شوم! برای چه حضرت علی علیه السلام به «امیر المؤمنین» ملقب شدند؟
فرمود: برای اینکه به آنان علم و دانش اطعام می‌کرد آیا نشنیدی نمونه گفته
کتاب خداوند عزوجل را (در سوره یوسف آیه ۶۵) «ونمیر اهلنا» راجع به
پسران یعقوب پیامبر است که گفتند برای کسان خویش آذوقه می‌آوریم.
این بود علت و وجه دیگری از اعطاء لقب
امیرالمؤمنین به علی بن ابیطالب علیه آلاف تحية
والثناء.

وقال انا و علی من شجرة واحدة و سایر الناس من شجر شتى

«و فرمود: من و علی از یک درختیم و سایر مردم از درختهای مختلف و
پراکنده می‌باشند»

این عبارت اتحاد روحی پیامبر و علی علیه السلام را می‌رساند که هر دو یک روح
در دو کالبد هستند و به عبارت دیگر حقیقت نوری پیامبر و علی علیه السلام یکی
است و از یک نور خلق شده‌اند چنانکه در زیارت جامعه می‌خوانیم: ان
ارواحکم و نورکم و طیتتم واحدة

بخلاف سایر مردم که در اصل خلقت با پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام فرق دارند
و از طینتهای دیگری خلق شده‌اند در کتابهای تفسیری ذیل سوره ابراهیم در آیه
نور که می‌فرماید:

۱۱۰..... تفسیر و شرح دعای ندبه

الم ترکیف ضرب الله مثلاً کلمة طيبة کشجرة طيبة اصلها ثابت و فرعها فی السماء (۱)
در ذیل این آیه شریفه از حضرت رسول ﷺ نقل کرده است که: من و علی
از یک شجره هستیم و سایر مردم از شجرهای دیگر و متعدد:
انا و علی من شجرة واحدة و سائر الناس من اشجار شتى و علی منی و انا من علی (۲)
و در روایت دیگر پیامبر اکرم ﷺ به علی علیه السلام می فرماید:
یا علی خدا مردم را از درختهای مختلف آفریده و من و تو را از یک درخت
آفریده، من ریشه آن می باشم و تو شاخه آن می باشی.
این مطلب را متذکر شویم که دیگر معصومین و فرزندان صالح آنها نیز از
همین شجرة طيبة می باشند چنانکه در روایات آمده است:
شجرة طيبة پیامبر و علی و فاطمه و فرزندان آنها هستند.
چنانکه از امیر المؤمنین نقل شد: نحن شجرة النبوة و محط الرسالة
ما اهل بیت رسول خدا همان درخت نبوت بوده و رسالت خدا و پیامهای او
در خانه های ما فرود آمده است (۳)

۱- سوره ابراهیم - آیه ۲۴. ۲- مصباح الهدایة صفحه ۶۰.

۳- نهج البلاغه فقیهی خطبه ۱۰۸ صفحه ۳۳۷.

واحله محل هارون من موسى فقال له انت منى بمنزلة هارون من موسى الا انه

لانى بعدى

«پیامبر علی را نسبت به خود در مقامی همانند مقام هارون به موسی اعلام نمود و فرمود: تو در نزد من بمنزله هارون نسبت به موسی هستی جز آنکه بعد از من پیامبری نیست»

یکی دیگر از ادله خلافت بلافصل علی علیه السلام حدیث منزلت است که شیعه و سنی آن را نقل کرده‌اند و این فراز از دعای ندبه به آن اشاره می‌کند و آن این است که پیامبر اکرم محل و منزلت هارون را که نسبت به موسی داشت، به حضرت علی علیه السلام داد.

و او را شریک و وزیر خود دانست و آن سرور را خلیفه بلافصل خویش و بازوی رسالت معرفی کرد که از این طریق تمام اثار وزارت و شراکت و خلافت پیامبر خدا برای علی بن ابیطالب علیه السلام اثبات می‌گردد و اگر آن حضرت خاتم پیامبران نبودند حضرت علی علیه السلام در رسالت و نبوت نیز با پیامبر خدا شریک می‌شد.

هنگامی که حضرت موسی علیه السلام از جانب پروردگار امر شد که به سوی طغیانگر زمان خود یعنی فرعون برود و فرمان الهی را به او و بنی اسرائیل ابلاغ کند از حقتعالی خواست که برادرش هارون را در امر نبوت و ابلاغ رسالت وزیر و مددکارش قرار دهد و عرض کرد:

۱۱۲..... تفسیر و شرح دعای ندبه

واجعل لی وزیراً من اهلی هارون اخی (۱)

و در حدیث دیگری آمده است که:

پیامبر اسلام همان خواسته‌های حضرت موسی را از خدایتعالی طلب کرده تکرار نمود و نیز همان مسائل را که موسی علیه السلام برای پیشبرد اهدافش از خدا خواسته بود (مثل اینکه گفت: سینه‌ام را گشاده نما و کار را بر من آسان ساز و از زبانم گره را بگشا و برادرم هارون را وزیرم قرار بده) نیز تمنا نمود.

عده زیادی از اصحاب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می‌کنند که:

رسول خدا صلی الله علیه و آله به سوی تبوک حرکت کرد و علی علیه السلام را به جای خود قرار داد، علی علیه السلام عرض کرد: آیا مرا در میان کودکان و زنان می‌گذاری؟ و اجازه نمی‌دهید با شما به میدان جهاد بیایم؟

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

الا ترضی ان تكون منی بمنزلة هارون من موسی، الا انه لانی بعدی

«آیا راضی نیستی که نسبت به من همانند هارون نسبت به موسی باشی جز اینکه پیامبری بعد از من نخواهد بود».

و همچنین از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده است پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

یا علی! منزلت تو نسبت به من مانند منزلت شیث است به آدم، و منزلت سام است به نوح، و منزلت اسحق است به ابراهیم، و منزلت هارون است به

موسی، و شمعون است به عیسی، مگر آنکه پیغمبری بعد از من نیست.

یا علی! توئی وصی و خلیفه من و هر که انکار کند وصایت و خلافت تو را از من نیست و من از او نیستم.

یا علی! تو نسبت به همه امت من در فضیلت برتر و در فرمانبرداری خدا و پیغمبر بیشتری و در حلم و بردباری افزونتر و در قوّت قلب دلیرتر و در بخشش سخی تری.

یا علی! توئی بعد از من امام و امیر، و توئی صاحب اختیار و وزیر، و در میان امت من بی نظیری.

یا علی! توئی قسیم جنت و نار، به نشانه دوستی تو شناخته می شوند ابرار از فجّار و ممتاز می شوند اشرار از اخیار و مؤمنین از کفّار (۱)

جابر بن عبدالله انصاری نقل نموده: رسول خدا ﷺ فرمودند، همانا خدای تبارک و تعالی مرا برگزید و اختیارم نمود و پیغمبرم قرار داد و بزرگترین کتابها را بر من نازل کرد.

پس گفتم: خدای من! سید من! تو موسی را سوی فرعون فرستادی سپس از تو خواست که برادرش هارون را وزیرش قرار دهی تا بسبب او نیرومند شود و گفتارش را تصدیق نمایند و من از تو می خواهم ای سید من و خدای من که از خاندانم برای من وزیری قرار دهی، تا بسبب او مرا نیرومند نمائی، پس علی را برای من وزیر و برادر قرار بده و شجاعت را در دلش بده و بر دشمنش پیروزی

۱۱۴..... تفسیر و شرح دعای ندبه

و شکوهش بده.

او نخستین کسی است که به من ایمان آورده و مرا تصدیق نموده و نخستین کسی است که با من خدا را به وحدانیت ستوده، و من آنها را از پروردگارم خواستم و عطايم فرمود.

پس اوست سید اوصیا، پیوست با او سعادت، و مرگ در راه اطاعتش شهادت است و نامش در تورات با نام من قرین است و همسرش صدیقه کبری دختر من است، و دو پسرش دو بزرگ جوانان اهل بیت دو پسر من هستند، و او و آن دو و امامان پس از آنان حجت‌های خداوند بر خلق خدا پس از پیامبران و آنان درهای دانشند در امت من، هر کس پیرو آنان شد از آتش رسته و هر کسی به آنان اقتدا کرد سوی راه راست هدایت یافته، خدا محبت آنان را به بنده‌ای نمیدهد مگر که او را در بهشت داخل می‌نماید^(۱)

الآن لانی بعدی - این جمله از دعای ندبه خاتمیت رسول اکرم صلی الله علیه و آله را می‌رساند که نبوت به آن حضرت ختم می‌شود و پس از حضرتش تا روز قیامت پیامبری از جانب حق نخواهد آمد.

نکته ظریفی که از این عبارت و عبارت قبل فهمیده می‌شود این است که اگر پیامبر اسلام، آخرین پیامبر نبودند حتماً علی علیه السلام پیامبر می‌بود و چون بوسیله رسول اکرم نبوت خاتمه یافت حضرت علی علیه السلام نیز نبی نشدند.

چنانکه قرآن در سوره احزاب به خاتمیت رسول اکرم تصریح نموده و می‌فرماید:

ماکان محمد ابا احد من رجالکم و لکن رسول الله و خاتم النبیین^(۲)

۲- سوره احزاب - آیه ۴۰.

۱- ینابیع المودة صفحه ۶۲.

و زوجة ابنته سيدة نساء العالمين

«و دختر گرامیش را که بزرگ و سرور زنان عالم است به علی تزویج نمود» یکی از امتیازاتی که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در میان تمامی اصحاب بلکه تمامی بشر به حضرت علی عَلِيٌّ داد همسری با فاطمه الزهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ بوده «چون فقط حضرت امیرالمؤمنین علی عَلِيٌّ بوده که از نظر شایستگی و مقام بلند معنوی لیاقت همسری با فاطمه زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ را داشته نه غیر.

در این جمله از دعا هم عظمت و جلالت فاطمه زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ بیان شده و هم افتخار همسری و شایستگی قرابت با پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ برای علی بن ابیطالب عَلِيٌّ بیان گردیده شده که به امر پروردگار واقع شد، چنانکه رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در روایتی می فرماید: ان الله امرني ان ازوج فاطمة من علي؛ یعنی پروردگارم به من امر فرمود تا فاطمه را به علی تزویج کنم (۱)

لذا بعنوان یک امر بسیار مهم و حائز اهمیت می فرماید «و زوجة ابنته» به همسری داد دخترش را به علی عَلِيٌّ، آنها آن دختری که این صفت دارد «سيدة نساء العالمين» است. یعنی بزرگ و سرور تمام زنهای جهانیان از اولین و آخرین است. البته این نکته را در تفسیر و شرح زیارت استغاثه بیان کرده ایم اینجا هم به مناسبت ذکر جمله «سيدة النساء العالمين» عرض می کنیم که فاطمه زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ سرور و بزرگ بر تمامی زنان و مردان عالم است و علت اینکه حضرتش سرور و بزرگ زنهای عالم معرفی شده، روشن و واضح می باشد

۱۱۶..... تفسیر و شرح دعای ندبه

چونکه در عالم وجود از اول خلقت تا انقضاء آن هیچ زنی نیامده و نخواهد آمد که بر فاطمه زهرا علیها السلام برتری و امتیاز داشته باشد و اما نسبت به مردان، به استثناء رسول ختمی مرتبت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و امیر المؤمنین حضرت علی ابن ابیطالب علیه السلام هیچ مردی نیامده و نخواهد آمد که بر فاطمه زهرا مقدم باشد و برتری داشته باشد و تا حتی ائمه معصومین دیگر مثل امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام و دیگر ائمه هدی علیهم السلام که چون فاطمه مادرشان می باشند بر آنها نیز برتر و مقدم می باشند. لذا حضرتش سرور و بزرگ تمام زنان و مردان عالم می باشند به استثنای پدرشان و علی علیه السلام.

چنین بانویی در عالم وجود همسری می خواهد که با وی هم کفو و هم سطح باشد و این شخص جز حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام کسی دیگر نبود و به همین جهت نیز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

لولا علی لما کان لفاطمة کفو

و در این فقره از دعای ندبه بعنوان یک امتیاز بسیار بزرگی در فضیلت و برتری علی بن ابیطالب علیه السلام بر سایرین، همسری فاطمه علیها السلام را برای امیرالمؤمنین علیه السلام یاد آور می شود. که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بزرگترین ثروت معنوی خویش را به علی بن ابیطالب می دهد تا زمینه خلفاء آینده اسلام یعنی ائمه هدی علیهم السلام فراهم شود.

و احلّ له من مسجدہ ما حلّ له و سدّ الابواب الابابہ

«و حلال کرد برای علی در مسجدش آنچه را که برای خودش حلال بود و درهای منازل اصحاب که به مسجد باز بود بحکم خدا بست جز درخانه علی را» در این فقره از دعای ندبه یکی دیگر از سلسله مناقب و فضائل حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام بیان می شود و آن تساوی علی بن ابیطالب علیه السلام با نفس پیغمبر می باشد به عبارت دیگر همانگونه که پیامبر اکرم در بعضی از احکام اسلام مستثنی هستند علی بن ابیطالب علیه السلام نیز از سایر مردم در بعضی از احکام اسلام مستثنی هستند و با پیامبر اکرم مساوی می باشند که یکی از آن احکام این بود که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به امر پروردگار درهای خانه های اصحاب که به مسجد باز می شد بستند و فرمودند راه عبور و مرور خود را از داخل مسجد قرار ندهید و تا حتی برای حضور در مسجد برای اقامه نماز کسی حق ندارد دربی در مسجد باز کند لذا تمامی اصحاب اطاعت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله کردند و تا حتی جناب حمزه عموی گرامی رسول خدا اطاعت نمود و درب خانه خود را بست، مگر شخص شخیص پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علی علیه السلام که می توانستند در هر حالی از داخل مسجد عبور و مرور کنند و درب خانه اشان به داخل مسجد باز باشد.

و پر واضح است که مسجدالنبی در فضیلت و شرافت در ردیف مسجدالحرام است لذا بر تمامی مساجد دیگر امتیاز و شرافت خاصی دارد که با وجود این اهمیت خاص فقط علی بن ابیطالب علیه السلام از میان اقرباء و

۱۱۸..... تفسیر و شرح دعای ندبه

اصحاب بوده که می توانسته از داخل آن عبور و مرور کند و درب خانه اشان از داخل آن مسجد باشد که خود یکی از بزرگترین فضائل امیرالمؤمنین علی علیه السلام شمرده می شود.

اصل روایت «سد الابواب» اینگونه است که:

قال رسول الله صلی الله علیه و آله: سدوا الابواب الشارعة فی المسجد الابواب علی علیه السلام. (۱)

تمام درهای باز شده به مسجد را ببندید بجز در خانه علی را.

(در صحیح ترمذی) از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمود خداوند به موسی بن عمران علیه السلام فرمان داد مسجدی پاک بنا کند که جز خودش و دو پسر هارون شبر و شبیر کسی در آن سکونت نکند و به من نیز فرمان داده است که مسجدی بنا کنم که جز من و علی و حسن و حسین کسی در آن ساکن نشود اینک تمام این درها جز در خانه علی را ببندید.

زید بن ارقم می گوید: تنی چند از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله خانه هایشان به مسجد در داشت روزی پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: همه این درها جز در خانه علی را ببندید، این باعث گفت و گو میان مردم شد، رسول خدا صلی الله علیه و آله برخاست و حمد و ثنای الهی به جای آورد سپس فرمود: من دستور دادم این درها را بجز در خانه علی ببندید و این امر در میان شما باعث حرف شده است به خداوند سوگند من دری را نبسته و نگشوده‌ام، بلکه پیروی کردم از چیزی که بدان

فرمان یافته‌ام. (۱)

و در حدیثی پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید:

«ما انا سدوت ابوابکم و فتحت باب علی و لکن الله فتح باب علی و سد ابوابکم» (۲)
 «من نه در خانه شما را بستم و نه در خانه علی عَلِيهِ السَّلَام را گشودم، بلکه خدا در خانه علی را گشود و در خانه‌های شما را بست».

ثم اودعه علمه و حکمته

«آنگاه رسول خدا، اسرار علم و حکمتش را نزد علی بسپرد».

علم به هر دانشی که باشد اطلاق می‌شود چه علم دین و چه غیر علم دین مثل علمی که بر اثر تجربه بشری بدست می‌آید و یا مثل علم حساب و ریاضی و هندسه و غیر ذلک.

حکمت یعنی علم به حقایق اشیاء از طریق وحی، چون بعضی گمان می‌کنند علم به حقایق اشیاء از غیر طریق وحی مثل افکار بشری نیز ممکن است که کاملاً غلط است چون حکمت از نظر لغت یعنی صحیح، درست، محکم که هیچ کجی و انحراف و غلط در آن نباشد و این فقط خدایتعالی است که در علمش هیچ انحراف و باطلی راه ندارد پس حکمت آن است که فقط از جانب وحی الهی باشد لذا حکمت را فقط می‌توان از «ثقلین» کتاب خدا و

۱- کشف الیقین صفحه ۲۰۹، خصائص انسانی صفحه ۷۲.

۲- احقاق الحق جلد ۵ صفحه ۵۵۷.

۱۲۰..... تفسیر و شرح دعای ندبه

عترت رسول خدا بدست آورد و به آن رسید. یا به عبارت دیگر علم به حقایق اشیاء از طریق وحی حکمت است که در آن هیچ انحراف و اشتباهی راه ندارد بر عکس فلسفه که از افکار بشری نشأت گرفته لذا دستخوش اشتباهات و انحرافات بی شماری است.

در این عبارت که می فرماید «اودعه» یعنی به ودیعه سپرد اشاره به آن وقتی دارد که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در بستر بیماری و شهادت افتاده بودند و سر مبارکشان در دامن برادرشان علی بن ابیطالب عَلِيٌّ بود در اینجا بود که فرمود علی جان سر مبارکت را جلو بیاور تا اسراری از علوم و حکمتها را به تو بسپارم، لذا اصبع بن نباته از امیرالمؤمنین علی عَلِيٌّ روایت می کند که فرمود: پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ هزار باب از حلال و حرام از گذشته و از آنچه واقع می شود تا روز قیامت مرا تعلیم داد که از هر بابی از آن، هزار باب دیگر گشوده می شود و این هزار هزار باب است. (۱)

در روایت دیگری از امام محمد باقر عَلِيٌّ نقل شده است که فرمود: خداوند تمام علوم و کمالات انبیاء را از آدم تا زمان رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به پیامبر بزرگ مرحمت فرمود و رسول خدا نیز تمام این علوم و سنن را در اختیار مولی امیرالمؤمنین علی عَلِيٌّ قرار داد. (۲)

ابن عبدالله عَلِيٌّ قال: لَمَّا قَبِضَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَرِثَ عَلِيٌّ عِلْمَهُ (۳)
«هنگامی که رسول خدا قبض روح شد علی عَلِيٌّ وارث علمش گردید».

۲- اصول کافی جلد ۱ صفحه ۲۲۲.

۱- بحار جلد صفحه ۲۰۳.

۳- بحار جلد ۲۶ صفحه ۲۰۶.

فقال انا مدينة العلم و علي بابها فمن اراد المدينة و الحكمة فليأتها من بابها

«و فرمود من شهر علمم و علي درب آن شهر است پس هر کس بخواهد حکمت و دانش را بیابد، باید از درگاهش وارد شود»
پس از شمردن مختصری از سلسله مناقب و امتیازات امیرالمؤمنین علی علیه السلام و تصریح به اینکه تمامی علوم و حکمتهای رسول الله نزد علی علیه السلام به امانت سپرده شده، در این قسمت از دعا از زبان مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: من شهر علمم و علي درب آن شهر است و هر کس اراده دارد شهر علم و حکمتش شود باید از طریق درب آن یعنی علی بن ابیطالب علیه السلام وارد شود.

چنانکه به همین مضمون روایات متواتری وارد شده است مثل:

قال رسول الله صلی الله علیه و آله انا دار العلم و علي بابها فمن اراد العلم فليأتها من بابها

«من سرای دانشم و علی باب آن پس هر کس علم خواهد باید از درش وارد شود»^(۱)

در روایت دیگری پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند:

يا علي انا مدينة العلم و انت بابها، كذب من زعم انه يدخل المدينة بغير الباب

قال الله عزوجل: و اتوا البيوت من ابوابها

«یا علی منم شهر علم و توئی درب آن، دروغ گفته کسی که گمان کند داخل

شهر می شود جز از درش، خدای (عزوجل) فرموده: بخانه ها در آیند از

دربهای آن»^(۲)

۱۲۲..... تفسیر و شرح دعای ندبه

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمودند:

انا دارالحكمة و على بابها فمن اراد الحكمة فليأتها

«منم سرای حکمت و علی درب آن است پس هر کس حکمت خواهد سوی آن بیاید» (۱)

و در روایت دیگر پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمودند:

انا مدينة الحكمة و على بابها فمن اراد الحكمة فليات الباب

«منم شهر حکمت و علی درب آن است، پس هر کس حکمت خواهد نزد دریش آید» (۲)

عبارت «من اراد المدينة...» به ما این مطلب را می فهماند که دستیابی به علم و حکمت الهی فقط از طریق علی بن ابیطالب عَلِيٌّ و فرزندان معصومش میسر است و راه دیگری وجود ندارد. پس هر کس بولایت علی عَلِيٌّ و فرزندانش اقرار نماید و از آنها اطاعت کند البته از درهای خانه وارد خانه شده و کسی که مخالفت آنها را نماید و دیگران را بر آنها برتری و ترجیح دهد از بیراهه رفته و به ضلالت و گمراهی می افتد و هرگز به علم و حکمت الهی دست نمی یابد.

ثم قال انت اخي و وصي و وارثي

«سپس به علی فرمود: تو برادر و وصی و وارث من هستی».

در این عبارت به برخی از فضائل و مناقب امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب

ﷺ از زبان رسول خدا ﷺ اشاره می‌کند که عبارتند از:

- اخی - برادرم

- وصی - جانشین من

- وارثی - وارث من

هنگامی که تاریخ صدر اسلام را مورد مطالعه و بررسی قرار دهید می‌بینید رسول گرامی اسلام ﷺ در موارد و مکانهای متعدد این سه منقبت علی ﷺ را به دیگر مسلمانان گوشزد می‌کردند تا مقام و منزلت آن حضرت را درک کنند و هرگز افرادی را بجای او برای رهبری و امامت انتخاب نکنند از جمله نقل شده است که چون پیغمبر ﷺ از مکه به مدینه هجرت کرد بین مهاجر و انصار برادری برقرار ساخت و بین ابوبکر و عمر، عثمان و عبدالرحمان بن عوف، سلمان و ابوذر، مقداد و عمار (و بین دیگر مسلمانان نیز) برادری برقرار ساخت و امیرالمؤمنین علی ﷺ را تنها گذاشت لذا آن حضرت محزون شد و اظهار دلتنگی نمود و گفت: یا رسول الله پدر و مادرم قربانت میان من و احدی برادری برقرار ننمودی؟! فرمود: یا علی! تو را برای خودم نگاهداشتم آیا خشنود نمی‌شوی که تو برادر من و من برادر تو باشم و تو وصی و وزیر و جانشین من در میان امت من باشی؟!

که در اینجا ما به اختصار برخی دیگر از این روایات که در این زمینه وارد شده است یاد آور می‌شویم.

معانی الاخبار از پیامبر اکرم ﷺ نقل می‌کند که به ام سلمه همسر گرامیشان

۱۲۴..... تفسیر و شرح دعای ندبه

می فرمایند:

یا ام سلمه اسمعی و اشهدی هذا علی بن ابیطالب اخی فی الدنیا و اخی فی الآخرة
یعنی: ای ام سلمه! گوش فراده و گواه باش که این علی بن ابیطالب است که
در دنیا و آخرت برادر من است.

و در روایت دیگری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، خطاب به علی علیه السلام می فرمایند:

یا علی انت اخی و انا اخیوک

یعنی: علی جان تو برادر من و من برادر توام.

و در ارتباط با وصایت و جانشینی آمده است که پیامبر اسلام سه سال بطور
مخفیانه دعوت خود را ادامه داد سپس آیه انذار نازل شد که می فرماید:
وانذر عشیرتک الاقربین (۱)

طبق این فرمان رسول خدا صلی الله علیه و آله طعام چند نفری آماده ساخت و ۴۵ نفر از
بستگان خود را به منزلش دعوت کرد و با همان غذای محدود همه آنان را سیر
نمود، و آنگاه فرمود:

فایکم یوازرنی علی هذا الامر علی ان یکون اخی و وصی و خلیفتی فیکم

یعنی: کدام یک از شما در این امر رسالت مرا یاری می دهد تا او برادر و
وصی و جانشین و خلیفه من در میان شما باشد؟!

در این مجلس تنها علی علیه السلام بود که مانند همیشه آمادگی خود را سریعاً
اعلان کرد و رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز امیرالمؤمنین علی علیه السلام را بعنوان برادر و

خلیفه و جانشین خود معرفی نمود و فرمود:

ان هذا اخي و وصي و خليفتي فيكم فاسمعوا له و اطيعوا

یعنی این علی برادر و جانشین و خلیفه من در میان شما است او امر او را بشنوید و اطاعت نمایند. (۱)

در روایت دیگر آمده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در میان مهاجر و انصار فرمود:

علی اخي و وارثي و وزيري و اميني (۲)

یعنی: علی برادر و وارث و وزیر و امین من است.

از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده که فرمود:

لما قبض رسول الله صلی الله علیه و آله ورث علی علمه و سلاحه و ما هنالك (۳)

یعنی: هنگامی که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله چشم از جهان فرو بست امیرالمؤمنین

علی علیه السلام تمام علوم و سلاح و هر چه را که پیامبر خدا از جهت معنوی و رسالت داشت به ارث برد.

امام محمد باقر صلی الله علیه و آله در ارتباط با همین مناقب علی علیه السلام می فرماید:

ان علی بن ابیطالب علیه السلام كان هبة الله لمحمد صلی الله علیه و آله ورث علم الاوصياء و علم من كان

قبله من الانبياء و المرسلين (۴)

یعنی: همانا جدم علی بن ابیطالب موهبت الهی بود برای رسول خدا صلی الله علیه و آله

۱- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید جلد ۱۳ صفحه ۲۱۱.

۲- جلد ۱ صفحه ۷۰. ۳- بحار جلد ۲۶ صفحه ۲۰۶.

۴- بحار جلد ۲۶ صفحه ۱۷۸.

۱۲۶..... تفسیر و شرح دعای ندبه

علی علیه السلام تمام علوم اوصیاء و حتی پیامبران پیشین را به ارث برد.

باز امام محمد باقر علیه السلام فرمودند:

ورث علی علم رسول الله و ورثت فاطمة ترکتہ

یعنی: علی علیه السلام علم رسول خدا را به ارث برده و فاطمه علیها السلام ماترک او را (۱)

لحمک من لحمی و دمک من دمی

«گوشت بدن تو گوشت بدن من و خون تو خون من است».

در این عبارت نیز به سه موضوع از مناقب دیگر علی بن ابیطالب علیه السلام اشاره شده که اتحاد و یگانگی در جسم و جان امیرالمؤمنین با رسول خدا صلی الله علیه و آله را می‌رساند که هر دو از هر جهت با یکدیگر متحد بوده و هیچ فرقی نمی‌کنند مگر در مأموریت الهی که یکی نبی و دیگری وصی قرار داده شده‌اند لذا در جمله اول می‌فرماید: «لحمک من لحمی و دمک من دمی» یعنی گوشت بدن تو گوشت بدن من و خون بدن تو خون بدن من است، به این معنا که هر کس به علی بن ابیطالب علیه السلام محبت و اکرام نماید در واقع به بدن رسول خدا صلی الله علیه و آله اکرام و محبت کرده است و هر کس به بدن علی بن ابیطالب علیه السلام جسارت و اذیت برساند در واقع به بدن رسول خدا اذیت و جسارت نموده است چون هر دو نزد پروردگار از یک قداست و ارزش برخوردار هستند و هیچ فرقی بین بدن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام نیست لذا پیامبر اکرم بارها این معنا و

منقبت را به اصحاب می رساندند چنانکه ابوسعید خدری نقل می کند که رسول خدا ﷺ فرمود: ای گروه مردم دوست بدارید علی بن ابیطالب را بدرستی که گوشت او گوشت من و خون او خون من است، خدای لعنت کند طایفه ای از امت مرا که ضایع کنند سفارشات مرا درباره او، نیست از برای آنها نصیبی نزد خدا. (۱)

عبدالله بن عباس گفت: بیرون شد پیامبر ﷺ از نزد زینب دختر جحش و آمد خانه ام سلمه و آن روز نوبتش بود که رسول خدا نزدش باشد.

پس درنگی نکرد که علی علیه السلام آمد و در را آهسته کوبید، رسول خدا ﷺ شادمان شد. ام سلمه را خوش نیامد، رسول خدا ﷺ فرمود: برخیز در را باز کن.... (علی بن ابیطالب وارد شد) پس فرمود:

سجیته من سجیتی، و لحمه من لحمی، و دمه من دمی

یعنی: خو و طبیعت او از خو و طبیعت من است و گوشت او از گوشت من است و خون او از خون من است (۲)

و همچنین در روایتی وارد شده است که ام سلیم از زنان با شخصیت و از دعوت کنندگان به سوی اسلام بود و پدر و برادرش در میدان جهاد در خدمت پیغمبر شربت شهادت نوشیدند. هنگامی که پیامبر ﷺ برای تسلی خاطر او به خانه اش می رفتند، روزی به او فرمودند: ای ام سلیم! علی گوشتش از گوشت من و خونس از خون من است و او نسبت به من همانند هارون است نسبت به موسی.

۱۲۸..... تفسیر و شرح دعای ندبه

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روزی که قلعه خبیر فتح شد در ضمن روایتی به علی بن ابیطالب رضی الله عنه فرمود:

وانت باب علمی، ان ولدک ولدی، ولحمک لحمی، ودمک دمی وان الحق معک یعنی: و تو باب علم من و فرزندان تو فرزندان منند، و گوشت تو گوشت من است و خون تو خون من است و همانا حق همیشه با تست (۱)

سلمک سلمی و حربک حربی

«سازش و صلح با تو سازش و صلح با من است و جنگ با تو جنگ با من است». جمله دوم که اشاره به یکی دیگر از مناقب بلند امیرالمومنین علی رضی الله عنه دارد این است که می فرماید «سلمک سلمی و حربک حربی» یعنی تسلیم و صلح تو، تسلیم و صلح با من است و جنگ و ستیز با تو جنگ و ستیز با من است. به موجب این کلام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اتحاد و یگانگی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و علی رضی الله عنه ثابت می شود که هر کس با علی بن ابیطالب در سلم و صلح باشد در واقع با پیامبر اسلام در سلم و صلح بوده و هر کس با علی رضی الله عنه در جنگ و ستیز و دشمنی باشد در واقع با پیامبر اکرم در جنگ و ستیز و دشمنی بوده است.

در ضمن روایتی در روز فتح خبیر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به علی رضی الله عنه فرمودند: یا علی حربک حربی و سلمک سلمی و علانیتک علانیتی و سریره صدرک سریره صدری یعنی: یا علی جنگ با تو جنگ با من است و صلح با تو صلح با من است

آشکارای تو آشکارای من است، نهفته سینه‌ات چون نهفته سینه من است. (۱)
از مناقب خوارزمی نقل است که مردی به سلمان گفت چقدر زیاد است
محبت تو به علی بن ابیطالب!؟

جواب داد: شنیدم رسول خدا ﷺ می فرمود کسیکه علی را دوست دارد
مرا دوست داشته و کسیکه علی را دشمن دارد مرا دشمن داشته است. (۲)

والایمان مخالط لحمک و دمک کما خالط لحمی و دمی

«ایمان چنان با گوشت و خون تو آمیخته شده که با گوشت و خون من
آمیخته شده است.»

و جمله سوم از این عبارت دعای تدبیه می فرماید ایمان با گوشت و پوست و
خون علی علیه السلام مخلوط شده همان گونه که با گوشت و پوست و خون
رسول الله مخلوط شده بود.

که اشاره به مماثل و مشابه بودن علی علیه السلام با رسول الله در حقیقت ایمان و
عبادت دارد به عبارت دیگر همانگونه که گوشت و خون بدن انسان جزء
لاینفک اوست و وجود هستی او را تشکیل می دهند ایمان نیز در وجود مقدس
علی بن ابیطالب علیه السلام جزء لاینفک است و همانند و مماثل رسول خدا در ایمان
می باشد و همچنان که پیامبر اسلام کوی سبقت در ایمان را از همه انبیاء ربوده
بود و ایمان چنان با گوشت و خون مبارکش آمیخته بود که لازم ذاتی و لاینفک

۱۳۰..... تفسیر و شرح دعای ندبه

و جود مقدسش گردیده بود، علی علیه السلام نیز چنین بود لذا هیچ مخلوقی در عالم حتی انبیاء به ایمان و یقین علی بن ابیطالب علیه السلام نمی رسند.

در روایات ایمان امیرالمؤمنین علیه السلام با عبارات گوناگون از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است، از جمله اینکه فرمود:

الایمان مخالط لحمک و دمک کما خالط لحمی و دمی

یعنی: ایمان با گوشت و خونت آمیخته چنانکه با گوشت و خون من آمیخته است. (۱)

و از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نقل است که فرمود: داخل شدم بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله و آن حضرت در مسجد قبا تشریف داشت و چند نفری از اصحابش در خدمت آن سرور بودند. چون نظر آن حضرت به من افتاد آثار خوشحالی در صورت او ظاهر شد و تبسم فرمود تا آنکه نظر کردم به سفیدی دندانهای پیشین آن جناب که برق می زد سپس فرمود: یا علی نزدیک من بیا، و مرا پیش طلبید پس روی خود بسوی اصحاب کرد و فرمود: اصحاب من! بواسطه آمدن علی بسوی شما رحمت متوجه شما شد و بعد فرمود: معاشر اصحاب! البته علی از من است و من از علی هستم روح او از روح من و طینت او از طینت من است و او برادر من و وصی من است بر امت من، در حیات من و بعد از موت من، کسیکه اطاعت کند او را اطاعت نموده و کسیکه موافق او باشد با من موافق است و کسیکه مخالفت او کند مرا مخالفت نموده است. (۲)

و انت غداً علی الحوض خلیفتی

«و تو فردای قیامت جانشین من بر حوض کوثر خواهی بود».

در روایات بسیاری وارد شده است که علی بن ابیطالب علیه السلام در صف محشر شیعیان را با دست مبارکش از آب حوض کوثر سیراب می گرداند و وارد بهشت می سازند.

در این عبارت از زبان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید علی جان تو در روز قیامت خلیفه من هستی به این معنا که امیرالمؤمنین جانشین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است و امر امت به حضرتش واگذار می شود که هر کس را بخواهد وارد بهشت می گرداند چنانکه در روز فتح خیبر بدست امیرالمؤمنین علی علیه السلام پیامبر اکرم به آن حضرت فرمود:

انک غداً علی الحوض خلیفتی تزود عنه المنافقین وانک اول من یرد علی الحوض (۱)
یعنی: و تو (یا علی) فردا بر حوض کوثر جانشین من هستی، منافقان را از آن حوض دور می نمائی و تو نخستین کسی هستی از امت من که نزد حوض کوثر بر من وارد می شود.

و انت تقضی دینی و تنجز عداتی

«و تو دین مرا ادا می کنی و وعده های مرا روا می سازی».

یکی از امور مهم جانشین و خلیفه پیامبر صلی الله علیه و آله یا امام معصوم علیه السلام این

۱۳۲..... تفسیر و شرح دعای ندبه

است که به امور شخصی معصوم قبل رسیدگی می‌کند و هیچ کس غیر از معصوم از عهده آن بر نمی‌آید که این امر خود دلیل و نص دیگری برای خلافت و جانشینی ائمه علیهم‌السلام بعد از شهادت ابناء معصومشان بوده است لذا پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در موارد و مکانهای متعدد از این امر یعنی اداء دین و وفای به وعده‌های پیامبر بدست علی بن ابیطالب رضی‌الله‌عنه صحبت به میان آورده و به دیگران می‌رساندند تا مسلمانان پی به مقام شامخ آن بزرگوار ببرند و دیگران را بر حضرتش ترجیح نداده و انتخاب نکنند

ما به قسمتی از این روایات اشاره می‌کنیم.

در روز فتح خیبر بدست علی بن ابیطالب رضی‌الله‌عنه پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله به علی رضی‌الله‌عنه فرمود:

انت تؤدی دینی و تقاتل علی سنتی

یعنی: (علی جان) تو دین مرا به مردم می‌رسانی و بر روش من با مخالفان

بیکار می‌کنی (۱)

در روایت دیگر جابر بن عبدالله می‌گوید چون علی بن ابیطالب رضی‌الله‌عنه از فتح

خیبر آمد پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود:

...انت تقضی دینی و انت تنجز وعدی

یعنی: تو دین مرا ادا می‌کنی و توبه وعده‌های من وفا می‌نمائی

ابی رافع می‌گوید در ربه نزد ابوذر رفتم و چون خواستم وداع نمایم و

برگردم مرا و مردمی را که با من بودند فرمود:

فتنه‌ای خواهد شد پس خدا را بپرهیزید و بر شما باد ببزرگ مرد (عالم) علی بن ابیطالب علیه السلام او را پیروی نمائید. زیرا من شنیدم رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام می‌گفت: اول کسی هستی که به من ایمان آوردی و اول کسی هستی که روز قیامت با من مصافحه می‌کنی و تو هستی صدیق اکبر و تو هستی فاروق که میان حق و باطل را جدا مینمائی و توئی خسرو مؤمنان، و مال خسرو کافران است، و توئی برادر من و وزیر من و بهترین کسی که پس از خود می‌گذارم، (سپس فرمود)

تقضى دینی و تنجز موعودی.

یعنی: دین مرا داوری می‌نمائی و وعده مرا وفا می‌کنی (۱)

و شیعتک علی منابر من نور مبیضة و جوههم حولی فی الجنة و هم جیرانی

«و شیعیان تو بر منبرهایی از نور در حالی که صورتهایشان سفید و درخشان است اطراف من در بهشت قرار گرفته و همسایگان من هستند».

در این قسمت از دعای ندبه به شیعیان و پیروان حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام بشارت بهشت و شفاعت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله داده شده است البته باید بدانید که شیعیان افرادی هستند که در افعال و اقوال خود کاملاً پیرو امیرالمؤمنین و ائمه معصومین علیهم السلام هستند و فرق است بین محب و شیعه چنانکه در روایتی نقل است در زمان ولایتعهدی ظاهری حضرت امام

۱۳۴..... تفسیر و شرح دعای ندبه

رضاء علیه السلام چند نفر آمدند شرفیاب حضور آن بزرگوار شدند. به صاحب و دربان منزل گفتند بحضرت عرض کنید که ما گروهی از شیعیان هستیم و می خواهیم خدمت شما برسیم، حضرت اجازه نداد تا چند روزی، تا آنکه با اظهار تضرع و زاری، اجازه گرفتند و چون خدمت آن حضرت رسیدند سبب منع ورودشان را پرسیدند. حضرت امام رضاء علیه السلام فرمود: برای آنکه شما در گفتارتان صادق نبودید و ادعای شیعه بودن می نمودید، در صورتی که شما از محبان و دوستان ما هستید نه از شیعیان ما.

خلاصه کلام اینکه شیعیان امیرالمؤمنین علی علیه السلام کسانی هستند که اعمالشان گفتارشان را در ولایت تصدیق کند در این صورت است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به آنها بشارت بهشت داده چنانکه در روایتی آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود:

انک اول داخل یدخل الجنة من امتی و ان شیعتک علی منابر من نور رواء مرویین مبیضة وجوههم حولی، اشفع لهم، فیکونون غداً فی الجنة حیرانی...

یعنی: (علی جان) تو نخستین کسی هستی که در بهشت داخل می گردد و همانا شیعیانت بر منبرهائی از نور قرار گرفته، سیراب و شاداب با چهره هائی نورانی و درخشان در پیرامون من هستند، آنها را شفاعت می نمایم و در بهشت همسایگان من می باشند و دشمنانت فردای قیامت تشنه و فرسوده، سیه روی، سرافکنده می باشند. (۱)

ولو لا انت يا على لم يعرف المؤمنون بعدى

«و اگر تو نبودی یا علی شناخته نمی شدند مؤمنان بعد از من».

بعد از رحلت رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ اختلاف و شکاف بزرگی در امت اسلام بوجود آمد که نزدیک بود اسلام برای همیشه از بین برود و تمامی مسلمانان به زمان جاهلیت اولی برگردند ولی حضرت امیرالمؤمنین علی عَلَيْهِ السَّلَام با آن شرح صدر و درایتی که داشتند اسلام ناب را حفظ نمودند و به دیگران رساندند لذا هر کس از آن حضرت پیروی نمود و ولایتش را پذیرفت حقیقت اسلام را درک کرده و از مؤمنان واقعی گردیده چنانکه در روایتی پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به علی عَلَيْهِ السَّلَام می فرماید:

انت تبين لأمتي ما اختلفوا فيه من بعدى.

یعنی: تو برای امتم آنچه را که پس از من بر سر آن اختلاف دارند بیان می کنی پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در حدیث معراج می فرماید: چون معراج رفتم در پیشگاه پروردگارم ایستادم... فرمود:

ولو لا على لم يعرف حزبي و لا اوليائي و لا اولياء رسلي

یعنی: اگر علی نبود حزب من و دوستان من و دوستان پیامبران من شناخته نمی شدند. (۱)

از حضرت امام حسن عسگری عَلَيْهِ السَّلَام روایت شده که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به مردی فرمودند:

۱۳۶..... تفسیر و شرح دعای ندبه

یا عبدالله! دوست بدار برای خدا و دشمن بدار برای خدا، بدرستی که نمی‌رسی بولایت الله مگر به این عمل و نمی‌یابد شخص طعم ایمان را هر چند زیاد باشد نماز و روزه او، تا اینطور نباشد.

آن مرد عرض کرد: چگونه بدانم که من دوست یا دشمن داشته‌ام برای خدا؟! و چگونه بشناسم کیست ولی الله تا دوست بدارم او را؟

و کیست دشمن خدا تا دشمن او باشم؟

در این هنگام رسول خدا ﷺ اشاره به سوی علی علیه السلام نمود و فرمود:

آیا می‌بینی این مرد را؟

جواب داد: بلی (یا رسول الله)

فرمود: این ولی الله است دوستی کن با او، و دشمن او عدو الله است دشمنی کن با او، و دوست باش با دوست او هر چند کشنده پدرت و اولادت باشد و دشمن باش با دشمن این مرد هر چند پدرت و اولادت باشد. (۱)

با توجه به مضمون این روایت هر کس به محبت و معرفت علی بن ابیطالب علیه السلام برسد به اسلام و ایمان رسیده است به عبارت دیگر ملاک ایمان و اسلام محبت و ولایت علی بن ابیطالب علیه السلام است که این فقره از دعای ندبه از زبان پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: که اگر علی نمی‌بود مؤمنان شناخته نمی‌شدند.

به مضمون همین جملات دعای ندبه جابر بن عبدالله انصاری در روایت مفصلی می‌گوید هنگامی که علی بن ابیطالب علیه السلام از فتح خیبر آمد پیامبر اکرم

ﷺ فرمود:

لو لانت يا علي ما عرف المؤمنون بعدي

یعنی: اگر تو علی جان نبودی، پس از من مؤمنان شناخته نمی شدند. (۱)

و همچنین امام حسین عليه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل نموده‌اند که فرمود:

يا علي! لو لاك ما عرف المؤمنون بعدي (۲)

یعنی: علی جان! اگر تو نبودی اهل ایمان پس از من شناخته نمی شدند.

و كان بعده هدى من الضلال و نوراً من العمى

«و او (علی) بود که بعد از پیامبر امت را از ضلالت و گمراهی به هدایت و از

کوری به نور بصیرت راهنمایی نمود».

پس از اینکه منزلت و جایگاه امیرالمؤمنین عليه السلام را از زبان پیامبر صلی الله علیه و آله نقل

کرد در این جملات بعد دیگری از شخصیت والای آن حضرت را بیان می کند

و می فرماید پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله علی بن ابیطالب عليه السلام مقام رهبری و

هدایت امت را بصلاح و سعادت بر عهده داشته لذا در روایات بسیاری پیامبر

اکرم صلی الله علیه و آله آن حضرت را به عنوان «هادی» معرفی نموده‌اند که به بعضی از آن

روایات اشاره می کنیم.

ان علیاً مدینه هدی فمن دخلها نجا (۳)

۱- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید جلد ۹ صفحه ۱۶۸.

۲- الغدیر جلد ۱۱ صفحه ۱۲۳. ۳- بحار جلد ۱۰ صفحه ۱۲۱.

۱۳۸..... تفسیر و شرح دعای ندبه

یعنی: تحقیقاً علی علیه السلام شهر هدایت است که هر کسی داخل آن شد نجات یافته

در روایت دیگری فرموده اند:

ان علیاً امام هدی (۱)

یعنی: بدرستی که علی علیه السلام پیشوای هدایت است

و همچنین امیرالمؤمنین علی علیه السلام به نور تشبیه شده که بشر را از کوری که کنایه از گمراهی است نجات می دهد چون همانطور که انتظام امور انسان و نیل به سعادت زندگی به دارا بودن روشنائی چشم است که اگر کسی از این نعمت بهره نبرده و فاقد آن باشد، در بسیاری از امور زندگی عاجز بوده و محتاج هدایت و راهنمایی افراد بینا است که آنان او را کمک کرده و راهنمایی کنند. در امور معنوی و فوز و رستگاری و سعادت دنیا و آخرت نیز چنین است به این معنا که احتیاج به نور و بصیرت است تا افراد بشر بتوانند خود را نجات دهند و به سعادت برسند لذا خداوند متعال به بشر لطف نموده و در هر عصری نورهایی را برای هدایت بشر فرستاده است که این عبارت دعای ندبه به آن اشاره می کند و می فرماید بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله نور الهی که مسلمانان را از کوری و گمراهی نجات می دهد حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب است چنانکه در زیارت ائمه علیهم السلام نیز آمده است:

بصرنا بک من العمی و هدانا بک من الجهالة (۲)

یعنی: بوسیله شما خداوند ما را از کوری به بینائی و بصیرت، و از نادانی و

جهالت نجات و هدایت نمود.

و در روایت دیگری ائمه علیهم السلام می فرمایند:

نحن الذين انقذ الله الناس بنا من الضلالة و بصرهم بنا من العمى (۱)

«ما کسانی هستیم که خداوند بوسیله ما مردم را از گمراهی و ضلالت نجات

داده و از کوری به فهم و بصیرت رسانیده است».

و جبل الله المتين و صراطه المستقيم

«او (علی علیه السلام) رشته محکم الهی و راه مستقیم حق است».

امیرالمؤمنین علی علیه السلام ریسمان محکم و استوار الهی است که هرگز پاره و گسسته نمی شود که هر کس به آن چنگ بزند و خود را به آن محکم نماید هرگز به پرتگاه انحرافات عقیدتی و اخلاقی نمی افتد. چون همانطور که نجات انسان از چاه و گودال و پرتگاهها بوسیله ریسمانی محکم خواهد بود که هرگاه این وسیله در اختیارش باشد با چنگ زدن به آن از کنار پرتگاهها و صخرهها با خیال راحت می گذرد و عبور می کند و هرگز در قعر آنها سقوط نمی کند، ولایت علی بن ابیطالب علیه السلام نیز مسلمانان را از انحراف و سقوط به قعر پرتگاههای ضلالت و انحرافات عقیدتی و اخلاقی نجات می دهد و به سعادت می رساند لذا در این قسمت از دعا آن حضرت را به «جبل» تشبیه نموده است.

چنانکه به این مضمون روایاتی نیز آمده است و حضرت امام محمد باقر

۱۴۰..... تفسیر و شرح دعای ندبه

عَلَيْهِ الْحَمْدُ فرموده اند: ولایة علی بن ابی طالب الحبیل الذی قال الله تعالی: واعتصموا بحبل

الله جمیعا و لا تفرقوا فمن تمسک به کان مؤمناً و من ترکه خرج من الایمان

یعنی: ولایت علی بن ابیطالب همان رشته و ریسمانی است که خدایتعالی

فرموده: همگی به ریسمان خدا متمسک شوید و متفرق نشوید، هر کس

متمسک به آن شود مؤمن است و هر کس آن را رها کند از ایمان خارج است.

در روایت دیگری پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمودند:

انا نبی الله و علی بن ابیطالب حبیل

یعنی: من پیامبر خدایم و علی رشته و ریسمان اوست

و در روایتی حضرت امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ خود را چنین معرفی می کنند و

می فرمایند:

انا حبیل الله المتین و انا عروة الله الوثقی و کلمة الله التقوی (۱)

یعنی: من ریسمان محکم خدا هستم و من دستگیره مطمئن خدا و کلمه

تقوای الهی هستم.

صراطه المستقیم - در قسمت دوم این بند از دعای ندبه امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ را

به «صراط مستقیم» معرفی می کند و پر واضح است که در علم هندسه بین دو

نقطه بیش از یک خط مستقیم وجود ندارد که کوتاهترین مسافت بین آن دو

نقطه نیز می باشد، در راه رسیدن به آخرین نقطه عبودیت نیز احتیاج به تعیین

راه مستقیم که نزدیکترین مسافت باشد هست که طبق این جمله دعای ندبه

حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام می باشد، به این معنا که اطاعت و پیروی از آن حضرت انسان را سالم و سریعاً به مقصد بندگی و عبودیت می رساند چنانکه امام محمد باقر علیه السلام فرمودند:

صراط المستقیم ولایت علی علیه السلام و اوصیاء آن حضرت است.

و در زیارت آن حضرت آمده است:

السلام علی اسم الله الرضی و صراطه السوی

«سلام بر نام مورد پسند خدا و راه هموار خدا»

السلام علیک یا دین الله القویم و صراطه المستقیم

«سلام بر شما ای دین با قوام و محکم خدا و راه راست خدا».

لا یسبق بقراة فی رحم و لا بسابقة فی دین و لا یلحق فی منقبة من مناقبه و

یحذو حذو الرسول صل الله علیهما و الهما

«هیچ کس در قرابت با رسول خدا بر او (علی علیه السلام) سبقت نگرفته و در دین و

ایمان نیز کسی بر او پیشی نگرفته، و کسی در مناقب و اوصاف کمال به او

نخواهد رسید، و قدم به قدم از پی رسول خدا و به تبع او راه پیمود که درود خدا

بر آن دو و آل آن دو باد».

یحذو- از ماده «حذو» به معنای پیروی کردن

در این عبارت به چند خصیصه از مختصات و مناقب علی بن ابیطالب علیه السلام

اشاره شده که هیچیک از بستگان و اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله در آن شریک

۱۴۲. تفسیر و شرح دعای ندبه

نیستند و امیرالمؤمنین در آنها وحید و منفرد است.

لایسبق بقرابة فی رحم اولین از مناقب و مختصات امیرالمؤمنین علی علیه السلام که به آن اشاره شده قرابت آن حضرت به رسول خدا صلی الله علیه و آله می باشد که از دو جهت با پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله همبستگی و قرابت داشته است یکی از جهت قرابت نسبی، چون عبدالله پدر پیامبر صلی الله علیه و آله با ابوطالب پدر علی علیه السلام برادر بوده و از فرزندان عبدالمطلب می باشند که در این صورت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علی علیه السلام پسر عموی یکدیگر می باشند.

و قرابت دیگر سببی است که از ناحیه تزویج با فاطمه اطهر علیها السلام برای امیرالمؤمنین علی علیه السلام حاصل شده و یکی از بزرگترین افتخارات علی علیه السلام بشمار می رود که ثمره این وصلت و ازدواج یازده گوهر پاک و معصوم شد که هر یک پرچمدار توحید و معرفت برای بشریت بودند قرآن نیز به این دو قرابت و همبستگی علی علیه السلام به رسول خدا صلی الله علیه و آله اشاره می کند و آن را از افتخارات آن حضرت ثبت می کند چنانکه ابن عباس نقل می کند که:

هنگامی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دخترش فاطمه علیها السلام را به پسر عمویش علی علیه السلام تزویج کرد این آیه شریفه نازل شد:

و هو الذی خلق من الماء بشراً فجعله نسباً و صهراً^(۱)

یعنی: او (خداوند) کسی است که از آب، انسانی را آفرید، سپس او را نسب

و سبب قرار داد.

در روایت دیگری ابن عباس در فضائل علی علیه السلام می گوید:

فاز علی بصهر رسول الله و بسطة فی العشيرة و بدلاً للماعون (۱)

یعنی پیروز شد علی علیه السلام بدامادی رسول خدا صلی الله علیه و آله و کارگشائی درباره

فامیل و روا کردن حاجات مردم

پس برای او دو قرابت است نسبی و سببی که هیچیک از بستگان و اصحاب

رسول خدا صلی الله علیه و آله جمع این دو قرابت را نداشتند.

و لا بسابقة فی دین دومین منقبت که به آن در این جملات به آن اشاره شده

سبقت گرفتن علی علیه السلام است در ایمان آوردن به رسول خدا صلی الله علیه و آله و پذیرفتن

اسلام است چنانکه عبد الله بن مسعود می گوید: از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پرسیدند:

علی چگونه است؟

فرمود: علی اقدمکم اسلاماً و اوفرکم ایماناً و اکثرکم علماً (۲)

یعنی: بیشترین شماست در اسلام، و افزون ترین شماست در ایمان و

بیشترین شماست در علم و در روایت دیگری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خطاب به علی

بن ابیطالب علیه السلام می فرماید:

یا علی! انت اول المسلمین اسلاماً و انت اول المؤمنین ایماناً و انت منی بمنزله

هارون من موسی یعنی: ای علی تو نخستین کسی هستی که اسلام را پذیرفتی و

تو اولین کسی هستی که ایمان آوردی و تو نسبت به من به منزله هارون نسبت

به موسی هستی.

۱۴۴..... تفسیر و شرح دعای ندبه

باز در روایت دیگری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

علی اول من آمن بی (۱)

یعنی: علی علیه السلام اول کسی است که به من ایمان آورد.

ولا يلحق في منقبة من مناقبه أمير المؤمنين علي عليه السلام دارای مناقب و فضائلی است که هیچیک از انبیاء و اوصیاء از اولین تا آخرین کسی بر آن حضرت سبقت نگرفته است مگر رسول خدا صلی الله علیه و آله. لذا آن حضرت دارای مناقبی است که از مختصات آن حضرت شمرده شده که خلافت و جانشینی پیامبر اسلام را فقط سزاوار آن حضرت می گرداند.

در روایتی آمده است که:

لا يسبق احد من فضائلك (۲)

یعنی: هیچ کسی بر فضائل تو (علی جان) پیشی و سبقت نگرفته است.

در امالی راجع به امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرماید:

له فضل لا يلحقه فيه بشر و شرف لا يسبقه اليه خلق (۳)

یعنی: برای علی علیه السلام فضائلی است که هیچ بشری به آن نمی رسد و شرفی

است که هیچ مخلقی به آن پیشی و سبقت نگرفته است.

سلیمان بن طرفان عابد از تابعین است درباره علی علیه السلام می گوید:

كان لعلی بن ابی طالب عشرون و مائه منقبة لم يشرك معه فيها احد من اصحاب

۱- احقاق الحق جلد ۱۵ صفحه ۳۴۱. ۲- بحار جلد ۹۰ صفحه ۱۲۸.

۳- بحار جلد ۲۵ صفحه ۲۲۴.

محمد ﷺ و قد اشترك في مناقب الناس

یعنی: علی عليه السلام را صد و بیست منقبت است که احدی از اصحاب محمد صلى الله عليه وآله باوی در آنها اشتراک ندارد و او در مناقب مردم اشتراک دارد. (۱)
ابن عساکر از ابراهیم بن رباح که از تابعین است درباره امیرالمؤمنین علی عليه السلام چنین نقل کرده است:

علی عليه السلام استحقاق خلافت را به پنج چیز (امتیاز) داشته است، ۱- نزدیک بودن از جهت قرابت به رسول خدا صلى الله عليه وآله، ۲- سبقت در اسلام آوردن، ۳- زهد در دنیا، ۴- فقہات در دین، ۵- پیکار و جنگ با دشمنان اسلام، و دیده نشده این پنج چیز مگر در علی عليه السلام (۲)

ابو سعید خدری می گوید: روزی رسول خدا صلى الله عليه وآله دست میان دو شانه علی عليه السلام زد و فرمود: تو را هفت خصلت است که احدی روز قیامت در آنها با تو برابری نمی کند.

انت اول المؤمنین بالله ايماناً، و اوفاهم بعهد الله، و اقومهم بامرالله و ارافهم بالرعية، و اقسّمهم بالسوية، و اعلمهم بالقضية، و اعظمهم مزية يوم القيامة
یعنی: تو اول مؤمنی که به خدا ایمان آورد، و وفادارتر آنانی در پیمان خدا، و استوارتر آنانی در کار خدا و مهربانتر آنانی بر عیّت، و بهتر آنانی در تساوی قسمت و داناتر آنانی بدآوری و بزرگتر آنانی در فضیلت روز قیامت (۳)

۱- شواهد التنزیل جلد ۱ صفحه ۱۷. ۲- بوستان معرفت صفحه ۶۷۴.

۳- کنز العمال جلد ۱۱ صفحه ۶۱۷.

۱۴۶..... تفسیر و شرح دعای ندبه

و یحذو حذو الرسول صلی الله علیهما والهما -

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب به جهت شدت همبستگی و اتصال به پیامبر خدا، همان روش و طریقه رسول خدا صلی الله علیه و آله را در مدت زندگی و حیات خود داشته و هر راه و روش که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله داشتند آن حضرت هم همان راه و روش را انجام می دادند. احدی از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله نتوانست همانند آن حضرت گام به گام و قدم به قدم از پی رسول اکرم صلی الله علیه و آله و به تبع حضرتش راه برود و دنباله رو رسول خدا باشد چنانکه این امر از مختصات امیرالمؤمنین علی علیه السلام شمرده شده چنانکه امام صادق علیه السلام می فرماید: کسی از این امت طاقت و قدرت پیروی عمل رسول خدا صلی الله علیه و آله را پس از او نداشت جز علی علیه السلام. (۱)

و رسول خدا صلی الله علیه و آله در همبستگی علی علیه السلام با خود در اجرای عدالت چنین می فرماید:

ان علیاً منی و انا منه و هو ولی کل مؤمن من بعدی کفی و کف علی فی العدل سواء
یعنی همانا علی از من و من از او هستم و او ولی هر مؤمن است بعد از من و
دست او با دست من در عدالت برابر است.

و در زیارت آن حضرت به این امر یعنی پیروی کامل حضرتش با رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده و عرض می کنیم:

اشهد انک یا ولی الله - اتبعت منهاج الرسول صلی الله علیه و آله

و امیرالمؤمنین شدت اتصال و یگانگی خود را با رسول خدا صلی الله علیه و آله اینگونه

بیان می‌کند:

انا من رسول الله كالصنو من الصنو

یعنی: اتصال و همبستگی من با رسول خدا همانند شاخه‌ایست از شاخه (که هر دو از یک ریشه روئیده و شبیه به یکدیگرند در عمل و گفتار).

و یقاتل علی التأویل

«بر اساس تأویل (و حقائق باطنی قرآن) جنگ می‌کرد».

بطور کلی قرآن کریم دارای دو معنا «تنزیل و تأویل» می‌باشد.

معنای پذیرفتن «تنزیل» یعنی پذیرفتن نزول و معنای ظاهری قرآن است و معنای تأویل یعنی پذیرفتن حقائق و معنای باطنی قرآن است. و قتال برای پذیرفتن «تنزیل» و وظیفه انبیاء بوده و قتال برای «تأویل» و حقایق پنهان از وظائف اوصیاء شمرده شده به این معنا که افرادی که به کمک و تلاش انبیاء در مرتبه اول به نزول و معنای ظاهری کتاب ایمان آوردند، و پس از آن هنگامی که آمادگی لازم را برای درک و فهم معنای باطنی و تأویل پیدا کردن باید از وصی و جانشین آن نبی و پیامبر پیروی کرده و خود را به حقائق و معنای باطنی کتاب آسمانی برسانند تا به کمال برسند لذا پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به این مطلب خبر داده بودند که جانشین خود یعنی علی بن ابیطالب علیه السلام برای ترویج و انتقال معنای باطنی و تأویل قرآن به مسلمانان تلاش و قتال می‌نماید چنانکه در امالی نقل شده که فرمود:

انا صاحب التنزیل و انت صاحب التأویل

یعنی: من صاحب تنزیل قرآن هستم و تو (علی جان) صاحب تأویل قرآن هستی^(۱) در روایت دیگری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

یقاتل علی التأویل كما قاتلت علی التنزیل^(۲)

و در روایت دیگری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

از میان شما کسی است که بر تأویل قرآن جنگ می کند همچنانکه من بر اساس تنزیل آن جنگ می کنم.

سؤال شد: او کیست؟

فرمود: خاصف النعل یعنی: همانکس که مشغول انجام پینه کفش است.

هنگامی که نظر کردند دیدند علی علیه السلام است.

ابوذر غفاری نقل می کند که:

من با رسول خدا صلی الله علیه و آله در بقیع غرقد^(۳) بودیم که به من فرمود: ابادرا قسم به آنکه جانم به دست اوست در میان شما کسی است که برای تأویل قرآن می جنگد همچنانکه من برای تنزیل آن می جنگم، در صورتی که آن گروه (مخالف) کلمه توحید را بر زبان جاری می کنند و بدان هم شهادت می دهند ولی با این حال بیشترشان ایمان ندارند و مشرکند و کشتن این گروه بر مردم گران آید تا آنجا که به ولی خدا افترازنند و از عملش ناراضی و رنجیده خاطر

۱- امالی صدوق صفحه ۲۹۵. ۲- بحار جلد ۳۳ صفحه ۱۸.

۳- غرقد نام درختی است خاردار که در قبرستان بقیع بوده

باشند.

این آینده نگری و خبر غیبی رسول خدا ﷺ پس از رحلتشان ظاهر شد و علی علیه السلام برای تأویل و حقائق قران تلاش نمود ولی افرادی که خود را مسلمان می خواندند در مقابل ولی خدا علی علیه السلام قد علم کرده و با حضرتش به جنگ و ستیز بر خواستند که این عبارت دعای ندبه «و یقاتل علی التاویل» اشاره به آن دارد.

ولاتأخذه فی الله لومة الاثم

«در راه رضای خداوند از ملامت و سرزنش بد گویان باکی نداشت».

یکی دیگر از مناقب بلند امیرالمؤمنین علی علیه السلام این است که حضرتش در راه خدا و عمل به دستور پروردگار از ملامت و سرزنش بدگویان باکی نداشت و به وظائف بندگی خود آنطور که شایسته است عمل می کرد چنانکه در زیارت آن حضرت در روز عید غدیر خم آمده است:

لاتأخذک فی الله لومة لائم

و در جای دیگر آمده است:

بابی من لایأخذه فی الله لومة لائم^(۱)

و در تفسیر صافی ذیل آیه شریفه «یجاهدون فی سبیل الله ولایخافون لومة لائم»^(۲)

یعنی: کسانی که در راه خدا جهاد می کنند و از ملامت سرزنش کنندگان و

۱۵۰..... تفسیر و شرح دعای ندبه

بدگویان خوفی و باکی ندارند آمده است که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

مراد از مؤمنان در این آیه شریفه امیرمؤمنان (علی) علیه السلام و اصحابشان می باشد که با منافقان از ناکثین و قاسطین و مارقین جنگ کردند.

قد وتر فیه صناید العرب و قتل ابطالهم و ناوش ذؤبانهم

«علی علیه السلام در راه خدا خونهای دلاوران عرب را ریخت و قهرمانانشان را گشت و گرگانشان را گرفت و بزمین کوبید».

قدوتر - «وتر» بر وزن فعل، تنها گذاشت

صناید - «صناید» صفت مشبه به معنای شریف و بزرگ می باشد.

ناوش - فعل ماضی از ماده «نوش» جنگید و کشت

ذؤبان - جمع مکسر «ذئب» به معنای گرگ

در این عبارات شجاعت و شهامت امیرالمؤمنین علی علیه السلام را بازگو می کند که باعث پیروزی اسلام گردید و دشمنان سخت اسلام را از میان برداشت تا زمینه اطاعت و انقیاد برای سایر افراد عرب فراهم شود و در این راه حضرتش از هیچ کس بیم و ترس نداشت چنانکه در روایتی می فرماید:

والله لو تظاهرات العرب علی قتالی لما ولیت عنها و لو امكنت الفرص من رقابهما لسارعت اليها^(۱)

یعنی: به خدا قسم اگر عرب در جنگ با من پشت در پشت بایستد من هرگز

روی نخواهم گرداند و اگر فرصت بیابم برای زدن گردن هایشان شتاب خواهم کرد.

نصر ابن مزاحم از شجاعت امیرالمؤمنین نقل کرده و می گوید:
قتل منهم ابطال کثیرون^(۱)

یعنی: از آنها (عرب) قهرمانان و ابطال زیادی را کشت.
و خود آن بزرگوار بعد از جنگ نهروان می فرماید:
انا مجدالابطال وقاتل الفرسان^(۲)

«من بزرگترین و جوانمردترین ابطال هستم و کشنده دلیران هستم».

و پیامبر اکرم در شجاعت امیرالمؤمنین علیه السلام به فاطمه علیها السلام می فرماید:

(علی) ضرب بین یدی بالسیف و هو ابن ست عشرة سنة وقتل الابطال و هو ابن تسع
عشرة سنة و فرج همومی^(۳)

یعنی: علی علیه السلام در مقابل من با شمشیر جنگ کرد در حالی که شانزده ساله
بود و بزرگان و قهرمانان را از بین برد در حالی که نوزده ساله بود و مرا از همها
و غمها نجات داد.

و همچنین پس از جنگ احد پیامبر اکرم در شجاعت علی علیه السلام می فرماید:
قد قتل الله صنادید القریش بیدیه^(۴)

یعنی: به تحقیق که خداوند به دست علی علیه السلام بزرگان قریش را کشت و از

۲- بحار جلد ۳۳ صفحه ۲۸۳.

۱- بحار جلد ۳۲ صفحه ۴۷۷.

۴- بحار جلد ۲۰ صفحه ۸۸.

۳- بحار جلد ۴۰ صفحه ۶.

بین برد.

خلاصه اینکه یکی از افتخارات و امتیازات امیرالمؤمنین علی علیه السلام پیروزی اسلام است که با دست مبارکش انجام شد و در راه خدا دلاوران عرب را کشت و از بین برد و گرگانشان را گرفت و به زمین کوبید.

حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها در خطبه فدکیه راجع به شجاعت امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرماید:

افتريت الذئاب

یعنی: (علی جان تو) گردن گرگان را در هم شکستی

فاودع قلوبهم احقاداً بدريةً و خيبرية و حنينية و غيرهن

«پسر دل‌های (بازماندگان) آنها را از جنگ بدر و خیبر و حنین و جنگ‌های دیگر پر از حقد و کینه ساخت.»

به جهت شجاعت و دلاوریهای امیرالمؤمنین علی علیه السلام که ابطال و پهلوانان عرب به خاک و خون کشیده شده بودند، گروهی از عرب کینه آن حضرت را به دل گرفتند، آنانی که پدران و عشیره‌اشان به دست آن حضرت کشته شده بودند و از بین رفته بودند، پس از مدتی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رحلت نمود کینه‌های خود را اظهار نموده و با حضرتش به عداوت برخواستند.

چنانکه حضرت فاطمه زهرا علیها السلام می فرماید:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به منزل ما آمدند و مشغول گریه شدیدی شدند تا اینکه

همسرم علی علیه السلام از حضرتش پرسید چرا گریه می کنید؟

فرمود: ضغائن فی صدور قوم لایبدونها لک حتی یفقدونی
یعنی: (علی جان) گریه من برای کینه‌ها و آن دشمنیهائی است که در مورد
ولایت تو در سینه هایشان مخفی کرده‌اند و تا من هستم نمی‌توانند کاری بکنند
ولی بعد از من کینه‌ها را اظهار می‌کنند. (۱)

و در روایتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خطاب به علی علیه السلام می‌فرمایند:
ضغائن فی صدور اقوام لایبدونها لک الا من بعدی احقاد بدر و ترات احد (۲)
یعنی: کینه‌هایی در سینه این قوم است که ظاهر نمی‌کنند مگر بعد از من،
کینه‌های جنگ بدر و احد.

آن مردم حقد و کینه‌ای که نسبت به امیرالمؤمنین علی علیه السلام داشتند به جهت
کشته شدن پدران و برادران و نزدیکانشان به دست توانای آن حضرت بوده که
در جنگهای متعددی واقع شده بود که در این عبارت دعای ندبه به سه جنگ
بسیار مهم اسلام که در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله و به شجاعت امیرالمؤمنین علی
علیه السلام به پیروزی انجامید اشاره شده است که ما به مختصری از تاریخ آن جنگها
اشاره می‌کنیم.

غزوة بدر

این جنگ در سنه دوم هجری واقع شد که در مکانی خارج از شهر مدینه به
مسافت تقریبی سی فرسخ واقع شد در این جنگ سران و بزرگان و ابطال

۱- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید جلد ۴ صفحه ۱۰۷.

۲- بحار جلد ۲۸ صفحه ۵۴.

۱۵۴..... تفسیر و شرح دعای ندبه

قریش به دست توانای امیرالمؤمنین کشته شدند که بعضی از مورخین تعداد آنها را ۳۷ نفر ذکر کرده‌اند از جمله پدر و برادر هند زن ابوسفیان بوده، غلغله شجاعت آن حضرت سر تا سر جبهه جنگ را به ولوله انداخت تا جائی که لشکر مشرکین با دادن کشته‌های فراوان پای به فرار گذاشته با ترس و هراس به مکه مراجعت نمودند و خدایتعالی آنچنان که قبلاً وعده داده بود پیروزی را توسط علی علیه السلام به مسلمانان کرامت فرمود

غزوة خیبر

این جنگ در سال هفتم از هجرت واقع شد، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پرچم اسلام را به دست با کفایت علی علیه السلام دادند فرمودند: برو به سوی کارزار که خدایتعالی این فتح و پیروزی را به دست تو به ثمر می‌رساند.

امیرالمؤمنین علیه السلام همراه لشکر اسلام به قلعه خیبر رسیدند آن را محاصره نمود و درب خیبر را که پنجاه مرد آن را باز و بست می‌کردند از جای کنده و بر روی خندقی که بدور قلعه خیبر بود انداختند تا لشکر اسلام از روی آن عبور کنند سپس آن را برداشت و به طرف بیابان پرتاب نمود و در این جنگ بزرگترین قهرمان عرب مرحب خیبری را به هلاکت رساند و هفت قلعه و دژ محکم که در خارج از شهر مدینه بود فتح گردید و غنائم بسیاری نصیب مسلمانان شد

غزوة حنین

این جنگ در سنه هشتم هجری در نزدیکی شهر طائف واقع شد و در قران از آن به «یوم حنین» یاد شده است «مالک بن عوف» که رئیس قبیله «هوازن» بود خود را قبلاً برای مقابله با مسلمانان آماده کرده بود لذا هنگامی که مسلمانان به طرف «حنین» حرکت کردند مالک بن عوف از قبل به کمین نشسته بود و مسلمانان را محاصره کرد لذا لشکر اسلام ظاهراً شکست خورده بود و بعضی از مسلمانان هم فرار کردند ولی علی علیه السلام که پرچمدار اسلام بود با عده کمی در مقابل دشمن ایستاد و به پیکار خود ادامه داد تا اینکه پیامبر صلی الله علیه و آله به عباس که یکی از یاران پیامبر بود و صدای رسائی داشت دستور دادند که بر فراز بلندی رود و صدا کند: مسلمانان کجا می روید که پیامبر اینجاست، لذا مسلمانان برگشتند و در کنار علی علیه السلام و به رهبری حضرتش پیروز شدند.

غیرهن

این کلمه اشاره به این دارد که در تمامی جنگها و غزوات، امیرالمؤمنین علی علیه السلام حضور داشتند و به دست توانای حضرتش مسلمانان به پیروزی رسیدند و بزرگان و ابطال عرب که سرسختانه به مقابله با مسلمانان و پیامبر اسلام برخواسته بودند، به هلاکت رسیدند، لذا مسلمانان عداوت و کینه آن حضرت را به جهت کشته شدن نزدیکانشان و نیاوردن ایمان واقعی، بدل گرفته

۱۵۶..... تفسیر و شرح دعای ندبه

بودند و پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آن عداوت و کینه‌ها را ظاهر ساختند.

فأضبت علی عداوته و اکبت علی منابذته حتی قتل الناکثین و القاسطین و المارقین

«و (در اثر آن کینه پنهانی) بر دشمنی او قیام کردند و به مبارزه و جنگ با او هجوم آوردند تا اینکه ناگزیر او هم با «ناکثین» و «قاسطین» و «مارقین» به قتال برخاست.»

پس از اینکه مسلمانان عداوت و کینه امیرالمؤمنین علی علیه السلام را بدل داشتند، پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به مقابله و ستیز با حضرتش برخاستند و به بهانه‌های متعددی پیمان شکنی کرده و عهد و بیعت خود را نسبت به ولایت آن حضرت نقض نمودند و مشغول ریختن نقشه و توطئه برای مقابله با حضرتش بر آمدند و از هر گونه آزار و اذیت کوتاهی نکردند و در مقابل آن بزرگوار دسته‌ها و گروه‌های متعدد تشکیل دادند که امیرالمؤمنین علیه السلام ناگزیر به مقابله با آنان شدند تا آتش توطئه و فتنه را خاموش نمایند که به سه جنگ معروف «ناکثین»، «قاسطین»، «مارقین» انجامید.

و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز از این سه جنگ خبر داده و امیرالمؤمنین علی علیه السلام را تأیید کرده بودند.

از جمله اینکه عبد الله بن عباس نقل نموده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به همسر گرامیشان ام سلمه از این سه جنگ خبر داده بودند و فرمودند:

اسمعی و اشهدی هو قاتل الناکثین و القاسطین و المارقین من بعدی

یعنی: بشنو و گواه باش (ای ام سلمه) پس از من او (علی علیه السلام) کشنده پیمان

شکنان و ستمکاران و از دین برون شدگان است. (۱)

و در روایت دیگری باز ابن عباس نقل می‌کند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به همسر گرانقدرشان ام سلمه فرمودند: این علی بن ابیطالب گوشتش از گوشت من است، خورش خون من است و او نسبت به من در رتبه هارون است نسبت به موسی، جز نبوت که پس از من پیامبری نیست.

ای ام سلمه! این علی امیر مؤمنان است، بزرگ مسلمانان و وصی من است، صندوق علم من و باب من است، از این باب باید سوی من آیند، علی برادر من است در دنیا و آخرت و در برترین مقامات با من است. او خواهد کشت «ناکثین» و «قاسطین» و «مارقین» را. (۲)

و در روایتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمودند:

یا علی تقاتل الناکثین و القاسطین و المارقین

یعنی: ای علی! تو با پیمان شکنان و ستمگران و خارجان از دین خواهی جنگید. پس از ۲۵ سال خانه نشینی علی علیه السلام، مسلمانان آن حضرت را به عنوان خلیفه انتخاب نموده و با حضرتش بیعت نمودند گروهی ریاست طلب از جمله «طلحه» و «زبیر» نقض بیعت نموده و با «مروان حکم» که بر آن حضرت یاغی شده بود همدست شدند و نزد عایشه رفته او را به بهانه خونخواهی عثمان همراه خود کرده و سوار شتر نمودند و روانه بصره شدند و جنگ جمل (ناکثین) را راه انداختند که در اثر آن زبیر و طلحه به هلاکت رسیدند و گروهی

۱۵۸..... تفسیر و شرح دعای ندبه

دیگر نیز کشته شدند و حضرت علی علیه السلام عایشه را به مدینه برگرداند، این جنگ معروف شد به جنگ ناکثین.

جنگ قاسطین (جنگ صفین)

گروه قاسطین افرادی بودند که از پیروی امیرالمؤمنین علی علیه السلام اعراض کرده و به رهبری معاویه و عمر بن العاص بر آن حضرت خروج کردند و در مکانی به نام «صفین» با امیرالمؤمنین علی علیه السلام تلاقی کردند، امیرالمؤمنین آنها را موعظه و نصیحت فرمود، ولی آنها نپذیرفتند تا اینکه جنگ در گرفت و جمعی بسیار از همراهان معاویه به هلاکت رسیدند در اینجا معاویه چاره‌ای ندید مگر اینکه قرآنهارا سرنیزه کند تا مسلمانان گول خورده و جنگ را متوقف کنند، معاویه در نقشه خود موفق شد و هر چند علی امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود بجنگید و کار را یکسره نمایید آنان گوش ندادند، تا اینکه تن به ذلت دادند و شکست خوردند. این جنگ معروف شد به جنگ قاسطین.

جنگ مارقین (جنگ نهروان)

پس از جنگ صفین که با تعیین حکمیت سرنوشت جنگ تغییر کرد بیش از شش هزار نفر از فرمان امیرالمؤمنین علی علیه السلام خارج شدند و شعارشان این بود که «لا حکم الا لله»، حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام آنها را موعظه نمود و بنا کوشش و تلاش فراوان آن حضرت دو هزار نفر از آنها برگشتند ولی چهار هزار نفر در نهروان ماندند و در مخالفت با آن حضرت اصرار داشتند تا اینکه

امیرالمؤمنین علیه السلام بالشکری به طرف نهر وان حرکت کردند و آنها را قلع و قمع نمودند و پس از اینکه تعداد زیادی از آنها کشته شدند، گروهی نیز توانستند فرار کنند و بر همین عقیده فاسد خود باقی باشند که ابن ملجم مرادی یکی از آنها بود. این جنگ نیز معروف شد به جنگ مارقین.

و لما قضی نجه و قتله اشقی الاخرین یتبع اشقی الاولین - قتله اشقی الاشقیاء

من الاولین و الاخرین.

«چون دوران زندگی (علی علیه السلام) تمام شد، کشت (و به شهادت رسانید) او را شقی‌ترین افراد آن زمان که پیروی کرده از شقی‌ترین اولین - کشت او را شقی‌ترین اولین و آخرین».

امیرالمؤمنین علی علیه السلام پس از آن همه ماجراها و زندگی پر بار خود، مأموریت و امامت را به فرزند برومندش حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام سپرد و خود در حالی که با شمشیر ابن ملجم مرادی ضربت خورده بود به شهادت رسید و در تفسیر ایه‌ای از سوره احزاب که می‌فرماید: «فمنهم من قضی نجه» آمده است که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود این آیه در باره من نازل شده است.

شاید این سؤال به ذهن شما خطور کند: که چرا دعای ندبه قاتل امیرالمؤمنین علی علیه السلام را «اشقی الاخرین» معرفی کرده و حال آنکه قاتل امام حسن عسگری علیه السلام یا قاتل امام زمان علیه السلام باید «اشقی الاخرین» باشد چونکه آخرین حجت خدا را به شهادت می‌رساند؟! در جواب عرض می‌کنیم که در

۱۶۰..... تفسیر و شرح دعای ندبه

معنای جمله «اشقی الاخرین» چند احتمال است اول اینکه چون امیرالمؤمنین علیه السلام افضل و سید اوصیاء می باشد قاتل آن حضرت نیز با همین تناسب پست ترین و شقی ترین انسانها می باشد. دوم اینکه قاتل امیرالمؤمنین از اول خلقت تا زمان خودش شقی ترین انسانها می باشد و سوم اینکه شقی ترین آخرین گروهی می باشند که یکی از آنها ابن ملجم مرادی است.

و مراد از «اشقی الاولین» همان گروهی بودند که بعد از رحلت جانگداز رسول خدا صلی الله علیه و آله خلافت را غصب نموده و فاطمه زهرا علیها السلام را به شهادت رساندند. دوم اینکه مراد تمامی آن افرادی که انبیاء و اوصیاء را به شهادت رساندند. سوم اینکه مراد از اشقی الاولین پی کننده ناقه صالح باشد چنانکه در روایتی وارد شده است :

شقی ترین اولین پی کننده ناقه صالح و شقی ترین آنها قاتل علی علیه السلام است. این بود و جوهری در معنای «قتله اشقی الاخرین یتبع اشقی الاولین». ولی در بعضی از نسخ دیگر آمده است «قتله اشقی الاشیاء من الاولین و الاخرین» یعنی کشت او را (امیرالمؤمنین علیه السلام را) شقی ترین اولین و آخرین، و پر واضح است که قاتل امیرالمؤمنین علیه السلام شقی و بدبختترین فرد عالم است که دست خود را به خون امیرالمؤمنین علیه السلام رنگین نموده است.

چنانکه در روایتی پیامبر اکرم به آن حضرت خبر داده فرمودند:

یقتلک شقی هذه الامة

در شب نوزدهم ماه مبارک رمضان سال چهل هجری به وسیله شقی ترین

فرد امت یعنی ابن ملجم مرادی با شمشیر زهر آلودی که بر فرق مبارک آن حضرت وارد ساخت در محراب عبادت مجروح و سپس در شب بیست و یکم همان ماه رحلت نموده و به شهادت رسید، صلوات الله و سلامه علیه.

لم یمثل امر رسول الله صلی الله علیه و اله فی الهادین بعد الهادین

«امر (و سفارشات) رسول خدا (صلی الله علیه و آله) درباره راهنمایان خلق که یکی پس از دیگری بودند، امتثال نشد».

این جملات از دعا یاد آور ظلمها و مظلومیتهاست که در حق امیرالمؤمنین علیه السلام و فرزندان پاک آن حضرت که هر یک راهنمایان دین بودند، می باشد، یاد آور ستمهایی است که بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله در حق آنها روا داشته شد و حال آنکه پیامبر اکرم در آیات قرآن و روایات متواتر سفارش به محبت و اطاعت اهل بیت خود را نمودند چنانکه در عبارات قبل گذشت که طبق تفاسیر شیعه و سنی آیه:

لا اسألكم علیه اجراً الا المودة فی القربی (۱)

در حق فرزندان پیامبر اکرم می باشد که در آن امر به محبت و مودة نسبت به آنها شده و در روایات فریقین (از شیعه و سنی) بطور متواتر نقل شده است که پیامبر اکرم فرمودند:

انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی ما ان تمسکتهم بهم لن تضلوا ابدا

۱۶۲..... تفسیر و شرح دعای ندبه

ولی با این وجود بعد از رحلت جانگداز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از «امر» رسول الله در حق اهل بیت علیهم السلام سرپیچی کردند، که در واقع از امر خدایتعالی سر باز زدند و از ائمه هدی که سفارشات متعدد به پیروی از آنها شده بود، پیروی نکردند و آنها را یکی پس از دیگری کنار زدند و بر دشمنی و عداوت خود اصرار ورزیدند و هر یک از آنها را به شهادت رساندند و بعضی دیگر را آواره بیابانها و بلاد غربت نمودند. تا جایی که امام زین العابدین علیه السلام هنگام مراجعت از سفر و برگشت از اسارت شام قبل از ورود به شهر مدینه وقتی که اهالی شهر به استقبال اسیران اهل بیت به بیرون شتافته بودند فرمود:

والله لو ان النبی تقدّم الیهم فی قتالنا کما تقدّم الیهم فی الوصایة بنا لما ازدادوا علی ما فعلوا بنا

یعنی: به خدا قسم اگر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به جای آن سفارشها، امر به کشتن ما می داد بیش از این که با ما کردند نمی کردند.

والامة مصرة علی مقتته مجتمعة علی قطیعة رحمه و اقضاء ولده الا القلیل ممن

وفی لرعاية الحق فیهم

«و امت تصمیم بر دشمنی با او گرفته و اصرار ورزیدند، و بر قطع رحم و آواره کردن آل اطهارش اجتماع کردند مگر عده قلیلی که به رعایت حق آنان وفا کردند»

مصرة- پافشاری و اصرار کننده

مقته- شدت بغض و کینه و دشمنی بسیار سخت را گویند.

اقصاء- از ماده «قصی» به معنای دور نمودن و تبعید کردن است.

امت پس از رحلت جانسوز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رعایت حق اهل بیت را ننمودند و تمامی سفارشات مؤکد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را بفراموشی سپردند و کردند آنچه را که نباید بکنند و مسیر اسلام را منحرف نموده و امیرالمؤمنین علی علیه السلام را و دیگر اوصیاء معصوم را یکی پس از دیگری کنار زدند و بر دشمنی با آنها اصرار ورزیدند تا جایی که به ضلالت و گمراهی کشیده شدند و ائمه کفر و ضلال را بر خود امام و رهبر انتخاب نمودند و همگی در صدد قطع رحم و خویشان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر آمدند و آنها را با فجیعترین شکل کشته و از پای درآوردند چنانکه در بعضی روایات آمده است که عربها عهدهای بین خود نوشتند که بر قطع رحم رسول خدا صلی الله علیه و آله اتفاق کنند

عهدهم الذی کتبوه بینهم فی قطیعة رحمہ (۱)

«عهد نامه‌ای بین خود نوشتند که بر قطع رحم پیامبر صلی الله علیه و آله اتفاق کنند»

و بعضی دیگر از فرزندان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را از شهر و دیارشان دور کردند و آنان را از وطن خود آواره و دربدر نمودند بطوری که هر کدام به نقطه‌ای دور از وطن افتادند.

مگر اندکی از اصحاب که قیام به رعایت حق آنان نموده و وفای به عهد و پیمان خویش در مورد اهل بیت پیامبر اکرم نمودند. کلمه «وفا» اشاره به عهد و پیمانی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله از امت خود در رعایت حق اهل بیت خویش

۱۶۴..... تفسیر و شرح دعای ندبه

گرفتند مثل آیه مودت و روایات ثقلین و یا روز غدیر خم که بر ولایت امیرالمؤمنین و اطاعت از وی از تمامی مسلمانان عهد و بیعت گرفتند. ولی عده کمی از مسلمانان بر عهد و وفای خود ثابت قدم ماندند چنانکه امیرالمؤمنین در روایتی می فرماید:

هم مختلفون فی ولایتی منکرون لذلك جاحدون هما الا القلیل (۱)

یعنی: آنها در ولایت و امامت من اختلاف کردند و آن را منکر شدند مگر قلیلی از امت.

و علامه مجلسی در بحار الانوار نقل می کند:

و لم یبق احد من اصحاب رسول الله ﷺ الا نفاق الا القلیل (۲)

یعنی: نماند از اصحاب رسول خدا ﷺ مگر اینکه از خود نفاق نشان داد مگر قلیلی از امت.

فقتل من قتل و سبی من سبی و اقصى من اقصى و جرى القضاء لهم بما یرجى له

حسن المثوبة

«سپس گروهی (از اهل بیت) کشته شدند و عده‌ای هم اسیر، و جمعی آواره و دور از وطن واقع شدند، و قضای الهی بر آنان جاری شد بر چیزی که از آن پاداش نیکو امید می رود».

سبی - از ماده «سبی» به معنای اسیر شدن

پس از اینکه در عبارات قبلی فرمود، مسلمانان امر رسول خدا ﷺ در حق اهل بیتش را رعایت نکردند و عهد و پیمان خود را شکستند حال قسمتی از جنایات آنان را در حق اهل بیت پیامبر متذکر می‌شود و می‌فرماید: گروهی از فرزندان پیامبر خدا ﷺ که از قبل نقشه قتلشان را کشیده بودند کشتند و بعضی را به زندانها انداختند و گروهی را آواره بیابانها و شهرهای غربت نمودند، چنانکه تاریخ غمبار زندگی ائمه اطهار علیهم السلام بر آن گواه است که گروهی را از دم شمشیر گذرانده و به قتل رساندند، مانند امام حسین علیهما السلام که امام زین العابدین علیهما السلام می‌فرماید: قتل ابو عبد الله الحسین و سبی نسائه و صبیته یعنی امام حسین را کشتند و زنان و دخترانش را به اسارت بردند و بسیاری دیگر از اهل بیت علیهم السلام را در زندانهایی که برایشان ترتیب داده بودند حبس نموده و یا در منازل و خانه هایشان زندانی کرده بودند و بعضی دیگر از زراری رسول خدا ﷺ را از وطن و کاشانه خود دور و آواره کرده و دائما در حال هجرت و نقل مکان بسر می‌بردند که یکی از نمونه‌های بارز و روشن آن امام زمان علیهما السلام است که سالهای سال آواره بیابانها و دور از وطن بسر می‌برند. چنانکه خود در توقیعی می‌فرمایند پدرم امام حسن عسکری علیهما السلام از من پیمان گرفت (برای حفظ جانم) میان مردم نیایم و در بیابانها بسر ببرم.

و جری القضاء لهم - در این عبارت می‌فرماید، این قضاء الهی در مورد آنها برای ارشاد و هدایت مردم بوده که بوسیله آنها گروه بسیاری از مردم هدایت شده و سپس آزمایش شدند و همچنین افرادی که در آینده به دنیا می‌آیند به

۱۶۶..... تفسیر و شرح دعای ندبه

اطاعت و پیروی و محبت آنها آزمایش و امتحان می شوند و این «قضاء الهی» امری بوده که خود اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام از آن آگاه بودند و خود با اختیار و محبت پذیرفته بودند که نشانه کمال عبودیت و بندگی آنهاست و در مقابل این تسلیم خدایتعالی به آنها «حسن المثوبة» یعنی «بهترین پاداش و نیکبها» را به آنها وعده داد چنانکه خدایتعالی در قرآن به پاداشهای نیک در دنیا و آخرت، خبر داده و فرمود:

فاتهم الله ثواب الدنيا و حسن ثواب الاخرة و الله يحب المحسنين (۱)

«از این رو خداوند پاداش این دنیا و پاداش نیک آخرت را به آنها داده و خداوند نیکوکاران را دوست می دارد»

«حسن المثوبة» را در مورد اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام می توان به چند معنا گرفت:

- ۱- پاداش و ثوابهای بزرگ اخروی
 - ۲- ترفیع درجه و تقرب به خدایتعالی که فقط از برای آنها می باشد
 - ۳- قیام و حکومت حضرت مهدی علیه السلام و نهایتاً رجعت و حکومت اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام
 - ۴- مقام محمود که فقط از آن رسول خدا و اهل بیت گرامیش می باشد.
 - ۵- آشکار شدن حق اهل بیت و انتقام از دشمنان آنها
- لذا در این فقره از دعای ندبه می فرماید در مقابل قضای الهی که بر آنان

جاری شده به چیزی که حسن ثواب (پاداش نیکو) از آن امید می رود، عطامی گردد.

اذکانت الارض لله یورثها من یشاء من عباده و العاقبة للمتقین

«چون زمین از آن خداست و آن را به هر کسی بخواهد واگذار می کند و سرانجام نیک برای پرهیزکاران است».

پس از اینکه مظلومیت اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله را یاد آور شد اینک می فرماید: خدایتعالی مقام و مرتبه شایسته ای را برای آنها مقدر کرده که به آن خواهند رسید و آنها را وارثان زمین قرار خواهد داد و عاقبت نیک از آن آنها خواهد بود.

در واقع این جمله از دعای ندبه برگرفته شده از این آیه شریفه است که می فرماید:

ان الارض لله، یورثها من یشاء من عباده و العاقبة للمتقین (۱)

در اصول کافی از امام محمد باقر علیه السلام نقل نموده که فرمود:
من در کتاب علی علیه السلام در تفسیر آیه شریفه «ان الارض لله یورثها من یشاء...» دیدم که آن حضرت نوشته بود، من و اهل بیت من آن جمع هستیم که خدایتعالی زمین را به میراث ما داد، و مائیم آن متقیان که خدایتعالی فرمود و العاقبة للمتقین.

و همچنین در روایت دیگری آمده است که موقعی که حضرت امام محمد

۱۶۸..... تفسیر و شرح دعای ندبه

باقر علیه السلام را به شام آوردند و او را در مجلس هشام حاضر گردانیدند، هشام ساکت شد و حاضرین مجلس - طبق دستور قبلی - هر یک سخنان بیهوده‌ای نسبت به آن بزرگوار گفتند و او را سرزنش می‌کردند، پس از شنیدن سخنان آنها حضرت از جای برخاست و ایستاد و گفت: ای مردم قصد و نظر شما چیست؟ و چه می‌خواهید در صورتی که ببرکت وجود ما خاندان در ابتدا خدا شما را هدایت کرد، پایانتان را هم به وسیله وجود ما ختم می‌کند، پس اگر این سلطنت و قدرت برای شما بی دوام و موقت است، برای ما مدت دار و بادوام بوده و بعد از حکومت ما حکومتی نخواهد بود، چون ما هستیم اهل آن عاقبتی که خداوند فرمود: *والعاقبة للمتقين*.

و سبحان ربنا ان كان وعد ربنا لمفعولا و لن يخلف الله وعده وهو العزيز الحكيم

«منزه است پروردگار ما و وعده‌های او قطعی و محقق الوقوع است، و خداوند هرگز خلف وعده نمی‌کند و او در هر حال و در هر کار قادر و توانا و در کمال اقتدار و علم و حکمت است.»

در ادامه کلام و جملات قبل که فرمود زمین از آن بندگان صالح خداوند است و خدایتعالی به ارث آنها در خواهد آورد در اینجا با تأکید و تأیید وعده الهی می‌فرماید تمام این وعده‌ها حق است و حتماً واقع خواهد شد و به هیچ وجه خلاف در آن راه ندارد چنانکه خدایتعالی در قرآن وعده داده و فرموده:

وعد الله الذين آمنوا منكم و عملوا الصالحات ليستخلفنهم في الارض (۱)
 یعنی: خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و عمل صالح انجام دهند،
 وعده می دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد.
 در تفاسیر آمده است که این آیه شریفه در حق اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله
 نازل شده و این وعده به ظهور آخرین وصی پیامبر یعنی حضرت بقیه الله علیه السلام
 محقق خواهد شد، و این فقره از دعای ندبه با کلمات تأکیدی می فرماید این
 وعده الهی محقق الوقوع است و هرگز تخلف پذیر نیست.
 این جملات دعای ندبه نیز از آیات قران برگرفته شده آنجا که می فرماید:
 و يقولون سبحان ربنا ان كان وعد ربنا لمفعولاً (۲)
 و می گویند: منزّه است پروردگار ما که وعده هایش بیقین انجام شدنی است.
 و در سوره حج می فرماید:
 ولن يخلف الله وعده (۳)
 «هرگز خداوند از وعده خود تخلف نمی کند».
 و در سوره ابراهیم می فرماید:
 فلا تحسبن الله مخلف وعده (۴)
 «مپندارید خداوند از وعده خویش تخلف می کند».
 و در پایان پس از تأکید بر وقوع وعده های خدایتعالی می فرماید «و هو
 العزيز الحكيم» یعنی هر چه را که خداوند وعده داده و هر چه را که خدایتعالی
 اراده نمود بر آن قادر و توانا است و از روی حکمت انجام می دهد چنانکه قران

۱- سوره نور- آیه ۵۵.

۲- سوره اسراء - آیه ۱۰۸.

۳- سوره حج - آیه ۴۷.

۴- سوره ابراهیم - آیه ۴۷.

نیز می فرماید:

فاعلموا ان الله عزيز حكيم

فعلى الاطائب من اهل بيت محمد و على صلى الله عليهما و انهما فليبك الباكون

و اياهم فليندب النادبون و لمثلهم فلتذرف الدموع و ليصرخ الصارخون

و يضج الضاجون و يعج العاجون

«پس بر پاکان اهل بیت محمد و علی که درود خداوند بر آن دو بزرگوار و آیشان بار، گریه کنند گریه کنندگان، و باید اشک از دیده‌ها ریخته شود، و فریاد و شیون سر دهند فریاد کنندگان، و ناله و زاری و آه و ضجه از دل بر کشند ضجه زندگان».

الاطائب - از ماده «اطیب» اسم تفضیل است و به معنای پاکیزه و پاک و نیکو و خوب می باشد.

فلتذرف - از ماده «ذرف» به معنای روان

عج - از «عج یعج» به معنای فریاد زدن و نعره کشیدن است

یکی از تکالیف مؤمنین گریه و اشک ریختن بر مصائب و شهادت اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله می باشد چون حس عواطف و انسان دوستی در هر شخصی وجود دارد که او را وادار می کند بر هر مظلوم و ستم دیده‌ای متأثر شود و اگر تأثر و دلسوزی توأم با معرفت و شناخت مظلوم باشد طبیعتاً تأثر و اندوه بیشتر شده و انسان را وادار به قیام و دفاع از آن مظلوم می کند در این فقره از دعای ندبه که می فرماید (اهل بیت محمد و علی علیهم السلام) که در راستای اعتلای انسانیت بشر قدم برداشتند و در این مسیر دچار مصائب بسیار بزرگ گردیدند، باید بر آنها

گریه و ندبه نمود، به بیان دیگر به جهت فقدان آن رهبران الهی و عزیزان و خوبانی که هیچ کس و هیچ چیز در خوبیها و زیباییها با آنها مقایسه نمی شود، باید اشک ریخت و گریه نمود.

این نوع اشک و گریه چون توأم با شناخت و معرفت است انسان را در مسیر حرکت آن عزیزان قرار می دهد و تا حتی هر انسان زنده دلی که از ملیتهای مختلف با مذاهب متعدد هستند هنگامی که از مظلومین و مصائب اهل بیت آگاهی میابند متأثر می شوند چنانکه دیده یا شنیده شده است که افرادی از ملیتها و مذاهب مختلف در مراسم عاشورا شرکت می کنند و تأثر خود را از آن فاجعه بزرگ تاریخ اظهار می سازند. چون اشک ریختن بر فرزندان محمد و علی صلی الله علیه و آله اشک ریختن بر حقیقت انسانیت و فضیلت است و پر واضح است که هرگاه این نوع اشک و گریه با معرفت همراه باشد، محبت را نیز در پی خواهد داشت و محبت نیز انسان را در راستای مسیر محبوب قرار می دهد لذا در این فقره از دعای ندبه امر به گریه و اشک ریختن شده است.

تقریباً به همین مضامین دعای ندبه از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است که در شهادت حضرت جعفر طیار فرمودند:

علی مثل جعفر فلتبک البواکی

یعنی: بر همانند جناب جعفر، گریه کنندگان باید گریه کنند (۱)

و حضرت امام زین العابدین علیه السلام قبل از ورود به شهر مدینه برای مردم که

۱۷۲..... تفسیر و شرح دعای ندبه

آنجا جمع شده بودند خطبه خواند و این امر یعنی اشک و گریه با معرفت بر امام حسین علیه السلام را گوشزد می کنند و می فرمایند:

امام حسین علیه السلام کشته شد و همسر و فرزندانش هم اسیر شدند و سر او را نیز در شهرها گرداندند، این مصیبتی است که مانند آن هیچ مصیبتی نیست، ای مردم! کدام یک از شما است که پس از شهادت او شادی نماید، و کدام دلی است که برای او نسوزد و اندوهگین نشود، و کدام چشمی است که سرشک اشک خود را در مصیبت او نگهدارد و از ریزش اشک چشم خود جلوگیری کند تا آنکه فرمود: ای مردم! کدام قلبی است که از شهادت او شکسته نشود و کدام دلی است که برای او دلسوزی نکند و ناله سر ندهد، و کدام گوشه ای است که داستان این شکاف و ویرانی و رخنه ای که در عالم اسلام پدید آمده بشنود و کر نشود.

ای مردم! ما رانده شدگان و پراکندگان و آوارگان دور از خانه و وطنیم و با ما مانند (کفار) ترک و دیلم رفتار شد، در صورتی که نه گناهی مرتکب شده بودیم و نه عمل ناپسند و خلافی از ما سر زده بود و نه بدعت ناروایی در اسلام پدید آورده بودیم، ما اینگونه مصیبت و حادثه را در گذشتگان نشنیدیم، و این جنایتی است که تاکنون سابقه نداشته (۱)

صرف نظر از بحث و بررسی اشک و گریه کردن، می بینیم در روایات اسلامی این امر یعنی اشک ریختن و گریه کردن بر مظلومیت و مصائب اهل

بیت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بصورت یک دستور و مکتب در آمده است تا از این طریق مسلمانان هم به اجر و پاداش الهی برسند و هم اینکه رسالت آنان را به دیگران رسانده و احیاء دین و آرمان آن شود.

چنانکه در روایتی از امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام آمده است.

هر کس مصائب ما را یاد آورد و خود بگرید و دیگران را بگریاند چشم او گریان نشود در آن روز که چشمها گریان است، و در درجات بهشتی با ما باشد (۱)

هر کسی مصائب ما در حضورش یاد آوری شود، در نتیجه اشک از چشمانش جاری گردد، خدا چهره‌اش را بر آتش حرام گرداند. (۲)

و امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام در روایتی می‌فرمایند:

انا قتيل العبرة لا يذكرني مؤمن الا استعبر (۳)

یعنی: من کشته‌اندوه و اشکم، هیچ مؤمنی مصائب مرا بیاد نمی‌آورد مگر اینکه اندوهناک شده و اشکش جاری می‌شود.

لذا در این فقره از دعای ندبه نیز می‌فرماید: برای فرزندان پاک محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

و علی عَلَيْهِ السَّلَام باید گریه کنند گریه کنندگان

باید فغان ندبه کنند ندبه کنندگان

باید به مثل ایشان اشک بریزند

۱۷۴..... تفسیر و شرح دعای ندبه

باید فریاد و شیون سر دهند فریادکنندگان

باید ناله و زاری و آه و ضجّه از دل برکنند ضجّه زندگان.

در اینجا یک مطلب را باید به آن اشاره کنم و شرح دهم و آن جمله «لمثلهم» است که در این عبارت از دعای ندبه آمده است؛ چون شاید سؤال کنید منظور از مثل اهل بیت علیهم السلام چه کسانی هستند که مسلمانان باید برای آنان نیز اشک بریزند و گریه کنند.

در جواب می‌گوئیم، منظور هر فرد و شخصی است که در خط و آرمان اهل بیت علیهم السلام قدم برداشته و دچار مصائب و مشقات سختی گردیده و شهید شده است مانند امام زادگان و یا هر فرد مؤمن و شیعه پاک و با اخلاصی که هستی خود را در کف دست گرفته و در راه ائمه خود اهداء و ایثار کرده و به شهادت رسیده است.

این الحسن این الحسین، این ابناء الحسین صالح بعد صالح و صادق بعد صادق

«امام حسن و امام حسین کجایند و چه شدند، کجایند فرزندان امام حسین که هر یک رهبر شایسته و صالح و صادق یکی پس از دیگری بودند؟!»
در اینجا با کلمه استعمهام «این» به معنای «کجاست» دعا کننده شدت تأثر و حسرت خود را از دوری ائمه خود ابراز می‌دارد و در فراق و مهجوری آن بزرگواران تأسف می‌خورد و نام امامان معصوم را می‌برد و در فقدان آنان اشک می‌ریزد.

در این فقره از عبارت آمده است «صالح بعد صالح و صادق بعد صادق» یعنی کجایند فرزندان امام حسین علیه السلام که هر یک صالح و صادق بودند و پرواضح است که دو کلمه «صالح» و «صادق» در حقیقت ذوات مقدسه ائمه معصومین علیهم السلام می باشند چنانکه این لقب در تفسیر بعضی از آیات قرآن نیز به آن بزرگواران داده شده است مثلاً ذیل آیه شریفه:

و من يطع الله و الرسول فاولئك مع الذين انعم الله عليهم من النبيين و الصديقين و الشهداء و الصالحين و حسن اولئك رفيقا (۱)

ذیل این آیه شریفه در تفسیر از امام محمد باقر علیه السلام آمده است که منظور از نبیین محمد مصطفی صلی الله علیه و آله است و از صدیقین علی مرتضی علیه السلام و الشهداء امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام و الصالحین فرزندان امام حسین تا امام حسن عسگری علیه السلام و مراد از حسن اولئك رفيقا حضرت حجة بن الحسن علیه السلام می باشد.

باتوجه به موضوع بحث در میابیم که این آیه شریفه به ائمه معصومین بعد از امام حسین علیه السلام «صالحین» اطلاق کرده و آنان را با این کلمه معرفی نموده است و این عبارت و کلمات در ادعیه دیگر نیز آمده که از آنها به «صالحین» تعبیر کرده:

والحقني باولياك الصالحين محمد و اله الابرار

یعنی: خدایا! مرا به اولیاء صالحت محمد و آل محمد ملحق نما.

۱۷۶..... تفسیر و شرح دعای ندبه

و پیامبر اکرم در روایتی فرموده‌اند: اما الصالحون فابنتی فاطمة و ولدها^(۱)

یعنی: منظور از صالحون دخترم فاطمه و فرزندان فاطمه است.

و در یکی از زیارتها خطاب به امام می‌خوانیم: السلام علیک ایها الولی الصالح^(۲)

و همچنان است کلمه «صادق» که در آیات قران و زیارات به ائمه اطهار

علیهم‌السلام اطلاق شده و آنان را با کلمه «صادق» معرفی کرده است یکی از آیات

همان آیه ۶۹ سوره نساء است که گذشت و سوره توبه آیه ۱۱۹ می‌فرماید

یا ایها الذین امنوا اتقوا الله و کنوا مع الصادقین

یعنی: ای کسانی که ایمان آورده‌اید تقوای خدا را پیشه کنید و با صادقان باشید.

در روایاتی که ذیل این آیه شریفه آمده است می‌فرماید منظور از «صادقین»

در این آیه شریفه ائمه اطهار علیهم‌السلام می‌باشند.

در روایتی آمده است: نحن الناطقون الصادقون المؤمنون

و در روایت دیگر نقل شده: الصادقون الائمه

خلاصه اینکه این عبارت از دعای ندبه و عبارات آتیه که می‌خوانیم با کلمه

«این» شدت محبت خود را در فراق و مهجوری ائمه اطهار علیهم‌السلام و بالاخص

امام زمان علیه‌السلام ابراز می‌کنیم. و با کلمه «این» که در ابتداء جمله‌ها آمده است

احساسات خود را در فقدان عزیزان از فرزندان پیامبر ﷺ همراه با گریه و

ندبه اظهار می‌داریم و همچنین خشم و غضب خود را نسبت به ظالمین و

غاصبینی که حقوق ایشان را غصب کرده و آنان را به شهادت رساندند اظهار

می داریم.

«این» کلمه استفهامی است که تمامی معانی ذکر شده در آن نهفته شده است و دعا کننده با این کلمه می خواهد راز دل خود را با کمال محبت و شدت تأثر در فراق ائمه اطهار علیهم السلام ظاهر و بیان کند.

این السبیل بعد السبیل این الخیرة بعد الخیرة

«کجایند رهبران حق و راست یکی پس از دیگری، کجایند خوبان و برگزیدگانی که یکی پس از دیگری بودند».

این - کلمه استفهام آمیز برای بیان مظلومیت اهل بیت عصمت و طهارت، اطهار ناراحتی و تأسف بر فراق آن بزرگواران است که پس از آن بعضی القاب و صفاتشان ذکر شده است.

سبیل - به معنای راه، روش و طریق است.

خیرة - به معنای مختار و برگزیده است.

در این بند از دعا به دو خصوصیت دیگر از ائمه هدی که یکی پس از دیگری دارا بودند ذکر گردیده و می فرماید «کجایند آنان که راهنمای مردم به سوی خدا بودند و و خود اختیار شدگان الهی بودند».

سبیل چنانکه از نظر معنای لقوی گذشت به معنای «راه و روش» است و این کلمه بر خود ائمه هدی اطلاق گردیده به این معنا که خود آن بزرگواران «راه

۱۷۸..... تفسیر و شرح دعای ندبه

حق» هستند و هر کسی بخواهد به حق برسد باید از طریق آنان حرکت کند. به جهت اینکه ائمه هدی علیهم السلام از شدت اتصال به صراط مستقیم الهی، خود صراط مستقیم نامیده شدند لذا بدون هیچ لغزشی و اشتباهی خلق را به سوی حق و حقیقت دعوت می کردند و به سوی رضا و خشنودی خدایتعالی و به طریق بهشت می رساندند و در زیارت جامعه نیز در مقام و منزلت آن بزرگواران همین کلمه آمده و خطاب به آن بزرگواران عرض می کنیم:

و الی سبيله ترشدون

یعنی: و به سوی راه خدا ارشاد و راهنمایی می کنید

و در جای دیگر آمده است:

انتم یا ساداتی السبیل الاعظم (۱)

یعنی: شما ای سروران من راه و طریق اعظم خدایتعالی هستید.

و در فقرات دیگری از همین دعای ندبه این بند را چنین توضیح و بیان

می کند و می فرماید:

فکانوا هم السبیل الیک و المسلك الی رضوانک

یعنی: اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله رهبر و هادی خلقند به سوی تو و راه رسیدن به

رضای تو

این الخیره بعد الخیره

طبق روایات بسیار زیادی خدایتعالی ائمه هدی را از میان مخلوقات

انتخاب نمود و برای ارشاد و هدایت خلق تمام خوبیها و نیکیها از صفات خود را به آنها عطا نمود و بر تمام خلق امام و رهبر قرار داد. لذا آنها اختیار شدگان ذات اقدس الهی می باشند چنانکه در روایتی آمده است:

السلام عليك يا خيرة الله و بن خيرته

«سلام بر تو ای برگزیده الهی و فرزند برگزیده الهی»

امام صادق علیه السلام در معنای «خیره» نسبت به امام می فرمایند: اختاره بعلمه و انتجبه لظهره بقية من ادم عليه السلام و خيرة من ذرية نوح عليه السلام و مصطفى من آل ابراهيم عليه السلام و سلالة من اسماعيل عليه السلام و صفوة من عتره محمد صلى الله عليه وآله ثم يزل مرعياً بعين الله. «امام برگزیده به علم الهی و کسی است که خداوند او را به خاطر پاکی اش انتخاب کرده در حالی که باقیمانده نسل حضرت آدم و برگزیده از فرزندان حضرت نوح و انتخاب شده از آل ابراهیم و سلالة حضرت اسماعیل و گل سر سبد بوستان حضرت محمد صلى الله عليه وآله می باشد امام همواره زیر نظر عنایت الهی حفظ شده می باشد».

این الشمس الطالعة این الاقمار المنيرة این الانجم الزاهرة

«کجايند خورشيدهای تابان و ماههای فروزان و ستارگان پرفروغ درخشنده؟!» در این عبارت از باب استعاره و کنایه ائمه هدی عليهم السلام را به «شمس» و «قمر» و «نجم» تشبیه نموده است و پر واضح است که استفاده از استعاره و کنایه از جهت واضح شدن معنا و تقریب به ذهن است تا شنونده از این

۱۸۰..... تفسیر و شرح دعای ندبه

تشبیهات کاملاً به مقام و رتبه «مشبه» پی برد و آنها را بشناسد.

ائمه هدی همانند خورشید و ماه و ستاره در ظلمت و تاریکی دنیا بوسیله علم و حکمت که خدایتعالی به آنها عطا فرموده، از خود درخشش نشان می دهند و همانطور که اگر نور و روشنایی نبود زمین در ظلمت و تاریکی بسر می برد و هیچ فردی و ذی روحی نیز وجود نداشت و قادر بر زندگی و امور خود نبود، همچنین اگر انوار درخشان ائمه اطهار علیهم السلام نبود ظلمت و تاریکی و ضلالت و جهل و نادانی و کفر عالم را فرا می گرفت و هیچ کس قادر بر تأمین سعادت دنیا و آخرت خود نبود.

معنای دیگر این تشبیهات این است که امر ائمه علیهم السلام همانند نور «شمس و قمر و نجم» واضح و روشن بوده و خدایتعالی جای عذر برای هیچ کس باقی نگذاشته که اظهار بدارد من آنها را نشناختم و معرفت پیدا نکردم لذا از آنها پیروی ننمودم چنانکه امام جعفر صادق علیه السلام می فرماید:

امرنا ابین من هذا الشمس

یعنی: امامت ما ازین خورشیدی که با چشم سر می بینید روشنتر و واضحتر است.

در اینجا بعضی از احادیث و روایات که اشاره به «شمس» و «قمر» و «نجم»

بودن ائمه اطهار علیهم السلام می کند ذکر می کنیم.

امام رضا علیه السلام در معرفی امام می فرماید:

الامام كالشمس الطالعة للعالم (۱)

یعنی: امام همانند خورشیدی که برای عالم طلوع کرده است می باشد.
و در روایت دیگری آمده است:

الامام كالشمس الطالعة المجللة بنورها للعالم (۱)

یعنی: امام همانند خورشیدی است که بنورش عالم را روشن کرده است.
در روایتی در معرفی امام آمده است:
الاقمار المنيرة (۲)

یعنی: امام همانند ماه فروزنده و نور دهنده است
و در زیارات می خوانیم:

السلام عليك يا بن الاقمار الساطعة

یعنی: سلام بر تو ای فرزند ماههای بلند و منور
در روایتی از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ آمده است:

مثل اهل بیتی مثل نجوم السماء كلما غاب نجم طلع نجم (۳)

«مثل اهل بیتم ستارگان آسمان می باشد که هر گاه یکی غائب شود دیگری
طلوع می کند»

و در روایت دیگری آمده است:

خلفاء من بعده هم النجوم الزاهرة، و الاقمار النيرة، و الشمس المضيئة (۴)

۱- بحار جلد ۲۵ صفحه ۱۲۳. ۲- بحار جلد ۱۷ صفحه ۲۴۱.
۳- معجم احادیث امام الهدی جلد ۱ صفحه ۲۴۷.
۴- بحار جلد ۹ صفحه ۳۱۷.

۱۸۲..... تفسیر و شرح دعای ندبه

«خلفاء و جانشینان بعد از پیامبر، همانند ستارگان درخشان، و ماههای منور، و خورشید تابان می باشند».

این اعلام الدین و قواعد العلم

«کجایند نشانه‌های دین و ستونهای استوار علم و دانش».

اعلام - جمع «علم» به معنای نشانه و علامت و پرچم است.

قواعد - جمع «قاعده» به معنای پایه و اساس و اصل است.

ائمه هدی علیهم‌السلام نشانه‌های دین الهی هستند که هر کس خود را به این نشانه‌ها برساند در حقیقت به دین خدایتعالی رسیده است و پر واضح است که علامت و نشانه، برای یافتن راه و طریق است که از طریق آن، از گمراهی نجات یافته و به مقصد برسند همچنین است ائمه معصومین علیهم‌السلام که به برکت وجودشان راههای هدایت از بیابانهای ضلالت معلوم و روشن می شود و به پیروی و متابعت از اقوال و افعالشان به فوز و رستگاری می رسیم و همین معنا در زیارت جامعه آمده است:

اعلاماً لعباده و مناراً فی بلاده

و در روایتی در بحارالانوار ائمه اطهار علیهم‌السلام را به «نشانه و علم» معرفی نموده:

هم الائمة - و هم الاعلام و قواعد العلم (۱)

یعنی: ائمه علیهم‌السلام - نشانه و پایه‌های علم هستند.

قواعد به معنای پایه و اساس و اصل هر چیز است و در این عبارت از دعای ندبه نیز به همین معنا آمده که ائمه اطهار پایه‌های علم و دانش الهی هستند. و مصدر نور و علم مطلق می‌باشند و هر کتابی که خدایتعالی بر پیامبران نازل نموده کاملاً به علم آن آگاهند و قرآن که حقیقت ملکوتی دارد در سینه آنان جای گرفته شده است لذا آنان دارای علم مطلق و نور مطلق الهی می‌باشند و جاهل و نادانی در آنها وجود ندارد.

زراره در مورد سخن امیرالمؤمنین علی علیه السلام که فرمود: هر چه می‌خواهید از من پرسید، از امام محمد باقر علیه السلام سؤال نمود، آن حضرت فرمود: هیچ کس علمی ندارد جز آنچه که از علم امیرالمؤمنین علیه السلام استفاده شده است مردم هر کجا می‌خواهند بروند بخدا قسم علم درست جز اینجا نیست (و با دست مبارک اشاره به خانه خود کردند) (۱)

و در تفسیر آیه شریفه: «ثم اورثنا الكتاب الذین اصطفینا من عبادنا» از حضرت امام رضا علیه السلام وارد شده که فرمود:

وارثان این کتاب که خداوند از میان بندگان انتخاب نمود، اولاد فاطمه علیها السلام هستند (۲)

سدیر می‌گوید: به امام جعفر صادق علیه السلام عرض کردم: فدایتان شوم شما چه مقامی دارید؟

فرمود: ما گنجینه داران علم الهی و بیان کننده وحی رسای خدا هستیم به

آنچه زیر آسمان و روی زمین است. (۱)

این بقیة الله التي لا تخلو من العترة الطاهرة - الهادية

«کجاست «بقیة الله» که بیرون از عترت پاک پیامبر ﷺ نیست».

بعضی از انبیاء و ائمه معصومین به جهاتی هر یک دارای لقب خاصی شدند مثل، «ادم صفوة الله» و «نوح نجی الله» و «ابراهیم خلیل الله» و «موسی کلیم الله» و «عیسی روح الله» و «محمد حبیب الله ﷺ» و ائمه هدی علیهم السلام نیز هر یک به لقبی خاص شهرت یافته‌اند مانند «علی امیرالمؤمنین» «حسن سید النقباء» و «حسین سید الشهداء» و حضرت ولی عصر «مهدی بقیة الله» در معنای «بقیة» گفته‌اند به باقیمانده و بازمانده هر کس و هر چیز اطلاق می‌شود مثلاً اگر کسی دارای اولاد متعددی باشد و از آنان یک نفر بیشتر باقی نمانده باشد، او را باقیمانده اولاد می‌گویند.

و چون زمین خالی از ائمه هدی علیهم السلام نیست و در هر زمانی هر یک از آنها واسطه و رابطه بین خالق و مخلوق می‌باشند لذا ائمه هدی علیهم السلام در زمان حیات خود که خلیفه پروردگار می‌باشند «بقیة الله» نیز هستند و پس از رحلت و شهادتشان دیگر اطلاق بقیة الله بر آنها نمی‌شود و از این جهت است که لقب «بقیة الله» فقط اختصاص به حضرت ولی عصر پیدا کرده چنانکه در زیارت آن حضرت آمده است: السلام علیک یا بقیة الله فی ارضه و از جمله «لا تخلو من

العترة الطاهرة» چنین استفاده می‌شود که «بقية الله» فقط از عترت و فرزندان رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ است و از غیر این خاندان نیست.

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فرموده‌اند:

المهدى من عترتى من اولاد فاطمه.

یعنی مهدی از عترت من از فرزندان فاطمه عَلَيْهَا است.

و در زیارت آن حضرت آمده است:

السلام عليك يا بقية الله من الصفوة المنتجبين

«سلام بر شما ای بقية الله که باقی مانده از جمیع اصفیاء و برگزیدگان هستید».

این المعد لقطع دابر الظلمة

«کجاست آن آقائی که برای ریشه کن کردن ظالمان و ستمگران مهیا و آماده

گردیده»

المعد - به معنای آماده کردن و ذخیره نمودن می‌باشد.

دابر - به معنای ریشه و اصل و آخر هر چیزی را گویند.

حضرت ولی عصر عَلَيْهِ پس از ظهورشان از جانب پروردگار و ظائفی دارند

از جمله اینکه بساط عدل و داد را در سراسر جهان گسترده خواهند نمود و تا

جائی که به مال و جان و ناموس هیچ کس کوچکترین تعدی و تجاوزی

نمی‌شود و پرواضح است که چنین عدالتی محقق نمی‌شود مگر اینکه جهان از

لوث و جود ظالمان و ستمگران پاک شود لذا حضرت بقية الله عَلَيْهِ هنگامیکه

۱۸۶..... تفسیر و شرح دعای ندبه

به امر پروردگار قیام نمود تمامی معاندین و ظالمین و یاغیان را منکوب و از بین خواهد برد چنانکه در روایتی آمده است: به برکت وجود او (مهدی) خداوند مشارق و مغارب زمین را در اختیار اصحاب و یاران او قرار می‌دهد و دین حق را ظاهر و آشکار می‌سازد تا آنکه اثری از ظلم و بدعت دیده نشود.

و به همین مضمون عبارت مورد شرح در قرآن آمده است:

فقطع دابر القوم الذین ظلموا^(۱)

یعنی: دنباله زندگی جمعیتی که ستم کرده بودند، قطع شد

در تفسیر برهان از ابو حمزه ثمالی نقل شده که از حضرت امام محمد باقر علیه السلام تفسیر این آیه شریفه را سؤال کردم که می‌فرماید «فلما نسوا ما ذکرنا» به «فرمود: یعنی وقتی که ولایت علی علیه السلام را از یاد بردند و فراموش کردند در صورتی که مأمور به آن بودند، «و فتحنا علیهم» یعنی دولت و سلطنت به ایشان داده شد و دستشان در امور دنیا باز گردید. و «حتی اذا فرحوا بما اوتواخذنا هم بغتة» یعنی در زمان قیام قائم علیه السلام چنان مقهور و مغلوب شوند مثل اینکه هرگز برای آنها در دنیا قدرت و سلطنتی نبوده و این است قول خداوند که می‌فرماید: «بغتة و هم مبلسون» ناگهان آنان را به چنگ قدرت گرفته و مجازات کردیم، دنباله این آیه شریفه آمده است: فقطع دابر القوم الذین ظلموا پس بریده شد دنباله گروهی که ظلم کردند.^(۲)

این المنتظر لاقامة الامت و العوج

«کجاست آن رهبريگانه که انتظار او را داریم که برپا دارد راستی را و کجی‌ها را راست نماید».

المنتظر - به «فتح ظاء» اسم مفعول به معنای انتظار کشیده شده، دیگران در انتظار او به سر می‌برند.

الامت - به معنای سرایشیها، ضعف و سختیها، و کجی و انحرافات می‌باشد.

والعوج - از ماده «عوج عوجاً» به معنای کج و انحراف می‌باشد.

در اثر رها کردن ولایت ائمه هدی عليهم السلام جوامع به انحراف کشیده شده و ظلم و تعدی از هر سوی به طرف افراد جامعه کشیده شده است. تا جایی که بعضی از مسلمانان کردار و رفتار انحرافی خود را صحیح دانسته و آن را مطابق با موازین شرع می‌دانند و حال آنکه به خود و دیگران ظلم و تعدی می‌کنند و آنقدر غفلت آنها را گرفته که اصلاً توجه به زندگی انحرافی خود ندارند، ولی در این بین افرادی هم یافت می‌شوند که درک این حقیقت را کرده و بنا به فطرت سلیم خود می‌فهمند که از جاده مستقیم دین منحرف شده‌اند، لذا انتظار ظهور یکتا منجی عالم بشریت را می‌کشند که به برکت ظهور آن حضرت قوانین و دستورات اسلامی اجرا شود و جامعه را از عیب و انحراف به صلاح و راستی و درستی بازگرداند، و این فقره از دعا به همین مطلب اشاره می‌کند و می‌فرماید: کجاست آن آقایی که انتظارش را کشند که باطل و اختلاف و عیب و

۱۸۸..... تفسیر و شرح دعای ندبه

کجی اهل عالم را اصلاح و به حق و راستی و درستی بازگرداند، و چنانکه خود حضرت بقیة الله علیه السلام در روایتی می فرماید:

و اذا اذن الله لنا في القول ظهر الحق و اضمحل الباطل (۱)

«هر گاه خداوند به ما اجازه سخن گفتن دهد، حق ظاهر می شود و باطل نابود می گردد کنایه از اینکه انحراف و کجیها از بین می رود و درستی و حق بر جهان حاکم می گردد».

این المرتجی لازالة الجور و العدوان

«کجاست آن رهبری که امید می رود اساس ظلم و بیدادگری و دشمنی را از جهان بر اندازد».

در کلمات ائمه اطهار علیهم السلام آمده است که در زمان غیبت ظلم و جور و فساد و تباهی سراسر جهان را فرامی گیرد و تمامی افراد بشر آنچنان در کفر و عصیان بسر برند که به یکدیگر رحم نکنند و آنقدر تجاوز و تعدی کنند که گویا بر یکدیگر سبقت گرفته اند. و از دین و آئین میان انسانها خبری نمی باشد و ظالمین و اهل جور بر مظلومین و مستضعفین حکومت می کنند، اینجاست که نوید رهائی از این «جور و عدوان» بوسیله آخرین سفیر الهی داده شده چنانکه کتاب ینابیع المودة از ابو سعید خدری روایت کرده که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

بلا و مصیبتی به این امت خواهد رسید به طوری که کسی پناهگاهی نمی‌یابد که از ظلم و ستم بدان پناه آورد آنگاه خداوند مردی از عترت و اهل بیت من را برمی‌انگیزد و به برکت او زمین را از عدل و داد پر می‌کند همچنانکه از ظلم و جور پر شده باشد.

این فقره از دعا نیز این نوید را به بشر داده است که از ازاله کننده و از بین برنده ظلم و عدوان بدست حضرت بقیه الله علیه السلام می‌باشد لذا با کلمه «این المرتجی» عبارت را آغاز کرده یعنی کجاست آن امیدواری که خدایتعالی فرموده به دست او اساس ظلم و جور را ریشه کن می‌کند. و در زیارت آن حضرت نیز آمده است:

السلام علیک ایها الامام المرتجی لازالة الجور و العدوان (۱)

«سلام بر شما ای امامی که انتظارش را کشند که اساس جور و ظلم و دشمنی را از جهان بر اندازد».

این المذخر لتجدید الفرائض و السنن

«کجاست آن آقایی که برای تجدید و احیاء واجبات دینی و سنتهای از میان رفته، ذخیره شده است».

المذخر - اسم مفعول و به معنای ذخیره شده و اندوخته می‌باشد.

در اثر طغیان و سرکشی طاغوتیان تمامی احکام و سنتهای واقعی دینی از

۱۹۰..... تفسیر و شرح دعای ندبه

بین جامعه رخت بر بسته است و تا حتی در دین اسلام بدعتها و کجرویهای گذاشته شد تا جائی که از اسلام جز اسم باقی نماند.

اهل جور و فساد برای رسیدن به ریاست و امیال نفسانی خود دست به هر جنایت و خیانتی زدند و تا حتی واجبات و سنتهای اصیل اسلامی را وارونه کرده و مردم را به آن دعوت کرده و جهان را در ظلم و تاریکی فرو بردند. اما خدایتعالی این نوید را داده است که احکام و سنتهای الهی تجدید می شود و دین حق را بر تمام ادیان غالب سازد و تمام کجیها و بدعتها را برطرف نماید چنانکه در قرآن می فرماید:

ليظهره على الدين كله و لو كره المشركون

«تا (دین و آئین خود را) بر همه ادیان غلبه دهد، گرچه مشرکان اکراه داشته باشند».

حضرت امام جعفر، صادق عليه السلام ذیل این آیه شریفه می فرماید:

به خدا سوگند هنوز محتوای این آیه تحقق نیافته است و تنها زمانی تحقق می پذیرد که قائم ما خروج کند

خلاصه اینکه این امر یعنی تجدید فرائض والسنن بدست توانای امام عصر عليه السلام خواهد شد لذا در روایات آمده است که:

الولاية الحافظة لهذه الفرائض (۱)

یعنی: ولایت و امامت حافظ جمیع فرائض است.

چنانکه در زیارت آن حضرت نیز آمده است:
السلام عليك ايها المذخر لتجدد الفرائض والسنن (۱)

این المتخیر لاعادة الملة و الشريعة

«کجاست آن امامی که برای برگرداندن ملت و شریعت برگزیده شده است».

این جملات نیز اشاره به احیای و برپائی اسلام بدست توانای امام زمان علیه السلام دارد چون همانطور که در جمله قبل شرح دادیم امام زمان علیه السلام اسلام را آنگونه که از جانب حق تعالی فرستاده شده بود احیا می کند و شریعت محمدی صلی الله علیه و آله را همانگونه که تشریح شده بود، اعاده و زنده می کند، آن ملت و شریعتی که دستخوش تحریف و واژگونی شده بود به راه روش صحیح الهی باز می گرداند.

امام محمد باقر علیه السلام می فرماید:

گوئیا مشاهده می کنم دین شما را همچون پرندهای که می گیرند و در خون خود می تپد کسی آن را به شما باز نمی گرداند مگر مردی از خاندان ما اهل بیت، در آن هنگام او در سال دو پاداش و دو بخشش، و در ماه دو روزی به شما می دهد، و در زمان او به حکمت دست می یابید بگونه ای که زن در خانه اش بر اساس کتاب خدا و سنت رسولش صلی الله علیه و آله دآوری می کند. (۲)

۱۹۲..... تفسیر و شرح دعای ندبه

منظور از کلمه «ملة» که در این فقره از دعا آمده است اشاره به ملت حضرت ابراهیم علیه السلام دارد چنانکه قرآن به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می فرماید:

ثم اوحینا الیک ان اتبع ملة ابراهیم حنیفاً (۱)

یعنی: پس به تو وحی فرستادیم که از ملت (آئین) ابراهیم که ایمانی خالص داشت پیروی کن

در ذیل این آیه شریفه از امام حسین علیه السلام نقل شده که فرمود:

ماخذ علی ملة ابراهیم الا نحن و شیعتنا و سائر الناس منها براء

یعنی: کسی جز ما و شیعیان ما بر ملت و روش ابراهیم نیست و سایر مردم از این روش و طریقه دورند.

این المؤمل لاحیاء الکتاب و حدوده

«کجاست آقا و سروری که آرزو داریم بیاید برای احیاء قرآن و برپا داشتن حدود و احکام آن»

المؤمل - مورد آرزو، کسی که آرزویش را کشند و در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده است که یکی از اسماء امام زمان علیه السلام «مؤمل» است. (۲)

امام زمان علیه السلام آن شخص بزرگواری است که منتظرین آرزوی ظهورش را برای «احیاء» کتاب خدا و بیان حدود و احکام آن، می کشند. چون به جهت تسلط جاهلان شهوت پرست، قرآن مهجور مانده و احکام و حدود آن از میان

امت اسلامی رخت بر بسته است چنانکه در سوره فرقان پیامبر خدا ﷺ به پیشگاه حق تعالی شکایت برده و می فرماید:

رب انّ قومی اتخذوا هذا القرآن مهجوراً^(۱)

یعنی: پروردگارا! قوم من این قرآن را متروک و کنار گذاردند و به احکام و دستورات آن عمل نکردند.

آنقدر دنیاپرستی و شهوت رانی میان مسلمانان رواج پیدا می کند که فقط به ظاهر قرآن توجه نموده و در بین خود احکام و حدودش را به اجرا نمی گذارند و اگر هم به آن عمل کنند آن را به نظر و رأی خود باز می گردانند. چنانکه رسول خدا ﷺ از این زمان خبر داده و فرمودند:

سیاتی زمان علی امتی لایبقی من القرآن الا رسمه

«بزودی زمانی بر امت من خواهد آمد که از قرآن جز رسم و خط آن باقی نباشد».

لذا قران و اهل قران در انتظار و امید احیاء کننده قران و حدود آن بسر می برند و از خدایتعالی قیام آن یگانه دوران را طلب می کنند.

حضرت امیرالمومنین در ارتباط با احیای کتاب توسط مهدی موعود (ارواحنا فداء) می فرماید:

او (قائم) رأی و نظر را از قران می گیرد، آنگاه که دیگران قران را بر رأی و اندیشه خود باز می گردانند، به آنان شیوه عدالت را نشان می دهد و کتاب و

سنت را که متروک و منزوی شده زنده می‌کند. (۱)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در معرفی عترت و فرزندان معصومش می‌فرماید:

فیحیون کتابی و سنتی و حدیثی (۲)

یعنی: سپس (اهل بیت) زنده و احیاء می‌کنند کتابم و سنتم و گفتارم را.

این محیی معالم الدین و اهله

معالم - از ماده «معلم» به معنای علامت و نشانه است.

یکی دیگر از مأموریت‌های خطیر حضرت بقیة الله علیه السلام احیاء و زنده کردن «معالم دین» است معالم دین همان احکام دین از اوامر و نواهی و هر چیزی است که علامت و نشانه دین باشد و چنانکه در عبارات قبلی بیان کردیم در اینجا نیز کلمه «محیی» یعنی زنده کننده، بکار رفته است بحث این است که «معالم دین» در اثر بی توجهی و عمل نکردن به آن از میان مسلمانان رخت بر بسته است و یا مثل اینکه دین بین مردم مرده است که حضرت بقیة الله (ارواحنا فداه) آن را زنده می‌کند یعنی آن را بپا می‌دارد و به مسلمانان می‌آموزد و همه نیز به آن عمل می‌کنند که دین و اهل دین زنده می‌شوند چنانکه علامه مجلسی در بحار الانوار به این مضمون از فقره دعای ندبه نقل نموده که:

و الحجة الله فی ارضه، المأمول لاهیاء دینه (۳)

۱- شرح نهج البلاغه جلد ۴ صفحه ۳۶ ۲- بحار جلد ۱۶ صفحه ۳۷۵.

۳- بحار جلد ۱۰۲ صفحه ۲۳۲.

یعنی: حجت خدا در زمین، کسی است که برای احیاء دین خدا آرزویش را کشند و همچنین در زیارت آن بزرگوار به این مأموریت بزرگ آن حضرت اشاره شده و آمده است:

السلام عليك يا محي معالم الدين و اهله (۱)

«سلام بر شما ای احیاء کننده معالم و معارف دین و اهل دین».

این قاصم شوکه المعتدین

قاصم - شکستن، جدا کردن توأم با شدت و قهر

شوکه - قوه، نیرو، جاه و مرتبه و قدرت

المعتدین - متعدیان، ستمکاران - متجاوزان

برای اقامه دولت حقه الهیه اسباب و لوازمی وجود دارد که یکی از آنها برداشتن موانع ایجاد دولت حقه است، به عبارت دیگر برای اقامه اسلام و احکام آن باید موانع را از سر راه برداشت و پرواضح است که افراد رذل و آلوده به کثافات روحی و اخلاقی هرگز تحمل حکومت الهی و نظام قران و اسلام را ندارند که از آنها تعبیر به «معتدین» یعنی گروهی که از حد و حدودی که خدایتعالی برای آنها تعیین نموده تجاوز کرده‌اند. این گروه مانع بسیار بزرگی برای پیاده نمودن اسلام و احکام اسلام هستند و باید این مانع را برداشت لذا یکی از برنامه‌های مهم امام زمان علیه السلام از بین بردن و قطع کردن شوکت ستمکاران و متجاوزان و نابود کردن قدرت آنان است تا راه رسیدن به کمال و

آسایش حقیقی برای سائرین هموار شود.

و این امر در امام سابقه نیز واقع شده به این معنا که افرادی از امام سابقه از حدّ و حدود الهی تجاوز و تعدی کرده بودند که خدایتعالی شوکت و قدرت آنها را از بین برده و دلیل نموده است چنانکه سوره انبیاء می فرماید: و کم قصمنا من قریة کانت ظالمة

یعنی: چه بسیار از مناطق آباد ستمکاران را که ما در هم شکستیم.

این فقره از دعای ندبه اشاره به همین مطلب دارد که می فرماید: کجا است در هم شکننده شوکت و قدرت ستمکاران و متعدیان. و در روایتی اشاره به این مأموریت امام زمان علیه السلام دارد که می فرماید آن حضرت پشت به کعبه داده و می فرماید:

انا قاصم کل جبّار^(۱)

یعنی: من در هم شکننده شوکت تمام ستمکارانم.

و در زیارت آن حضرت به این امر اشاره شده و می گوئیم:

السلام علیک یا قاصم شوکة المعتدین^(۲)

«سلام بر شما ای در هم شکننده اقتدار متجاوزین و ظالمین».

این هادم ابنیة الشّرك و النفاق

«کجاست ویران کننده بنیادهای شرک و نفاق»

شایان ذکر است که در این عبارت «شُرک و نفاق» کنار یکدیگر قرار داده شده‌اند که اشاره به این حقیقت دارد که انسان مشرک که عقیده به توحید ندارد در وجودش نفاق و سالوس بازی به شدت وجود دارد.

انسان مشرک که عقیده‌مند به توحید نیست تمام همّ و تلاشش فقط برای رسیدن به هوای و خواسته‌های نفسانی است لذا این چنین فردی برای رسیدن به امیال نفسانی خود، دست به نفاق زده تا از فرصتهای بوجود آمده استفاده کند و به خواسته‌های نفسانی خود برسد که راه نجات از این رذیله «موحد» شدن است چنانکه خدایتعالی بشر را امر نموده موحد گردد تا از رذیله نفاق نجات پیدا کند:

قل انما امرت ان اعبد الله و لا اشرک به (۱)

یعنی: بگو، من مأمورم که خدا را بپرستم و شریکی برای او قائل نشوم برای رسیدن به توحید باید اساس و پایه شرک و نفاق از بین برود که این امر بدست توانای حضرت بقیة الله (ارواحنا فداه) که همان ید الله است انجام می‌گیرد چنانکه قرآن می‌فرماید:

و يعذب الله المنافقين و المنافقات و المشركين و المشركات (۲)

یعنی: خدایتعالی و مردان و زنان منافق، و مردان و زنان مشرک را عذاب و مجازات کند.

این عذاب بر این دو دسته از منافقین و مشرکین در زمان قیام امام زمان علیه السلام

۱۹۸..... تفسیر و شرح دعای ندبه

امری است مسلم چنانکه روایات متواتری از آن خبر داده‌اند چنانکه در بحارالانوار آمده است:

اطهر الارض من الکفر و الشرك (۱)

یعنی: (امام علیؑ) زمین را از کفر و شرک پاک می‌گرداند.

و در زیارت آن حضرت آمده است:

السلام علیک ایها الامام الهادم لبنيان الشرك و النفاق (۲)

«سلام بر شما ای امامی که بنیاد شرک و نفاق را ویران کرده و از بین می‌بری»

و حضرت امام محمد باقر علیؑ می‌فرماید:

در روی زمین هیچ ویرانه‌ای نمی‌ماند مگر اینکه آباد می‌گردد و هیچ معبودی جز خداوند متعال از بت و غیر آن نمی‌ماند مگر اینکه دچار حریق گشته و می‌سوزد. (۳)

و در روایتی آمده است:

هدم بک حصون اهل الشرك و الکفر (۴)

یعنی: بوسیله شما (امام عصر علیؑ) دژهای اهل شرک و کفر ویران می‌گردد.

این عبارت نیز اشاره به همین مطلب دارد و می‌فرماید:

کجاست ویران کننده بنا و سازمانهای شرک و نفاق

۲- بحار جلد ۱۰۲ صفحه ۸۶.

۱- بحار جلد ۵۲ صفحه ۳۸۴.

۴- بحار جلد ۴۲ صفحه ۲۹۶.

۳- کمال الدین صفحه ۳۳۱.

این مبیید اهل فسوق و العصیان و الطغیان

«کجاست آقا سروری که نابود کننده اهل فسق و عصیان و ظلم و طغیان است»
 مبیید - از ماده «باد و بیاداً» گرفته شده و به معنای هلاک و نابود کردن است و
 مبیید به معنای نابود کننده است.

فاسق به کسی می‌گویند که از امر و دستور پروردگار اعراض کرده و
 سرپیچی کند این کارش به عصیان و طغیان کشیده شده و جامعه و قانون و
 نظام الهی را بر هم می‌زند. به عبارت دیگر عصیان و طغیان بعد از خروج از
 عبودیت پروردگار است چنانکه قرآن می‌فرماید:

من لم يحکم بما انزل الله فاولئك هم الفاسقون

یعنی: کسی که بر طبق آنچه خدایتعالی نازل کرده و امر نموده عمل نکند
 فاسق است و پرواضح است که هر گاه فسق در روح کسی ریشه دوانده باشد
 هرگز به هدایت و کمال نمی‌رسد:

والله لا يهدى القوم الفاسقين

یعنی: و خداوند انسانهای فاسق را هدایت نمی‌کند

بله این گروه به هدایت نمی‌رسند چون به اختیار و خواست خود، راه
 ظلمت و گمراهی و هواهای نفسانی و شیطانی را برگزیده‌اند و از اطاعت امر
 پروردگار سرباز زده‌اند و خدایتعالی هرگز از آنها راضی نخواهد شد و به کمال
 نمی‌رسند:

فان الله لا يرضى عن القوم الفاسقين (۱)

۲۰۰..... تفسیر و شرح دعای ندبه

یعنی: خداوند هرگز از جمعیت فاسقان راضی نخواهد شد.
بنابراین این گروه نیز باید از سر راه عدالت الهی برداشته شوند تا عدالت به تمام معنای آن در جامعه بشری پیدا شود چنانکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در صدر اسلام برای اقامه توحید با طاغوتیان و فاسقان به ستیز برخاستند. امام محمد باقر علیه السلام در همین ارتباط می فرمایند:

اما شباهت داشتن مهدی به جد گرامیش رسول خدا صلی الله علیه و آله قیام و ظهور او با شمشیر و کشتن دشمنان خدا و رسول او و ستمگران و طاغوتهاست، وی بوسیله شمشیر و ایجاد ترس در دل دشمنان پیروز می گردد و لشکریان او شکست نمی خورند^(۱)

و در زیارت آن حضرت به این مأموریت خطیر اشاره شده و می فرماید:

السلام عليك ايها الامام المبيد لأهل الفسوق والطغيان^(۲)

«سلام بر شما ای امامی که نابود کننده اهل فسق و طغیانی».

این حاصد فروع الغی و الشقاق

«کجاست آن قطع کننده شاخه های گمراهی و اختلاف و جدائی»

حاصد: درو کردن و قطع نمودن، در سوره یوسف این کلمه به همین معنا

آمده که می فرماید: فما حصدتم فزروه فی سنبله یعنی: هر خرمنی که درو

کردید در خوشه خود نگه دارید. و در سوره انعام نیز به همین معنا آمده: یوم

قسمت اول ۲۰۱

حصاده یعنی بروز درو کردن

الغی - به معنای گمراهی، ضلالت،

الشقاق - جدائی، شکاف و نفاق

یکی دیگر از اقدامات حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) از بین بردن گمراهی و نفاق است که در این فقره از آن تعبیر به «غی» و «شقاق» شده است، کنایه از اینکه با قیام آن حضرت بطور کلی گمراهی و نفاق از جامعه بشریت رخت بر می بندد و از بین می رود لذا از آن حضرت بر سبیل استعاره به «حاصد» یعنی درو کننده تعبیر شده است که اشاره به این معنا دارد که آن حضرت همانند باغبانی است که داس را که آلت قطع و درو کردن است بدست می گیرد و تمامی علفهای هرزه و مزاحم را از ریشه قطع می کند و گلها و گیاهان زیبا را می آراید و پرورش می دهد، تا آنجائی که هیچ اثری از ضلالت و اختلاف و نفاق باقی نمی ماند و جهان از صلح و صفا و رشد و کمال پر می شود و این مطلب نیز یعنی «از بین رفتن غی و شقاق» در دعای بعد از زیارت امام حسین علیه السلام از خداوند طلب شده:

اللهم ارسل عليهم من الحق يداً حاصدة تصرع قائمهم وتهشم سوقهم وتجذع معاطسهم. (۱)

«بار خدا یا بفرست بر آنها دست و ید حقی که ریشه آنها را قطع کند و بازارشان

را خراب کند و صورت و بینی آنها را قطع و به خاک مالد».

و در دعای قنوت که حضرت امام حسن عسگری علیه السلام به اهل قم تعلیم

۲۰۲..... تفسیر و شرح دعای ندبه

نمودند می فرماید:

اللهم فأتح له من الحق يداً حاصدة تصرع قائمه و تهشم سوقه (۱)

بار خدایا برسان به او از حق دستی درو کننده که اساس (ظالم) را قطع کند و بازارش را خراب نماید.

«ید حاصده» اشاره به حضرت بقیة الله عليه السلام دارد که شاخه‌های گمراهی و نفاق و جدائی را درو کرده و از میان می برد چنانکه این فقره از دعای ندبه به آن اشاره می کند و در زیارت آن حضرت نیز آمده است:

السلام عليك ايها الامام... الحاصد فروع الغي والشقاق

«سلام بر شما ای امامی... که شاخه‌های گمراهی و اختلاف را درو می کنی»

این طامس اثار الزیغ و الاهواء

«کجاست محو کننده اثار اندیشه‌های کج دلی و هواپرستی»

طامس - از ماده «طمس» به معنای محو کننده و نابود کننده است.

الزیغ - کج دلی، کج روی و برگردیدن از حق، انحراف از راه حق، میل از حق به باطل و شک و تردید و به معنای دودلی نیز آمده است.

الاهواء - هواپرستی، خواهشهای نفسانی

در زمان غیبت و دوری از امام زمان عليه السلام مردم دنیا با انحراف از حق و میل به باطل فقط متوجه هواهای نفسانی خود گردیده‌اند تا جایی که حق و هدایت و

قسمت اول ۲۰۳

ادب انسانیت از بین رفته و کفر و فساد، تمامی جوامع بشری را در بر گرفته است و تا حتی بین مسلمانان هیچ توجهی به حقیقت اسلام نمی‌شود و دستورات و ارشادات قران را رها کرده و دنبال آثار باطل و هواهای نفسانی می‌روند.

«آثار الزیغ» به عبارت دیگر همان افکار و اندیشه‌های باطل است که بوسیلهٔ مکتبهای متعدد میان افراد بشر رواج می‌یابد و بسیاری را به باطل و هواهای نفسانی دعوت می‌کند و خدایتعالی تمامی آثار این انحرافات و هواهای نفسانی را بوسیلهٔ آخرین حجت خود از بین می‌برد و محو می‌نماید چنانکه این فقره از دعا به آن خبر می‌دهد و می‌فرماید: کجاست نابود کنندهٔ آثار اندیشه‌های باطل و هواهای نفسانی.

و در زیارت آن حضرت به این امر اشاره شده:

السلام علیک یا طامس آثار الزیغ و الاهواء

یعنی: سلام بر شما ای محو کننده آثار اندیشه‌های باطل و هواهای نفسانی. و در روایتی از ائمهٔ معصومین علیهم‌السلام نقل شده است: هر بدعتی (و کجروی) را از میان می‌برد و تمام سنتهای (حقیقی) را احیا می‌کند تا آنکه هیچ بدعتی باقی نماند و هیچ سنت (حقی) هم متروک نباشد. (۱)

این قاطع حبائل الکذب و الافتراء

«کجاست قطع کننده دامها و دسیسه‌های دروغ و بهتان».

قاطع - اسم فاعل به معنای قطع کننده

حبائل - جمع «حباله» به معنی قید و بند است

الکذب - دروغ، غلط، نادرست

الافتراء - بهتان، تهمت زدن و چیزی را بدروغ نسبت به کسی دادن

این عبارت از دعای ندبه اشاره به این مطلب مهم دارد که بعضی از امراض روحی و روانی چنان بین احاد بشر رایج و نفوذ می‌کند که همانند «حبائل» یعنی «قید و بند» به جان آنها چسبیده است و با آنها خو گرفته‌اند و تاحتی این رذائل و صفات منفی را بد نمی‌دانند و همه با این رذائل اخلاقی مانند «کذب» و «افتراء» انس گرفته و در روحشان ریشه دوانده است لذا زندگی بدون کذب و افتراء و سایر امراض روحی برای آنها معنا نداشته و باور ندارند.

در این مقطع زمانی حضرت بقیة الله (ارواحنا فداه) با ظهور مفور السرور خود تمامی این صفات و رذائل را قطع و ریشه کن می‌کنند و تمامی دروغگویان و تهمت‌زنندگان را، که به این دو مرض بسیار مهلک آلوده‌اند و بیشتر بدبختی بشر از این دو رذیله نشأت می‌گیرد، از روحشان قطع و ریشه کن می‌سازند و سپس تمامی دروغگویان و تهمت‌زنندگان معاند را به هلاکت می‌رسانند و راستی و حقیقت بوسیله آن بزرگوار آشکار می‌شود و این مطلب یعنی آشکار شدن حق بوسیله آن حضرت از خصائص اهل بیت نبوت علیهم السلام است چنانکه فرمودند:

انا اهل بيت بنا بين الله الكذب (۱)

خلاصه اینکه حضرت بقیة الله (ارواحنا فداه) با از بین بردن «دروغ و تهمت» از جامعه بشری صدق و صفا و راستی را در نفس و روح مردم جایگزین می‌سازند و همه به حیات طیبه می‌رسند لذا این عبارت دعای ندبه اشاره به این دو صفت و رذیله مهلک نموده و می‌فرماید کجاست آن قطع کننده دامها و ریشه‌های دروغ و تهمت.

در زیارت آن جناب نیز این مطلب آمده است:

السلام عليك يا... قاطع حائل الكذب والفسق والأفترء

«سلام بر شما ای قطع کننده دامها و ریشه‌های دروغ و فسق و بهتان»

و در روایتی تصریح به محو شدن کذب بدست حضرت مهدی علیه السلام می‌کند و می‌فرماید:

المهدی به یحق الله الكذب (۲)

یعنی: مهدی علیه السلام کسی است که خدایتعالی بوسیله او کذب را از بین می‌برد.

این المبیذ العتاة و المردة

«کجاست هلاک کننده سرکشان و متمردان».

مبیذ - از ماده «بید» به معنای فنا و از بین رفتن است و «مبید» اسم فاعل به

معنای نابود کننده می‌باشد.

۲۰۶..... تفسیر و شرح دعای ندبه

العنة - از ماده «عتو و عتا» به معنای تجاوز و نافرمانی است.

المردة - از ماده «مرود» به معنای طغیان و سرکشی آمده است.

دو صفت بزرگ دیگر دشمنان اسلام و امام زمان علیه السلام «عتاة» و «مردة» یعنی متجاوزین و طغیان کنندگان می باشند که با سرپیچی از اسلام گستاخی و گردنکشی نموده و از حدود الهی خارج گشته و بر حسب قدرت ظاهری خود از پذیرفتن حق اعراض می کنند و به میل نفسانی خود با مردم رفتار می نمایند اینان در واقع جنود شیطان می باشند چنانکه در روایتی اینگونه معرفی شده اند:

کان ابلیس و جنوده المردة (۱)

یعنی: ابلیس و جنودش از سرکشان و متمردان می باشند.

این گروه با این دو صفت پست و ننگین در راستای اوامر شیطان قدم برمی دارند و موجبات رضای شیطان را فراهم می سازند و پرواضح است که شیطان آرزویی جز تأخیر ظهور آخرین حجت الهی را ندارد لذا شیطان افرادی که از وی پیروی می کنند و از جنودش می باشند یاری کرده و تشویق به تجاوز و طغیان در مقابل حق می کند و آنان نیز با لجاجت خود اصرار در طغیان و سرکشی کرده و از شیطان پیروی می کنند، قرآن در معرفی ایشان می فرماید:

لقد استکبروا فی انفسهم و عتوا کبیراً (۲)

«تحقیقاً آنها کسانی هستند که در نفس خود تکبر ورزیدند و طغیان و

سرکشی نمودند».

حضرت ولی عصر علیه السلام در این فقره به «مبید» معرفی شده‌اند یعنی کسی که بامر الهی نابود کننده و از بین برنده «عتاة و مردة» می‌باشند چنانکه همین امر از جانب حقتعالی به جد بزرگوارشان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله ابلاغ شد:

یا محمد! ان العلی الاعلی یقرک السلام و یقول: اخرج هؤلاء المردة الذین اتصل
بک عنهم فی علی^(۱)

یعنی: جبرئیل عرض کرد: یا محمد! صلی الله علیه و آله خداوند بزرگ مرتبه، به تو سلام می‌رساند و می‌فرماید این گروهی «مردة» که خود را به تو نزدیک کرده به تظاهر بیعت با علی علیه السلام را پذیرفته‌اند از بین مسلمانان واقعی خارج کن (و رسوا نما)

گرچه این مأموریت ناتمام ماند ولی حضرت بقیة الله (ارواحنا فداه) با قدرت لایزال الهی تمامی «عتاة و مردة» را قلع و قمع نموده و ریشه کن می‌سازند و برای همیشه طغیان و سرکشی را از بین می‌برند و به جای آن صدق و صفا و جدیت و قوت در راه خدا ایجاد می‌نمایند لذا دعای ندبه می‌فرماید: کجاست (آن بزرگوار نیرومند) که سرکشان و متمردان عالم را هلاک و نابود می‌سازد.

این مستأصل اهل العناد و التضلیل و الالحاد

«کجاست بر طرف کننده و ریشه برانداز دشمنان خدا و گمراهان و بی‌دینان»

۲۰۸..... تفسیر و شرح دعای ندبه

مستأصل - یعنی ریشه کن و بر طرف کننده

العناد - با حق مخالفت کردن و انکار کردن و دشمنی نمودن

التضلیل - از ماده «ضلال» به معنای گمراهی و انحراف از حق می باشد

الاحاد - از ماده «لحد» به معنای کفر ورزیدن و از دین برگشتن و انکار

خداوند کردن می باشد.

در این فقره از دعای ندبه اشاره به گروه دیگری از دشمنان حق دارد که باید

جامعه بشریت از آنها پیکسازی شود، این گروه عبارتند از «اهل عناد» و «تضلیل»

و «الاحاد»

اهل عناد کسانی هستند که هنگامی که حق را یافتند آن را نمی پذیرند و در

مقام مقابله و ستیز با آن برمی آیند و در لجاجت خود اصرار دارند.

اهل تضلیل کسانی هستند که علاوه بر گمراهی خود، دیگران را نیز به

گمراهی و انحراف می کشانند و به بی را دعوت می کنند.

اهل الاحاد افرادی هستند که وجود حق را منکر شده و در مقام ردّ ربوبیت

پروردگار برمی آیند و به عبارت دیگر کسانی هستند که کفر و بی دینی را اختیار

کرده اند لذا به آنان «ملحدین» نیز گفته می شود.

هر سه این گروه که استوانه های ضلالت و گمراهی هستند به دست

حضرت بقیة الله (ارواحنا فداه) از بین می روند و زمین از لوث وجود آنها پاک

می گردد لذا در دعای قنوت حضرت امام عصر علیه السلام آمده است:

وابسط سيف نقتك على اعدائك المعاندين

یعنی: خدایا! برکش شمشیر نقت و استقامت را بر دشمنان عنود و لجوجت پرواضح است که سیف الله که تمامی معاندین و اهل ضلالت و الحاد را از بین می برد جز حضرت بقیة الله (ارواحنا فداه) کسی دیگری نیست چنانکه در دعای بعد از زیارت آن حضرت عرض می کنیم:

واقصم به کل جبار عنید

«و از بین ببر بوسیله حجت تمامی متکبران عنود و لجوج را»

این معز الاولیاء و مذل الاعداء

«کجاست آفائی که دوستان خدا را عزت می بخشد و دشمنان خدا را خار و ذلیل

می گرداند»

معزّ - از ماده «عزّ یعزّ» یعنی از جمند و عزیز

مذلّ - از ماده «ذلّ یذلّ» ذلیل و خوار، پست و فرومایه

عزت یعنی انسان هر گاه از جهات مادی و معنوی تقویت و نیز و مند گردید مقام ارجمندی را پیدا می کند و در انظار دیگران با سرافرازی و سربلندی زندگی می کند و چون امام زمان علیه السلام خود صاحب عزت هستند و به عبارت دیگر آن حضرت صاحب قدرت مطلقه هستند که خدایتعالی در اختیارشان قرار داده، دوستانشان و پیروان واقعیشان را از هر جهت تقویت می کنند، هم از جهات مادی و هم از جهات معنوی.

و همچنین دشمنان خدا را که زمانی با قدرت کاذب و نعمتهای مادی زودگذر افراد جامعه را فریب داده و تحت سلطه خود در آورده بودند، ذلیل

۲۱۰..... تفسیر و شرح دعای ندبه

و خار می گرداند و آن قدرت پوشالی را از آنها سلب کرده و حقیقت آنها را آشکار ساخته و برملا می نماید.

به همین مضمون دعای ندبه در روایات نیز آمده است که امام زمان علیه السلام به فرزندان رسول اکرم و شیعیان شان عزت می بخشد و دشمنان شان را ذلیل و خار می گرداند حضرت امام جعفر صادق علیه السلام می فرمایند:

فيعزّهم و يذلّ عدوّهم

یعنی: (فرزندان پیامبر اکرم) بوسیله مهدی علیه السلام عزت داده و دشمنان شان را ذلیل و خار می گرداند.

و در روایت دیگری آمده است:

يبعث الله مهديم فيعزهم و يذل عدوهم (۱)

یعنی: خداوند مهدی اهل بیت علیهم السلام را می فرستد تا آنها را عزت بخشد و دشمنان شان را ذلیل و خار گرداند.

و حضرت علی علیه السلام در طی روایتی می فرمایند:

بنا تخلع ربة الذل من اعناقكم و بنا غنم

یعنی: بوسیله ما رشته خاری از گردنهای شما برطرف می شود و بوسیله ما بهره هایی برای شما حاصل می گردد.

از امام محمد باقر علیه السلام نقل شده که فرمود:

مثل اینکه من اصحاب و یاران قائم را می بینم که شرق و غرب را احاطه کردند و همه چیز حتی درندگان زمین و آسمان (یعنی پرندگان درنده) مطیع ایشان می شوند و در هر امری رضایت آنان را خواهانند بطوری که زمین فخر کند و گوید امروز یکی از یاران قائم از اینجا عبور کرد.

البته لازم به تذکر است که حضرت بقیة الله (ارواحنا فداه) دوستان و شیعیانشان را هم قبل از ظهور یعنی در زمان غیبت و هم بعد از ظهور و خاتمة غیبت یاری نموده و مقام ارجمند عطا می کند و اینطور نیست که آن حضرت فقط در زمان ظهور به دوستان و شیعیانشان عزت و مقام ارجمند را عطا می کند لذا در روایاتی که می فرماید آن حضرت «معز المؤمنین» عزت بخش مؤمنین هستند قید بعد از ظهور نیامده. به عبارت دیگر از مضمون روایات که بدون قید «زمان ظهور» وارد شده است اینگونه استفاده می شود که آن حضرت مقام ارجمند و عزت بخش دوستان و شیعیانشان هستند هم قبل از ظهور و هم بعد از ظهور چنانکه وارد شده است:

السلام عليك يا معز المؤمنين المستضعفين

السلام عليك يا مذل الكافرين المستكبرين

و در زیارت دیگر آن حضرت آمده است:

السلام عليك يا معز الاولياء ومذل الاعداء

این جامع الکلمة علی التقوی

«کجاست آن امامی که (خلق را) بر پرهیزگاری و تقوی جمع می‌سازد».

برای واضح شدن معنای این فقره از دعا باید معنای «کلمة» را بیان کنیم تا حق مطلب ادا گردد؛ در اینجا «کلمة» یعنی عامه بشر و انسانها چون «کلمة» از جهت معنای لغوی معانی متعددی دارد چنانکه در قرآن نیز واژه «کلمة» در آیات متعدد آمده و هر کدام بر حسب موقعیت آن در آیه، معنای خاصی را می‌رساند مثل اینکه «کلمة» اطلاق بر روح، علم، خلق، بشر، نبی و پیامبر، و حروفی که دارای معنا باشند، شده است مثلاً در قرآن آمده است:

لو كان البحر مدادا لكلمات ربي (۱)

یعنی: اگر دریاها مداد شوند (و بنویسند) کلمات خدایتعالی تمام نمی‌شود و همچنین در سوره لقمان آمده است:

مانفدت کلمات الله (۲)

یعنی: کلمات خدایتعالی تمام نمی‌شود.

که این دو آیه شریفه با واژه «کلمة» اشاره به تمامی مخلوقات و موجودات دارد و یا اینکه اشاره به علم و معارف الهی دارد که هرگز تمام نمی‌شود، و در بعضی از روایات آمده است که منظور از کلمة علی علیه السلام است.

قاموس قرآن نیز می‌فرماید: آنچه بنظر می‌آید این است که مراد از «کلمات» در هر دو آیه موجودات و مخلوقات خدایتعالی می‌باشد، سپس می‌فرماید: شاید اطلاق کلمه به مخلوق از آن جهت باشد که مخلوقات دلالت بر وجود

خدا دارند مثل دلالت کلمه بر معنایش.

و در این فقره از عبارات دعای ندبه «کلمة» اطلاق بر مخلوق که همان بشر است شده به این معنا که امام زمان علیه السلام تمامی انسانها را بر تقوی که همان دستور و فرمانهایی است که خداوند برای رشد و تعالی بشر به آنها داده جمع می نماید و کافه بشر را به طهارت معنوی می رساند. لذا در بعضی از زیارت به همین معنا آمده:

بکم انتظمت الکلمه (۱)

یعنی: بوسیله شما اهل بیت علیهم السلام خلق به آرایش و نظم در می آید.
و یا در زیارت جامعه آمده است:

بکم... اجتمعت الفرقة و ائتلفت الکلمه (۲)

یعنی: بوسیله شما تفرقه ها و دوریها به جمع و اتحاد تبدیل می شود و بین خلق اتحاد و یگانگی بوجود می آید.

و در زیارت حضرت بقية الله به همین مضمومین دعای ندبه آمده است:
السلام عليك يا جامع الکلمه على التقوى (۳)

این باب الله الذی منه یؤتی

«کجاست آن باب و در ب خدائی که از طریق آن (بشهر علوم و معارف) وارد می شوند»

۲۱۴..... تفسیر و شرح دعای ندبه

«باب الله» از اسامی و القاب خاص ائمه اطهار عليهم السلام است به این معنا که آن ذوات مقدسه بشریت را به سوی خدایتعالی دعوت و راهنمایی می‌کنند و به ایمان کامل می‌رسانند چون در اصطلاح به اسباب و مقدمات هر مقصدی «باب» گفته می‌شود مثلاً باب تحصیل معارف، علم است... و باب رستگاری و سعادت دنیا و آخرت متابعت پیامبر و اوصیاء او است لذا در بعضی از عبارات ادعیه و زیارت در حق ائمه اطهار عليهم السلام آمده است:

ابواب الايمان - والباب المبتلى به الناس

و در بعضی از روایات که ائمه هدی را معرفی می‌کند می‌فرماید:

الاصياء هم ابواب الله عزوجل التي يوتى منها و لولا هم ما عرف الله عزوجل بهم
احتج الله تبارك و تعالی على خلقه (۱)

یعنی: اوصیاء پیامبر صلی الله علیه و آله هستند که درهای خدای عزوجل برای توجه به سوی او می‌باشند و اگر آنها نبودند خدای عزوجل شناخته نمی‌شد و خدایتعالی به وسیله ایشان حجت را بر خلق خود تمام کرده است.

و امام جعفر صادق عليه السلام در روایتی در معرفت امام می‌فرماید:

و باب الذي يدلّ عليه و خزانه في سمائه و ارضه

یعنی (امام) درب (رسیدن بخدایتعالی) که بر او دلالت می‌کند و گنجینه

داران خدا در آسمان و زمین هستند.

امام محمد باقر عليه السلام می‌فرمایند:

ال محمد ﷺ ابواب خدایند (که از این طریق) باید بقرب خدا رسید و هر رونده از این راه رفت بسعادت دنیا و آخرت می رسد که آنان دعوت کنندگان به بهشت و رهبران راه حقیقت و راهنمایان آنند تا روز قیامت.

از عبارت «الذی منه یؤتی» چنین استفاده می شود که فقط از طریق ائمه اطهار ﷺ می توان به سوی خدا حرکت نمود و غیر از این طریق راهی به سوی خدایتعالی وجود ندارد و پذیرفته نیست که هر چه غیر از راه اهل بیت ﷺ باشد راه شیطان و انحرافی است لذا در این عبارت می فرماید:

کجاست آن باب خدائی که از طریق او (بشهر ایمان و علم) می توان وارد شد.

و در زیارت ال یس نیز آمده است:

السلام علیک باب الله و دیان دینه

این وجه الله الذی الیه یتوجه الاولیاء

«کجاست آن وجه خدا که اولیاء خدا به جانب او روی می آورند».

وجه در لغت به معنای صورت، روی، چهره، سو و جهت می باشد و علت نامیدن صورت انسان به وجه هم این است که انسان به صورت شناخته می شود و در واقع صورت آدمی، رو و سوی او را معین می کند، کسی هم که می خواهد به دیگری توجه کند رو به صورت او می کند. بنابراین صورت انسان راه توجه کردن دیگران به انسان است و همین معنا در مورد خدایتعالی رعایت

۲۱۶..... تفسیر و شرح دعای ندبه

شده بدون آنکه تشبیه غلطی لازم آید چون هر چیزی غیر خدا مخلوق خدایتعالی است که انسان را به خالق آنها متذکر می‌کند و در این بین افراد خاصی را خدایتعالی بلخصوص «وجه الله» نامیده چون فقط آنها وسیله و راه توجه کردن خلق به سوی خدا هستند و دین و معرفت الهی فقط از طریق روی کردن به اینها برای انسان حاصل می‌شود و این منصب و مقامی است که خدایتعالی به آن بزرگواران عطا کرده است خلاصه اینکه تنها راه شناخت و قرب خداوند ائمه اطهار علیهم‌السلام هستند و تنها واسطه فیض خدا اینانند که به برکتشان دیگران از سفره نعمتهای الهی بهره‌مند می‌گردند و وسیله هدایت خلائق به سوی خداوند هستند لذا امام صادق در روایتی می‌فرماید:

الاولیاء هم ابواب الله عزوجل التي یؤتی منها ولولاهم ما عرف الله عزوجل و بهم احتج الله تبارک و تعالی علی خلقه

یعنی اوصیای پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله هستند که دربهای خداوند عزوجل برای توجه به سوی او می‌باشند و اگر آنها نبودند خدای عزوجل شناخته نمی‌شد و خدای متعال به وسیله ایشان حجت را بر خلق خود تمام کرده است.

و در روایت دیگری امام جعفر صادق علیه‌السلام می‌فرمایند:

نحن وجه الله الذی لایهلك

یعنی: ما ایم وجه خدا که هرگز فنا و نابود نمی‌شود.

لذا در زمان غیبت اولیاء که منظور مؤمنین هستند که ولایت امام زمان علیه‌السلام را با محبت پذیرفته‌اند در گرفتاریها به آن وجود مقدس روی می‌آورند چون که

حضرتش «وجه الله» است.

و در زیارت امام زمان علیه السلام به همین مضمون آمده است:

السلام عليك يا وجه الله الذي لا يهلك ولا يبلى الى يوم الدين

«سلام بر شما ای وجه خدا که هرگز فناپذیر نیست و از بین نمی رود تا روز قیامت».

این السبب المتصل بين الارض و السماء

«کجاست آن وجود مقدسی که واسطه متصل و دائمی (در نزول موهبات و

افاضات) بین زمین و آسمان است».

یکی دیگر از مقامات بلند امام زمان علیه السلام این است که حضرتش واسطه

فیوضات و موهبت‌های الهی بر تمامی خلق می‌باشند و دارای ولایت تکوینی و

تشریحی از جانب خدایتعالی نیز هستند چون خدایتعالی حکمتش اقتضا کرده که:

لا یجر الامور الا باسبابها

یعنی: هیچ امری در عالم واقع نمی‌شود مگر به سبب

و پرواضح است که سبب و واسطه بین خالق و مخلوق که متصل و دائمی

است و همیشه تا انقضاء خلق وجود دارد و یک لحظه قطع نمی‌گردد ائمه

هدی علیهم السلام و در زمان ما وجود مقدس بقیه الله علیه السلام می‌باشند چنانکه روایات

بیشماری بر این معنا دلالت دارد از جمله: حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

نحن السبب بینکم و بین الله عزوجل

یعنی: ما سبب و واسطه بین شما و خداوند عزوجل

و در روایت دیگر آمده است:

بنا یمسک السموات و الارض ان تزولاً

یعنی: به سبب وجود ما آسمانها و زمین نگاه داشته شده و زائل نمی شوند.

و در زیارتشان آمده است:

السلام علیک ایها السبب المتصل بین الارض و السماء و در روایت دیگری

می فرمایند:

لو لالحجة لساخت الارض باهلها

یعنی: اگر حجّت علیّه نباشد زمین اهلش را فرو می برد و نظمش به هم می خورد.

در زیارت جامعه نیز آمده است:

و بکم یمسک السماء ان تقع علی الارض

یعنی: بواسطه شما آسمانها نگاه داشته شده اند تا بر زمین سقوط نکنند

پرواضح است که خدای قادر متعال میان زمین و آسمان نظم و انضباط

بسیار دقیق و محیرالعقول بواسطه حجتهای خود برقرار نموده که در این زمان

آن واسطه حضرت بقیه الله حجّت بن الحسن علیّه است که واسطه نزول

رحمت اعم از نظم و حیات و ارزاق که به موجودات عالم افاضه می شود،

می باشند لذا در دعای عدیله به این واسطه الهی اشاره شده و می فرماید:

بیمنه رزق الوری و بوجوده ثبتت الأرض و السماء

یعنی: به برکت حضرتش موجودات روزی می خورند و بوجود او زمین و

آسمان پابرجاست.

همچنین در روایات وارد شده:

بِقائه بقیة الدنیا

یعنی: به وجود و بقاء امام زمان علیه السلام دنیا استوار و بقاء دارد.

خلاصه اینکه وجود ما بلکه تمام شئون وجودی و زندگی ما از هر جهت طفیل وجود آن حضرت است. و امکان ندارد امری بدون وساطت آن حضرت تقدیر شود و یا بدون وساطت امام زمان علیه السلام فیض، خیر، برکت و رزقی از طرف خداوند به ما برسد چون بنای آفرینش براین است.

این صاحب یوم الفتح و ناشر رایة الهدی

«کجاست صاحب روز فتح و پیروزی و برافرازنده پرچم هدایت».

صاحب - به معنای ملازم، معاشر و مالک و دارنده آمده است

رایت - یعنی بیرق، علم، پرچم، نشانه

امام زمان علیه السلام صاحب و مالک «یوم الفتح» هستند به این معنا که خدایتعالی وعده داده است حضرتش را بر تمام مشرکین و کفار غلبه دهد و بدست مبارک آن حضرت فتح و پیروزی نهایی و واقعی را برای دین حق محقق سازد تا جائی که هیچ کافر و مشرکی یافت نشود چنانکه در روایتی آمده است که با ظهور و دولت امام زمان علیه السلام خانه‌ای نمی‌ماند مگر اینکه در آن از توحید و علم آکنده می‌شود و جهل و نادانی و شرک و کفر از بین می‌رود لذا آن فتح و پیروزی حقیقی با دست پر توان آن بزرگوار صورت می‌گیرد

۲۲۰..... تفسیر و شرح دعای ندبه

ناشر رایة الهدی - و همچنین آن حضرت پس از قیام و فتح و پیروزی، پرچم هدایت و حرکت به سوی کمال را برافراشته و مردم در زیر سایه آن به عبودیت کمال و واقعی می‌رسند و باب هدایت و کمال بر روی خلق عالم گشوده می‌شود تا جایی که یک جاهل و نادان باقی نمی‌ماند و همه مردم با کسب علم و معرفت زیر سایه پرچم امام زمان علیه السلام به پیروزی بزرگ مادی و معنوی رسیده و به بهترین شکل زندگی خواهند کرد.

امام محمد باقر علیه السلام می‌فرمایند:

خداوند بر خلاف وقتی که تعیین کنندگان معین کنند عمل می‌کند، پرچم قائم همان پرچم رسول خدا است که جبرئیل آن را در جنگ بدر آورده و در جنگ بحرکت در آورده شد آنگاه حضرت فرمود: بخدا قسم این پرچم از این پنبه و کتان و ابریشم و حریر نیست. راوی می‌گوید گفتم: پس چیست؟ فرمود: از برگ بهشت است، که پیغمبر صلی الله علیه و آله آن را در روز بدر برافراشت سپس آن را پیچید و به علی علیه السلام داد و آن پرچم نزد او بود تا در جنگ بصره. حضرت آن را برافراشت و خداوند او را در آن روز پیروزی داد سپس آن را پیچید و آن در اینجا پیش ما می‌باشد و دیگر کسی آن را باز نمی‌کند تا آنکه قائم علیه السلام قیام کند و چون قائم قیام نمود آن را باز کند. (۱)

در روایت دیگری در ارتباط با رایت و پرچم آن حضرت آمده است:

موقعی که امیرالمؤمنین علیه السلام و اهل بصره (در جنگ جمل) بهم برخوردند،

آن حضرت پرچم رسول خدا را برافراشت و دشمنان شکست خوردند و هنوز آفتاب غروب نکرده بود که گفتند ای پسر ابوطالب ما را امان ده، آنوقت حضرت دستور دادند که اسیران را نکشید و مجروحان را نیازارید و فراری را دنبال نکنید و هر کس خود را خلع سلاح نماید و سلاح جنگ را بر زمین نهد ایمن است و هر کس به خانه رود و در به روی خود ببندد ایمن است.

و اما روز جنگ صفین از آن حضرت خواستند که عَلم و رایت را باز کند پذیرفت و سپاهیان امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام و عمار یاسر را واسطه کردند و پیش او فرستادند ولی او قبول نکرد و بفرزندش امام حسن علیه السلام فرمود: ای فرزندم برای این مردم مدّت و زمانی معین شده و باید آن مدّت و زمان منقضی شود، و این عَلم را بعد از من کسی باز نمی کند مگر قائم علیه السلام.

و در زیارت آن حضرت آمده است:

السلام عليك يا صاحب الفتح و ناشر راية الهدى

این مؤلف شمل الصلاح و الرضا

«کجاست آن آفت دهنده و گرد آورنده خلق به سوی درستی و اتحاد و رضا».

شمل - از ماده «شمل و شمول» است و به معنای فراگرفتن و احاطه می باشد و همچنین به معنای برگرفتن مثل اینکه جامه به خود پیچیدن و برگرفتن، نیز می باشد.

جوامع بشری در اثر فقدان حجت الهی دست خوش جنایت و خونریزی و

۲۲۲..... تفسیر و شرح دعای ندبه

تفرقه و نفاق گردیده و رحم و مروت از میان مردم تاحتی از بین ارحام رخت بر بسته و همه با یک دنیا بدبینی و سوءظن به یکدیگر نگاه کرده و معاشرت می کنند لذا هرگز امور مردم و مجامع بشری به صلاح و درستکاری و مودت و محبت نمی انجامد و بر عکس تمامی محبتها و الفتها از بین رفته و اتحاد و یگانگی جایشان را تفرقه و نفاق فرا گرفته و همه با اضطراب و نگرانی خاصی زندگی می کنند.

در این برهه از زمان است که امام زمان علیه السلام با ظهور خویش این دوگانگی و تفرقه و سوءظن ها را با رهبری و ارشادات خویش از بین می برند و تمامی آحاد بشر را به دوستی و مودت و صلاح و رضا دعوت می نمایند لذا در روایات آمده است:

المهدی - اجمع به شمل الامة (۱)

یعنی: مهدی کسی است که بوسیله او خداوند افراد امت را جمع و به اُلفت می سازد چنانکه خدایتعالی اختلاف و تفرقه ای که در صدر اسلام بوجود آمده بود بوسیله پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از بین برد و قلوب مسلمانان را به یکدیگر اُلفت داده و تفرقه را به اتحاد و یگانگی تبدیل نمود چنانکه در سوره ال عمران از آن خبر می دهد و می فرماید:

واذکروا نعمة الله علیکم اذکنتم اعداء فالأف بین قلوبکم فاصبحتم بنعمته اخواناً (۲)

یعنی: نعمت خدا را بر خودتان یاد آورید موقعی که شما دشمن بودید و

خدا دل‌هایتان را پیوند داد و بموهبت او با هم برادر شدید.
 بله در زمان ظهور امام زمان علیه السلام به برکت حضرتش تمامی نگرانیها و
 اضطرابهای روانی و روحی که نشأت گرفته از اعمال زشت و بیماریهای
 روحی است از بین می‌رود و به صلاح و درستکاری و رضا و محبت و خوش
 بینی مبدل می‌شود و این امر یعنی «صلاح و رضا» چنان در میان مردم پیاده
 می‌شود که مردم با کمال خرسندی و آرامش روحی و معنوی در کنار یکدیگر
 برادرانه زندگی می‌کنند و راه عبودیت و بندگی خدایتعالی را در پیش می‌گیرند
 و دائماً رضای پروردگار خویش را جستجو می‌کنند.

لذا در زیارت آن حضرت نیز به این امر اشاره شده:

السلام عليك يا مؤلف شمل الصلاح والرضا

این الطالب بذحول الانبياء و ابناء الانبياء

«کجاست آن منتقمی که خون پیامبران و فرزندان پیامبران را مطالب کند».

ذحول - از ماده «ذحل» بمعنی خون پایمال شده است.

خدایتعالی بر حسب قاعده لطفش در اقوام پیشین انبیاء را می‌فرستاد تا
 هادی آن قوم به سوی حق و کمال باشند ولی انسان ظلوم و جهول با
 فرستادگان الهی به دشمنی و کینه تیزی برخاست تا جائی که بسیاری از انبیاء
 الهی را کشتند و چنانکه در بعضی از تواریخ نقل شده در یک روز بنی اسرائیل
 چهل و سه پیامبر خدا را کشتند.

و قرآن به این جنایت بزرگ اشاره می‌کند و می‌فرماید:

و یقتلون الانبیاء بغير حق (۱)

یعنی: پیامبران را به نا حق می‌کشتند

و همچنین پس از رحلت جانگداز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بنی امیه و بنی العباس و دیگر اقوام دست به قتل فرزندان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله زدند و بسیاری از آنها را دسته جمعی به قتل رساندند که در یک جنایت در زمان بنی العباس شصت سید بدست حمید بن قحطبه کشته شده و به درون چاه انداختند یا واقعه طف که در آن چهار صد نفر از سادات از دم شمشیر گذشته و به شهادت رسیدند. در دعای روزهای مبارک رمضان از خدایتعالی خونخواهی آنها طلب شده و فرمود:

اللهم اطلب بذحلهم و وترهم و دمائمهم (۲)

یعنی: خدایا! مطالبه کن و انتقام بگیر به سبب کینه‌ای که به آنها شد و غربت

و تنهایی که کشیدند و خونی که ریختند.

انسان ظلوم و جهول به خیال فاسد خویش توانسته است که با دشمنی و

کشتن انبیاء کار را اتمام کند و برای همیشه به امیال نفسانی و شیطانی خود

برسد و حال آنکه خدایتعالی وعده داده انتقام انبیاء و فرزندان انبیاء را خواهد

گرفت چنانکه قرآن می‌فرماید:

و من قتل مظلوما فقد جعلنا لولیه سلطانا (۳)

۲- بحار جلد ۹۸ صفحه ۱۱۰.

۱- سوره ال عمران - آیه ۱۱۲.

۳- سوره اسری - آیه ۳۳.

یعنی: و آن کسی که مظلوم کشته شده برای ولیش سلطه (حق قصاص) قرار دادیم.

این آیه شریفه از آیاتی است که از آینده خبر داده و در شأن حضرت بقیة الله (ارواحنا فداه) می باشد چنانکه تفاسیر این آیه شریفه را به آن حضرت تفسیر نموده و فرموده اند خدایتعالی بدست آن حضرت که ولی و جانشین انبیاء است انتقام از دشمنان و قاتلین انبیاء و ابناء انبیاء می گیرد و تسلط و فرمانروائی مطلق را بحضرتش عطا می فرماید. لذا در زیارت آن حضرت به امر قیام و انتقام از دشمنان انبیاء و ابناء انبیاء اشاره شده و می فرماید:

السلام علیک یا طالب ثار الانبیاء و ابناء الانبیاء

در اینجا یک سؤال پیش می آید و آن این است که در زمان ظهور حضرت بقیة الله (ارواحنا فداه) دشمنان و قاتلین انبیاء از دنیا رفته اند پس چگونه از آنان انتقام گرفته می شود؟

جواب این سؤال به دو نحو داده می شود اولاً خدایتعالی بقدرت لایزال خود تمامی آن قاتلین و دشمنانی که انبیاء و امامان معصوم علیهم السلام را کشتند و شهید کردند، رجعت داده و زنده می شوند و در همین دنیای خاکی بدست امام زمان علیه السلام محاکمه شده و بسزای اعمالشان می رسند.

ثانیاً حضرت بقیة الله (ارواحنا فداه) از افرادی که راضی و خشنود هستند بفعل پیشینیان که انبیاء و ابناء انبیاء را کشتند نیز انتقام می گیرد چنانکه وارد شده است «من رضى بفعل قوم فهو منهم». یعنی هر کس به عمل قومی راضی و

خشنود باشد در زمره آنها قرار داده می شود.

این الطالب بدم المقتول بکربلا

«کجاست آن آقائی که از خون شهید کربلا (جد بزرگوارش امام حسین علیه السلام) انتقام کشد».

یکی دیگر از اقدامات مهم حضرت بقیة الله طلب خون حضرت سید الشهداء ابا عبدالله الحسین علیه السلام است که انتقام آن عزیز را خواهد گرفت چنانکه در روایتی نقل شده است هنگامی که امام زمان علیه السلام ظهور می کنند در خانه خدا بین رکن و مقام می ایستند و فریاد می زنند:

الا یا اهل العالم انا الامام القائم

«آگاه باشید ای اهل عالم من امام قائم هستم».

الا یا اهل العالم انا الصمصام المنتقم

«آگاه باشید ای اهل عالم منم انتقام گیرنده سخت».

الا یا اهل العالم ان جدی الحسین قتلوه عطشاناً

«آگاه باشید ای اهل عالم که جدم حسین را تشنه کشتند».

الا یا اهل العالم ان جدی الحسین طرحوه عریاناً

«آگاه باشید ای اهل عالم بدن جدم حسین را عریان رها کردند».

الا یا اهل العالم ان جدی الحسین سحقوه عدواناً

«آگاه باشید ای اهل عالم که بدن جدم حسین را از روی دشمنی و عداوت

پایمال کردند».

و همچنین زیارت عاشورا که یکی از زیارات صحیح السند است اشاره به این خونخواهی از طرف امام زمان علیه السلام نموده و می خوانیم:

ان یرزقنی طلب ثارک مع امام منصور من اهل بیت محمد صلی الله علیه و آله

«خداوند روزی من گرداند انتقام و خونخواهی شما را با امام منصور و

پیروز از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله».

و در فقره دیگر از این زیارت صحیحه می خوانیم:

وان یرزقنی طلب ثارکم مع امام هدی و ظاهر ناطقٍ بالحق منکم

«و خداوند روزیم گرداند در رکاب امام هدایت که ظاهر خواهد شد و ناطق

بحق است و از نسل شما است خونخواه و انتقام گیرنده شما از دشمنان شما باشم».

و در عبارت دیگر آمده است:

و یوفقنی لطلب ثارکم مع الامام المنتظر الهادی من آل محمد صلی الله علیه و آله

«خداوند به من توفیق دهد که طلب خون شما کنم در رکاب امام منتظر که

هادی است و از آل محمد صلی الله علیه و آله است».

و در زیارت امام زمان علیه السلام نیز اشاره به این خونخواهی شده و آمده است:

السلام علیک - الثائر بدم المقتول بکربلاء

در کتاب مجمع البحرین لغت «ثائر» را چنین معنا می کند: ثائر کسی است که

بر هیچ وصفی قرار و آرام نمی گیرد تا اینکه خونهای خویش را بگیرد و بر این

اساس است که این جمله از دعای ندبه می فرماید: کجاست آنکه خون (جدّ

بزرگوارش) شهید کربلا را انتقام کشد.

این المنصور علی من اعتدی علیه و افتری

«کجاست آن امامی که بر تعدی کنندگان و ستمکاران و دروغ‌گویان و افترازندگان، منصور و پیروز است».

یکی از اسمهای مبارک امام زمان علیه السلام «منصور» است یعنی کسی که یاری شده و پیروز می‌شود امام زمان علیه السلام با قدرت پروردگار بر تمام متجاوزین و سرکشان که علیه آن حضرت قیام نموده و حضرتش را منکر شده‌اند، از بین می‌برند که در این دعا از این افراد به «من اعتدی و افتری» یاد شده است.

«من اعتدی علیه» گروهی هستند که بر امام زمان علیه السلام تعدی کرده و از او امر حضرتش سرپیچی نموده و در مقام خاموش نمودن قیام آن حضرت هستند.

«من افتری» کسانی هستند که برای گمراهی دیگران به حضرتش دروغ و افتری می‌بندند تا شاید بدین وسیله جلوی گسترش نام و قیام آن حضرت را بگیرند چنانکه بعضی از مردم هواپرست که در هر عصر و زمانی با دروغ و تهمت از اشاعه و تبلیغ نام مبارک آن حضرت جلوگیری بعمل می‌آورند ولی خدایتعالی در شأن آن حضرت فرموده:

انه كان منصوراً^(۱)

یعنی: بدرستی که او (امام عصر علیه السلام) یاری شده و پیروز است.
و در زیارت آن حضرت اشاره به پیروزی آن حضرت بر دشمنان کرده و آمده است:

السلام عليك ايها المنصور على من اعتدى

این المضطر الذی یجاب اذا دعی

«کجاست آن آقائی که چون در حال پریشانی دعا کند، اجابت شود».
یکی دیگر از اسامی مقدس امام زمان علیه السلام «مضطر» است یعنی کسی که نگران و پریشان حال است و پرواضح است که پریشانی و نگرانی آن حضرت برای اقامه حق است به این معنا که نگران تأخیر اقامه حق در سراسر عالم هستند و همچنین محتاج تأییدات دائمی پروردگار می باشند چون در عین حال که از کمال اقتدار برخوردارند باز در حالت اضطراب و پریشانی به حقتعالی متوسل شده و خواستار موفقیت در امر خطیری است که به حضرتش محوّل گردیده شده است که این حالت یعنی «اضطرار و پریشانی» به حقتعالی خود نشانه عبودیت و احتیاج به حضرت حق است و آنقدر این حالت در آن بزرگوار و اجداد طاهرینش شدت داشته که یک لحظه بدون این حالت یعنی اضطراب و احتیاج به پروردگار نبوده و نخواهند بود که شدت اتصال آن

۲۳۰..... تفسیر و شرح دعای ندبه

بزرگواران را به ذات اقدس پروردگار می‌رساند. و قرآن نیز در مورد امام عصر علیه السلام اشاره به همین معنا کرده و می‌فرماید:

امن یجیب المضطر اذا دعاه و یكشف السوء ... و یجعلکم خلفاء الارض (۱)

و در تفسیر این آیه شریفه از امام محمد باقر علیه السلام نقل شده است که فرمود این آیه درباره مهدی آل محمد صلی الله علیه و آله نازل شده، به خدا قسم «مضطر» اوست. و در روایت دیگری ذیل این آیه شریفه امام محمد باقر علیه السلام می‌فرماید: به خدا سوگند که گویا من مهدی را می‌بینم که پشت به حجرالاسود داده و خدا را به حق خود می‌خواند سپس فرمود: «مضطر» اوست.

و در زیارت آن حضرت نیز به این حالت اضطرار اشاره شده:

السلام علیک ایها المضطر المجاب اذا دعا

در خاتمه شرح این جمله عرض می‌کنم شاید یک وجه دیگری برای این جمله دعای ندبه باشد و آن این است که منظور از «مضطر» دوستان و شیعیانی باشند که در زمان غیبت امام خویش در حالت پریشانی و نگرانی بسر می‌برند لذا با دلی شکسته و پریشان و نگران در مقام توسل و توجه به آن حضرت بر آمده و حضرتش را می‌خوانند، و آن بزرگوار که «رحمت الله الواسعه» است با یک دنیا مهر و محبت جواب آنان را می‌دهد. لذا معنای این جمله دعای ندبه چنین می‌شود:

کجاست آن آقایی که محبان و دوستان مضطر و پریشانش در مقام توسل

و توجه، حضرتش را بخوانند و او اجابت کند.

این صدر الخلائق ذوالبر و التقوی

«کجاست آن پیشوا و صدرنشین خلق که صاحب احسان و نیکوئی، تقوا و پرهیزگاری است».

این عبارت از دعای ندبه مقام شامخ امام زمان علیه السلام و آباء گرامیشان را بیان می‌کند که هیچ موجودی بر مقام و منزلت آنها نمی‌رسد و در بسیاری از روایات این تفضیل با عبارت متفاوت بیان شده است مثل اینکه در زیاراتشان می‌خوانیم:

اشهد انک - خیر الخلق اجمعین ^(۱)

یعنی: شهادت می‌دهم که شما بهترین از میان تمامی مخلوقات هستید.

و در روایت دیگری آمده است که پیامبر اکرم فرمود:

انا سید الاولین و الاخرین و انت یا علی! سید الخلائق بعدی اولنا کآخرنا و آخرنا کاولنا

یعنی: علی جان! من برترین افراد عالم آفرینش بوده و تو بعد از من از همه

مردم این جهان ممتاز و برتری و ما اهل بیت اول و آخرمان یکی هستیم ^(۲)

لذا امام در هیچیک از اوصافش نظیر و شبیه ندارد و از هر جهت یگانه و بی

نظیر است تا جایی که هیچ فضلی از طرف خدا به کسی نمی‌رسد مگر بواسطه

آن حضرت چونکه این نعمت در اصل از آن امام بوده و خدایتعالی در مرتبه

۲۳۲..... تفسیر و شرح دعای ندبه

اول به حضرتش عطا فرموده لذا از هر جهت بر هر صاحب فضلی برتری و اولویت دارد به طوری که اصلاً هیچ کمالی نصیب خلایق نمی‌گردد مگر با حفظ اولویت امام علیه السلام نسبت به آن کمال در مقایسه با همه صاحبان کمال، بنابراین هر انسانی که صاحب «تقوی و نیکوکاری» است بلکه در هر نعمت و فضیلتی باید خود را مدیون امام زمان علیه السلام بداند چونکه حضرتش یگانه دوران می‌باشد و هیچکس با وی مقایسه نمی‌شود چنانکه حضرت امام رضا علیه السلام در معرفی امام می‌فرمایند:

الامام واحد دهره لا یدانیه احد و لا یعادله عالم و لا یوجد منه بدل و لاله مثل و نظیر مخصوص بالفضل کله من غیر طلب منه له و لا اکتساب، بل اختصاص من المفضل الوهاب یعنی: امام یگانه روزگار و دهر خویش است هیچکس (در مقام) به (منزلت) او نزدیک نمی‌شود و هیچ عالمی با او برابری نمی‌کند و جایگزین برای او پیدا نمی‌شود و شبیه و مانند ندارد و همه فضیلتها مخصوص اوست بدون آنکه آنها را طلب کرده و به اختیار خود کسب کرده باشد، بلکه این امتیازی از طرف فضل کننده بسیار بخشنده (خداوند) برای امام می‌باشد.

با توجه به روایات ذکر شده عرض می‌کنیم فضائل و مناقب ائمه اثنا عشر بی نظیر بوده و بر تمام انسانهای عالم تاحتی انبیاء برتری دارند. لذا آنها صدر نشین عالم هستی هستند که در زمان ما این صدر نشین عالم هستی امام زمان حضرت حجت بن الحسن (ارواحناه فداه) می‌باشند. و این عبارت از دعای ندبه به همین مقام شامخ آن بزرگوار اشاره دارد که می‌فرماید:

کجاست آن امام و پیشوا و صدرنشین آفرینش و اهل نیکوکاری و تقوی
ذوالبر و التقوی - این دو صفت از مناقب دیگر آن حضرت را بیان می‌کند و
می‌فرماید:

ذوالبر یعنی «صاحب احسان و نیکی» و «صاحب تقوی و پرهیزگاری» بلکه
حقیقت احسان و نیکی و تقوی و پرهیزگاری در خانه ائمه اثناعشر علیهم‌السلام است
و بس. و اگر دیگران مرتبه‌ای از احسان و تقوی را دارا هستند تا حتی انبیاء
سلف بجهت این است که شاگرد مکتب این بزرگواران بوده‌اند چنانکه در
زیارت جامعه حقیقت خیر و خوبی را از ابتدا و انتهای خلقت از آن این
بزرگواران می‌شمارد و می‌فرماید:

ان ذکر الخیر کنتم اوله و اصله و فرعه و معدنه و ماواه و منتهاه

این ابن النبی المصطفی و ابن علی المرتضی و ابن خدیجه الغراء و ابن فاطمه

الکبری

«کجاست فرزند پیامبر برگزیده خدا و فرزند علی پسندیده، و فرزند خدیجه
والامقام، و فاطمه گرانقدر و بزرگوار».

در این قسمت از دعای ندبه با یک سلسله از کلمات مترادف در مقام معرفی
آخرین حجت الهی گردیده و اصل و نسب آن حضرت را بیان می‌کند به این
جهت که شاید در اثر طولانی شدن غیبت، بعضی ادعای مهدویت کنند و مردم
را فریب دهند چنانکه در طول تاریخ غیبت، در هر دورانی دروغگویان و

۲۳۴..... تفسیر و شرح دعای ندبه

شیادانی یافت شده‌اند که این ادعا را کرده‌اند و گاهی هم بوسیله حکام زمان پشتیبانی می‌شدند تا مردم را فریب دهند و اعتقادات آنها را تضعیف نموده و سست کنند. لذا در اکثر روایات مهدویت و تا حتی در دعاها و زیارات، مهدی موعود و آخرین سفیر الهی معرفی شده، هم از جهت سلسله نصب و حسب و همچنین از جهت صفات کمالیه آن حضرت، به مردم معرفی شده است تا مردم هرگز مورد اغوای فریبکاران و دروغگویان واقع نشوند.

در این بخش از دعا اشاره به همین سلسله نصب و حسب گردیده و می‌فرماید:

«این ابن النبی المصطفی»

«کجاست فرزند پیامبر برگزیده».

مصطفی از ماده «اصطفاء» می‌باشد به معنای انتخاب، خالص و پاک و مصطفی یعنی برگزیده و انتخاب شده که یکی از القاب پیامبر اسلام است.

لازم به تذکر است، که امام زمان مهدی موعود علیه السلام از فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌باشد که این انتساب از طریق مادر گرانقدرشان فاطمه زهرا علیها السلام است چنانکه در زیارت آن نیز آمده است:

السلام علیک یا بن النبی المصطفی

و بن علی المرتضی «کجاست فرزند علی مرتضی»

«مرتضی» یکی از اسامی و القاب بارز و معروف حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام است و در وجه نام گذاری آن حضرت به این اسم از ابن عباس نقل شده است که گفته:

كان علياً عليه السلام يتبع في جميع امره مرضاة الله ورسوله، فلذا الكاسمي مرتضى
يعني چون علي عليه السلام در تمام كارهايش پيرو رضاي خدا و پيامبر صلى الله عليه وآله بود و
از آن پيروي مي كرد، از اين جهت به «مرتضى» ناميده شد.

در اين عبارت نيز تصريح به نصب امام زمان شد، و او را فرزند اولين خليفه
پيامبر يعني علي بن ابيطالب عليه السلام معرفي مي كند چنانكه در زيارت آمده است:
السلام عليك يا بن علي المرتضى

و بن خديجة الغراء «كجاست فرزند، خديجه والامقام و زيبا».
«الغراء» به معنای نيكو، خوب، زيبا و به گياه خوشبو نيز معنا شده است.
حضرت خديجه بنت خويلد اول زني بود كه پيامبر اسلام صلى الله عليه وآله با او ازدواج
كرد و همچنين اول زني بود كه اسلام اختيار كرد و اول زني بود كه تمامي
ثروتش را در راه اسلام به پيامبر اسلام بخشش كرد و متحمل صدمات و
زحمات شاقی شد و اول زني است كه ولايت اميرالمؤمنين علي عليه السلام را
پذيرفت و بدان عهد و ميثاق بست و اول زني بود كه دشمنان رسول خدا را
دفع مي كرد و در مناقب آن بانوي بزرگوار نقل شده است:

كان رسول الله يسكن اليها

يعني: پيامبر اكرم بوجود (و همسري خديجه) آرامش و تسكين مي يافت.
و محمد بن اسحاق نقل کرده كه حضرت رسول اكرم صلى الله عليه وآله هر وقت از
تكذيب قریش و اذيتهاي آنها محزون و آزرده مي شد هيچ چيز آن حضرت را
مسرور نمي كرد مگر خديجه. لذا هر گاه خديجه را مي ديد مسرور مي شد و

۲۳۶..... تفسیر و شرح دعای ندبه

مُبتهج می‌گردید. و خدیجه آن بزرگوار را در بر می‌گرفت و می‌بوسید و امر قریش را توهین می‌نمود و صدقه می‌داد برای سلامتی آن حضرت.

خدای تبارک و تعالی نیز مقابل آن همه فداکاری و ایثار بزرگترین مناقب و مفاخر را که بر هیچ یک از خواص و عوام مخفی نیست به خدیجه کبری علیها السلام عطا کرد و آن این بود که به وی لیاقت مادری بزرگ بانوی هستی فاطمه زهرا علیها السلام داده شد و بدین وسیله مادر دوازده معصوم و حجت الهی گردید که یکی از آنها آخرین سفیر الهی مهدی موعود علیه السلام می‌باشد و در روایات و زیارت ائمه معصومین علیهم السلام خود را به آن بانوی بزرگ (خدیجه) نسبت داده و به آن افتخار می‌کردند چنانکه در زیارت امام زمان علیه السلام این مدال افتخار ذکر شده و آمده است:

السلام علیک یابن خدیجة الکبری

و بن فاطمة الکبری «کجاست فرزند فاطمه زهرا و بزرگوار».

«کبری» که مؤنث اکبر و صفت تفضیلی است یکی از القاب حضرت فاطمه زهرا علیها السلام می‌باشد و علت آن این است که آن بی بی بزرگوار تمام صفات حمیده و اخلاق پسندیده الهیه را به نحو اتم و اکمل دارا بوده که هیچ مخلوقی در عالم بجز پدر و همسرش به آن مراتب کمال و صفات حمیده نمی‌رسد لذا در قرآن آن بانوی بزرگوار پس از پدر و همسر گرانقدرش از بزرگترین آیات الهی معرفی شده چنانکه آمده است:

انها لاحدى الكبر نذيراً للبشر (۱)

یعنی: البته این (فاطمه) یکی از بزرگترین آیت خداوند است که پند و نذیر است برای بشر

در این فقره نیز از دعای ندبه امام زمان علیه السلام با تصریح نام مادر بزرگوارشان حضرت فاطمه زهرا علیها السلام معرفی می شود تا جای هیچ شک و شبه‌ای در شناخت مهدی موعود علیه السلام باقی نماند لذا در زیارت آن بزرگوار آمده است:

السلام عليك يا بن فاطمة الزهراء

قسمت دوم

از تفسیر و شرح دعای عظیم الشان
نذبه

قسمت دوم

از تفسیر و شرح دعای عظیم الشان ندبه

داعی هنگامی که به این قسمت از دعای شریف ندبه رسید بهتر است که بپا خیزد چون این جملات خطاب به آن سرور گرامی است و داعی بر حسب توجه و ارتباط روحی که برایش حاصل شده است خود را در محضر آن سرور گرامی می بیند لذا باید ادب حضور را رعایت کند چنانکه حضرت امام صادق علیه السلام در جواب کسی که سؤال کرد چرا باید هنگامی که نام «قائم» را می بریم بلند شویم! فرمود: برای آن حضرت غیبت طولانی هست و این لقب یاد آورد دولت حقه آن حضرت و ابراز تأسف بر غربت اوست و چون آن حضرت از شدت محبت و مرحمتی که به دوستانشان دارند به هر کسی که حضرتش را با

۲۴۰..... تفسیر و شرح دعای ندبه

این لقب یاد کند، نگاه محبت آمیزی می کند. از تجلیل و تعظیم آن است که بنده خاضع در مقابل صاحب خود هنگامی که مولای بزرگوارش به سوی او بنگرد از جای برخیزد، پس باید برخیزد و تعجیل در امر فرج مولایش را از خداوند منان مسألت نماید.

پر واضح است که دعای ندبه نیز ابراز تأسف بر غربت امام زمان علیه السلام است و بلاخص با این جملاتی که ذکر می شود داعی آن حضرت را مخاطب قرار داده و با حضرتش به صحبت و مناجات مشغول می شود، پس بهتر است که در این قسمت از دعا ایستاده خوانده شود.

بابی انت و امی و نفسی لک الوقاء و الحمی

«پدر و مادرم به فدای شما و جان من بقربان شما و بلاگردان و حافظ و نگهبان شما باد».

الوقاء - از ماده «وقی» به هر چه که به آن چیزی را نگه دارند و در پناه گیرند گفته می شود.

الحمی - به معنای نگهبان، حمایت کننده است.

در این قسمت از دعا، دعا کننده پس از اینکه با کلمات و جملات قبل حمد خدایتعالی را بجای آورد و بعضی از مسائل اعتقادی راجع به انبیاء و ائمه هدی علیهم السلام را بیان کرد و مبانی اعتقادی را از توحید و عدل و نبوت و امامت و معاد

محکم نمود، در این بین به امام زمانش می‌رسد که جای آن حضرت را خالی می‌بیند لذا مشغول گشتن می‌شود و با واژه «این» یعنی «کجاست» چرا «در میان ما نیست» «چرا ما او را نمی‌بینیم» سراغ امام زمانش را می‌گیرد، لذا اشک می‌ریزد و دنبال محبوبش می‌گردد پس از جستجو که با کلمات و واژه‌هایی آکنده از معرفت و محبت به امام علیه السلام بود ارتباط روحی برقرار می‌نماید، امام خود را با چشم دل می‌بیند و خود را در محضر مبارکش مشاهده می‌کند لذا در موقع خواندن این قسمت از دعای ندبه به احترام امام قائم علیه السلام قیام نموده و برپا می‌خیزد و این جملات را با ادب حضور بیان می‌کند، در مرتبه اول اعلام جان نثاری می‌کند و در مقام «تفدیه» یعنی «فدا نمودن» بر می‌آید و بهترین و عزیزترین نزدیکانش را فدای آن حضرت قرار می‌دهد و از پدر و مادر شروع می‌کند چون در نزد انسان هیچ فردی و کسی بالاتر و محبوبتر از پدر و مادر نیست و این امری است فطری که دعاکننده آنها را فدای محبوبش و امام عزیزش می‌کند.

این نوع «تفدیه» اشاره به این مطلب نیز دارد که پدرم و مادرم عزیزتر از امام نمی‌باشند بلکه به مراتب آن حضرت بالاتر و محبوبتر و عزیزتر می‌باشند. در زیارت جامعه قریب به این مضمون آمده است:

بابی انتم و امی و نفسی و اهلی و مالی و اسرتی و نفس لک الوقاء و الحمی
یعنی: پدرم و مادرم و خودم و خاندانم و عائله‌ام و ثروت و متعلقاتم همه و

۲۴۲..... تفسیر و شرح دعای ندبه

همه فدای شما و بلاگردان و حافظ و نگهبان شما باد.

سپس به نفس خود اشاره می‌کند و آن را نیز در معرض فدای امام خویش قرار می‌دهد و عرض می‌کند نفسم نیز فدای شما و سپر بلا و نگهبان شما باشد. پرواضح است که کسی به چنین مقام و منزلتی نمی‌رسد که هم از جان خود و هم از بهترین عزیزان خود مثل پدر و مادر بگذرد، مگر کسی که بحقیقت از تمامی علائق خود را رها کرده باشد و تزکیه نفس واقعی را در روح و نفس خود بوجود آورده و امام زمان خویش را شناخته باشد.

کسی که حقیقت تزکیه نفس و تقوی را در نفس خود پیاده کرده باشد از روی واقعیت این جملات دعای ندبه را به امام زمانش عرضه می‌دارد و اگر پای امتحان پیش آید، این «تفدیه» را عملاً به نمایش می‌گذارد.

یا بن السادة المقربین

«ای فرزندان بزرگان و مقربان درگاه الهی».

السادة - جمع «سید» به معنی بزرگ، آقا و شریف می‌باشد.

دعا کننده پس از اینکه در جستجوی امام خویش برآمد و در فراق و جدائی آن حضرت اشک ریخت به وصال معنوی حضرتش نائل می‌شود، اینجاست که گوئیا امام خویش را می‌بیند و با حالت محبت و عشق شدید با حضرتش نجوا می‌نماید و گفتار خود را با اشاره به صفات و اسماء عالیه آن حضرت و

اجداد بزرگوارش آغاز می‌کند و درد دل می‌نماید و آن حضرت را با کلمه «یابن» مخاطب می‌سازد یعنی «ای فرزند خوبان» که دارای صفات کمال و جلال الهی هستید که در واقع اشاره به مقام بزرگ و مجد و عظمت خود آن بزرگوار است.

امام زمان علیه السلام فرزند سرور مقربین درگاه الهی می‌باشند به عبارت دیگر مقربین بذات اقدس الهی سروران و بزرگانی دارند که آنها ائمه اثنا عشر (علیهم السلام) می‌باشند چنانکه در روایتی آمده است که فرمودند:

نحن سادة الخلق و القوامون بالحق (۱)

یعنی: ما بزرگان و سروران خلق و قائم به حق هستیم

و در روایت دیگر فرموده‌اند:

نحن ولد عبد المطلب سادة اهل الجنة (۲)

یعنی: ما فرزندان عبدالمطلب بزرگ و سرور اهل بهشت هستیم.

و باز در روایت دیگری خود را سید و بزرگ خلق معرفی می‌کنند و می‌فرمایند:

نحن شرف الامة و نحن سادة الائمة (۳)

یعنی: ما بهتر و اشرف امت هستیم و ما بزرگ و سرور پیشوایان الهی هستیم.

و در زیارت امام زمان علیه السلام حضرتش را فرزند بزرگان از مقربین معرفی نموده:

السلام عليك يا بن سادة البشر

«سلام بر شما ای فرزند آقا و سرور بشر».

یا بن النجباء الاکرمین

«ای فرزند اصیل و شریف و گرامی ترین افراد با نجابت و شرافت».

النجباء - جمع «نجیب» به معنای اصیل و شریف و خوش گوهر و گرامی و

به کسی گویند که دارای جمیع اخلاق فاضله و صفات پسندیده باشد.

اکرمین - یعنی گرامی ترین و سخی ترین و به کسی گویند که دارای همه قسم

خیر و شرف و فضیلت باشد.

امام زمان علیه السلام فرزند گرامیترین افراد نجیب و شریف و بااصالت است کنایه

از اینکه آباء و اجداد امجدشان گرامیترین خلق نزد خدایتعالی می باشند چون

پدران و مادران ائمه هدی علیهم السلام همگی موحد و خداپرست بوده و هرگز آلوده

به کفر و شرک و دیگر آلودگیها نبودند چنانکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در ضمن روایتی

می فرمایند: چون خداوند اراده کرد ما را خلق کند، منشاء خلقت ما را از نوری

قرار داد و در صلب آدم مستقر ساخت و ما را از صلب پدران پاک و رحم

مادران پاکیزه بیرون آورد و ما آلوده به نجاست شرک و کفر نشدیم. (۱)

و در تفسیر آیه شریفه «و تقلبک فی الساجدین» آمده است که یعنی خدایتعالی تو را (ای پیامبر) از صلب این موحد به صلب آن موحد منتقل نمود. و در تأیید این معنا که پدران و مادران ائمه معصومین همگی از موحدین و پاکان عالم بوده‌اند این است که در زیاراتشان می‌خوانیم:

اشهد انک کنت نوراً فی الاصلاب الشامخه والارحام المطهرة

«شهادت می‌دهم که تو نوری بودی در صلب پدران بزرگ و بلند مرتبه، و

رحم مادران پاک و پاکیزه».

و در روایتی ائمه علیهم‌السلام فرموده‌اند:

جعلنا النجباء (۱)

یعنی: خدایتعالی ما را نجیب و شریف و خوش گوهر قرار داد

و همچنین در زیارت امام زمان علیه‌السلام به طهارت معنوی آباء گرامیشان اشاره

شده و می‌خوانیم:

السلام علیک یا بن النجباء الاکرمین (۲)

یا بن الهداة المهدیین

«ای فرزند هادیان هدایت یافته».

الهداة - جمع «هادی» و به معنای راهنما، پیشوا و نماینده است.

۲۴۶..... تفسیر و شرح دعای ندبه

المهدیین - جمع «مهدی» به معنای هدایت یافته و راهنمایی شده است.
ائمہ اطهار علیہم السلام همگی هادی و پیشوای امت بوده و هستند و به عنوان امام و رهبر از جانب رسول خدا صلی الله علیه و آله و به امر پروردگار تعیین گردیدند و چون هم خود به هدایت الهی رسیده و همچنین خلق را به هدایت و سعادت می‌رسانند به آنها لقب «هادی» و «مهدی» داده شده است.

چنانکه در زیارت جامعه آمده است:

اشهد انکم الائمہ - المهدیون

و در روایتی علی علیه السلام خود را چنین معرفی می‌کند:

انا الهادی انا المهدی

یعنی: من هدایت کننده هستم، من هدایت شده هستم.

و در زیارت امام زمان علیه السلام همین مضمون آمده است:

السلام علیک یا بن الهداة المهدیین

یا بن الخیرة المهدیین

«ای فرزند برگزیدگان مهذب و پاکیزه».

الخیرة - اسم جنس به معنای افضل القوم و از همه بهتر و بالاتر، و از همه با

فضیلت تر می‌باشد.

المهدیین - اسم مفعول به معنای پیراسته، تربیت و پاکیزه شده است.

به موجب روایات و زیارات ائمه هدی علیهم السلام پدران و مادران امام زمان علیه السلام منزله از اخلاق رذیله و افعال قبیحه بودند و دارای اخلاق حسنه و کمالات روحی نیز بوده‌اند لذا از جانب پروردگار اختیار شده‌اند که این فقره از دعای ندبه به آن اشاره می‌کند و در تفسیر آیه شریفه «و تقلبک فی الساجدین» آمده است که جابر بن عبدالله انصاری از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله سؤال کرد: موقعی که حضرت آدم در بهشت بود شما کجا بودید؟ پیامبر اکرم بیاناتی در سرشت خود می‌فرمایند که در ضمن آن فرمودند: پدران و مادران من هرگز نابکار نبوده و خداوند پیوسته مرا از صلب‌های پاک به رحم‌های پاکیزه منتقل می‌کرد.

در زیارت امام زمان علیه السلام نیز آمده است:

السلام علیک یا بن خیرة الخیر

یا بن الغطارفة الانجین

«ای فرزند بزرگواران شرافتمند».

الغطارفة - از ماده «غطریف و غطراف» به معنای سید و بزرگوار و سخی و

شریف است.

الانجین از ماده «انجب» صفت تفضیلی به معنای جمع کردن و برگزیدن می‌باشد.

خدایتعالی برای رهبری جامعه و هدایت بشر افرادی را از میان مخلوقات

۲۴۸..... تفسیر و شرح دعای ندبه

انتخاب و برگزید که از هر جهت شایستگی و لیاقت را داشته باشند. لذا آنان را از اوصاف جمال و جلال و نور و عظمت و علم و عزت و قدرت خود آراسته ساخت و مقام بلند خود را به آنها عطا فرمود بر وجهی که آنان متقی و پرهیزگار و معصوم و بی گناه و مطیع و فرمانبردار و مهتر و بزرگ قوم قرار گرفتند و خداوند تمامی خلق را امر نمود که از آنان پیروی و اطاعت کنند چنانکه امام صادق علیه السلام در روایتی اشاره به مقام بلند امام می کنند و می فرمایند:

الامام هو المنتجب المرتضى والهادى المنتجى والقائم المرتجى

یعنی: امام همان برگزیده پسندیده و هدایتگر محرم اسرار (الهی) و قیام کننده مورد امید است.

این فقره از دعای ندبه اشاره به مقام بزرگ و نیکوی امام زمان و اجداد طاهرینش دارد به این معنا که آنها را با دو واژه «الغطارفة» و «الانجبین» معرفی می کند که نشانگر مقام بلند آن بزرگواران است چنانکه در زیارت آن حضرت نیز آمده است.

السلام عليك يا بن الغطارفة الاكرميين

يا بن الأطائب المطهرين

«ای فرزند نیکوترین پاکان».

الأطائب - جمع «اطيب» صفت تفضیلی و به معنای پاکیزه تر و نیکوتر و

خوشبوتر است.

در این عبارت اشاره به مقام عصمت و طهارت معنوی امام زمان و پدران گرانقدرشان دارد چون پرواضح است که برای رسیدن به مقامات معنوی و مقام قرب باری تعالی احتیاج به وسیله و راهنمایی است که اولاً خود پاک و منزّه از هر عیب و پلیدی باشد و ثانیاً خود نیز بمقصد رسیده باشد. و این وسیله بشهادت آیات و روایات وارده ائمه معصومین علیهم السلام می باشد چنانکه قرآن در حق آنان فرموده:

انما يريد الله ليذهب عنكم الرجس ويطهركم تطهيراً

و در روایتی از امام رضا عليه السلام همین معنا یعنی «طیب و طاهر» در حق امام نقل شده است که:

الامام المطهر من الذنوب والمبرّي من العيوب المخصوص بالعلم

یعنی: امام پاک گردیده از گناهان و بر کنار گشته از عیبها است که همه علم اختصاص به او دارد.

همچنین در زیارت امام زمان همین مضمون آمده است:

السلام عليك يا بن - الأطائب المطهرين

و در روایت دیگری آمده است:

انك بن الأكرمين الأطائب (۱)

یا بن الخضارمة المنتجبین

«ای فرزند آقایان با کرامت و برگزیده شدة الهی».

الخضارمة - جمع «خضرم» به معنای سید و آقای با کرامت و بسیار بخشنده آمده است.

المنتجبین - جمع «منتجب» اسم مفعول به معنای انتخاب و برگزیده شده است. در این فقره باز با کلماتی مترادف در مدح و ثنای امام زمان علیه السلام و اجداد امجدشان بر آمده و می فرماید آن حضرت فرزندان مردانی است که خدایتعالی آنها را با کرامت و بزرگواری قرار داده و از میان تمام خوبان عالم آنها را انتخاب کرده است تا عامل اجرای تمام احکام و دستورات الهی باشند و همچنین آنها را آگاه به اسرار عالم خلقت ساخت و خلاصه اینکه خدایتعالی آنها را آینه کامل و تجلی گاه صفات عالیة خود قرار داد تا مقام امامت که والاترین مناصب الهی است برای ارشاد و هدایت خلق حائز شوند چنانکه امام رضا علیه السلام در قسمتی از یک روایت که امام را معرفی می کنند می فرمایند:

امام از لوث گناهان پاکیزه و از عیوب بدنی منزّه و بعلم و دانش مشخص و بحلم و بردباری آراسته، و باعث نظام دین و عزت مسلمین و بخشم آورنده منافقین، و تباه و هلاک کننده کافرین است. (۱)

لذا در این عبارت امام زمان و اباء گرامشان با واژه «الخضارمة» به معنای آقا و

سید و بزرگ و واژه «المنتجبین» که هم به معنای انتخاب شده و همه به معنای درخور ستایش است، تعریف و تمجید شده‌اند چنانکه در زیارت آن حضرت نیز آمده است:

السلام عليك يا بن البررة المنتجبين والخضارمة الأنجبين

یا بن القماقمة الاکرمین

«ای فرزند سروران جود و عطا و گرامی‌ترین خلق».

القماقمه - جمع «قمقام» به معنای سید و سرور و مهتر و به معنای صاحب عطاهاى بسیار نیز آمده است.

الاکرمین - معنای آن قبلاً گذشت.

حضرت بقية الله و آباء گرامیشان بهترین مخلوق عالم هستی هستند که هیچ موجودی در رتبه معنوی آنها نبوده و قیاس نمی‌شود لذا آنها یگانه دهر بوده و دارای عالیترین صفات پسندیده بوده‌اند، آنها سخی‌ترین و شجاع و نیرومندترین و عقیف‌ترین مردم و منزّه‌ترین آنان می‌باشند. چنان که در روایتی حضرت امام رضا علیه السلام می‌فرمایند:

امام یگانه فرد روزگار است و کسی بمرتبه کمالات او نمیرسد و هیچ عالمی به پایه درجات علمی او نمی‌رسد و در صفات و اخلاق و روحیات مثل و نظیر برای او نیست و به فضیلت و برتری اختصاص دارد، کسب فضیلت از کسی

۲۵۲..... تفسیر و شرح دعای ندبه

نمی‌کند بلکه جمله فضائل او از طرف خداوندِ فضیلت بخش است. (۱)
در این فقره از دعای ندبه ائمه معصومین علیهم‌السلام با کلمه «قماقمه» یعنی سید
و مهتر و بزرگ قوم و «اکرمین» یعنی باگرامترین خلق، معرفی می‌شوند.
چنانکه در روایتی نیز با همین واژه‌ها امام زمان و آباء گرامیشان معرفی
شده‌اند:

اللهم صل على القادة القماقم

«بار الها! درود فرست بر رهبران صاحب عطاهاى كثير».

حضرت امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام در معرفی خود می‌فرمایند:

انا البحر القماقم الزاحز

«من دریای عطا و بخشش وجود عمیق هستم».

و در جای دیگری وارد شده است:

البطل الضرغام و الفارس القماقم (۲)

«دلیر و شیر درنده هستم و دلاور و صاحب عطای کثیرم».

«بدرستی که شما فرزند گرامیترین و پاکترین خلق هستید».

بدور - جمع «بدر» به معنای ماه شب چهارده است.

ائمة اطهار عليهم السلام مانند ماه شب چهارده در شب و ظلمت جهل و نادانی بشر نور افشانی کرده و باعث فوز و رستگاری شده‌اند، و پرواضح است که رؤیت بوسیله نور است و اگر نور وجود نداشت افراد بشر و حیوانات توانائی زندگی نداشتند و در ظلمت و تاریکی محض قدرت حرکت و جنبش را از دست می‌دادند و حیات از بین می‌رفت همچنین است راه سعادت و خوشبختی که اگر انوار الهی نمی‌بودند بطور کلی حیات معنوی از بین می‌رفت و هیچکس بفوز و سعادت دنیا و آخرت نمی‌رسید. اما خدای مهربان در هر دوره و عصری حجت و امامی قرار داده که وجود هر یک همانند خورشید و ماه است، تا بشر به نور هدایت آن بزرگواران قدرت بر تحصیل موجبات سعادت دنیا و آخرت خود را بتواند فراهم آورد چنانکه با همین واژه‌ها «شمس» و «بدور» در زیارت ائمة عليهم السلام آمده است:

السلام علیکم ائمة المؤمنین - و شمس الأتقیاء و بدور الخلفاء

و در زیارت دیگر آمده است:

السلام علیکم یا اهل بیت نبوة - بدور الدنيا و ورثة الانبیاء

در تاریخ ذکر شده که ابو شاکر الدیصانی که بوسیله امام جعفر صادق عليه السلام

هدایت یافته در تعریف و تمجید آن امام همام بحضرتش عرض کرد:

انك احد النجوم الزواهر و كان اباؤك بدوراً بواهر

یعنی: بدرستی که شما یکی از ستارگان درخشان هستید و پدرانتان ماههای

منور بودند.

یا بن السرج المضيئة

«ای فرزند چراغهای فروزان و روشن».

السرج - جمع سراج به معنای چراغ روشن می باشد.

ائمه اطهار جملگی «سراج» یعنی چراغهای روشن که در تاریکیها و ظلمتها نورافشانی می کنند بودند، به عبارت دیگر گرچه در اثر غلبه طاغوتها و سلاطین جور جهان در تاریکی و ظلمت فرو رفته ولی بشر ممنوع از هدایت نگردیده، وی می توانسته با اطاعت و پیروی از ائمه اطهار عليهم السلام که هر یک چراغی روشن برای یافتن راه هستند، نجات یابند و راه و طریق مستقیم را طی کنند و به سعادت رسند. لذا در این عبارت از امام زمان و پدران بزرگوارشان تعبیر به «سراج المضيئة» یعنی چراغهای فروزان شده است چنانکه در قرآن تعبیر به «سراج» شده اند:

وداعياً الى الله وسراجاً منيراً^(۱)

یعنی: ما به فرمان خود تو را دعوت کننده به سوی الله و چراغ روشن قرار دادیم.

و همچنین در زیارت حضرت بقیة الله (ارواحنا فداه) آمده است:

السلام عليك يا بن الحج المنيرة و السرج المضيئة

يا بن الشهب الثاقبة، يا بن الانجم الزاهرة

«ای فرزند اختران تابناک و شکافنده (تاریکی)، ای فرزند ستارگان تابنده».

الشهب - به جمع شهاب به معنای ستاره روشن می باشد.

الثاقبه - معنی نافذ و سوراخ کننده، تابان و درخشان نیز می باشد.

الانجم - جمع «نجم» به معنای ستاره و کوكب است.

زاهرة - یعنی تابان و درخشنده.

قبلاً عرض کردیم ائمه اطهار عليهم السلام انوار الهی برای یافتن راه سعادت در ظلمت و تاریکیها می باشند که در اثر پیروی دستوراتشان موجب حیات جاودانی و رسیدن به مقامات عالیة انسانی و نیل به سعادت دنیا و آخرت می گردد لذا در این عبارات از دعای ندبه امام زمان عليه السلام را فرزند مردانی معرفی می کند که هر یک مانند «شهب الثاقبة» یعنی اختران تابناک و «الانجم الزاهرة» یعنی ستارگان روشن، بودند که تمامی این تعابیر در روایات و زیارت نیز آمده است مثل اینکه حضرت امیرالمؤمنین عليه السلام فرمودند:

بدانید که مثل اهل بیت محمد صلى الله عليه وآله بسان ستارگان آسمانند که هر گاه

۲۵۶..... تفسیر و شرح دعای ندبه

ستاره‌ای غروب کند ستاره‌ای دیگر طلوع می‌کند. گوئیا می‌بینیم نعمت‌های الهی در پرتو خاندان پیامبر بر شما تمام شده و شما به آرزوهای خود دست یافته‌اید. (۱)

در روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود:

اهل بیتی کالنجوم بایهم اقتدیم اهتدیتم (۲)

یعنی اهل بیتم همچون ستارگانند از هر کدام پیروی گردید هدایت یافته‌اید.

و در زیارت حضرت بقیة الله (ارواحنا فداه) آمده است:

السلام علیک یا بن الشهب الثاقبة - والنجوم الباهرة

یا بن السبل الواضحه، یا بن الاعلام اللائحه

«ای فرزند راههای واضح و روشن، ای فرزند علامتهای ظاهر و آشکار».

الواضحه - یعنی روشن و آشکار

اللائحه - بمعنی مظهر و ظاهر و بر پا شده است.

در جملات قبل معنای «سبیل» در جمله «هم السبیل الیک» و «این السبیل

بعد السبیل» توضیحاتی داده شد و همچنین معنای «الاعلام» در جمله «این

اعلام الدین» شرح و بیان گردید.

منشأ بیان این تعبيرات و جملات مترادف در دعای ندبه، بملاحظه الغاء

معارف و مقامات ائمه اطهار عليهم السلام است تا دعا کننده با معرفت بیشتری امام زمانش را بخواند و در فقدان آن نور که بوسیله آن در تاریکی های غیبت و ظلمت های معنویت می توان هدایت یافت و به قلّه کمال رسید، اشک بریزد و خواستار ظهور حضرتش گردد لذا در این عبارت از دعای ندبه برای معرفی بیشتر امام علیه السلام می فرماید:

«ای فرزند راه های روشن و آشکار و ای فرزند علامت های ظاهر و بر پا شده» به همین مضمون در زیارت آن حضرت آمده است:

السلام عليك يا بن السبيل الواضحة والاعلام اللائحة

یا بن العلوم الكاملة

«ای فرزند علوم و دانش های کامل».

ائمه اطهار عليهم السلام واجد مراتب علوم ظاهری و باطنی هستند لذا از آن بزرگواران تعبیر به «علوم کامله» شده است که علم هیچ چیزی از آنها مخفی نبوده و جاهل به آن نمی باشند و اصولاً یکی از شرائط امامت و جانشینی از طرف خداوند این است که بر تمامی علوم آگاهی کامل داشته و اعلم و آگاهتر از سایر افراد بشر می باشد تا جایی که در علم و آگاهی نیاز به هیچ فردی جز خدایتعالی ندارد ولی تمامی خلق در علم نیازمند او می باشند. لذا در روایتی آمده است:

جميع العلوم - بتوسطهم تفيض (۱)

یعنی: تمامی علوم بتوسط ائمه هدی علیهم السلام افاضه می شود.

و در روایت دیگری حضرت امام جعفر صادق علیه السلام می فرمایند:

بخداوند سوگند من می دانم آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است و می دانم آنچه در بهشت است و می دانم آنچه در آتش است و می دانم آنچه تاکنون بوده و آنچه را که بعد از این واقع می شود، (پس از لحظه ای امام علیه السلام سکوت کرده و احساس اینکه این سخن بر شنوندگان دشوار آمده) فرمودند: اینها را من از کتاب خداوند آموختم که فرمود: ما این کتاب را به تو نازل کردیم که در آن بیان هر چیزی است و نزلنا علیک الكتاب تبیاناً لکل شیء (۲)(۳)

و در روایت دیگر حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند:

لو كنت بين موسى والخضر لاخبرتهما اني اعلم منهما و لانباتهما بما في ايديهما (۴)
یعنی: اگر من در میان حضرت موسی و خضر بودم به آنان اطلاع می دادم که من آگاهتر از آنان می باشم و دارای علوم می باشم که در اختیار آنان نمی باشد. علم ما، غابر، و مزبور، و القا در قلوب، و رسیدن صدا به گوش است. و در نزد ما جعفر سرخ، جعفر سفید، و مصحف فاطمه علیها السلام می باشد، و در نزد ما جامعه است که آنچه مورد نیاز مردم است در آن می باشد.

۱- بحار جلد ۱ صفحه ۱۰۳. ۲- سوره نحل - آیه ۸۹.

۳- بحار جلد ۲۶ صفحه ۱۱۰. ۴- بحار جلد ۲۶ صفحه ۱۹۶.

(و چون از تفسیر و توضیح آن سؤال کردند) فرمودند:

اما غابر علم به اموری است که بعدها واقع می شود. و اما مزبور علم به وقایعی است که در گذشته واقع شده است. و اما القاء در قلوب الهام است، و اما نقر و صدای در گوش ها حدیث ملائکه است که سخنان آنان را می شنویم ولی خود آنها را نمی بینیم، و اما جفر احمر و سرخ ظرف و جعبه ای است که در آن اسلحه پیامبر صلی الله علیه و آله است که مخفی است و بیرون آورده نمی شود تا زمانی که قائم ما اهل بیت قیام کند، و اما جفر سفید آن ظرف و جعبه ای است که در آن تورات حضرت موسی و انجیل حضرت عیسی و زبور حضرت داود علیه السلام و کتابهای انبیاء سابق در آن قرار گرفته است، و اما مصحف فاطمه علیه السلام که در آن کلیه حوادث که واقع می شود و نام کسانی که بحکومت می رسند تا روز قیامت را در بردارد، و اما جامعه و آن کتابی است بطول ۷۰ ذراع به املاء و دیکته رسول خدا صلی الله علیه و آله و بخط علی بن ابیطالب علیه السلام هر حکمی که مردم بدان محتاج شوند در آن ثبت است حتی باندازه دیه خراش و حد تازیانه و نصف تازیانه ای برای ارتکاب عمل خلاف و جنایتی که واقع می شود.

در زیارت امام زمان علیه السلام نیز آمده است:

السلام علیک یا بن قواعد العلم

یا بن السنن المشهوره

«ای فرزند سنتهای معروف و مشهور».

السنن - جمع «سنة» به معنای طریقه، روش و سیره می باشد.

«السنن المشهوره» همان راه و روش رسول خدا ﷺ است که عمل به آن موجب قرب خدایتعالی می گردد. که آن حضرت از طریق قول و گفتارشان و یا با عمل و رفتارشان به مسلمانان انتقال داده و آموختند که از مجموع آن قول و عمل حضرتش احکام خمسه (واجب، مستحب، مباح، مکروه، حرام) پدید آمد و چون ائمه معصومین علیهم السلام خلفاء و جانشینان بر حق رسول خدا ﷺ بودند همان روش و سنت و طریقه جدّ امجدشان را پیروی می کردند و به جهت شدت بر حفظ و مراقبت از سنت رسول اکرم صلی الله علیه و آله در این عبارت دعای ندبه تعبیر به «سنن مشهوره» شده اند و حضرت بقیه الله علیه السلام نیز که آخرین معصوم و خلیفه رسول خدا است با قیام خود سنتهای فراموش شده اسلام را زنده کرده و به مسلمانان می آموزند و به آنها عمل می شود لذا در بحارالانوار این امر و وظیفه خطیر امام ذکر شده و فرموده اند:

على الامام احياء السنة (۱)

یعنی: بر امام است که زنده و احیاء کند سنت را.

و در دعاها که کلاس تعلیم و تعلم هستند در حق امام زمان علیه السلام آمده است:

اللهم صلی علی ولیک المحیی لسننک

بار الها! درود فرست بر ولایت که این صفت دارد زنده می کند سنتت را

و در زیارت آن حضرت نیز آمده است:

السلام علیک یا بن السهن المشهوره

یا بن المعالم الماثوره

«ای فرزند علامتها و نشانه هائی که در کتب و آثار گذشتگان آمده است».

معالم - جمع «معلم» اسم مکان است به معنای جایگاه و علامت و نشانه می باشد.

الماثوره - اسم مفعول از ثلاثی مجرد از ماده «اثر است» و به معنای حدیث

صحیحی که متوالیاً توسط راویان معتبر ذکر می شود شخص عابر و سالک راه

در مسیر خود برای اینکه مقصد را گم نکند و منحرف نشود از علائم و

نشانه هائی که صحیح و یقینی است استفاده می کند، که مثال روشن و واضح آن

در زمان ما علائم راهنمایی و رانندگی است که راننده خبیر با توجه به این

علائم خود را از انحراف و ایجاد سانحه رهائی بخشیده و بدون تأمل و اتلاف

وقت به مقصد می رسد. همچنین است راه رسیدن به قرب حقتعالی که انبیاء و

ائمة هدی علامات و نشانه هایی هستند که خدایتعالی از طریق مختلف و ماثور

آنها را معرفی نموده تا راهنمایی خلق به سوی خداوند باشند، لذا هر کس از

راهنمائیهای آنها استفاده کند بدون هیچ لغزشی و اتلاف وقت و عمر، به مقصد

۲۶۲..... تفسیر و شرح دعای ندبه

و عبودیت پروردگار می‌رسد. به این جهت در روایات یا آیات قرآن ائمه علیهم‌السلام را با واژه «عَلَم» یا «نجم» معرفی نموده‌اند چنانکه در تفسیر آیه شریفه:

علامات و بالنجم هم یعتدون

فرموده‌اند: ما ئیم علامات و نجم هم رسول خدا است.

و در زیارت جامعه نیز این «واژه» در معرفی ائمه علیهم‌السلام آمده است:

واعلام التقی - واعلاماً لعباده

و در زیارت حضرت ولی عصر علیه‌السلام نیز با همین مضمون که آن حضرت

فرزند امامانی است که هر یک علامت و نشانه حقتعالی بوده‌اند، می‌باشد:

السلام علیک یا بن المعالم المأثورة

یا بن المعجزات الموجودة

«ای فرزند کرامات و معجزات موجوده»

المعجزات - جمع «معجزه» به معنای عمل خارق العاده که دیگران از انجام آن

عاجز باشند و حقیقت داشته باشد.

امام زمان علیه‌السلام فرزند معجزات انبیاء و ائمه اطهار علیهم‌السلام می‌باشند، این گونه

جملات بر سبیل استعاره و کنایه است به این معنا که وجود انبیاء و ائمه هدی

علیهم‌السلام با آن خصائص منحصر به فردشان، خود معجزه‌ای شگفت‌انگیز از جانب

حقتعالی بوده‌اند و امام زمان علیه‌السلام که فرزند آنان است خود نیز معجزه بزرگ

الهی می باشند.

و یا اینکه جمله «یا بن المعجزات الموجودة» به معنای دیگری متصور باشد و آن اینکه انبیاء و ائمه علیهم السلام برای اثبات حقانیت خود دارای معجزاتی بوده‌اند مثل عصای حضرت موسی که تبدیل به اژدها شد و انگشتر سلیمان و امثال آن مثل قرآن، کتاب علی علیه السلام، مصحف فاطمه علیها السلام و غیره که هم اکنون موجود می باشد و نزد آن حضرت قرار دارد و صاحب آنها می باشند.

در روایتی آمده است:

اگر موسی عصا و ید بیضا داشت و معجزات گوناگون را انجام می داد، و حضرت عیسی مرده‌ها را زنده می نمود و بیماران غیر قابل علاج را شفا داده، و بروی آب حرکت نمود، و حضرت سلیمان بر عالم طبیعت حاکم گردید، و توانست باد را تسخیر فرماید، و با پرنده‌ها و مورچه‌ها سخن گفته و دهها کارهای خارق العاده دیگر را انجام دهد همه این معجزات و فضائل بعنوان میراث انبیاء به اهل بیت خاتم الانبیاء منتقل گردیده و آنان نیز می توانند نظایر این اعمال را انجام دهند.

لذا در زیارت ائمه آمده است:

السلام علی صاحب المعجزات (۱)

و همچنین حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام در فراز منبر خطبه بسیار مهم

ایراد فرمودند و خود را معرفی کردند که در ضمن آن فرمودند:

انا ابن صاحب المعجزات والدلائل (۱)

و در زیارت حضرت بقیة الله (ارواحنا فداء) نیز به این مطلب اشاره شده و آمده است:

السلام عليك يا بن الشواهد المشهودة و المعجزات الموجودة

یا بن الدلائل المشهودة

«ای فرزند راهنمایان معلوم و شناخته شده».

الدلائل - جمع «دلیل» به معنای راهنما می باشد.

ائمه اطهار عليهم السلام بوسیله اخلاق و رفتار و گفتار صدقشان دلیل و راهنمای خلق برای رسیدن به سعادت دنیا و آخرتند و همچنین آن بزرگواران انسانها را بمعرفت حقتعالی و صفات جلال و جمال حق، از طریق احکام و سنن و آدابی که موجب رستگاری دنیا و آخرتشان می باشد، دلالت و راهنمایی می کنند. لذا از آنها به «دلائل مشهود و آشکار» یاد شده به این معنا که هیچ شک و شبه ای در حقانیت آنان نیست لذا در زیارت جامعه آمده است:

الادلاء علی مرضات الله

یعنی: دلیلان و راهنمایان مردم بر راه رضای خدا

و حضرت ولی عصر علیه السلام که خود فرزند «دلایل المشهوده» می باشند خود نیز این مقام و منصب بزرگ الهی را دارا می باشند.
و در بعضی از زیارت‌های آن حضرت آمده است:
السلام عليك يا بن الايات و البينات و الدلائل الظاهرات

یا بن الصراط المستقیم

«ای فرزند صراط مستقیم و راه راست».

الصراط - به معنای راه، جاده، طریق و روش آمده است.

چنانکه قبلاً در شرح جمله صراط المستقیم ذکر شد صراط مستقیم کوتاهترین راهی است که بین دو نقطه متصور می شود و آن یکی بیش نیست. و هر بنده‌ای که بخواهد در جاده مستقیم در حالی که ایمن از انحراف است واقع شود باید به امر پروردگار از اهل بیت پیامبر اکرم اطاعت و پیروی نماید تا در صراط مستقیم واقع گردد، آن راهی که از انحراف و تأخیر در رسیدن به مقصد مصون و مبرا است. چنانکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از جانب حق تعالی می فرماید:

ان اعبدونی هذا صراط مستقیم (۱)

یعنی: مرا پرستید که راه راست این است.

۲۶۶..... تفسیر و شرح دعای ندبه

البته ائمه اطهار در اطاعت و بندگی حقتعالی چنان ملازم صراط مستقیم خدایتعالی و مقید به آن بودند که خود بصراط مستقیم معرفی شدند، چنانکه روایات بیشماری براین معنا گواه است ما از جهت اختصار به ذکر چند روایت اکتفا می کنیم.

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام می فرمایند:

بخدا قسم ما صراط مستقیم هستیم.

و در روایت دیگری از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود:

«صراط مستقیم» راه به سوی معرفت خداوند است و آن دو صراط است یکی صراط در دنیا و یکی در آخرت، اما صراط در دنیا امام واجب الاطاعة است کسیکه او را بشناسد و از راهنمایی او پیروی کند در آخرت از صراطی که پل دوزخ است عبور خواهد کرد، و کسیکه او را در دنیا نشناسد در آخرت پایش لغزش پیدا کرده و در آتش دوزخ هلاک خواهد شد. (۱)

در زیارت امام عصر (ارواحنا فداه) نیز به این مضمون دعای ندبه آمده است:

السلام عليك يا ابن الصراط المستقيم.

يا بن النبأ العظيم

«ای فرزند خیری بس بزرگ (امیرالمؤمنین علی علیه السلام)»

النباء - «نباء» به معنای خبر و پیام می باشد.

در این فقره از دعای ندبه حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) را به «نباء عظیم» نسبت می دهد و می فرماید: ای فرزند «خبر بزرگ» یعنی علی بن ابیطالب علیه السلام. که اشاره به این آیه شریفه دارد:

عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ عَنِ النَّبَاءِ الْعَظِيمِ

در تفسیر این آیه شریفه از ابو حمزه نقل شده که از امام محمد باقر علیه السلام

پرسیدم:

قربانتان شوم! شیعیان تفسیر آیه «عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ عَنِ النَّبَاءِ الْعَظِيمِ» را از شما سؤال می کنند.

حضرت فرمودند: اگر بخواهم جواب می دهم و اگر نخواهم نمی گویم، آنگاه تأملی نموده سپس فرمود: اما من تو را به تفسیر این آیه آگاه می کنم، این آیه مربوط و مخصوص به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام است.

و در خبر دیگر امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: خداوند متعال را آیه ای و خبری بزرگتر از من نمی باشد.

و در روایات از حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام نقل شده که فرمود:

انا والله النبأ العظيم (۱)

یعنی: قسم بخداوند من خبر بزرگ هستم.

۲۶۸..... تفسیر و شرح دعای ندبه

و در زیارت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نیز به این معنا تصریح شده:

السلام علیک ایها النباء العظیم

و در زیارت حضرت بقیه الله (ارواحنا فداه) نیز این مضمون دعای ندبه آمده و حضرتش را فرزند خیر بزرگ معرفی نموده است.

السلام علیک بن الصراط المستقیم و النباء العظیم

یا بن من هو فی ام الكتاب لدی الله علی حکیم

«ای فرزند کسی که در اصل کتاب (علم حق) نزد خداوند بلند مقام و حکیم است».

در اینجا نیز در مقام معرفی امام زمان علیه السلام از طریق جدّ امجدشان حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام شده است، چون تفسیرهای متعددی در مورد این آیه شریفه وارد شده است ما به نحو اختصار بعضی از آنها را ذکر می‌کنیم، در بعضی از تفاسیر «ام الكتاب» به وجود مقدس علی علیه السلام تفسیر شده است و همچنین در تفسیر دیگری ضمیر «انه» به حضرت علی علیه السلام تفسیر شده چنانچه که در آیه شریفه که می‌فرماید:

وانّه فی ام الكتاب لدینا لعلی حکیم (۱)

آمده است که ضمیر «انه» به حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام بر می‌گردد و آن

حضرت است که فضائل و مناقبش در «ام الكتاب» از جانب حق ثبت و ضبط شده است و سپس تصریح به نام مقدس حضرتش می‌کند و می‌فرماید: «لعلی حکیم» یعنی آن علی علیه السلام که این صفت دارد دارای حکمت است.

در روایت دیگر آمده است که حضرت رضا علیه السلام فرمودند:

آیه «وانه فی ام الكتاب لدینا لعلی حکیم» در شأن علی بن ابیطالب علیه السلام است. (۱)

و در زیارت هفتم آن حضرت اینگونه معرفی شده‌اند:

السلام علی من انزل الله فیه وانه فی ام الكتاب لدینا لعلی حکیم

«سلام بر آنکه خدا درباره‌اش نازل کرده: و البته اوست در ام الكتاب در نزد

ما علی علیه السلام حکیم و فرزانه».

یا بن الایات و البینات

«ای فرزند آیات و نشانه‌های روشن».

در این فقره از دعای ندبه نیز امام زمان علیه السلام را فرزند «ایات» و «بینات»

معرفی می‌کند چون ائمه هدی علیهم السلام هر یک ایات آشکار و روشن الهی بودند

چنانکه در قرآن آمده است:

بل هو ایات بینات فی صدور الذین اتوا العلم

در ذیل این آیه شریفه در تفسیر قمی آمده است که منظور از این آیه شریفه

۲۷۰..... تفسیر و شرح دعای ندبه

ائمه عليهم السلام هستند و در روایت دیگری آمده است:

البينات هم الائمة عليهم السلام (۱)

یعنی: منظور از «بینات» ائمه عليهم السلام می باشند.

و در بحار الانوار علامه مجلسی رحمته الله از ائمه عليهم السلام نقل کرده که فرمودند:

نحن الايات والبيانات (۲)

یعنی: ما (ائمه هدی) ایات و بینات هستیم

و در حدیث دیگری ائمه اینگونه خود را معرفی می کنند:

نحن البينات و نحن حدود الله (۳)

«ما بینات و حدود خداوند می باشیم».

و در زیارت حضرت ولی عصر عليه السلام به همین مضمون آمده است:

السلام عليك يا بن الايات والبيانات

یا بن الدلائل الظاهرات

«ای فرزند راهنمایان آشکار و روشن».

الدلائل - جمع «دلیل» به معنای رهنما و کسی که راه را نشان می دهد.

تمامی اولیاء خدا، از انبیاء عليهم السلام و اوصیاء عليهم السلام، همگی راهنمایان خلق به

سوی خدا و طریق بندگی خدایتعالی می باشند.

۲- جلد ۲۴ صفحه ۳۰۳.

۱- بحار جلد ۲۳ صفحه ۲۰۹.

۳- جلد ۳۹ صفحه ۸۸.

چون انبیاء و اوصیاء فرستادگان الهی برای ارشاد و هدایت بشر هستند، خدایتعالی پس از اینکه آنها را مجهز به علم و قدرت خویش نمود، «دلیل و رهنما»، برای نجات بشریت قرار داد چنانکه در روایتی آمده است: مؤید بالحکمة و الدلائل و البراهین «(معصوم) تأیید شده به حکمت و ادله و براهین آشکار و واضح است»^(۱)

لذا فقط این بزرگواران هستند که می‌توانند بشریت را راهنمایی کرده و هدایت به معارف نمایند و متخلق به اخلاق حسنه و اعمال پسندیده نمایند نه غیر، چنانکه در روایتی آمده است:

ان الناس لایهتدون الا بهدایتهم

یعنی: مردم هدایت نمی‌شوند مگر بهدایت ائمه هدی علیهم‌السلام

لذا در این فقره از دعای ندبه نیز می‌فرماید امام زمان علیه‌السلام فرزند «الدلائل الظاهرات» یعنی راهنمایان روشن و آشکار است.

و در زیارت آن حضرت نیز آمده است:

السلام علیک یا بن الدلائل الظاهرات

یا بن البراهین الواضحات الباهرات

«ای فرزند برهانهای واضح و آشکار»

البراهین - جمع «براهین» یعنی حجت، دلیل و استدلال

الباهرات - جمع «باهر» یعنی روشن، واضح و قاطع

بطور کلی در اصطلاح اهل منطق برهان بر دو نوع است: «برهانی انی» که به معنای استدلال از علت بمعلول است و «برهان لمی» که به معنای استدلال از معلول بعلت است.

ائمه هدی علیهم السلام بوسیله «برهان انی» که اقامه دلیل و برهان واضح و آشکار است بنحوی که جای هیچ گونه ابهام و جهل در آن نبوده، مردم را به سوی خدایتعالی دعوت می نمودند چنانکه در روایات راجع به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است:

بعثه بالایات والبراهین الواضحه (۱)

یعنی: خداوند پیامبر را مبعوث کرد با ایات و برهانهای آشکار و واضح. و از طرفی چون ائمه اطهار علیهم السلام خود بزرگترین آیه پروردگار می باشند و کاملترین خلق نیز هستند خود بزرگترین «برهان لمی» برای رسیدن به علت و خالق نیز می باشند که هر کس آنها را شناخت خدایتعالی را شناخته چنانکه در روایت آمده:

من عرفکم فقد عرف الله

لذا آن بزرگواران از راه اقامه دلیل و برهان در علم و عمل و سیله قرب بندگان به خدایتعالی و خالق جهان را فراهم می نمودند و خود نیز که کاملترین مخلوق الهی هستند بهترین برهان واضح و آشکار در این راه نیز می باشند و به

این جهت است که در این فقره از دعای ندبه امام زمان علیه السلام را فرزند برهان واضح و آشکار معرفی می‌کند.

در زیارت آن امام عزیز نیز آمده است:

السلام عليك يا بن البراهين الواضحات

یا بن الحجج البالغات

«ای فرزند حجتهای کامله و رسا».

الحجج - جمع «حجت» به معنای دلیل، برهان، و قصد آمده است.

البالغات - جمع «بالغة» به معنای رسا، آشکار و روشن است.

تمامی انبیاء و اوصیاء حجتهای الهی بر بشر هستند به این معنا که دین خدا را بر مردم ظاهر و آشکار نمودند و خدایتعالی نیز به وسیله آن بزرگواران بر بندگان خود که اعمال و اخلاق و رفتارشان راه نمای سعادت مردم در زندگی است، حجت را بر آنها تمام کرده است لذا آن بزرگواران حجة بالغة الهی می‌باشند چنانکه خدایتعالی فرموده:

فله الحجة البالغة (۱)

در تفسیر صافی ذیل این آیه شریفه از حضرت امام محمد باقر علیه السلام نقل

شده که فرموده‌اند:

نحن الحجة البالغة على من دون السماء و فوق الارض

۲۷۴..... تفسیر و شرح دعای ندبه

یعنی: ما هستیم حجت بالغه و رسا بر تمام مردم زیر آسمان و روی زمین.

در زیارت امیرالمؤمنین علی علیه السلام نیز آمده است:

السلام علی حجة الله البالغة

یعنی: سلام بر حجت رسای خدا.

و در زیارت حضرت ولی عصر علیه السلام به همین مضمون دعای ندبه می خوانیم:

السلام علیک یا بن الحجج البالغات

یا بن النعم السابغات

«ای فرزند نعمتهای عام و فراوان».

النعم - جمع «نعمت» که عبارت است از نفعی که ناشی از احسان نصیب

انسان می شود.

بطور کلی افاضه نیکیها و احسانها از جانب حق تعالی بوسیله انمه اطهار

علیهم السلام می باشد و آنها واسطه هر نعمت و فیضی بین خالق و مخلوق هستند و

بالاترین نعمتها نعمت سعادت دنیا و آخرت است که این سعادت در پرتو نور

هدایت و تعلیمات انبیاء و اوصیاء حاصل می شود لذا وجود مقدس آن

بزرگواران خود یکی از بزرگترین مراتب نعم الهی است که به بشر ارزانی داشته

شده لذا از آنان به «نعم» یاد شده یعنی خود نعمت هستند و در قرآن نیز آمده

است:

واسع علیکم نعمه ظاهرة و باطنة (۱)

یعنی: نعمتهای آشکار و پنهان خود را بطور فراوان بر شما ارزانی داشت.
 ذیل این آیه شریفه در کمال الدین نقل شده که حماد بن ابی زیاد گفت از
 آقای خودم حضرت موسی بن جعفر علیه السلام در مورد این آیه سؤال کردم؟
 فرمود: نعمت ظاهری امام ظاهر و نعمت باطنی امام غائب است که از
 دیدگان مردم پنهان می شود و گنجهای زمین برای او آشکار می گردد.
 و همچنین در بعضی از زیارت تصریح شده است که ائمه علیهم السلام «نعمت»
 هستند:

مولای انت - النعمة السابغة

یعنی: مولا و سرور من شما نعمت فراوان و کامل خدا هستید.

و در زیارت خود حضرت بقیه الله نیز وارد شده است:

السلام عليك يا بن الحجج البالغات والنعمة السابغات

یا بن طه و المحکمات، یا بن یس و الذاریات، یا بن الطور و العادیات

«ای فرزند طه و محکمات قرآن، ای فرزند یاسین و ذاریات، ای فرزند طور و
 عادیات».

در این بند از دعای ندبه نام سوره‌هایی از قرآن ذکر شده که در تفسیر و
 تأویل به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام و ائمه معصومین علیهم السلام، معنا شده
 است. «ای فرزند طه» که منظور از «طه» پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است چون «طه» اسم
 پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می باشد و معنای آن «ای طالب حق» است «والمحکمات» این
 کلمه نیز به ائمه معصومین تأویل شده چنانکه در تفسیر صافی در معنای «ایات

۲۷۶..... تفسیر و شرح دعای ندبه

محکمات» از سوره ال عمران، از حضرت امام جعفر صادق نقل نموده که فرمود:

ان المحکمات امیر المؤمنین علیه السلام و الائمه علیهم السلام

یعنی محکمات امیر مؤمنان علی علیه السلام و ائمه (از فرزندان علی علیه السلام) می باشند.

و در زیارت حضرت بقیه الله نیز همین الفاظ آمده است:

السلام علیک یا بن طه و المحکمات

یا بن یس و الذاریات - «یس» نیز یکی از اسماء پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می باشد

چنانکه امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: «یس» اسم رسول الله است و

«الذاریات» نیز که به معنای باد و نسیم است، از آن امیر المؤمنین علیه السلام مقصود و

منظور است. (۱)

تأویل سوره «الذاریات» به امیر المؤمنین علیه السلام به این جهت است که بعضی

از آیات این سوره مبارکه بر ولایت آن حضرت تفسیر شده مثل «انما توعدون

لصادق» که امام پنجم علیه السلام فرمود: یعنی امر علی علیه السلام راست و صادق است. و

«ان الدین لواقع» یعنی دین علی علیه السلام است و علی علیه السلام دین است. «انکم لفی

قول مختلف» یعنی در امر علی علیه السلام اختلاف کردید. «یؤفک عنه من افک»

یعنی هر کس از ولایت علی علیه السلام منحرف شود از بهشت منحرف شده است.

در زیارت امام زمان علیه السلام همین جملات آمده است:

السلام علیک یا بن - یاسین و الذاریات.

یا بن الطور و العادیات - «طور» و «العادیات» نیز اسم دو سوره مبارکه قرآن است که «طور» در ظاهر مصداق آن طور سینا است و در باطن به علی بن ابیطالب علیه السلام تفسیر شده است چنانکه خود آن حضرت فرموده است:

انا الطور - انا الكتاب المسطور

و در زیارت آن حضرت آمده است:

اشهد انک الطور و الكتاب المسطور (۱)

«والعادیات» که مفرد آن «عادیه» اسم فاعل به معنای دویدن با سرعت است و در آیه مبارکه «والعادیات ضبحا» منظور مرکب‌های مردانی است که آنها را به تاخت و شتاب در آورده‌اند و شأن نزول آن طبق تفاسیر امیرالمؤمنین علی علیه السلام است که در جنگ «ذات السلاسل» آن حضرت همراه اصحابشان دشمن را شکست داده و موجب خرسندی رسول خدا صلی الله علیه و آله گردید. لذا در زیارت آن حضرت نیز آمده است:

السلام علیک یا من نزلت فی فضله سورة العادیات

و در زیارت حضرت بقیة الله، حضرتش فرزند طور و العادیات خوانده شده است:

السلام علیک یا بن - الطور و العادیات

کامل آن جملات زیارت این است:

السلام علیک یا بن طه و المحکمات و یاسین و الذاریات و الطور و العادیات

۲۷۸..... تفسیر و شرح دعای ندبه

یا بن من دنی فتدلی فکان قاب قوسین او ادنی دنواً واقتراباً من العلی الاعلی

«ای فرزند کسی که نزدیک شد و نزدیکتر شد تا آنکه فاصله او (با حق) به اندازه فاصله دو کمان یا کمتر شد، این نزدیکی و مقام قرب با خداوند علی الاعلی صورت گرفت».

دنی - به معنای نزدیک شدن است.

تدلی - نزدیکتر شدن و تعلق و آویزان شدن می باشد.

قاب قوسین - به دو طرف کمان اطلاق می شود.

در این جملات از دعا، امام زمان علیه السلام را انتساب به آن بزرگواری معرفی می کند که بزرگترین و منحصرترین لطف الهی در حق او انجام شده که بالاتر از آن تصور نمی شود و به هیچ یک از انبیاء چنین لطفی نشده است و آن «سفر معراج» پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است. سفر معراج که در بخشهای اول این کتاب نیز در فقره «اوطاته مشارقک و مغاربک...» مطالبی عرض شد، یک سفر عادی نبوده که با معیارهای عادی سنجیده شود، نه اصل سفر عادی بوده و نه مرکبش و نه مشاهداتش، هیچ یک با مقیاسهای مکانی و زمانی قابل سنجش و درک نیست، یک معجزه بزرگ الهی که فقط برای بهترین و بزرگترین مخلوق خدایتعالی یعنی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله رخ داده است.

در سوره نجم که سرگذشت سفر معراج را بیان می کند آمده است.

ثم دنی فتدلی فکان قاب قوسین او ادنی

پس نزدیک شد و نزدیکتر چنانکه تا اندازه دو کمان یا کمتر فاصله نماند.

به عبارت دیگر پیامبر اکرم نزدیک و نزدیکتر شد، آنچنان که میان او و پروردگارش به اندازه دو قوس از یک کمان که در دل یکدیگر بروند فاصله‌ای بیش نماند و همین بود که آنچه وحی کردنی بود از علوم و حقائق و معارف، خدایتعالی به بنده‌اش وحی کرد و تعلیم نمود.

سپس می‌فرماید «دنواً و اقتراباً من العلی الاعلی» یعنی این نزدیکی و تقرب در مرتبه‌ای بس بالا در پیشگاه حضرت احدیت، خداوند بزرگ والا مرتبه صورت گرفت، که اشاره و تصریح به کاملترین قرب و نزدیکی معنوی به خدایتعالی است.

در مورد «سفر معراج» روایات بسیار زیادی وارد شده است که ذکر همه آنها مقدور نیست لذا به همینقدر در معنای این جمله از دعای ندبه کفایت شد.

در زیارت امام زمان علیه السلام نیز این جمله آمده و حضرتش را اینگونه سلام می‌دهد:
السلام علیک یا بن من دنی فتدلی فکان قاب قوسین او ادنی واقتراب من العلی الاعلی

لیت شعری این استقرت بک النوی

«ای کاش می‌دانستم کجا اقامت دارید».

شعری - از ماده «شعر» به معنای شعور و فهمیدن و آگاهی پیدا کردن است.

النوی - به معنای خانه، جایگاه و محل استقرار است.

در اینجا دعای ندبه داعی را به فکر فقدان و دوری از امام زمان علیه السلام

می‌اندازد که امام زمان علیه السلام کجاست؟!

۲۸۰..... تفسیر و شرح دعای ندبه

خود این سؤال انسان را متوجه غربت و غیبت آن امام مهربان می‌کند و این که چرا جامعه بشری استعداد آن را پیدا نکرده است تا روی به یک حکومت واحد جهانی بیاورد و خود را مهیای آن سازد و از آن همه نعمتها و برکات مادی و معنوی محروم نشود و تا کی آن بزرگوار انتظار پذیرش و آمادگی بشر را داشته باشند؟!

اینجاست که تأثر و غم بر دل دعا کننده می‌نشیند و در حالی که چشمانش از اشک فراق لبریز شده است عرض می‌کند ای کاش محل و اقامتگاه آن امام عزیز را می‌دانستم و از نعمت دیدارشان بهره‌مند می‌شدم.

در زیارت آن حضرت نیز عین همین جملات آمده و در فراقش می‌فرماید:
لیت شعری این استقرت بک النوی (۱)

بل ای ارض تقلک او ثری، ابرضوی او غیرها ام ذی طوی

«بلکه ای کاش می‌دانستم در کدام سرزمین یا در کدام قطعه خاک اقامت دارید آیا در کوه (رضوی) یا در محیط (ذی طوی) هستید».

داعی با دلی پر از مهر و محبت به امام خویش، و قلبی پر از درد و فراق در این جملات دعای ندبه اظهار می‌دارد که کجا هستی ای عزیز و ای مهربان! و ای کاش می‌دانستم در چه مکانی استقرار یافته‌اید که با سر به پیشگاهت می‌آمدم تا قلبم به رؤیت و دیدار شما آرام گیرد.

و ای کاش می دانستم شما در کدام سرزمین بسر می برید آیا در «رضوا» یا در سرزمین «ذی طوی» هستید.

«رضوی» به فتح مانند کسری، کوهی است از کوه‌های مدینه طیبه، مقدس و مبارک در نزدیکی ينبع، دارای دره‌ها و گردنه‌ها و آبها و درختهای زیادی است و آن اول کوههای تهامه است تا مدینه هفت منزل راه است و در مدح و فضل آن روایاتی وارد شده است و از بعضی از اخبار استفاده می‌شود که آن حضرت در غیبت صغری و کبری، این کوه نیز یکی از مقامات آن حضرت و از اماکنی است که گاهی آنجا تشریف می‌برند. (۱)

ذی طوی: بفتح طاء و ضم آن، موضعی است در داخل حرم، در یک فرسخی مکه که از آن خانه‌های مکه دیده می‌شود.

معجم البدان می‌نویسد: «ذی طوی» به ضم موضعی است نزدیک مکه و اخبار مکه المشرفة می‌نویسد: هر گاه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به مکه تشریف می‌آوردند در ذی طوی فرود می‌آمدند و شب را در آنجا توقف نموده نماز صبح را در آنجا می‌خواندند.

امام زین العابدین می‌فرمایند: مهدی از گردنه کوه «ذی طوی» با سیصد و سیزده مرد به عدد رزمندگان جنگ بدر، فرود می‌آید تا آنکه وارد مسجد الحرام می‌شود. (۲)

و در روایت دیگری آمده است:

۲۸۲..... تفسیر و شرح دعای ندبه

کجاست؟ امام قائم که از «ذی طوی» سرازیر شود بالشکری به تعداد افراد لشکر بدر که سیصد و سیزده نفر باشند و پشت به حجرالاسود دهد و رایت غلبه و پیروزی را برافرازد.

خلاصه اینکه مضمون این جملات دعای ندبه این است که ای سرور و مولایم! نمی دانم کجائی در «رضوا» یا «ذی طوی» سکونت دارید. و اینگونه این جملات عاطفه و محبت را تحریک می کند و اشک محبت و عشق به امام را سرازیر می سازد و از بی خبری از حال و جا و مکان و فراق حضرتش ناله می نماید و اظهار نگرانی می کند.

در زیارت آن حضرت نیز همین جملات آمده است:

لیت شعری این استقرت بک النوی، ام انت بوادی طوی

لازم بتذکر است که طایفه کیسانیه که فرقه چهار امامی هستند و پس از امام حسین علیه السلام به امامت محمد حنفیه برادر پدری آن بزرگوار معتقدند، می گویند محمد حنفیه هم اکنون زنده است و در کوه رضوی بسر می برد و از نعمت آنجا استفاده می کند و اوست «موعود منتظر». ولی اکنون از این فرقه نشانی وجود ندارد.

عزیز علیّ ان اری الخلق و لاتری و لاسمع لک حسیساً و لانجوی

«گران و سخت است بر من که خلق را ببینم و شما را نبینم و (چقدر ناگوار و

سخت است) بر من که نشنوم از شما نه صدائی و نه نجوائی».

حسیساً- به معنای صدای محسوس و آرام و ملایم است.

نجوی- به معنای راز و صدای آهسته و پنهان می باشد.

حقیقتاً بر انسان منتظر بسیار سخت است که یک عمر در انتظار امام و محبوب خود بسر برد و عاقبت آن حضرت را زیارت نکند و نبیند ولی همه را ببیند، و با همه معاشرت داشته باشد ولی امام خویش را که یک عمر در انتظار ظهورش بسر برده و خود را آماده پذیرائی از حضرتش نموده نبیند.

البته این نکته را باید در اینجا متذکر شوم و آن این است که امام زمان علیه السلام میان مردم می آیند ولی حضرتش را نمی شناسند و یا اینکه به جهت عدم لیاقت مردم در مکانهایی دور دست زندگی می کنند. چنانکه در روایت آمده است:
او (مهدی) مانند یوسف است با برادرانش که یوسف آنها را می دید و می شناخت ولی آنها او را می دیدند ولی نمی شناختند تا موقعی که خود را معرفی کرد. (۱)

و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام می فرماید:

صاحب این امر میان مردم رفت و آمد می کند و بر فرش آنان قدم می گذارند ولی او را نمی شناسند تا وقتی که خداوند باو اجازه دهد که خود را معرفی کند همچنانکه به یوسف اجازه داد و برادران یوسف باو گفتند: تو یوسفی؟ گفت: آری من یوسفم (۲).

و در روایت دیگری می فرمایند:

(مهدی) در موسم حج برای انجام مناسک حج حاضر می‌شود و مردم را می‌بیند ولی مردم او را نمی‌بینند، مُتتَظِرٌ با این جملات نگرانی خود را از نرسیدن به حضور و ملاقات و دیدار امام خویش ابراز می‌دارد و اظهار تأسف و نگرانی می‌نماید. چنانکه در زیارت آن حضرت نیز آمده است:

عزیز علیّ ان تُری الخلق و لا تُری، و لا یسمع لک حسیس و لا نجوی عزیز علی ان
یُری الخلق و لا تُری.

و خلاصه اینکه داعی با این جملات عرض می‌کند بر من خیلی سخت است که همه خلق را ببینم ولی شما را نبینم و تا حتی از شما هیچ صدائی بگوش نرسد و از هر که سراغ شما را می‌گیرم او هم مانند من بی اطلاع است، چه کنم و این درد را به که بگویم و این فراق را کجا برم!؟

عزیز علیّ ان تحیط بک دونی البلوی و لاینالک منی ضجیع و لاشکوی

«سخت است بر من که تنها، گرفتاری و غربت شما را فرا گیرد و من از آن بر کنار باشم. و ناله و شکایت من (برای شما سودی نداشته) و به شما نرسد.»
در این جملات نیز دعا کننده از شدت هجران و دوری امام زمان (ارواحنا فداه) شکایت کرده و اظهار تأسف و ناراحتی می‌کند. لذا عرض می‌کند که خیلی گران و سخت است که از شدت بی توجهی مردم، امام زمان روحی له الفداه در پس پرده غیبت مثل انسانی که گرفتار شده است دچار بلای نادانی و

نفهمی بشر گردد و مثل انسانی غریب و تنها زندگی کند.

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام می فرمایند پنج گروه هستند که خواب راحتی ندارند (یکی از آنها) دوستی که از محبوب جدا می شود، چنین شخصی وقتی مبتلا بمفارقت شود سخت متأثر و پریشان و حزنش بی اندازه است و خواب راحتی ندارد.

و لاینالک منی ضجیح و لاشکوی

با این جملات داعی اظهار می دارد که چقدر سخت و ناگوار است بر من که تنهایی و غربت شما را بینم و ناله و ضجه من برای شما سودی نداشته باشد. «لاینالک» به این معنا است که داعی می خواهد از طریق ناله و ضجه مردم را متوجه درد خویش که مظلومیت و غربت آن حضرت است، بگرداند ولی موفق نمی شود، لذا عرض می کند از کثرت غفلت مردم ناله و شکایتم برای شما فایده ای ندارد و به شما نمی رسد چون تمامی مردم امام خویش را فراموش کرده و بعضاً بصورت دشمن درآمده اند لذا ضجه و شکایتم و ناله هایم دیگر سودی ندارد، در زیارت آن حضرت نیز آمده است:

عزیز علیّ ان تحیط بک الاعداء

بنفسی انت من مغیب لم یخل منّا، بنفسی انت من نازح مانزح عنّا

«جانم فدای شما باد ای ناپیدا و غایبی که از ما جدانیستی، جانم بفدای شما

که بظاهر دوری ولی از ما جدا نیستی و در کنار ما هستی».

نازح - به معنی مهاجر، هجرت کننده و دوری کرده است
 پس از اینکه داعی از شدت سختیها و فراق شکایت نمود و اشک ریخت،
 در اینجا با اظهار محبت جان خود را فدا و نثار امام خود می نماید و عرض
 می کند جانم بفدای شما ای آقائی که شما را نمی بینم ولی از ما جدا نیستی در
 واقع این عبارات از دعای ندبه این حقیقت را به ما می آموزد که امام زمان علیه السلام
 گرچه در پس پرده غیبت بوده ولی هرگاه اراده کنند هر کجا بخواهند می توانند
 حضور یابند و این امر از نظر مقام ولایتی آن حضرت است که بر همه عالم
 ناظر بوده و احاطه دارند تا حتی در بازار و مجالس ما تردد می کنند و حضور بهم
 می رسانند ولی این ما هستیم که لیاقت شناخت و درک حضور مبارکشان را
 نداریم. چنانکه حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

القائم من ولد علي له غيبة كغيبة يوسف (۱)

یعنی: قائم از فرزندان علی علیه السلام است و برای آن وجود مبارک غیبتی است
 همانند غیبت حضرت یوسف، که او را می دیدند ولی نمی شناختند.
 در زیارت آن حضرت نیز آمده است:

بنفسی انت من مغیب ماغاب عنا بنفسی انت من نازح مانزح عتّا

بنفسی انت امنیة شائق یتمنی من مؤمن و مؤمنة ذکرا فحنًا

«جانم بفدای شما ای آقای که آرزوی مشتاقانی از زن و مرد مؤمن هستی که پیوسته تمنای دیدارتان را دارند و همیشه شما را یاد کنند».

امنیة - به معنای نهایت امید و آرزوی می باشد.

شائق - از ماده «شوق» به معنای آرزو، رغبت، و میل است و «شائق» یعنی

آرزومند بودن و میل و رغبت داشتن

حنًا - از ماده «حنّ» به معنای علاقه، میل، محبت و تمنا و شوق است.

شوق دیدن مردان خدا و اولیاء الهی، آرزوی هر زن و مرد مؤمن است که در این عبارت از دعای ندبه به آن اشاره می کند و می فرماید مؤمنین شوق دیدار امام خویش را شب و روز دارند. البته یک پیوند ناگسستنی است بین ایمان و شوق دیدار، به عبارت دیگر هر گاه ایمان در قلب بوجود آمد آرزو و شوق دیدار امام علیه السلام بوجود می آید و این شوق و دیدار است که فایده معنوی دارد. یعنی هرگاه ایمان و معرفت حاصل شد شوق ملاقات و دیدار امام اثر دارد و باعث ازدیاد ایمان می گردد. چنانکه در روایتی آمده است:

النظر الی وجه علی بن ابیطالب یزید فی الایمان.

«نظر به صورت علی بن ابیطالب علیه السلام باعث ازدیاد ایمان می شود».

پس کسی شوق دیدار و ملاقات را دارد که مؤمن و با معرفت باشد و دائماً

از خدایتعالی آن را طلب کند چنانکه طلب دیدار آن حضرت در دعاها نیز آمده

و تعلیم داده شده است:

اللهم ارني الطعة الرشيدة و الغرة الحميدة و اكحل ناظري بنظرة مني اليه
«خدایا! بمن نشان ده آن جمال و طلعت رشیده را، و آن چهره نورانی
ستوده را، و سر مه کش چشمانم را به نگاه کردن من بسوی او».

بنفسی انت من عقید عز لایسامی، بنفسی انت من ائیل مجد لایحازی - لایجاری،

بنفسی انت من تلاد نعم لاتضاها، بنفسی انت من نصیف شرف لایساوی

«جانم بقدای شما باد، ای صاحب عزمت و مقامی که کسی همطراز و برتر و
بالا تر از شما نیست». «جانم بقدای شما باد، ای صاحب مجد شرافت که هیچ
کسی در عظمت و مجد با شما هم ردیف و موازی نیست».

«جانم بقدای شما باد، ای نعمت اصیل و پاینده که شبیه و مانند در عالم
برای شما نیست». «جانم بقدای شما باد، ای قرین شرف و مقام بزرگ که با
احدی تساوی و برابری نداری و مثل و مانند برای شما نیست».

یکی از مناقب و خصوصیات امام زمان علیه السلام و آباء معصومشان این است که
هیچ مخلوقی با آنها مقایسه نمی شود چون دارای مقام و قدرت و شوکت و
صولت بی نظیری هستند که همه مخلوقات تحت شوکت و فرمانشان قرار
دارند چنانکه حضرت امام رضا علیه السلام در تعریف امام می فرمایند:

الامام وحید دهره لاید انیه احد

یعنی: امام وحید و بی همتای زمانش است و هیچکس با او مقایسه و هم

سطح نمی شود

انس ابن مالک نقل کرده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

نحن اهل بیت لایقاس بنا احد (۱)

یعنی: ما خاندانی هستیم که هیچکس با ما قیاس نمی شود.

و حضرت علی علیه السلام در اینکه هیچکس با اهل بیت علیهم السلام برابری نمی کند

می فرماید:

لا یقاس بآل محمد صلی الله علیه و آله من هذه الامة احد و لایسوی بهم من جرت

نعمتهم علیه ابدا

یعنی: با خاندان محمد صلی الله علیه و آله احدی از این امت قیاس

نمی شود و کسی که نعمت آنان بر او ریزان است هرگز با آنان برابری

نمی نماید. (۲)

و در روایت دیگری آمده است:

الامام لایتقدم علیه و لایساوی (۳)

یعنی: امام علیه السلام کسی است که نباید بر او مقدم شد و مساوی قرار نمی گیرد.

با توجه به روایاتی که ذکر شد بزرگترین فضیلت و منقبت امام زمان و ائمه

هدی علیهم السلام واضح و روشن می شود که هیچ موجودی با آنان مقایسه نمی شود

لذا در این عبارت از دعای ندبه به همین امر با کلماتی مختلف و مترادف

۲- نهج البلاغه - خطبة ۲.

۱- ینابیع المودة صفحه ۱۷۸.

۳- بحار جلد ۵۳ صفحه ۱۶۵.

۲۹۰..... تفسیر و شرح دعای ندبه

تصریح می‌کند و می‌فرماید: امام زمان علیه السلام در عزت و مقام مجد و بزرگواری، نعمت و بخشش، شرف و بزرگواری با هیچ کس «لایسامی» یعنی «همطراز» نمی‌شود، «لایحازی یا لایجاری» یعنی «هم ردیف و موازی» ندارد، «لاتضاهی» یعنی «شبیه و مانند» ندارد. «لایساوی» یعنی «برابر و مساوی» ندارد. و با این کلمات مترادف اعتقاد خود را نسبت به آن حضرت بیان کرده و مراتب جانثاری و فدائی خود به عزیزترین فرد عالم که بی همتا و بی نظیر است اظهار می‌نمائیم.

بسیار قابل توجه است که این دعای شریف در ضمن ایجاد ارتباط روحی و معنوی، در مقام معرفی آخرین حجت و سفیر الهی نیز هست لذا با این جملات مترادف بعضی از خصائص و صفات ظاهری و معنوی آن امام عزیز بیان می‌شود و به چهار مرتبه از مقامات و خصائص منحصر بفرد آن حضرت اشاره شده که عبارتند از:

«بنفسی انت من عقید عز» جانم بفدای صاحب عزت و جلالی که از خلقت حضرت آدم علیه السلام تا خلقت حضرت خاتم صلی الله علیه و آله هیچ مخلوقی به مقام عزت و ارجمندی و تقرب خدایتعالی، جز امام زمان علیه السلام و پدران معصومشان نرسیده است لذا می‌فرماید لایسامی

«بنفس انت من ائیل مجد» جانم بفدای صاحب مجد و عظمت، (چه در علم و حکمت یا قدرت و شوکت و تمام صفات حمیده اللهیة) که مثل و هم ردیف برای او متصور نیست چنانکه می‌فرماید: «لایجاری»

«بنفس انت من تلاد» جانم بفدای نعمتی که هیچ یک از مراتب نعمتهای بزرگ الهی با آن مقایسه نمی شود. پرواضح است که وجود مقدس امام زمان علیه السلام بزرگترین نعمت خداوند است که بخششها و نعمتهای دیگر الهی بواسطه این نعمت بزرگ است به عبارت دیگر امام علیه السلام خود نعمت الهی و صاحب نعمتهای الهی هستند لذا هیچ نعمتی را نمی توان با آن وجود مقدس مقایسه نمود لذا می فرماید «لاتضاهنی»

«بنفسی انت من نصیف شرف» جانم بفدای مقام شرافت و بزرگواری امام زمان علیه السلام هم از جهت نسب که پدرانی بزرگوار و معصوم داشته و هم از جهت مقام قرب و معنوی الهی که با هیچ یک از افراد بشر تا حتی انبیاء الهی و اوصیاء آنان قابل قیاس نمی باشند و بر همه برتری دارند لذا می فرماید: لایساوی

الی متی اچار - اچار فیک یا مولای والی متی وای خطاب اصف فیک وای نجوی

«تابه کی (در انتظارت) حیران و سرگردان باشم ای مولای من، و تا کی و با کدام خطاب و گفتار تو را بستایم و توصیف کنم و چگونه راز دل گویم».

اچار - متکلم وحده از «اچار یچار» به معنای تحیر و سرگردانی است.

اچار - در بعضی از نسخ «اچار» آمده که به معنای تضرع و زاری می باشد

بعد از اینکه داعی مراتب جانثاری خود را در پیشگاه آن حضرت اظهار داشت و با کلمه «بنفسی» یعنی «فدایتان شوم و بقربانتان روم» اظهار فداکاری نمود در این قسمت از دعا با سوز و گداز دیگری اظهار می دارد که تا کی باید از

۲۹۲..... تفسیر و شرح دعای ندبه

شما دور باشم و چگونه درد و رنج غیبت و فراقتان را تحمل کنم.
چون انسانی که جرعه‌ای از شربت محبت و معرفت امام خویش را چشیده
باشد چنان از مفارقت و دوری حضرتش مغموم و محزون می‌گردد که آرامش
و قرار را از دست می‌دهد تا جایی که خواب از چشمش ربوده می‌شود و خود
را در تحیر و سرگردانی بزرگ می‌بیند.
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام جدّ امجد امام زمان در فراق آن یگانه دهر،
راز و نیاز کرده و می‌فرماید:

سیدی غیبتک نفت رقادی و ضیقت علیّ مهدی.... (۱)

یعنی: ای سید و سرور من غیبت تو خواب را از دیدگانم ربوده، عرصه را بر
من تنگ نموده آرامش دلم را از من سلب کرده است.
در روایت دیگری آمده است:

ان شیعتنا یقعون فی فتنه و حیره فی غیبة (۲)

یعنی: شیعیان ما در زمان غیبت در فتنه و سرگردانی بزرگی واقع می‌شوند.
در این جملات دعای ندبه پس از اینکه شکایت از حیرانی و سرگردانی
خود در زمان غیبت را بیان می‌دارد با کلمه «مولای» که به معنای صاحب اختیار
است عرض می‌کند: ای صاحب اختیار ما تاکی و با چه جملاتی و کلماتی شما
را بستائیم و با چه زبانی با شما راز دل گوئیم.

عزیز علیّ ان اجاب دونک و اناغی

«بسیار سخت و ناگوار است بر من که پاسخ سخنانم را از غیر شما بشنوم و بگفتگو بنشینم».

عزیز - به معنای گران و سخت، غیر قابل تحمل

اناغی - از ماده «انغاء» به معنی سخن با مفهوم گفتن است و «اناغی» یعنی گفتگو کنم و صحبت نمایم.

این جملات اظهار تأسف است از شخص منتظر که با همه مردم صحبت کند و جواب گیرد، به عبارت دیگر تمامی مردم را دیده و با آنها تکلم می‌کنیم و جواب می‌شنویم اما با امام خود اینگونه نباشیم!

چقدر سخت است که حضرتش میان ما باشند و نتوانیم مستقیماً خواستها و نیازهایمان را به حضرتش عرضه بداریم و از دلب مبارکشان جواب بگیریم! گرچه ارتباط روحی و معنوی در هر حال (چه زمان غیبت یا زمان حضور) امکان دارد اما زهی سعادت که خود را در محضر مبارک جسم و روح آن وجود مقدس ببینیم و مستقیماً خواستها و نیازها و مشکلات علمی و مادی خود را مطرح کنیم و جواب بگیریم.

عزیز علیّ ان ابیک و یخذلک الوری

«سخت و دشوار است بر من که بر شما بگیریم و خلق از شما دست کشیده و شما را واگذارند و بیاد شما نباشند».

۲۹۴..... تفسیر و شرح دعای ندبه

در این عبارات نیز داعی با حالت آه و گریه عرض می‌کند که بر من سخت است که در فراقتان نالان و گریان باشم ولی مردم شمارا رها کرده و اصلاً به فکر شما نیستند و بر عکس با فراموشی نسبت به شما و با کردار و گفتارشان زمینه طولانی شدن غیبت را فراهم می‌سازند.

بس جای گریه و ندبه است که مسلمانان در کمال ضعف قرار گیرند و حامی دلسوز خود را فراموش نمایند و از همه طرف رنجها و مشقتها به سوی آنها سرازیر شود ولی باز به یاد امام و منجی خود نیفتند و به هیچ عنوان قدمی در راه زمینه سازی ظهور حضرتش بر ندارند.

اینجاست که شخص منتظر خود را واله و حیران و سرگردان می‌بیند و از غفلت مردم تأسف می‌خورد و در فراق آن غریب ناله سر می‌دهد و اشک می‌ریزد. حضرت امام رضا علیه السلام در روایتی پس از اینکه وقایعی از زمان غیبت را بیان می‌کنند می‌فرمایند:

فیبکی اهل السماء و الارض و کل حرّی و کل حزین لهفان

یعنی (از درد هجران و فراق) همه اهل آسمان و زمین، همه عاشقان و شیفتگان و همه دردمندان و دل سوختگان برای او گریه می‌کنند.

عزیز علیّ ان یجری علیک دونهم ماجری

«بر من سخت و دشوار است که بر شما سختیها و ماجراها وارد شود و بر

دیگران وارد نیاید».

هر گاه تاریخ اسلام را مورد مطالعه قرار دهیم در می یابیم که چقدر بر اهل بیت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله سختیها و دشواریها و مصائب وارد شده است، چقدر از فرزندان ائمه اطهار را به فجیعترین شکل از بین بردند، و چه بسیاری از شیعیان و دوستان اهل بیت عصمت و طهارت دچار جباران خون آشام شدند و از بین رفتند، سال به سال این ظلمها و بی عدالتیها تکرار شده تا نوبت به آخرین سفیر الهی از فرزندان معصوم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رسید و حضرتش هزار و اندی سال به جهت خوف از قتل و کشتن، امر به غیبت گردید و مظلوم واقع شد. چنانکه حضرت امام موسی بن جعفر علیه السلام در رسیدن سختیها و دشواریها بر آن حضرت می فرمایند:

هو الطريد الوحيد الغريب الغائب عن اهله الموتور بابيه

یعنی: امام غریب، تنها، دور از وطن، و غائب از دیدگان نزدیکانش است که خون پدرش را خواهد گرفت.

«موتور» به کسی گفته می شود که خونی از او ریخته شده ولی هنوز انتقام آن را نگرفته است. این جمله از دعای ندبه به همه مظلومیتها و دشواریها و سختیها ائمه علیهم السلام اشاره دارد و می فرماید: سخت است بر من که این همه ناگواری و سختی به شما برسد و بر دیگران وارد نیاید.

هل من معین فاطیل معه العویل و البکاء، هل من جزوع فاساعد جزعه اذا خلا

هل قذیت عین فساعدتها عینی علی القذی

«آیا کسی هست که مرا یاری کند و با من همناله شود تا با او ناله فراق را طولانی کنم، آیا جزع کننده و ناله کننده‌ای هست که در غربت و تنهایی با او در ناله و زاری همصدا شده و از این طریق یاریش کنم، آیا چشم گریان مثل خاشاک رفته‌ای هست بگرید تا چشم من هم با او مساعدت کند و زارزار بگرید».

العویل - از ماده «عول» به معنای بلند کردن صدا و گریه است.

جزوع - از ماده «جزع» به معنای بیتابی، ناله، زاری، اظهار حزن و اندوه

القذی - یعنی چشمی که در آن خاشاک افتاده و بی اختیار سیل اشک از آن

جاری می‌شود.

این جملات با کلمه «هل» که معنای استفهام دارد شروع می‌شود که خود دارای پیام و رمزی است و آن این است که دیگران را بفکر و حرکت اندازد تا آنان را نیز با خود همراه کند و آنان نیز در فقدان امام خویش اشک ریخته و ندبه کنند. شاید سؤال کنید گریه و اشک ریختن در فقدان امام زمان علیه السلام چه فایده و تأثیری دارد؟!

برای جواب مطلب را بسط می‌دهیم و عرض می‌کنم بطور کلی گریه در فقدان محبوب نشانه حزن و تنفر و انزجار از عوامل ایجاد کننده چنین فراقی است و در اینجا در حقیقت بیزاری و دوری جستن از ظالمینی را اعلام می‌دارد که باعث ایجاد غیبت یا طولانی شدن غیبت شدند. لذا می‌توان گفت گریه خود

یک نوع وسیله تبلیغی است که با تحریک عواطف برای جلب توجه مردم و غافلین بکار می‌رود. چون همانطور که در جملات قبل «فلیبیک الباکون» شرح دادم، گریه زبان گویای انسانی است که مصیبت و محرومیت کشیده و حقش ضایع گردیده است، زبانی که هیچ قدرتی نمی‌تواند آن را ساکت کند.

در زمانی که جباران و ستمگران بر مسندها نشسته و غفلت و خاموشی مردم به حدی رسیده که نمی‌توان امر به معروف و انتقاد لفظی نمود، در این برهه تنها سلاح گرم گریه است که در آن مقطع زمانی به کار می‌آید و از این طریق می‌توان عاطفه‌های مردم غفلت زده را جلب نموده و آنان را متوجه حقیقت کرده و از خواب گران غفلت بیدار نمود.

لذا بُعد سیاسی گریه این است که از نظر اجتماعی و عمومی فواید بزرگی در بردارد و از ابزار مهم تبلیغی بشمار می‌رود چنانکه امام زین العابدین علیه السلام بیست سال برای واقعه کربلا گریست تا جائی که از «بکائین» عالم شد، توانست از این طریق بسیاری از مسلمانان را متوجه عظمت واقعه جانسوز کربلا کند که در نتیجه آن به بر ملا کردن ظلم و تعدی یزید و یزیدیان انجامید و از کفر و هرزگی امویان پرده برداشت و آنها را رسوا نموده و مردم را متوجه مظلومیت امام حسین علیه السلام کرد.

یکی دیگر از اثرات و ابعاد گریه این است که انسان را در راستای آرمان محبوبی که از دست رفته قرار می‌دهد چون چنین گریه‌ای نشأت گرفته از محبت و معرفت آن محبوبی است که فقدانش انسان را تحت تأثیر قرار داده

۲۹۸..... تفسیر و شرح دعای ندبه

است لذا در روایات گریه بر مظلومیت و فقدان اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام مدح شده و بر آن تحریر شده است. چنانکه در روایتی وارد شده است:

كل الجزع والبكاء مكروه سوى الجزع والبكاء على الحسين عليه السلام

یعنی: هرگونه بیتابی و گریه مکروه است مگر بیتابی و گریه نمودن بر امام حسین علیه السلام.
و یا اینکه امیرالمؤمنین علیه السلام کنار قبر پیامبر صلی الله علیه و آله اکرم اشک ریخته و می فرمودند:

ان الجزع لقبیح الاعلیک

یعنی: بدرستی که بیتابی و گریه و زاری خوب نیست و قبیح است مگر بر فقدان شما ای رسول الله صلی الله علیه و آله.

این نوع گریه ممدوح است چون از این طریق آرمان و صفات محبوب در روح زنده شده و به سوی آن کشیده می شود و در این فراز از دعای ندبه نیز این چنین است که با توجه به مقام والای امام زمان و معرفت به حضرتش ایمان در قلب زنده می شود لذا آنچنان غوغائی در روح ایجاد می کند که نشانه بیزونی آن اشک و گریه است و چنانکه گریه و جزع نمودن بر فقدان رسول خدا صلی الله علیه و آله یا امام حسین علیه السلام ممدوح است بر فقدان آخرین فرزند و جانشینشان نیز ممدوح است و از این طریق می توان مردم را متوجه آن امام عزیز گرداند و زمینه فرج و ظهور را نیز فراهم نمود چنانکه حضرت امام جعفر صادق علیه السلام در روایتی فرمودند:

چون عذاب بنی اسرائیل بطول انجامید چهل روز ضجه و گریه کردند و بسوی خداوند زاری نمودند، خداوند به موسی و هارون وحی فرمود که صد و هفتاد سال از عذاب ایشان کم شد و ایشان را از فرعون خلاص کنید.

سپس امام صادق علیه السلام فرمود: اگر شما هم بسوی خدا ناله و گریه کنید خداوند فرج ما را نزدیک می گرداند و اما اگر اینکار را نکنید خداوند امر را به انتهای خودش می رساند.

خلاصه اینکه گریه بر فقدان امام زمان علیه السلام در روایات مدح شده و فرموده اند:
ولتد معنّ علیه عیون المؤمنین

یعنی: از دیدگان مؤمنین سیل اشک (در هجران و فراق آن حضرت) سرازیر می شود.
و در روایت دیگری آمده است:

و یبکی علیه - کل حزی و حرّان و کل حزین لهفان

یعنی: (از درد هجران و فراق حضرتش) همه دردمندان و دل سوختگان گریه می کنند.

و این فراز از دعای ندبه به همین امر اشاره می کند و می فرماید:

- آیا کسی هست که مرا یاری کند و با من هم ناله شود تا بسیار ادامه دهم ناله و گریه جانگداز خود را؟!!

- آیا ناله کننده و جزع کننده ای است که من در بیتیابی با او در ناله و زاری

همصدا شده و در این راه در خلوت و پنهان با او مساعدت نمایم؟!!

- آیا چشم گریانی است همانند چشمی که در آن خاشاک رفته و سیل اشک

۳۰۰..... تفسیر و شرح دعای ندبه

از آن جاری شده، تا چشم من هم در (در فراق و هجران امام زمان علیه السلام) ناراحتی) و همدردی با او گریان و اشک ریزان شود؟!!

هل اليك يا بن احمد سيل فتلقى، هل يتصل يومنا منك بعدة - بغدة - فنحظني،

«آیا بسوی شما ای فرزند پیامبر راهی هست که دیدار و ملاقاتتان حاصل شود، آیا امروز ما به وعده وصل پایان می‌یابد - آیا روز ما به فردائی می‌رسد که به دیدارتان نائل آئیم - تا کامیاب و بهره‌مند شویم».

فتلقى - از ماده «التقاء» به معنی برخورد و ملاقات دو چیز است.

عدة - مصدر نوعی از «وعد» می‌باشد.

غدة - در بعضی از نسخ «غدة» آمده که به معنای فردا است اعم از اینکه فردای نوعی باشد یا مطلق فردا.

فنحظني - از ماده «حظ» که به معنای نصیب و بهره و در اصطلاح فارسی به معنی لذت است.

دیدار و ملاقات حضرت بقیة الله علیه السلام یکی از آرزوها و آمال منتظرین آن حضرت است و بطور کلی ملاقات و دیدن آن حضرت از مسائل قطعی و مسلم در میان شیعیان است و در طول قرون و اعصار گذشته تا زمان ما به دفعات بعضی از خواص و عوام خدمت باهرالنور آن حضرت رسیده‌اند و به فیض ملاقات آن جناب نائل شده‌اند و اگر اشکال شود که در توفیق جناب علی بن محمد سمري رحمته الله آمده است «من يدعى المشاهدة قبل خروج السفیانی و

قسمت دوم..... ۳۰۱

الصيحة فهو كاذب مفتر» یعنی هر که ادعای مشاهده مرا قبل از خروج سفیانی و صیحه آسمانی ادعا کند، دروغگوی و تهمت پیشه است.

در جواب عرض می‌کنیم: با توجه به مقام و موقعیت جناب علی بن محمد سمري که آخرین نائب خاص امام زمان علیه السلام بوده دلالت این توقیع کاملاً روشن و واضح می‌شود که در مورد خاتمه نیابت و سفارت است و از آن پس دیگر نایب خاصی در میان امت نخواهد بود و این مطلب بر اهل انصاف و عقل بسیار صریح و روشن است که این توقیع با صراحت کامل بر بطلان مدعیان مهدویت و بابیت تا روز خروج سفیانی و صیحه آسمانی دلالت دارد، چون امکان داشت پس از غیبت صغری افرادی یافت شوند که دروغگو و شیاد و حقه باز بوده و ادعای نیابت خاصه را کنند و بگویند ما آن حضرت را مشاهده می‌کنیم و با آن حضرت دائماً در ارتباط هستیم. کما اینکه افرادی نیز این ادعا را کردند که شیعیان به کمک این توقیع و روایت از آنها پیروی نکرده بلکه آنها را رسوا نیز نمودند. لذا این توقیع در ردّ این گروه از افراد است نه اینکه مطلق ملاقاتها و تشرفات را ردّ کند کما اینکه بعضی نادانسته یا مغرضانه این استنباط غلط را کرده و اصرار بر نفی جمیع ملاقاتها دارند. در حالی که بزرگان علماء مثل سید مرتضی علم الهدی، شیخ طوسی، سید بن طاووس، سید بحر العلوم، علامه مجلسی و محدث نوری و غیره معتقد به امکان رؤیت و تشرّف بوده و خود ناقل این تشرفات در کتابهای خود هستند.

و دلیل دیگر بر امکان ملاقات و رؤیت آن امام عزیز، روایات و ادعیه‌ای

۳۰۲..... تفسیر و شرح دعای ندبه

است که وارد شده و از خداوند این فیض طلب شده است مثل زیارت آن جناب که در آن آمده است:

اللهم صل علی محمد و اهل بیه و ارناسیدنا و صاحبنا و امامنا

و در دعای غیبت که علامه مجلسی رحمته الله نقل نموده آمده است:

اللهم انی اسألك أن ترینی ولیّ امرک ظاهراً^(۱)

و در دعا عهد آمده است:

اللهم ارنی الطلعة الرشیده و العرة الحمیده

و در ضمن زیارت دیگر آن حضرت آمده است:

اللهم ارننا وجه ولیک المیمون فی حیاتنا و بعد المنون

و همچنین در این جملات از دعای ندبه درخواست و آرزوی ملاقات شده

و داعی به پیشگاه امام زمان علیه السلام عرض می کند:

آیا به سوی شما ای فرزند پیامبر راه ملاقاتی هست تا بحضورتان تشرف

حاصل شود؟

آیا این روز ما به وعده وصل و ملاقات متصل می شود (یعنی امروزی که ما

بفراق شما نشسته ایم بفردائی می رسد که بدیدار جمالتان محظوظ و بهره مند

گردیم؟!).

قسمت دوم..... ۲۰۳

متی نرد مناهلك الرویة فنروی، متی ننتفع من عذب مائک فقد طال الصدی

«کی می‌شود که در چشمه سارهای سیراب کننده شما وارد شویم و سپس سیراب شویم، چه وقت از آب معنوی و گوارای شما بهره‌مند می‌شویم که همانا سوز عطش ما طولانی شده است».

مناهل - جمع مکسر «منهل» اسم مکان جای آب خوردن و چشمه است.

نروی - از ماده «روی» آب فراوان و شیرین و سیراب کننده

عذب - پاک، خالص و گوارا.

الصدی - تشنگی، سوزش عطش

در این عبارات به پیشگاه امام زمان علیه السلام عرضه داشته می‌شود که، کی و چه زمانی در چشمه سارهای رحمت درآئیم و از آب زلال و گوارای علم و معرفت شما سیراب می‌شویم؟!!

در روایات، امام علیه السلام اصل و منبع آب حیات معرفی شده که تمام فیوضات معنوی از قبیل علم و حکمت همانند آب گوارائی از جانب امام زمان به بشر افاضه می‌شود چنانکه حضرت امام رضا علیه السلام در روایتی در معرفت و شناخت امام می‌فرمایند:

الامام الماء العذب علی الظماء و الدال علی الصدی

یعنی: امام آب شیرین و گوارای زمان تشنگی و نشانگر هدایت و نجاتبخش از هلاکت است.

لذا انسان منتظر با جملات دعای ندبه نیت پاک خود را ظاهر می‌سازد و از

۳۰۴..... تفسیر و شرح دعای ندبه

آن حضرت می خواهد که زمان انتظار بزودی بسر آید و بوصول سرچشمه های فیض از جانب آن حضرت در آید و سیراب شود لذا عرض می کند: کی به «مناهل» یعنی سرچشمه های فیض شما می رسیم و کی این «الصدی» که همان سوزش و عطش فراوان است به آب گوارای علم و معرفت شما فرو می نشیند که این عطش و تشنگی بسیار به طول انجامیده است.

متی نغادیک و نراو حک فنقر عینا، متی ترانا و نراک و قد نشرت لواء النصر تری

«کی می شود که ما با شما صبح و شام کنیم و چشمانمان (بدیدارتان) روشن شود، کی می شود که شما ما را و ما شما را ببینیم در حالی که پرچم نصر و پیروزی را برافراشته اید دیده شویم».

نغادیک - از ماده «غدو» با ضم غین یعنی صبح و بامداد

نراو حک - از ماده «روح» به معنای سرشب و شبانگاه است.

فنقر - از ماده «نقر» یعنی روشن شدن و واضح گردیدن

در این فقرات نیز بر وجه استفهام تقاضای دیدار دائمی و درک محضر همیشگی آن حضرت را دارد که کنایه از ظهور و خروج آن حضرت است بطوری که شب و روز به محضر آن امام عزیز شرفیاب شده و از فیض دیدار و ملاقاتشان دیده ها روشن گردد در زیارت آن حضرت نیز قریب به همین مضمون آمده است:

و اجعلنا ممّن تقرّ عينه برؤيته و أقمنا بخدمته

«خدایا! ما را از آن افرادی قرار بده که چشمانشان به دیدار حضرتش روشن می‌شود، و ما را دائماً در خدمت گذاری بحضرتش قرار بده».

سپس در ادامه و جملات بعدی «متی ترانا و نراک...» عرض می‌کند آیا می‌شود که شما ما را و ما شما را ببینیم در حالی که پرچم نصر و پیروزی را برافراشته‌ای، این جمله از دعای ندبه اشاره به این روایت دارد که حضرت امام زین العابدین علیه السلام فرمود:

گوئی صاحب شما را می‌بینم که در پشت کوفه با ۳۱۳ نفر در سرزمین نجف حرکت می‌کند، جبرئیل در طرف راست او، میکائیل در طرف چپ او، اسرافیل در پیشاپیش او حرکت می‌کنند «و معه رایة رسول الله صلی الله علیه و آله قد نشرها» یعنی در حالی که رایت و پرچم رسول اکرم صلی الله علیه و آله با او است، چون این پرچم به اهتزاز در آید به سوی هر قومی حرکت کند خدای تبارک و تعالی آن قوم را هلاک می‌کند.

اترانا نحف بک و انت تامّ الملاء و قد ملات الارض عدلا

«آیا بما می‌بینی که گرداگرد شما حلقه زده باشیم در حالی که شما امام و رهبر خلق باشید و زمین را از عدل و داد پر کرده باشید».

نحّف - فعل مضارع از ماده «حَفَّ» یعنی پوشیدن، جمع شدن، و «نحف»

یعنی گرداگرد هم جمع شویم

۳۰۶..... تفسیر و شرح دعای ندبه

الملاء - یعنی سران و بزرگان قوم و «تأم الملاء» یعنی امامت و پیشوائی بر بزرگان قوم و خلق کنید

داعی با جمله «اترانا» که سؤالی و استفهامی است، به پیشگاه امام زمان علیه السلام عرضه می‌دارد: آیا به ما می‌بینید که لیاقت یاریتان را داشته باشیم و بگرد شما جمع شویم و در حالی که شما پیشوائی و امامت خلق را بدست گرفته و زمین را از عدل و داد پُر می‌کنید؟!

این جملات دعای ندبه اشاره به این روایت دارد که امام جعفر صادق علیه السلام می‌فرماید:

گوئی با چشم خود می‌بینم که آن بزرگوار در شنبه دهم محرم در میان رکن و مقام ایستاده، جبرئیل در طرف راست آن حضرت بانگ برمی‌آورد:

البيعة لله، فتصير اليه شيعة من اطراف الارض تطوي لهم طياً حتى يباعدوا فيملاً
الله به الارض عدلاً^(۱)

یعنی: از برای بیعت با خدا قیام کنید، سپس شیعیان او از اطراف جهان به سوی او می‌شتابند و زمین در زیر پاهایشان طی می‌شود، تا به محضر او رسیده، بیعت می‌کنند، و روی زمین را پر از عدل و داد می‌کند.

قسمت دوم..... ۳۰۷

و اذقت اعدائك هواناً و عقاباً و ابرت العتاة و جحدة الحق و قطعت دابر

المتكبرين واجتثت اصول الظالمين و نحن نقول الحمد لله رب العالمين

«و دشمنانتان را به خواری و عقوبت رسانده و سرکشان و کافران را که منکر حق هستند هلاک کرده و دنباله متکبران را قطع نمود و ریشه ستمکاران را از بیخ و بن برکنی، و بگوئیم حمد و سپاس خدایی را که پروردگار جهانیان است.»
هواناً - از ماده «هون» به معنای ذلت و خواری است.

ابرت - فعل ماضی اجوف از ماده «بور» یعنی هلاک کنی، ریشه کن کنی و از

بین ببری

عتاة - از ماده «عتو» به معنای تجاوز و نافرمانی و «عتاة» یعنی سرکشان و

تجاوزکاران

اجتثت - فعل ماضی از ماده «جث» یعنی برکندن و قطع کردن و «اجتثت»

یعنی قطع کنی و ریشه کن سازی

داعی پس از اینکه در جملات قبل بر وجه استفهام آمیزی طالب و خواستار

دیدار و ملاقات آن حضرت گردید، سپس بعضی از وقایع و صحنه های مهمی

که بدست آن حضرت هنگام ظهور رخ می دهد یاد آوری می شود، از جمله

اینکه سرکشان و کافران را که منکر حقند هلاک کرده و دنباله متکبران را قطع

کرده و ریشه ستمکاران را از بیخ و بن بر می کند حدیثی در روایتی از پیامبر اکرم

صلی الله علیه و آله بعضی از این صحنه ها و وقایع بعد از ظهور را، اینگونه بیان می کند:

وای بر این امت از استیلا و تسلطی که زمامداران ستمگر بر آنان پیدا می کنند

۳۰۸..... تفسیر و شرح دعای ندبه

و آنان را می‌کشند و مؤمنان را بوحشت می‌اندازند مگر کسانی که بفرمان آنها گردن نهند، و شخص مؤمن بزبان و ظاهر با آنها موافق باشد ولی در باطن از آنها نفرت داشته و می‌گریزد. و تا اینکه خداوند اراده نماید که عزت اسلام را تجدید نماید، شوکت ستمگران جبار را در هم بشکند و خداوند قادر است امتی را که میان فساد افتاده آنان رانجات داده و بساحل صلاح در آورد.

بعد از آن فرمودند: (ای حذیفه) اگر از عمر دنیا بیش از یک روز باقی نمانده باشد خداوند آن روز را چندان طولانی گرداند تا شخصی از اهل بیت من بحکومت رسد و با بی‌دینان جنگ کند تا اسلام را ظاهر و آشکار سازد، خداوند خُلف و عده نمی‌کند و به حساب زود می‌رسد. (۱)

و در روایت دیگری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

در شب معراج از جانب حق تعالی به من خطاب شد

این (نور) قائم است که حلال مرا حلال و حرام مرا حرام می‌کند و بواسطه او از دشمنان خود انتقام می‌کشم و اوست راحتی دوستان من و اوست که شفا می‌دهد دل‌های شیعیان مرا از ستمکاران و منکرین و کافرین سپس (لات و عزری را) تر و تازه خارج می‌کند و ایشان را بسوزاند و فتنه ایشان برای مردم سختتر از فتنه گوساله سامری است.

همچنین در زیارت آن حضرت اشاره به هلاک سرکشان و کافران و قطع ریشه ظلم و بیدادی بدست پرتوان آن امام عزیز شده آنجا که در دعای بعد از

قسمت دوم..... ۳۰۹

زیارت سرداب مقدس آمده است:

واقتل به الجبابرة و الكفرة و اقصم به رؤوس الضلالة، و ذلل به الجبارین و الكافرین
و أبر به المنافقین و الناکثین و جمیع المخالفین

یعنی: خدایا! بدست آن حضرت جباران و کفاران را بقتل رسان و سران
گمراهی را از بین ببر و تمامی جباران و کافران را ذلیل نما، و تمامی منافقین و
پیمان شکنان و جمیع مخالفین را محو و نابود ساز.

در این جملات دعای ندبه بعد از اینکه دعای آرزوی دیدار و یاری نمودن
امام خویش را در ظهور آن حضرت طلب کرده و آرزوی از بین رفتن شرک و
ظلم و نفاق بدست آن حضرت را طلب نمود، عرض می کند در آن روز شکر و
حمد بزرگ الهی را بجای می آوریم چنانکه در زیارت سرداب مقدس نیز آمده
است:

و نحن نقول الحمد لله رب العالمین

و در سوره انعام نیز قریب به همین مضمون دعای ندبه آمده:

فقطع دابر القوم الذین ظلموا و الحمد لله رب العالمین (۱)

قسمت سوم

از تفسیر و شرح دعای عظیم الشان
نجه

قسمت سوم

از تفسیر و شرح دعای عظیم الشان ندبه

اللهم انت كشاف الكرب والبلوى واليك استعدي فعندك العدوى وانت رب الاخرة

و الدنيا - و الاولى

«خدایا! تو بر طرف کننده غم و اندوه و بلاها هستی، و من از توباری می طلبم

چون تنها رفع فساد و غم نزد توست، و توئی پروردگار دنیا و آخرت».

كُرب - جمع «کرب» به معنای غم و غصه و اندوه و مشقت است.

بلوی - به معنای بلیه، مصیبت، سختی، آشوب و غوغا

استعدی طلب یاری جستن و داد خواهی نمودن است فعل مضارع از ماده «عدی»

۳۱۲..... تفسیر و شرح دعای ندبه

العدوی - به معنای فساد و تباهی است.

در این فقرات دعا کننده با انقطاع کامل روی بسوی خدایتعالی آورده و با جملات بسیار پر معنا و دلشکسته طلب ایصال به محبوبش را می‌کند و از خدایتعالی می‌خواهد او را به امامش برساند لذا در مرتبه اول صفات الهی که دلالت بر رفع غم و غصه از عباد دارد بیان می‌کند چنانکه در سوره انعام می‌فرماید:

فلا کاشف له الا هو (۱)

یعنی: هیچ کس بجز خدا از تو رفع و کشف ضرر نمی‌کند.

و در دعای بعد از زیارت امام زمان علیه السلام در سرداب مقدس آمده است که دستهایت را بلند کن و بگو:

اللهم انت کاشف الكرب والبلوی

تنها خدایتعالی دافع هم و غم و اندوه است و اوست که انسان را از تمام بلاها و مصائب نجات می‌دهد. لذا در این عبارات پس از طلب ملاقات و رؤیت امام زمان (ارواحنا لتراب مقدسه الفداه) خواستار رفع هم و غم شده است سپس عرض می‌کند «و الیک استعدی» و من از تو داد دل می‌طلبم و از تو یاری می‌طلبم و از دشمن دادخواهی می‌کنم «فعندک العدوی» و نزد توست رفع عناد و تباهی. «وانت رب الاخرة و الدنيا» که تو پرورش دهنده دنیا و

آخرت هستی و تمام خوبیها و بدیها بدست توانای توست که بر هر کسی
بخواهی می دهی و از هر که بخواهی رفع می کنی.

فاغث یا غیاث المستغیثین عبیدک المبتلی

«پس بفریاد رس ای فریادرس داد خواهان، این بنده ناچیز و حقیر و گرفتار
خود را دریاب».

غیاث - فریادرس، متغیث کسی که طلب یاری و فریادرسی کند، اغث
فریادرسی کن

مبتلی - در بلا و محنت افتاده و گرفتار شده.

عبیدک - تصغیر «عبد» یعنی بنده کوچک و حقیر

پس از اینکه داعی در خانه خدا رفته و با بعضی از صفات حمیده پروردگار
خویش را خوانده صدا به استغاثه بلند کرده و طلب یاری و فریادرسی می کند
و خدایتعالی را با نام «غیاث» که یکی از اسماء مقدس پروردگار است می خواند
و متوسل می شود و تقاضای دیدار محبوب و امام خویش را می کند. چون با
التفات باینکه در زمان غیبت و دوری از امام زمان مؤمن بشدیدترین گرفتاریها
مبتلی می شود جای دارد به پیشگاه خدایتعالی عرض کند: «عبیدک المبتلی»
یعنی بنده حقیر و کوچک تو در زمان غیبت مبتلی و گرفتار شده است، مبتلی به
فراق امام زمان و مبتلی به انواع شدائد گردیده و از هر طرف بلا و گرفتاری بر او

۳۱۴..... تفسیر و شرح دعای ندبه

سرازیر شده و از همه سخت‌تر به درد فراق و مهجوری و دوری محبوب یعنی امام زمان علیه السلام گرفتار شده لذا ندای استغاثه سر می‌دهد و تو را می‌خواند. و خداوند نیز وعده استجابت به این اسم یعنی استغاثه را داده چنانکه می‌فرماید:

اذ تستغيثون ربكم فاستجاب لكم (۱)

یعنی وقتی استغاثه نمودید پروردگارتان را، پس اجابت کند شما را.

واره سیده یا شدید القوی و ازل عنه به الاسی و الجوی و برّد غلیله یا من

على العرش استوی و من اليه الرجعی و المنتهی

«و آقایش را به او بنما، ای خدای بسیار مقتدر و توانا، بوسیله حضرتش غم و اندوهش را بطرف سان و سوز عطشش را با آب سرد و گوارای وصال فرونشان، ای خدائی که بر عرش تسط داری و بازگشت همه به سوی توست».

الاسی - تأسف، حزن، اندوه

جوی - سوزش غم، غصه و ادامه اندوه

غلیل - اسم مبالغه بر وزن فعیل از ماده «غلل» به معنای بسیار تشنه

ازل - از ماده «زول» یعنی برطرف کن

در این عبارات به چند مطلب بسیار مهم اشاره شده است اول اینکه داعی از خدایتعالی طلب دیدار سید و آقای خویش را دارد که در اثر ملاقات و رؤیت و

وصال، غم و اندوه از سینه‌اش برطرف می‌شود و حزنی که در اثر فراق حاصل شده و سوزش و تشنگی کمالات و حقائق که در دل او یافت شده با آب خنک و گوارای وصال برطرف می‌شود لذا خطاب به حق تعالی نموده و به یکی دیگر از اسماء مقدس الهی متوسل می‌شود و عرض می‌کند: «یا شدید القوی» به این معنا که قوت و قدرت حقیقی و اصلی از جانب خداوند است اوست که هر کاری را بخواهد انجام می‌دهد و هر کار دشواری برای او آسان است و قدرت و توانائی او از هر چیز بالاتر است.

مطلب دوم: اشاره به تسلط و قدرت مطلقه الهی دارد به این معنا که خدایتعالی بر عرش تسلط داشته و هیچ موجودی نیست که از تحت سلطه الهی خارج باشد چنانکه قرآن می‌فرماید: الرحمن علی العرش استوی، سپس می‌فرماید بازگشت تمامی خلق به سوی توست ای پروردگار توانا و «من الیه الرجعی و المنتهی» که این جمله نیز اشاره به تسلط و قدرت باری تعالی دارد.

اللهم و نحن عبیدک التائقون الی ولیک المذکر بک و بنیبک

«بار خدایا! ما بندگان حقیر توایم که مشتاق ولی تو هستیم که تذکر دهنده و یادآورنده ما است به یاد تو و به یاد پیامبرت».

التائقون - از ماده «تائق» به معنای مشتاق و آرزومند است.

عبیدی - عید جمع عبد

در اینجا عبارت دعا با «اللهم» شروع می شود که قبلاً عرض کردیم در اصل «یا الله» بوده و «یاء» حذف گردیده و بجای آن میم مشدده آورده شده است یعنی «ای خدا» ما بندگان تو هستیم، و اظهار بندگی با کلمه «عبید» که لفظ جمع است آورده شده تا از این طریق اعتراف به بنده و مخلوق بودن خود و هم نوعان خود که در فراق امام خویش محزونند، نماید و از این طریق قربی بحقتعالی کسب کند و توسلش به اجابت مقرون گردد. لذا می گوید من و امثال من بندگان ناچیز تو که متوجه امام خویش هستیم شوق دیدار آن حضرت را دارند.

و با کلمه «ولیک» اظهار می دارد که من معتقد و معترف به ولایت امام زمان از جانب حقتعالی هستم، و با جمله «المذکر بک و بنیبک» اظهار می دارد که امام زمان علیه السلام چون ولی و جانشین حقتعالی است یادآورنده توحید و نبوت است و خلق را به سوی توحید و نبوت سوق می دهد.

خلاصه اینکه این جملات و کلمات اظهار محبت و شوق به امام زمان علیه السلام

می باشد چنانکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از این محبت و شوق مؤمنین علیه السلام به امیرالمؤمنین خبر می دهند:

الحمد لله الذي جعل قلوب المؤمنين تفوق اليك بالموودة (۱)

«خدا را سپاس که قرار داد دل‌های مؤمنین را با محبت به سوی تو کشیده شود».

خلقته لنا عصمة و ملاذاً و اقمته لنا قواماً و معاذاً و جعلته للمؤمنين مناماً

«آفریدی او (امام) را برای عصمت و نگهداری ما، و بیاداشتنی او را پناهگاه (دین و ایمان) ما، و برای مؤمنین از ما امام و پیشوا قرار دادی».

عصمة - مفعول له از ماده «عصم» یعنی بازداشتن و نگاه داشتن از گناه
ملاذاً - از ماده «ملاذ» پناهگاه، دژ، قلعه و تکیه گاه است.

معاذاً - به معنای پناهمردن و پناهگاه می باشد.

خدایتعالی برای رهبری و امامت خلق آن حضرت را خلق نمود و تمامی صفات و قدرت خود را و تمامی وسائل پیشرفت و هدایت را نیز در اختیارش قرار داد تا بندگان در شدائد و سختی‌ها به او پناهنده شوند و نجات یابند همانند کودکی که به پدر و مادر خود پناه می برد، آن جناب نیز با آغوش باز و مهر و محبت از آنان استقبال می کند چنانکه در روایتی در معرفی امام آمده است:

۳۱۸..... تفسیر و شرح دعای ندبه

امام دوست مهربان، پدر دلسور، برادر شفیق، مادر دلسوز بکودک خود، پناه
بندگان خدا در گرفتارهای سخت است. (۱)

علامه مجلسی همین مضامین را در داستان محمد بن عیسی البحرینی نقل
نموده که خطاب به امام علیه السلام زمان عرض کرد:

وانت امامنا و ملاذنا

لنا قواماً و معاذاً - خدایتعالی امام علیه السلام را مانند پایه و ستون برای نظام هستی
خلق نمود تا همه به او پناهنده شوند و پشت سر آن جناب حرکت کنند تا به
سعادت برسند. «قوام» به این معناست که پایه‌های نظام مادی و معنوی صحیح
به آن حضرت استوار است و هرگز سستی و لغزشی در آن وجود نداشته و
بسیار مستحکم است که هیچ قدرتی نمی‌تواند آن را منحرف سازد لذا در این
معنا راجع به ائمه علیهم السلام وارد شده است:

اخذهم الله قواماً بامرهم (۲)

یعنی: خداوند ائمه علیهم السلام را پایه‌ها و ستون دینش قرار داد.

و در روایت دیگری آمده است:

جعلکم قواماً بامرهم و خذاناً لحکمهم (۳)

یعنی: خداوند شما را پایه‌های محکم دینش و مخازن حکمتش قرار داد.

۱- اصول کافی جلد ۱ صفحه ۲۵۸. ۲- بحار جلد ۱۰۰ صفحه ۳۴۳.

۳- بحار جلد ۱۰۲ صفحه ۱۶.

در زیارت امیرالمؤمنین علی علیه السلام عرض می‌کنیم:

اللهم انی عذت باخی رسولک معاذاً

یعنی: بارالها! من به برادر رسولت پناه بردم پناه بردنی محکم.

و در فقره دیگر آمده است:

بابی انت وامی اتیتک عائذاً بک (۱)

یعنی: (یا امیرالمؤمنین) پدرم و مادرم فدایتان باد آمدم نزد شما در حالی که

بشما پناه آورده‌ام.

و جعلته للمؤمنین منّا اماماً - سپس داعی به خدای خویش عرض می‌کند:

تو آن حضرت را برای مؤمنین امام و پیشوا قرار دادی به این معنا که گرچه

آن حضرت خلیفه الله بر جمیع خلق هستند ولی مؤمنینی هستند که با ایمان

واقعی که در قلب خود ایجاد کرده‌اند امامت آن حضرت را پذیرفته‌اند و به آن

وجود مقدس اقتدا کرده‌اند. و اینان هستند که از نعمت وجود آن گوهر الهی

بهره‌های مادی و معنوی که مخصوص ایمان آورندگان است، می‌برند

در زیارت سرداب مقدسه آمده است:

و تجعله للمتقین اماماً (۲)

۳۲۰..... تفسیر و شرح دعای ندبه

قبله منّا تحیة و سلاماً و زدنا بذلک یا رب اکراماً

«پس برسان از ما تحیت و سلاممان را بر آن حضرت و بدین وسیله اکرام ما را افزون گردان».

تحیة - از ماده «حی» است یعنی زنده و سرزنده و به معنای درود و شاد باش که یک نوع اعظام و اکرام است.

موضوع سلام و زیارت آنقدر در اسلام اهمیت دارد که از مستحبات اکیده شمرده شده است و برای افرادی که در قید حیات هستند و یا افرادی که از دنیا رفته و در سرای دیگر هستند در سلام دادن، دستورات خاصی وارد شده است. شاید اشکال شود که ما امام خویش را نمی بینیم پس سلام ما چه فایده ای دارد؟! در جواب عرض می کنم: سلام اختصاص به افراد حاضر ندارد و شما می توانید به کسی که در اثر دوری مکان و یا بُعد زمان او را نمی بینید و مورد علاقه تان است شفاهاً و غیر حضوراً سلام کنید مثل اینکه بشخص امین و مورد وثوق خود توصیه می کنید که سلام مرا به آندوست برسان چنانکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به جابر بن عبدالله انصاری فرمودند: چون فرزندم امام محمد باقر علیه السلام را دیدی سلام مرا به او برسان. لذا خدایتعالی فرشته ای را خلق نموده که مأموریت دارد سلام مؤمنین را به آن حضرت برساند چنانکه در روایتی آمده است که امام محمد باقر علیه السلام فرمودند:

فرشته ای از فرشتگان از خدا خواست که گوش شنوای بندگان را هم به او

عطا کند خداوند هم به او عطا فرمود از این جهت هیچ مؤمنی نیست که بر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و فرزندان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ صلوات یا سلام بفرستد مگر آنکه آن فرشته گوید و عليك السلام، سپس آن فرشته به پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ گوید یا رسول الله فلان شخص بشما سلام رسانده، رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ هم در جواب می فرماید:

وعليه السلام.

و دیگر اینکه امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام چون احاطه علمی بر سراسر عالم وجود دارند به قدرت الهی بر تمام اخبار عالم آگاهی دارند. لذا مؤمنینی که به حضرتش سلام می فرستند باخبر می شوند.

این مضمون از جملات، در دعای نیمه ماه مبارک رجب نیز آمده است:

بلغ روحه و جسده منی تحيةً و سلاماً

یعنی: ابلاغ کن روح و جسد (امام عَلَيْهِ السَّلَام) را از طرف من تحیت و سلام و زدنا بذلک یا رب اکراماً. پرواضح است هر سلامی جوابی دارد که از ناحیه مخاطب ادا می گردد و مستحب نیز هست هنگامی که کسی سلام کرد به بهتر از آن جواب داده شود مثلاً اگر گفت سلام علیکم شما بگوئید: «سلام علیکم و رحمة الله وبرکاته»، لذا در این فقره از دعای ندبه، به همین ازدیاد اکرام در ردّ جواب سلام و تحیت، اشاره می کند و می گوید: خدایا اکرام مرا در پاسخ جواب از طرف امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام بیشتر گردان چنانکه در قرآن می فرماید:

۳۲۲..... تفسیر و شرح دعای ندبه

اذا حیّتم بتحیة فحیّوا باحسن منها او ردّوها (۱)

یعنی: هر گاه به شما تحیت گویند، پاسخ آن را بهتر از آن بدهید یا (لا اقل) به همان گونه پاسخ گویند.

در دعای نیمه ماه مبارک رجب تقریباً همین مضامین دعای ندبه آمده است:
بلغ روحه وجسده منی تحیة و سلاماً وزده فضلاً و شرفاً و اکراماً (۲)

واجعل مستقره لنا مستقراً و مقاماً

«جایگاه و محل استقرار او (امام زمان علیه السلام) را مقام و منزلگاه ما قرار بده».
منظور از «مستقر» جایگاه و محل سکونت امام زمان علیه السلام است که در این جملات از خدایتعالی طلب شده است که ما را در جایگاه و محل استقرار آن حضرت قرار دهد.

البته امکان دارد محل استقرار و محل سکونت امام زمان علیه السلام در این دنیای خاکی منظور باشد چنانکه در دعائی بعد از زیارت امام حسین علیه السلام از خدایتعالی بودن در مکان و استقرار ائمه در همین دنیا طلب شده است:
اللهم اجعل لی قدم صدق فی اولیائک و حبّ الیّ مشاهدهم و مستقرهم حتی تلحقنی بهم و تجعلنی لهم تبعاً فی الدنیا و الاخرة یا ارحم الراحمین (۳)

۲- بحار جلد ۹۸ صفحه ۴۰۱.

۱- سوره نساء - آیه ۸۶.

۳- بحار جلد ۱۰۰ صفحه ۲۸۶.

«بار الها! مرا ثابت قدم بدار همراه اولیائت و محبوبم گردان مشاهد و محل استقرارشان را، تا اینکه مرا به آنها ملحق گردانی و قرار دهی مرا پیر و آنها در دنیا و آخرت یا ارحم الراحمین».

یا اینکه جایگاه اخروی منظور گردیده شده است به این معنا که: خدایا مرا در جایگاه و مقام امام زمان علیه السلام در بهشت قرار بده چون بهترین مکان و مقام بهشتی از آن حضرت و اباء گرامیشان می باشد چنانکه در روایتی آمده است که: «اولئك يجزون الغرفة بما صبروا» یعنی علی بن ابیطالب و الحسن و الحسين و فاطمه یلقون فیها تحية و سلاماً خالدین فیها حسنت مستقراً و مقاماً

و شاید منظور از محل استقرار و مقام، فرمان الهی باشد به این معنا که خداوند توفیق بندگی خود را در اجرای اوامر و دستوراتش ثابت قدم و پابرجا، عطا فرماید چنانکه حججش آن بنده کامل الهی در کمال اطاعت و بندگی خدایتعالی مستقر و پابرجا است چنانکه زیارت جامعه این استقرار و ثبات در عبودیت و بندگی را برای ائمه اطهار علیهم السلام بیان می کند:

والمستقرین فی امر الله.

یعنی: ائمه هدی در امر و فرمان الهی به غایت و نهایت بندگی رسیده و آنی از یاد پروردگار خویش غافل نبوده و در امر خدا استقرار یافتند.

و اتم نعمتک بتقدیمک ایاده اما مناحتى تور دنا جاناک و مرافقة الشهداء من خلصائک

«و نعمتت را به پیشوائی حضرتش بر ما تمام گردان، تا ما را به بهشت در آورد و با شهدا که بندگان خالصت هستند همجوار گرداند».

بزرگترین نعمت خداوند در روز غدیر خم با ولایت علی علیه السلام و فرزندان معصومش، بر بشر کامل گردید تا جائی که ایمان بدون ولایت امیرالمؤمنین پذیرفته نیست. در آن روز بزرگ رسول اکرم صلی الله علیه و آله با ایراد خطبه‌ای مفصل و بسیار مهم علی بن ابیطالب علیه السلام را به عنوان خلیفه و جانشین خود معرفی نمودند و سفارشهای بسیار اکید از برای اطاعت و پیروی حضرتش فرمودند و همچنین اوصیاء و جانشینان خود پس از امیرالمؤمنین که از فرزندان فاطمه و علی (علیهما السلام) بودند، ذکر کرده و معرفی نمودند سپس از تمامی مسلمانان از زن و مرد بیعت گرفتند تا اینکه جبرئیل امین نازل شد و این آیه شریفه را نازل نمود:

اليوم اكملت لكم دينكم و اتممت عليكم نعمتي ^(۱)

و در روایتی آمده است که پیامبر اکرم در سفارشات خود به امت فرمود:

اهل بيتي نجوم الارض و نور الارض فلا تقدموهم و قدموهم فهم الولاية بعدى، فقام

اليه رجل فقال: يا رسول الله! و اى اهل بيتك اولى بذلك؟ فقال: على و ولده ^(۲)

«اهل بيت من ستارگان زمین و نور زمینند هرگز بر آنها مقدم نشوید بلکه

همیشه آنها را مقدم بدارید، آنها حاکمان شمايند بعد از من.

پس مردی بلند شد و عرض کرد: یا رسول الله! کدامیک از اهل بیت سزاوار

این سفارشات هستند؟

فرمود: علی و فرزندانش (درود و سلام خداوند بر آنها باد)»

لذا داعی در این فقره از دعای ندبه همین اتمام نعمت را با گستردگی

بیشتری از خدایتعالی طلب کرده و عرض می‌کند: خدایا! نعمت را که بوسیله

ولایت بقیة الله علیه السلام بر ما تمام کردی از تو تقاضا دارم این نعمت را بر پیشوائی

و امامت ظاهری آن حضرت نیز بر ما تمام گردان تا از این راه یعنی قرار گرفتن

تحت ولایت ظاهری و معنوی آن حضرت و همچنین با اطاعت و پیروی از آن

جناب لیاقت دخول در جنت و همنشینی پاکان و شهداء برایم حاصل شود

پُر واضح است که به موجب اطاعت و پیروی از پیشوای معصوم است که

انسان به نعمتهای والای الهی در بهشت و مرافقت با اولیاء خدا را پیدا می‌کند

چنانکه قرآن در سوره نساء می‌فرماید:

من یطع الله والرسول فاولئک مع الذین انعم الله علیهم من النبیین و الصدیقین و

الشهداء و الصالحین و حسن اولئک رفیقا (۱)

یعنی: هر کس که خدا و رسول را اطاعت و پیروی کند، همنشین کسانی

خواهد بود که خدا، نعمت خود را بر آنان تمام کرده، از پیامبران و صدیقان و

شهدا و صالحان و آنها رفیقان خوبی هستند.

و امیرالمؤمنین علیه السلام که خود امام متقین است در خطبه‌ای به این مقام و

منزلت اشاره می‌کنند می‌فرمایند:

نسائل الله ربنا وربكم ان يرزقنا و اياكم خشية السعداء و منازل الشهداء و مرافقة الانبياء ^(۱)

«از خداوند پروردگارمان مسئلت می‌کنیم که خشیت شهدا را به ما و شما عطا

کند و همچنین منازل شهیدان و همنشینی انبیاء را نصیبمان گرداند».

اللهم صل على محمد و آل محمد و صل على محمد جدّه و رسولك السيد

الاکبر و على ابیه السيد الاصغر و جدته الصديقة الكبرى فاطمة بنت محمد

و على من اصطفيت من ابائه البررة

«خدایا! درود فرست بر محمد و آل محمد، و درود فرست بر محمد که جدّ

امام زمان و رسول تو و سید و بزرگ خلق است و درود فرست بر پدر دیگرش علی

علیه السلام که او سید و کوچکتر از پیامبر است، و درود فرست بر مادر بزرگوارش

صدیقه کبری فاطمه دخت گرامی پیامبرت محمد صلی الله علیه و آله، و درود فرست بر

برگزیدگانت از پدران نیکوکارش».

در این قسمت از دعای ندبه مفصلاً دو مرتبه بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و دیگر اباء

معصوم امام زمان علیه السلام درود و صلوات فرستاده شده است.

گرچه قبلاً در مورد «صلوات» مطالبی را عرض و بیان کردیم. ولی در این

قسمت باز در معنای صلوات و فوائد آن مطالبی ذکر می‌شود.

در معنای صلوات گفته شده است که اگر صلوات از جانب حقتعالی باشد به معنای رحمت است و اگر از جانب مخلوق باشد به معنای دعا و طلب رحمت می‌باشد.

از امام جعفر صادق علیه السلام در معنای صلوات سؤال شده و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند:

صلوات از طرف خداوند عزوجل رحمت او است و از ملائکه تزکیه آنان است و از طرف مردم دعایشان برای او (پیامبر) است.

و در فوائد صلوات گفته شده است که راهی است برای اجر نهادن به زحمات طاقت فرسای پیامبر بزرگ اسلام صلی الله علیه و آله که از این طریق آن حضرت را به نیکی یاد نموده و بر حضرتش طلب درود و رحمت از حقتعالی بنمائیم.

صلوات بقدری اهمیت دارد که در روایات بعد از اعمال واجبه افضل و بهترین عمل شمرده شده و سنگین‌ترین عمل در میزان اعمال می‌باشد.

و در روایتی حضرت امام رضا علیه السلام می‌فرمایند:

کسی که نتواند کاری کند که گنااهش پوشیده و آمرزیده شود پس زیاد صلوات بر پیامبر و آل پیامبر بفرستد که این صلوات گناهان را از بین می‌برد.

از فوائد صلوات استجابت دعوات و قبولی اعمال نیز شمرده شده است.

لذا در این قسمت از دعای ندبه طلب رحمت یعنی صلوات بر جد بزرگوار

۳۲۸..... تفسیر و شرح دعای ندبه

امام زمان علیه السلام که آقا و بزرگ عالمیان است یعنی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شده و پس از آن صلوات بر جدّ ثانی که تالی تلوی پیامبر اکرم یعنی امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام، فرستاده شده است.

و سپس از خدایتعالی طلب تحیت و صلوات بر مادر بزرگ آن حضرت که تحت عنوان «جدّه» آمده و لقب «صدیقه کبری و زهرا» که در روایات بسیاری از القاب فاطمه زهرا دخت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله شمرده شده، گردیده شده است. و همچنین از حقتعالی طلب رحمت و صلوات بر آباء نیکوکار و بزرگوار امام زمان شده آن آباء و اجدادی که هر کدام از آنها اختیار شدگان خاص پروردگارند در امر امت و رهبری

در بعضی از ادعیه تقریباً به همین مضمون و عبارات صلوات آمده:

اللهم صل علی محمد و آل محمد... اللهم صل علی محمد خاتم الانبیاء و اله البررة الاتقیاء^(۱)

و در دعای افتتاح نیز بطور مفصل صلوات فرستاده شده است:

اللهم صل علی محمد عبدک و رسولک و امینک...

اللهم صل علی علی امیر المؤمنین و وصی رسول رب العالمین...

و صل علی الصدیقة الطاهرة فاطمة سیده نساء العالمین...

و صل علی ائمة المسلمین...

نکته‌ای را که در اینجا باید متذکر شوم این است که یکی از دستورات اکید روایات فریقین شیعه و سنی این است که هر گاه بر پیامبر اسلام صلوات می‌فرستید باید آل او را هم ذکر نمائید و بر آنها نیز صلوات بفرستید.

چنانکه شیعه و سنی نقل کرده‌اند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

کسی که بر من صلوات بفرستد و بر آل من صلوات نفرستد بوی بهشت را استشمام نمی‌کند در صورتی که بوی بهشت تا مسافت پانصد سال راه به مشام می‌رسد.

کنایه از اینکه هر کس در صلوات بر پیامبر، آل آن حضرت را ذکر نکند معلوم می‌شود اقرار بولایت اوصیاء ندارد و کسی که معتقد بولایت آل پیامبر صلی الله علیه و آله نباشد و از دنیا برود معذب است و کسی که محکوم به جهنم باشد بوی بهشت را استشمام نخواهد کرد.

و علیه افضل و اکمل و اتمّ و ادوم و اکثر و اوفر ماصلیت علی احد من

اصفیائک و خیرتک من خلقک و صل علیه صلوة لا غایة لعددها و لا نهایة

لمددها و لانفادلامدها

«و درود فرست بر خود آن آقا (امام زمان) بهتر و کاملتر و تمامتر و دائمی‌تر و بیشتر و افزونتر صلواتی که بر هر یک از برگزیدگان و نیکان خلقت فرستادی، و درود و رحمت فرست بر او رحمتی که شمارشش بی حدّ، و اندازه‌اش بی انتها، و زمان مدتش بی پایان باشد.»

۳۳۰..... تفسیر و شرح دعای ندبه

در این عبارت با کلمات و جملات متعدد از خدایتعالی درخواست درود و صلوات بر امام زمان علیه السلام شده است چون باید از آخرین حجت باقیمانده از حجج الهی نهایت قدردانی بشود و بوجود او در دوره و زمان خودمان مباحثات و افتخار کنیم.

لذا به پیشگاه خدایتعالی عرض می‌کنیم افضل صلواتی که تا بحال بر برگزیده گانت فرستاده‌ای و کاملترین و تمام‌ترین درود و همچنین دائمیترین صلواتها را بر حضرتش بفرست، سپس به جهت اظهار کمال ارادت و محبت عرض می‌کنیم:

آن صلوات و رحمتی که نامتناهی و از اندازه و شمارش بیرون است بر امام ما بفرست.

تقریباً این جملات و عبارات در دعاها و زیارات نیز آمده است چنانکه در صلوات بر فاطمه زهرا علیها السلام عرض می‌کنیم:

اللهم صل على الظاهرة البتول الزهراء ابنة الرسول... صلاة لا غاية لامدها و لانهاية لمددها و لانقضاء لعددها (۱)

و در دعای افتتاح نیز تقریباً همین مضامین صلوات در درود بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وارد شده است:

اللهم صل على محمد عبدك و رسولك... افضل و احسن و اجمل و اكمل و ازكى و

قسمت سوم ۳۳۱

انمی و اطیب و اطهر و اسنی و اکثر ماصلیت بارکت علی احد من عبادک و انبیائک و
رسلک و صفوتک و اهل الکرمة علیک

در بعضی از نسخ دعای ندبه جزئی اضافات در مضامین صلوات آن آمده و
علامه مجلسی رحمته الله در کتاب بحار الانوار ذکر نموده است که معانی و شرح این
جملات از شرح مضامینی که قبلاً ذکر کردیم واضح و روشن می شود و ما در
این قسمت از جهت تیمن و تبرک آن را ذکر می کنیم:

اللهم صل علی حجتک و ولی امرک و صلّ علی جده محمد رسولک السید الاکبر و
صل علی ابیه السید القسور، و حامل اللّواء فی المحشر و ساقی اولیائه من نهر الکوثر، و
الامیر علی سائر البشر، الذی من آمن به فقد ظفر و من لم یؤمن به فقد خطر و کفر، صلّی
الله علیه و علی اخیه و علی نجلهما المیامین الغرر، ما طلعت شمس و ما أضاء قمر، و
علی جدّته الصدیقة الکبری فاطمة الزهراء بنت محمد المصطفی و علی من اصطفیت
من ابائه البرره.

یعنی: خدایا! درود فرست بر حجت و ولی امر خود (حجت بن الحسن) و
درود فرست بر جدّ او محمد رسول تو که آقای بزرگتر است و بر پدر او علی
که آقائی شجاع و بزرگوار است و حامل پرچم توحید در روز رستاخیز و ساقی
حوضی کوثر بر دوستان و محبان خود در روز محشر است، و او امیر بر تمام
افراد عالم است، هر کس به او ایمان آورد نجات حاصل می نماید و هر کس به
او نگرود در وادی خطر و کفر سرگردان باشد. درود خدا بر او و برادر او رسول

۳۳۲..... تفسیر و شرح دعای ندبه

اکرم و بر فرزندان بزرگوار و روشندان ایشان تا زمانیکه آفتاب طلوع کند و مهتاب نور دهد، و درود بر جده راستگوی او فاطمه زهرا (سلام الله علیها) دختر گرامی پیغمبر اکرم و بر کسانی که برگزیده‌ای ایشان را از پدران نیکو کارش.

اللهم و اقم به الحق و ادحض به الباطل

«بارالها! بواسطه وجود حضرتش دین حق را بر پایدار و باطل را محو و نابود گردان».

ادحض - از ماده «دحض» به معنای زوال و بطلان، محو و نابود کردن است تمامی انبیاء و اوصیاء برای اثبات حق و نفی باطل آمدن و مردم را دعوت به همین دو موضوع نموده و قیامشان برای اقامه این دو موضوع بوده است.

چنانکه در سوره انفال می فرماید:

لیحق الحق و يبطل الباطل (۱)

یعنی: تا حق را تثبیت کند و باطل را از میان بردارد.

و قبلاً به طور مفصل همین مضمون را در جملات قبلی در عبارت «لئلا يزول الحق عن مقره و يغلب الباطل علی اهله» بیان کردیم و شرح نمودیم و عرض کردیم که تمامی انبیاء اقامه حق و محو باطل جزء برنامه‌های اصلی آنها

قسمت سوم ۳۳۳

بوده که ناقص مانده و نتوانستند این مأموریت را به اتمام برسانند لذا خدایتعالی وعده داده که این برنامه ناتمام مانده، بدست آخرین حجت خود یعنی حضرت بقیه الله (ارواحنا فداه) به اتمام برساند لذا در تفسیر آیه شریفه «قل جاء الحق و زهق الباطل» فرموده اند منظور مهدی موعود است.

و به همین امر یعنی مأموریت خطیر امام زمان علیه السلام حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در وصیتشان به امام حسن مجتبی علیه السلام اشاره می کنند و می فرمایند:

رجل من ولدی یخرج فی آخر الزمان یقیم اعوجاج الحق (۱)

«مردی از فرزندانم در آخر الزمان قیام می کند که کج رویهای در دین را راست می گرداند».

و در روایت دیگری می فرمایند:

رجل یخرج فی آخر الزمان اسمه القائم المهدی من ولد اخیک الحسین یقیم اعوجاج الحق

و علامه مجلسی در باب زیارات جامعه، در زیارت ششم نقل می کند:

اللهم... طهر بسیف قائمهم ارضک... حتی یظهر الحق علی یدیه و احسن صورته و

یهلک الباطل و اهله بنور دولته (۲)

«بار الها! بوسیله شمشیر امام قائم زمین را پاک گردان... تا حق بدستش ظاهر

گردد به بهترین صورت، و باطل و اهل باطل بنور دولتش هلاک شوند و از بین بروند».

وادل به اولیائک و اذلل به اعدائک

«بوسیله او دوستانت را هدایت فرما و دشمنانت را ذلیل و خوار گردان».

ادل - به معنای دلالت کردن و نشان دادن است.

شرح و معنای این جمله سابقاً در شرح جمله «این معز الاولیاء و مذل الاعداء» تقریباً بیان شد و در اینجا عرض می‌کنیم چون خدایتعالی بوسیله امام زمان علیه السلام دین کاملش را آشکار می‌سازد لذا در این جمله دعای ندبه «ادل» آمده یعنی بوسیله آن حضرت دلالت کن و راهنمایی نمابندگان را به سوی حق. و این عبارت ارتباط مستقیمی با این فقره از دعای افتتاح نیز دارد که می‌فرماید:

اللهم اظهر به دینک و سنة نبیک حتی لا یتخفی بشیء من الحق مخافة احد من الخلق
یعنی با ظهور امام عصر علیه السلام دین حقیقی و سنت راستین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر
همگان ظاهر خواهد شد و هیچ حقی بر احدی مخفی و پوشیده نمی‌ماند و
زیر سایه آن حضرت بدون هیچ ترسی و تقیه‌ای همه بر حق قیام خواهند کرد و
دشمنان ذلیل و خوار خواهند شد و هیچ سدی و مانعی از اقامه حق باقی
نخواهد ماند.

و در زیارت دیگر آن جناب تقریباً همین مضامین ذکر شده است:

اللهم... استنقذ به عبادک المؤمنین من الذل... و اقتل به الجبابرة و الکفرة... (۱)

وصل اللهم بيننا و بينه و صلة تؤدي الى مرافقة سلقه

«بار خدایا! پیوندی میان ما و آن حضرت برقرار کن. آنچنان پیوندی که ما را به رفاقت و همنشینی پدران بزرگوارش برساند».

وصلة - مفعول مطلق نوعی از ماده «وصل» و به معنای پیوند و اتصال می باشد.
سلف - به معنای گذشته و گذشتگان می باشد.

در اینجا داعی از خدایتعالی تقاضا می کند که میان او و امام زمانش پیوندی و تقریبی معنوی و روحی بوجود آورد که منتهی به مرافقت و همنشینی اجداد طاهرینش گردد. چنانکه در اهمیت این صله و پیوند وارد شده است:

صلوا الذی بینکم و بین الله تسعدوا

یعنی: پیوند کنید، با آنکه رابطه میان شما و خداست تا نیک بخت شوید.
پرواضح است که منظور از این پیوند و اتصال همان تقرب و سنخیت روحی است که در اثر تزکیه نفس و اطاعت و پیروی از آن حضرت حاصل می شود و دائماً خود را در محضر آن امام عزیز می بیند لذا دائماً در وصل بسر می برد تا جائی که اگر از دنیا رحلت کند در آن سرای، همنشین و همدم آباء و اجداد گرانقدر امام زمان علیه السلام می گردد و از فیض دیدار و مصاحبت آنان در آخرت نیز بهره مند می گردد چنانکه خداوند به این گروه وعده داده و فرمود:

فاولئک مع الذین انعم الله علیهم من النبیین و الصدیقین و الشهداء و الصالحین و

حسن اولئک رفیقاً

۳۳۶..... تفسیر و شرح دعای ندبه

در بعضی از زیارات آن حضرت نیز این «وصل» و «پیوند» معنوی طلب گردیده شده است:

یا وقایة الله... ادرکنی وصلنی بک و لاتقطعنی

«مرا دریابید و به پیوند معنوی خودتان برسانید و مرا از این فیض قطع و رها نکنید».

و در فقره دیگر از زیارت آن جناب آمده است:

اللهم صل علی محمد و آل محمد وصلنی بهم و لاتقطعنی^(۱)

«خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و مرا به آنها پیوند ده و از آنها منقطعم نکن».

واجعلنا ممن يأخذ بحجزتهم و یمکث فی ظلهم

«و ما را از کسانی قرار ده که به دامان آن بزرگواران چنگ زده و زیر سایه آنان زندگی می کنند».

حجزة - یعنی جای بستن و گره زدن لباس را گویند و در اینجا یعنی تمسک جستی و چنگ زدن بولایت ائمه علیهم السلام.

یمکث - فعل مضارع از ماده «مکث» یعنی توقف می کند، قرار می گیرد.

بعد از چند درخواست از خدایتعالی در این عبارت تقاضای دیگری از

حقتعالی می شود و آن این است که خداوند ما را توفیق دهد که به «حجزة» ائمه چنگ بزنیم.

مرحوم علامه مجلسی (ه) برای «حجزة» معانی متعددی ذکر کرده که هر کدام به جای خود صحیح و درست می باشد.

۱- حجزه به معنای نور

۲- حجزه به معنای امر

۳- حجزه به معنای دین

هر کدام از این سه معنا که مرحوم علامه مجلسی از روایات استخراج نموده اند در معنای جمله مورد شرح درست می باشد. به این نحو که: خدایا مرا از جمله افرادی قرار بده که به نور ائمه متمسک شده و از آن نور اخذ می کند. یا اینکه: ما را از جمله افرادی قرار بده که به امر ولایت ائمه علیهم السلام متمسک شده و از آن معالم دین را اخذ می کند.

یا اینکه: ما را از جمله افرادی قرار بده که به دین ائمه علیهم السلام متمسک شده و به آن عمل می کند

خلاصه اینکه درخواست شده است که ما از افرادی باشیم که به دستگیره محکم ائمه اطهار علیهم السلام اعتقاد ورزیم و از آنان معالم دین را اخذ نماییم.

امام زین العابدین علیه السلام می فرماید:

شیعتنا آخذون بحجزتنا^(۱)

یعنی: شیعیان ما از نور و علم ما اخذ می کنند.

چنانکه حضرت و امام جعفر صادق علیه السلام می فرماید:

كان ابي يقول ان شيعتنا آخذون بحجزتنا ونحن آخذون بحجزة نبينا ونبينا آخذ بحجزة الله^(۲)

یعنی: پدرم می فرمود شیعیان از نور و علم ما اخذ می کنند و ما از نور و علم

پیامبر اخذ می کنیم و پیامبر از نور و علم خدایتعالی اخذ می کند.

پر واضح است که هر گاه به ائمه معصومین پناهنده شویم و معالم دین را از

آنان اخذ کنیم در زیر سایه آن بزرگواران به کمال عبودیت و بندگی می رسیم

چون که آنان خود سایه خدایتعالی می باشند کنایه از اینکه چتر ولایت آنان

آسایش و امنیت به انسان می بخشد چنانکه عرض می کنیم:

السلام عليكم يا ظل الله و انواره^(۳)

واعنًا علی تأدیة حقوقه الیه و الاجتهاد فی طاعته و اجتناب معصیته

«و یاری فرما ما را بر اداء حقوق حضرتش و جهد و کوشش در اطاعتش و دوری از نافرمانیش».

اعنًا - فعل امر از ماده «عون» یاری کردن و کمک نمودن است.

تأدیة - از ماده «أدی» به معنای ادا کردن و بجای آوردن

در این جملات از خدایتعالی درخواست توفیق ادای حقوق امام زمان علیه السلام در دوران غیبت شده است و به همین مضمون در زیارت سرداب مقدسه چنین آمده است:

وفقنی یارب للقیام بطاعته و المثنوی فی خدمته و المکث فی دولته و اجتناب معصیته (۱)

«پروردگارا! توفیق ده مرا به قیام در اطاعت امام زمان و باقی ماندن در

خدمتش و زندگی در دولتش، و اجتناب از نافرمانیش».

از برای امام زمان علیه السلام بر ذمه مسلمانان حقوق و وظائف بسیار مهمی و

بیشماری می باشد که اگر بخواهیم وظائف و حقوق آن حضرت را که بر ذمه

مسلمانان است برشماریم خود یک کتاب مستقلی می گردد، که از جمله آنها

دعا برای ظهور منصور السورور آن جناب و ادای سهم الامام در ترویج و تبلیغ

نام مقدسشان است، و از جمله حقوق بر پا نمودن مجالس به نام نامی آن

بزرگوار است و از همه مهمتر بزرگترین حق، اطاعت از آن جناب می باشد که

۳۴۰..... تفسیر و شرح دعای ندبه

از طریق تزکیه نفس می توان صد در صد نفس و روح را در راستای رضای حضرتش قرار داد.

و از جمله افرادی نباشیم که استخفاف به حقوق امام زمان علیه السلام می ورزند که به هلاکت خواهیم رسید چنانکه در زیارت جامعه عرض می کنیم:

المقصر فی حکم زاهق

یعنی: افرادی که در ادای حق شما کوتاهی می کنند هلاک می شوند.

بله بزرگترین ادای حق امام زمان علیه السلام اطاعت کامل از آن جناب است لذا در

جملات این عبارت از دعای ندبه می فرماید: «والاجتهاد فی طاعته و اجتناب

معصیته» یعنی خدایا توفیق عطا کن تلاش و اجتهاد در اطاعت از آن امام عزیز

باشد و اجتناب و دوری از معصیت و نافرمانی آن حضرت کنم.

در اینجا بعضی از وظائف شیعیان و حقوقی که در زمان غیبت باید مراعات

کنند بنحو اختصار متذکر می شویم.

۱- جهاد و تزکیه نفس و مهیا شدن برای یاری آن حضرت

۲- در دل غمگین بودن بجهت دوری و مفارقت آن جناب

۳- منتظر ظهور آن حضرت بودن

۴- ندبه و گریه کردن برای دوری و غیبت آن حضرت

۵- تسلیم و انقیاد داشتن در برابر اوامر آن جناب و گناه و معصیت نکردن

۶- به مال خود در راه آن حضرت جهاد نمودن

- ۷- صدقه برای سلامتی آن حضرت دادن
- ۸- کسب معرفت و شناخت صفات آن جناب
- ۹- طلب محبت و معرفت از جانب پروردگار
- ۱۰- نبردن اسم اصلی آن حضرت
- ۱۱- مهیا کردن اسلحه برای یاری آن جناب
- ۱۲- توجه و توسل به آن حضرت داشتن
- ۱۳- ثابت قدم بودن بر دین و آئین آن حضرت
- ۱۴- یاری رساندن به دوستان و شیعیان خاص آن حضرت
- ۱۵- درود و صلوات بر آن جناب فرستادن
- ۱۶- تبلیغ و ذکر نمودن فضائل و کمالات آن حضرت از طریق تألیف کتب و برپائی مجالس بین مردم
- ۱۷- دعوت نمودن مردم به سوی آن حضرت و دفع شبهات که دشمن بین مردم رواج می دهد
- ۱۸- اهداء ثواب عبادات و اعمال صالحه به آن جناب
- ۱۹- زیارت نمودن آن جناب به زیاراتی که وارد شده است
- ۲۰- دعا نمودن برای فرج آن جناب و طلب فتح و نصرت آن حضرت از خدایتعالی «اللهم وفقنا بذلک»

۳۴۲..... تفسیر و شرح دعای ندبه

و امنن علینا برضاه و هب لنا رأفته و رحمته و دعائه و خیره ما ننال به سعة

من رحمتک و فوزاً عندک

«و منت گذار بر ما به رضا و خشنودی حضرتش، و رأفت و مهربانی و دعا و خیر و برکتش را بما موهبت فرما، تا بدین وسیله به رحمت واسعه و فوز و رستگاری تو نائل شویم».

امنن - فعل امر از ماده «من یمن» به معنای منت گذاشتن
هب - فعل امر از ماده «و هب» و ثلاثی مجرد به معنای بخشش و عطایمی باشد.
ماننال - «ما» موصوله و «ننال» صلة آن می باشد و به معنای رسیدن است.
هر نعمتی که از جانب پروردگار به خلق می رسد در واقع منتی است که خدایتعالی به بندگانش گذاشته و نعمتش را بر آنها فرو می ریزد، چون واژه منت در جایی استفاده می شود که نعمت بسیار بزرگی باشد و منعم علیه، عملی نداشته باشد که بجهت آن خود را مستحق آن نعمت بداند، ولی مولی محبت نموده و منت می گذارد و آن نعمت را به بنده اش عطا می کند و هیچ بنده ای در مقابل پروردگار نمی تواند مغرور به عملش شود و ادعا کند که من بجهت فلان عملم مستحق نعمت هستم.

در این عبارات نیز داعی بجهت حضوع و خشوعی که نسبت به امام خود دارد، خود را مستحق الطاف و عنایات خاص امام زمان علیه السلام نمی داند لذا از واژه «منت» استفاده کرده و عرض می کند بارالها بر من منت بگذار و مرا

مشمول الطاف و عنایات خاصه امام زمانم گردان.

در دعای زیارت ال یس نیز هنگامی که داعی برای دوستان و شیعیان نصر و پیروزی را بوسیله امام زمان علیه السلام طلب می کند، عرض می کند مرا هم از جمله آنها قرار ده که مشمول نصر و یاری آن حضرت گردم:

وانصر به اولیائک و اولیائه و شیعتہ و انصاره و اجعلنا منهم

و در توقیعی که امام زمان علیه السلام به شیخ مفید صادر نموده اند برای مؤمنین و

شیعیان این وعده لطف و عنایات خاص را داده اند:

شملم الله ببرکتنا و دعائنا^(۱)

یعنی: خداوند شیعیانمان را مشمول برکات و دعاهایمان گرداند.

و در ضمن دعای بین اذان و اقامه آمده است:

و امنن علی بطاعتهم یا ارحم الراحمین^(۲)

«خدا یا بر من من گذار و موفق به اطاعت ائمه هدی علیهم السلام گردان یا ارحم

الراحمین».

رسیدن به رضای امام زمان علیه السلام از منتهای بسیار بزرگی است که خدایتعالی

هر کس را اراده فرماید مشمول آن خواهد کرد که بوسیله رضا و رأفت و

رحمت و دعا و خیر امام زمان علیه السلام به رحمت واسعه الهی خواهد رسید

چنانکه در این جمالات می فرماید: «ماننال به سعة من رحمتک» یعنی بدین

۳۴۴..... تفسیر و شرح دعای ندبه

وسیله به رحمت واسعه تو نائل شویم، آن رحمت واسعه‌ای که در سوره انعام خدایتعالی به آن اشاره می‌فرماید:

فقل ربکم ذو رحمةٍ واسعة (۱)

یعنی: ای پیامبر! بگو پروردگار شما صاحب رحمت گسترده است. در روایات آمده است ائمه هدی علیهم‌السلام رحمت واسعه‌اللهی می‌باشند.

لذا هر گاه کسی واقعاً به رضا و رأفت امام زمان علیه‌السلام برسد و خود را مشمول دعای آن جناب گرداند بر رحمت واسعه‌الهی دست یافته و پس از آن به فوز و رستگاری عظیم الهی می‌رسد که تمام سعادت‌ها و خیرهای دنیا و آخرت در آن جمع است و به آن مقام «رضا» گویند.

رضی الله عنهم و رضوا عنه ذلك الفوز العظيم (۲)

یعنی: (به مقامی می‌رسد که) خود خشنود و خداوند از او نیز خشنود می‌گردد که این است کامیابی بزرگ.

در روایتی امیرالمؤمنین علیه‌السلام به همین مطلب یعنی بوسیله امام معصوم انسانها به فوز و رستگاری می‌رسند، اشاره نموده و به اصبع بن بناته می‌فرمایند:

نحن والله نعمة الله التي انعم الله بها على عباده، بنافاز من فاز (۳)

۱- سوره انعام - آیه ۱۴۷. ۲- سوره مائده - آیه ۱۱۹.

۳- بحارالانوار جلد ۲۲ صفحه ۵۸.

یعنی: قسم به خدا ما نعمت واقعی خداوند هستیم که پروردگارت به بندگانش عطا فرمود، و به سبب ما رستگار شد آنکه رستگار شد.

واجعل صلواتنا به مقبولة

«و بوسیله آن حضرت نماز ما را بپذیر».

طاعات بندگان بدون پذیرفتن ولایت ائمه اطهار علیهم السلام هرگز مورد پذیرش حقتعالی واقع نمی شود.

لذا در این فقره به نماز که اساس طاعت و بندگی است، متذکر می شود و می فرماید باید بوسیله ولایت امام زمان علیه السلام مورد قبول حقتعالی واقع شود لذا از خداوند طلب می کند که خدایا نماز مرا بولایت امام زمان قبول نما.

و در زیارت جامعه قبولی طاعات را منوط بر ولایت ائمه علیهم السلام می شمارد و می فرماید:

و بموالاتکم تقبل الطاعة المفترضة

یعنی: به سبب اعتقاد به ولایت و امامت شما ای خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله

طاعتهای واجب پذیرفته می شود.

در ضمن دعای بین اذان و اقامه آمده است:

...واجعل صلاتی بهم مقبولة، و دعائی بهم مستجاباً

و در دعای قبل از نماز آمده است:

واجعل صلاتی به مقبولة

یعنی: قرار بده نماز مرا (به برکت پیامبر صلی الله علیه و آله) مقبول و پذیرفته شده و اینکه از میان طاعتها در این عبارت «نماز» را ذکر کرده به این جهت است که سرآمد طاعتها و عبادات «نماز» است و اگر نماز پذیرفته شود سایر عبادات و طاعتها نیز پذیرفته می شود.

چنانکه در روایتی آمده است:

ان قبلت قبلت ماسواها و ان ردت ردت ماسواها

«اگر نماز پذیرفته شود سایر اعمال پذیرفته می شود و اگر نماز رد شود سایر اعمال نیز رد می شود».

و همچنین فرموده اند:

الصلاة عمود الدين

یعنی: نماز ستون دین است.

پس اگر کسی اهمیت به نماز با تمام شرائط و آداب آن بدهد که از اهم شرائط ولایت امام زمان علیه السلام است، به سایر اعمال و طاعات خود نیز اهمیت می دهد و آنها را با شرائطشان بر پا می دارد، لذا در این عبارت از میان عبادات نماز را ذکر کرده است.

«و بوسیله او گناهانمان را مورد مغفرت و آمرزش قرار ده».

آمرزش گناهان فقط در اختیار پروردگار می باشد به این معنا که هر کسی را بخواهد می آمرزد یا اینکه به سزای اعمالشان می رساند لذا در قرآن می فرماید:

و من یغفر الذنوب الا الله (۱)

یعنی: کیست جز خدا که گناهان را ببخشد؟

و این حقیقت را امیرالمؤمنین علی علیه السلام نیز در دعای کمیل به ما تعلیم داده

که آمرزش گناهان فقط در دست پروردگار است:

اللهم لا اجد لذنوبی غافراً... غیرک

«بار الها! نیابم برای گناهانم آمرزنده و بخشنده ای... جز تو».

پس آنچه که مسلم است این است که خدایتعالی گناهان را هرچه که

گسترده باشد می آمرزد ولی با شرائط آن. به عبارت دیگر خداوند توبه را

می پذیرد اما هرگاه توبه همراه با آداب و شرائطش باشد که یکی از مهمترین

شرائط قبولی توبه پذیرفتن ولایت ائمه اطهار علیهم السلام و شفیع قرار دادن آنان

است و تا وقتی که تائب به این بزرگواران متوسل نشود و آنان را به پیشگاه

خدایتعالی شفیع قرار ندهد توبه اش پذیرفته نیست.

و دلیل ما بر این مطلب این است که هرگاه ما سرگذشت انبیاء الهی را مورد

۳۴۸..... تفسیر و شرح دعای ندبه

بررسی قرار می‌دهیم می‌بینیم هر یک که در مقام امتحان قرار می‌گرفتند و لغزشی که از آن تعبیر به «ترک اولی یا مکروه» می‌شود، سر می‌زد تا توسل به ائمه اطهار علیهم‌السلام نمی‌جستند و آنها را شفیع قرار نمی‌دادند توبه‌اشان پذیرفته نمی‌شد.

و به همین جهت است که در فضل زیارت ائمه اطهار علیهم‌السلام یا ذکر مصیبت و اشک ریختن بر مصائب آن بزرگواران، فرموده‌اند یکی از آثار این اعمال ریزش گناهان است مثل ریختن برگ درخت در فصل پائیز و امثال این. لذا در این عبارت از خدایتعالی تقاضا شده است که خداوند ذنوب ما را به شفاعت امام زمان علیه‌السلام ببخشد و بیامرزد.

چنانکه به همین معنا و مضمون در دعای قبل از فرائض آمده است:

واجعل صلاتی به مقبولة و ذنبی به مغفورا و دعائی به مستجاباً انک انت الغفور الرحیم (۱)

در زیارت سوم از زیارات جامعه آمده است:

اللهم اجعل ذنوبنا بهم مغفورة و عیوبنا مستورة (۲)

و دعائنا به مستجاباً

«و بوسیله او دعایمان را استجابت فرما»

دعا و خواندن خدایتعالی از اموری است که خدایتعالی بندگان را به آن امر نموده و نشانه ایمان مؤمن قرار داده است، چون تا وقتی که انسان ایمان نیاورده و خدای خویش را نشناخته به درب خانه او نمی‌رود و اظهار عجز و کوچکی نمی‌کند لذا در سوره بقره خدایتعالی می‌فرماید:

هر گاه عباد من که مرا شناخته‌اند بخوانند، بزودی دعایشان را اجابت می‌کنم
پس به من ایمان آورید:

و اذا سالک عبادی عنی فانی قریب اجیب داعی اذا دعان فلیستجبولنی و
الیؤمنوابی (۱)

و در سوره مؤمن می‌فرماید:

ادعونی استجب لکم (۲)

یعنی: مرا بخوانید اجابت می‌کنم شما را

این آیات با صراحت کامل بندگان را به دعا کردن و به بارگاه ربوبی روی آوردن، دعوت کرده و امر نموده است. ولی چنانکه در باب توبه عرض کردیم، دعا و توبه شرائط و وسائلی می‌خواهد که از جمله شروط مهم و اساسی آن پذیرفتن ولایت ائمه اطهار علیهم‌السلام است و توسل جستن به آن بزرگواران و شفیع

۳۵۰..... تفسیر و شرح دعای ندبه

قرار دادن آن حضرات به پیشگاه حقتعالی است لذا در سوره مائده می فرماید:

و ابتغوا الیه الوسیله

در روایات و تفاسیر «وسیله» را ائمه اطهار علیهم السلام معرفی کرده اند که هر گاه با

این وسائل به پیشگاه خدایتعالی بروید دعایتان به هدف اجابت مقرون

می گردد لذا در دعا این مطلب با عبارات مختلفی تعلیم داده شده است چنانکه

در زیارت جامعه سوم نیز عرض می کنیم:

و دعائی بهم مستجاباً^(۱)

ویا اینکه آمده است:

واجعل دعائنا بهم مستجاباً^(۲)

و در این فقره از دعای ندبه این درس به داعی تعلیم می گردد که از

خدایتعالی بواسطه امام زمان، اجابت دعایش را طلب کند.

خدایا! بوسیله امام زمانم (که جانم بفدای خاک پایش باد) دعاهایم را

مستجاب گردان.

و اجعل ارزاقنا به مبسوطة

«و بوسیله آن جناب روزی ما را توسعه ده»

باید توجه داشت که هر چه از رزق و روزی به ما می‌رسد از جانب پروردگار مهربان می‌باشد و بسط رزق و یا تنگی آن خود آزمایشی است که بندگان به آن آزموده می‌شوند و این خدایتعالی است که به هر کس طبق مصالحش هر قدر بخواهد رزق عطا می‌کند و بسط می‌دهد چنانکه در سوره رعد می‌فرماید:

الله یبسط الرزق لمن یشاء و یقدر

یعنی: این خداوند است که هر کس را که بخواهد روزی واسع، و بر هر کس که بخواهد تنگ می‌گرداند.

البته بر حسب تعالیمی که روایات به ما داده‌اند می‌دانیم که نزول رزق به سبب و واسطه وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و فرزندان معصومش علیهم السلام است که آنها واسطه بین خلق و خالق هستند و بوجود آن بزرگواران است که تمامی موجودات رزق و روزی داده می‌شوند. چنانکه در دعای عدیله می‌خوانیم:

بیمنه رزق الوری

یعنی: به یمن وجود امام زمان موجودات رزق و روزی داده می‌شوند. و در روایات آمده است:

بنا انزاله الرزق

یعنی: بوسیله ما خداوند رزق را نازل می‌کند.

و به همین معنا و مضمون دعای ندبه، در دعای تناول تربت سید الشهداء

علیه السلام برای شفاء آمده است:

و اوسع علينا به فی ارزاقنا^(۱)

یعنی: و به برکت امام حسین علیه السلام به ارزاق ما وسعت عطا فرما.

و در دعا دخول مسجد نیز همین معنا آمده است:

اللهم انی اتوجه الیک بمحمد و آل محمد... اللهم اجعل... رزقی بهم مبسوطاً^(۲)

لذا در این عبارت دعای ندبه همین امر تذکر داده می‌شود که بواسطه امام

زمان علیه السلام است که ارزاق تقسیم می‌شود لذا از خدایتعالی بواسطه آن حضرت

تقاضا می‌کند که به رزق و روزی ما وسعت بخشد.

و همونا به مکفیة و حوائجنا به مقضیة

«و به برکت آن امام، هم و غم ما را بر طرف ساز و خواسته‌های ما را عطا فرما».

خدایتعالی بوجود مبارک امام زمان علیه السلام تمام همها و حزنها را بر طرف

می‌سازد چون پرواضح است که تمامی امور از خیر و صلاح بندگان در یند

قدرت حقتعالی است چنانکه در دعای افتتاح به همین مطلب اشاره می‌کند که

این خداوند است که اندوهها و غمها را برطرف می‌کند:

فکم یا الهی من کربةٍ قد فرجتها و هموم قد کشفتها و عثرةٍ قد اقلتها

یعنی: خدایا چه بسیار اندوهها که برطرف کردی و چه بسیار غمها و همها

که زایل ساختی و چه بسیار لغزشها که از آنها گذشتی».

و در دعای کمیل می‌خوانیم:

و کم من فادح من البلاء اقلته و کم من عثار وقیته

یعنی: چه بسیار بلاهایی گران را که دفع نمودی، و چه مقدار از لغزشها که

نگاهداشتی و چه بسیار از ناملایمات و اندوهها که برطرف نمودی.

در این مورد هم مثل موارد قبل که عرض کردیم خدایتعالی بواسطه ائمه

معصومین علیهم‌السلام است که رحمتش و فرجش را نازل می‌کند، همینگونه هموم

و غموم را نیز برطرف می‌نماید چنانکه در زیارت جامعه خطاب به ائمه اطهار

علیهم‌السلام عرض می‌کنیم:

و بکم ینفس اللهم و یکشف الضّر

یعنی: به واسطه شما ای (ائمه معصومین) غم و اندوه و رنجها از دلها

برطرف شده و بلاها دفع می‌گردد.

و در ضمن نوشتن دعای رقعہ آمده است:

اسئلک بحقک علیهم.... تفرّج بهم همّی (۱)

۳۵۴..... تفسیر و شرح دعای ندبه

«خدایا از تو مسئلت می‌کنم که بوسیله ائمه علیهم‌السلام هم‌وغم مرا بر طرف‌سازی». در این فقره از دعای ندبه به همین مطلب اشاره شده که: خدایا بواسطه آخرین سفیرت حضرت بقیه الله ارواحنا فداه هموم و غمهای مرا بر طرف نما و در برآورده شدن حوائجمان قضاوت فرما. در مورد شرح بند «حوائجنا به مقضیه» قبلاً بیاناتی در جمله «دعائنا به مستجاباً» عرض کردیم و به همین مضمون و معنا در دعای دخول مسجد نیز آمده است:

اللهم انی اتوجه الیک بمحمد و ال محمد... و حوائجی بهم مقضیه

واقبل الینا بوجهک الکریم و اقبل تقربنا الیک وانظر الینا نظرةً رحیمةً نستکمل

بها الکرامة عندک ثم لاتصرفها عنا بجودک

«و بوجه کریم خود به ما توجه و اقبال فرما، و تقرب و توسل ما را بسویت بپذیر، و برحمت و لطف خود بر ما نظر فرما تا کرامت ما در پیشگاهت به مرتبه کمال برسد، آنگاه دیگر این نظر لطف و مرحمتت را هرگز از ما مگیر».

بعد از اینکه دعای ندبه را با این جملات ژرف و عمیق خوانده شد و داعی در فراق امام زمان علیه‌السلام اشک ریخته و در جستجوی حضرتش بر آمد، و پس از آنکه خواسته‌هایش را به پیشگاه باری تعالی عرضه نمود، در اینجا از خدایتعالی درخواست می‌کند که برای استجابت دعایش و قبولی آن با صفت «کریم»

برخورد کند و داعی رامشمول الطاف و کرامت بی منتهایش گرداند چون صفت «کریم» به معنای کرم و جود است که صاحب آن در عطا و بخشش از هیچ گونه بخششی مضایقه نمی‌کند و هر چه در بساط دارد بدون منت عطا می‌کند.

سپس تقاضا می‌کند این راهی را که پیموده برای تقرب حقتعالی، بپذیرد و با نظر رحمت به او نظر کند بر وجهی که به بالاترین مرتبه کرامت از جانب حق برسد و هرگز از او این نعمت سلب نشود.

و به همین مضامین در دعای نافله رکعت هشتم آمده است:

وانظر الی نظرة رحیمة کریمة استکمل بها الکرامة عندک فی الرفیع الأعلی علیین

فانّ بنعمتک تتم الصالحات (۱)

و در دعای دخول مسجد نیز این مضامین ذکر شده:

اللهم انی اتوجه الیک بحمد و ال محمد.... اللهم اجعل صلواتی بهم مقبولة... وانظر

الی بوجهک الکریم نظرة رحیمة استوجب بها الکرامة عندک ثم لاتصرفه عنی ابداً

برحمتک (۲)

نکته‌ای که در اینجا باید تذکر دهم این است که امام علیه السلام در جملات و

کلمات این دعا و توسل، نهایت آن را به قرب ذات اقدس الهی کشانده، یعنی

اینکه از این طریق می‌خواهد داعی را به قرب معنوی الهی برساند و به عبارت

دیگر به تقرب ذات اقدس ربوبی برسد که نتیجه و غایت تمام اعمال و عبادات

۳۵۶. تفسیر و شرح دعای ندبه

است و حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام این درس را نیز در دعای کمیل به ما تعلیم داده‌اند:

و اسئلک بچودک ان تدنینی من قریک

یعنی بارالها! از تو بکرم و بخشش و جودت درخواست می‌کنم که مرا به خود بسیار مقرب و نزدیک گردانی.

واسقنا من حوض جده صلی الله علیه و اله بکاسه و بیده ریاً رویاً هنیئاً سائغاً

لاظماً بعده یا ارحم الراحمین

«و ما را از حوض کوثر جدش - که درود خدا بر او و فرزندانش باد - بجام و بدست مبارکش سیراب کن، از آن آب خوش طعمی که دیگر تشنگی بعد از آن برای ما نباشد، ای مهربان‌ترین مهربانان».

کأس - جام و کاسه و قدح

روی - به فتح «راء» و کسر «واو» و تشدید «ی» به معنای آب فراوان و ابرپرباران

هنیئاً - به معنای خوش و گوارا

سائغ - به معنی بامزه و خوش طعم

ظماً - به معنای عطش و تشنگی آمده

در خاتمه این دعای شریف و پربرکت از خدایتعالی تقاضا می‌شود که از

حوض رسول اکرم صلی الله علیه و اله و بدست مبارک و جام آن حضرت سیراب شویم، آن

حوضی که هر کسی از آن بنوشد هرگز تشنگی بر او راه نیابد که اشاره به حوض کوثر است. در روایات در معنای حوض کوثر معانی متعددی آمده از جمله اینکه نهری است در بهشت سفیدتر از شیر صاف و از عسل شیرین تر. معنای دیگر آن این است که از علوم و معارف فقه پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ سیراب شویم ولی در معنای دیگر «کوثر» که بسیار زیبا و عمقتر است آمده است که آن حضرت فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام است که خیر کثیر می باشند و در آن نهایت و خاتمه‌ای وجود ندارد.

و ساقی حوض کوثر شخص شخیص پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب عَلَيْهِ السَّلَام است چنانکه قبلاً در بعضی از فقرات همین دعای ندبه پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در شأن علی عَلَيْهِ السَّلَام فرموده بود:

وانت غداً على الحوض خلیفتی

و همچنین در روایات آمده است: سقاییت حوض کوثر با امیرالمؤمنین علی عَلَيْهِ السَّلَام است که با دست مبارکشان دوستان و شیعیان خود را سیراب می سازند و به بهشت وارد می کنند و در تفسیر آیه شریفه که می فرماید:

و سقاھم ربھم شراباً طھوراً (۱)

آمده است که منظور شیعیان و دوستان علی بن ابیطالب می باشند که بدست آن حضرت سیراب می گردند.

۳۵۸..... تفسیر و شرح دعای ندبه

و به همین مضمون در صلواتی آمده است:

اللهم انی امنت بمحمد و اله ولم اره... واسقنی من حوضه مشرباً روياً سائغاً هیناً
لا اظمأبعده انک علی کل شی قدیر (۱)

«یا ارحم الراحمین» و در انتهای این دعای شریف خدایتعالی را با دو صفت بسیار بزرگش می خواند که یکی «رحمان» و دیگری «رحیم» است اولی لطف و رحمت عام پروردگار است و دیگری رحمت خاصه اش که به خواص از درگاهش عطا می کند، می باشد. و از این طریق خدایتعالی را می خواند تا این دعا را با تمام مضامینش به هدف اجابت برساند.

امین یا ارحم الرحمین

آخرین سخن

در خاتمه به مناسبت تلاقی تألیف این کتاب با میلاد با سعادت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این نوشته را که عرض ارادت کوتاه و بضاعت مزجاتی بیش نیست، به پیشگاه سرور اربیاء حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم تقدیم می‌نمایم و عرض می‌کنم که این تقدیمی را از این بنده ناچیز و حقیر بپذیرید و عاجزانه از شما می‌خواهم مرا به قرب معنوی و ظاهری مولایم و امام زمانم که جانم فدای خاک پایش باد، برسانید و به دست مبارکش در دنیا و آخرت از تمامی موارد لطف و مرحمتش و علم و حکمتش، بهره‌مند و سیرابم سازید. که در دو عالم شدیداً نیازمند و محتاج مواهب مولی و سرور عزیز و بهتر از جانم که خاک پای مقدسش توتیای چشمانم باد، هستم. و آخر دعوانا الحمد لله رب العالمین

دیده‌ماز انتظارت شد سفید، ای نور چشمان

قلبا خون شد ز هجرت، ای مه تابان کجائی

متن دعای ندبه

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا
 اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا جَرَى بِهِ قَضَائِكَ فِي أَوْلِيَائِكَ الَّذِينَ اسْتَخَلَصْتَهُمْ لِنَفْسِكَ
 وَدِينِكَ إِذْ اخْتَرْتَ لَهُمْ جَزِيلَ مَا عِنْدَكَ مِنَ النَّعِيمِ الْمُقِيمِ الَّذِي لَا زَوَالَ لَهُ وَلَا
 اضْمِحْلَالَ بَعْدَ أَنْ شَرَطْتَ عَلَيْهِمُ الزُّهْدَ فِي دَرَجَاتِ هَذِهِ الدُّنْيَا الدَّنِيَّةِ وَزُخْرُفِهَا
 وَزِبْرِجِهَا فَشَرَطُوا لَكَ ذَلِكَ وَعَلِمْتَ مِنْهُمْ الْوَفَاءَ بِهِ فَقَبِلْتَهُمْ وَقَرَّبْتَهُمْ وَقَدَّمْتَ لَهُمْ
 الذِّكْرَ الْعَلِيِّ وَالشَّاءَ الْجَلِيَّ وَأَهْبَطْتَ عَلَيْهِمْ مَلَائِكَتَكَ وَكَرَّمْتَهُمْ بِوَحْيِكَ وَرَفَدْتَهُمْ
 بِعِلْمِكَ وَجَعَلْتَهُمُ الذَّرِيعَةَ إِلَيْكَ وَالْوَسِيلَةَ إِلَى رِضْوَانِكَ.

فَبَعْضُ أَسْكَنْتَهُ جَنَّاتِكَ إِلَى أَنْ أَخْرَجْتَهُ مِنْهَا وَبَعْضُ حَمَلْتَهُ فِي فُلكِكَ وَنَجَّيْتَهُ وَمَنْ
 آمَنَ مَعَهُ مِنَ الْهَلَكَةِ بِرَحْمَتِكَ وَبَعْضُ اتَّخَذْتَهُ لِنَفْسِكَ خَلِيلًا وَسَأَلْتَ لِسَانَ صِدْقٍ فِي
 الْأَخْرَيْنَ فَاجَبْتَهُ وَجَعَلْتَ ذَلِكَ عَلِيًّا وَبَعْضُ كَلَّمْتَهُ مِنْ شَجَرَةٍ تَكَلِّمًا وَجَعَلْتَ لَهُ مِنْ

أَخِيهِ رِذْءًا وَوَزِيرًا وَبَعْضُ أَوْلَادَتِهِ مِنْ غَيْرِ أَبِي وَآتَيْتَهُ الْبَيِّنَاتِ وَأَيَّدْتَهُ بِرُوحِ الْقُدْسِ
وَكُلُّ شَرَعْتَ لَهُ شَرِيعَةً وَنَهَجْتَ لَهُ مِنْهَا جَاءً وَتَخَيَّرْتَ لَهُ أَوْصِيَاءَ مُسْتَحْفِظًا بَعْدَ
مُسْتَحْفِظٍ مِنْ مُدَّةٍ إِلَى مُدَّةٍ إِقَامَةً لِدِينِكَ وَحُجَّةً عَلَى عِبَادِكَ وَلِئَلَّا يَزُولَ الْحَقُّ عَنْ
مَقَرِّهِ وَيَغْلِبَ الْبَاطِلُ عَلَى أَهْلِهِ وَلَا يَقُولَ أَحَدٌ لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا مُنذِرًا وَأَقَمْتَ
لَنَا عِلْمًا هَادِيًا فَتَتَّبِعَ آيَاتِكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَذِلَّ وَنَخْزَى.

إِلَى أَنْ أَنْتَهَيْتَ بِالْأَمْرِ إِلَى حَبِيبِكَ وَنَجِيبِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَكَانَ
كَمَا أَنْتَجَبْتَهُ سَيِّدَ مَنْ خَلَقْتَهُ وَصَفْوَةَ مَنْ اصْطَفَيْتَهُ وَأَفْضَلَ مَنْ اجْتَبَيْتَهُ وَأَكْرَمَ مَنْ
اعْتَمَدْتَهُ قَدَمْتَهُ عَلَى أَنْبِيَائِكَ وَبَعَثْتَهُ إِلَى الثَّقَلَيْنِ مِنْ عِبَادِكَ وَأَوْطَأْتَهُ مَشَارِقَكَ
وَمَغَارِبَكَ وَسَخَّرْتَ لَهُ الْبُرَاقَ وَعَرَجْتَ بِهِ إِلَى سَمَائِكَ وَأَوْدَعْتَهُ عِلْمَ مَا كَانَ وَمَا
يَكُونُ إِلَى انْقِضَاءِ خَلْقِكَ ثُمَّ نَصَرْتَهُ بِالرُّعْبِ وَحَفَفْتَهُ بِجَبْرَائِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَالْمُسَوِّمِينَ
مِنْ مَلَائِكَتِكَ وَوَعَدْتَهُ أَنْ تُظْهِرَ دِينَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ.

وَذَلِكَ بَعْدَ أَنْ بَوَّأْتَهُ مَبْوًى صِدْقٍ مِنْ أَهْلِهِ وَجَعَلْتَ لَهُ وَلَهُمْ أَوَّلَ بَيْتٍ وَضِعَ لِلنَّاسِ
لِلَّذِي بِبَيْكَةِ مُبَارَكًا وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ فِيهِ آيَاتُ بَيِّنَاتٍ مَقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ
آمِنًا وَقُلْتَ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا.

ثُمَّ جَعَلْتَ أَجْرَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَوَدَّتَهُمْ فِي كِتَابِكَ فَقُلْتَ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ
عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى وَقُلْتَ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ وَقُلْتَ مَا أَسْأَلُكُمْ
عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَى رَبِّهِ سَبِيلًا فَكَانُوا هُمْ السَّبِيلَ إِلَيْكَ وَالْمَسْئَلَكَ
إِلَى رِضْوَانِكَ.

فَلَمَّا انْقَضَتْ أَيَّامُهُ أَقَامَ وَلِيِّهُ عَلِيُّ بْنُ أَبِيطَالِبٍ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمَا وَآلِهِمَا هَادِيًا إِذْ

كَانَ هُوَ الْمُنْذِرَ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ فَقَالَ وَالْمَلَأُ أَمَامَهُ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ اللَّهُمَّ
وَالِ مَنْ وَالِ الْآهَ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ وَأَنْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَآخِذْ مَنْ خَذَلَهُ وَقَالَ مَنْ كُنْتُ أَنَا
نَبِيِّهُ فَعَلِيٌّ أَمِيرُهُ وَقَالَ أَنَا وَعَلِيٌّ مِنْ شَجَرَةٍ وَاحِدَةٍ وَسَائِرُ النَّاسِ مِنْ شَجَرَتَيْنِ وَأَحَلَّهُ
مَحَلَّ هَارُونَ مِنْ مُوسَى.

فَقَالَ لَهُ أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي وَزَوْجَهُ ابْنَتَهُ
سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَأَحَلَّ لَهُ مِنْ مَسْجِدِهِ مَا حَلَّ لَهُ وَسَدَّ الْأَبْوَابَ إِلَّا بَابَهُ ثُمَّ أَوْدَعَهُ
عِلْمَهُ وَحِكْمَتَهُ فَقَالَ أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ بَابُهَا فَمَنْ أَرَادَ الْمَدِينَةَ وَالْحِكْمَةَ فَلْيَأْتِهَا
مِنْ بَابِهَا ثُمَّ قَالَ أَنْتَ أَخِي وَوَصِيِّي وَوَارِثِي لَحْمِكَ مِنْ لَحْمِي وَدَمِكَ مِنْ دَمِي
وَسِلْمِكَ سِلْمِي وَحَرْبِكَ حَرْبِي وَالْأَيْمَانُ مُخَالِطُ لَحْمِكَ وَدَمِكَ كَمَا خَالَطَ
لَحْمِي وَدَمِي وَأَنْتَ غَدَاً عَلَى الْحَوْضِ خَلِيفَتِي وَأَنْتَ تَقْضِي دِينِي وَتُنْجِزُ عِدَاتِي
وَشِيعَتَكَ عَلَى مَنَابِرٍ مِنْ نُورٍ مُبَيَّضَةٍ وَجُوهُهُمْ حَوْلِي فِي الْجَنَّةِ وَهُمْ جِيرَانِي وَلَوْلَا
أَنْتَ يَا عَلِيُّ لَمْ يُعْرِفِ الْمُؤْمِنُونَ بَعْدِي.

وَكَانَ بَعْدَهُ هُدًى مِنَ الضَّلَالِ وَنُوراً مِنَ الْعَمَى وَحَبْلَ اللَّهِ الْمَتِينِ وَصِرَاطَهُ
الْمُسْتَقِيمَ لَا يُسْبِقُ بِقَرَابَةٍ فِي رَحِمٍ وَلَا بِسَابِقَةٍ فِي دِينٍ وَلَا يُلْحَقُ فِي مَنَقَبَةٍ مِنْ مَنَاقِبِهِ
يَحْذُو حَذْوَ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمَا وَآلِهِمَا وَيُقَاتِلُ عَلَى التَّأْوِيلِ وَلَا تَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ
لَوْمَةٌ لِأَنَّهُمْ قَدْ وَتَرَ فِيهِ صِنَادِيدَ الْعَرَبِ وَقَتَلَ أَبْطَالَهُمْ وَنَاوَشَ ذُؤَبَانَهُمْ فَأَوْدَعَ قُلُوبَهُمْ
أَحْقَاداً بَدْرِيَّةً وَخَيْبَرِيَّةً وَحُنَيْنِيَّةً وَغَيْرَهُنَّ.

فَأَضَبَتْ عَلَى عَدَاوَتِهِ وَأَكْبَتْ عَلَى مُنَابَذَتِهِ حَتَّى قَتَلَ النَّكَاشِينَ وَالْقَاسِطِينَ
وَالْمَارِقِينَ وَلَمَّا قَضَى نَحْبَهُ وَقَتَلَهُ أَشَقَى الْأَخْرَبِينَ يَتَّبِعُ أَشَقَى الْأَوْلِيَيْنَ لَمْ يُمْتَثَلْ

أَمْرَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي الْهَادِينَ بَعْدَ الْهَادِينَ وَالْأُمَّةَ مُصِرَّةً عَلَى مَقْتِهِ
 مُجْتَمِعَةً عَلَى قَطِيعَةِ رَحِمِهِ وَأَقْضَاءِ وُلْدِهِ إِلَّا الْقَلِيلَ مِمَّنْ وَفِي لِرِعَايَةِ الْحَقِّ فِيهِمْ
 فَقَتَلَ مَنْ قَتَلَ وَسَبَى مَنْ سَبَى وَأَقْصَى مَنْ أَقْصَى وَجَرَى الْقَضَاءَ لَهُمْ بِمَا يُرْجَى لَهُ
 حُسْنُ الْمَثُوبَةِ إِذْ كَانَتْ الْأَرْضُ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ
 وَسُبْحَانَ رَبَّنَا إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبَّنَا لَمَفْعُولًا وَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ
 فَعَلَى الْأَطْنَابِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمَا وَآلِهِمَا فَلْيَبْكِ
 الْبَاكُونَ وَإِيَّاهُمْ فَلْيَنْدُبِ النَّادِبُونَ وَلِيُمِثِلِهِمْ فَلْيَذْرِفِ الدُّمُوعَ وَلْيَصْرُخِ
 الصَّارِحُونَ وَيَضِجُ الضَّاجِحُونَ وَيَعِجَّ الْعَاجِحُونَ أَيْنَ الْحَسَنِ أَيْنَ الْحُسَيْنِ أَيْنَ أَبْنَاءِ
 الْحُسَيْنِ صَالِحٍ بَعْدَ صَالِحٍ وَصَادِقٍ بَعْدَ صَادِقٍ أَيْنَ السَّبِيلِ بَعْدَ السَّبِيلِ أَيْنَ الْخَيْرَةِ
 بَعْدَ الْخَيْرَةِ أَيْنَ الشُّمُوسِ الطَّالِعَةِ أَيْنَ الْأَقْمَارِ الْمُنِيرَةِ أَيْنَ الْأَنْجُمِ الزَّاهِرَةِ أَيْنَ أَعْلَامِ
 الدِّينِ وَقَوَاعِدِ الْعِلْمِ أَيْنَ بَقِيَّةِ اللَّهِ الَّتِي لَا تَخْلُو مِنْ الْعِثْرَةِ الْهَادِيَةِ أَيْنَ التَّمَعَّدِ
 لِقَطْعِ دَابِرِ الظُّلْمَةِ أَيْنَ الْمُنتَظَرِ لِإِقَامَةِ الْأُمَّتِ وَالْعِوَجِ أَيْنَ الْمُرْتَجَى لِإِزَالَةِ الْجَوْرِ
 وَالْعُدُوانِ أَيْنَ الْمُدَّخِرِ لِتَجْدِيدِ الْفَرَائِضِ وَالسُّنَنِ أَيْنَ الْمُتَخَيَّرِ لِإِعَادَةِ الْمِلَّةِ وَالشَّرِيعَةِ
 أَيْنَ الْمُؤَمَّلِ لِأَحْيَاءِ الْكِتَابِ وَحُدُودِهِ أَيْنَ مُحْيِي مَعَالِمِ الدِّينِ وَأَهْلِهِ أَيْنَ قَاصِمِ شَوْكَةِ
 الْمُعْتَدِينَ أَيْنَ هَادِمِ أَيْبَةِ الشُّرْكِ وَالنِّفَاقِ أَيْنَ مُبِيدِ أَهْلِ الْفُسُوقِ وَالْعِصْيَانِ وَالطُّغْيَانِ
 أَيْنَ حَاصِدِ فُرُوعِ الْغَىِّ وَالشَّقَاقِ أَيْنَ طَامِسِ آثَارِ الزَّيْغِ وَالْأَهْوَاءِ أَيْنَ قَاطِعِ حَبَائِلِ
 الْكِذْبِ وَالْإِفْتِرَاءِ أَيْنَ مُبِيدِ الْعُتَاةِ وَالْمَرَدَّةِ أَيْنَ مُسْتَأْصِلِ أَهْلِ الْعِنَادِ وَالْتَّضَلِيلِ
 وَالْإِلْحَادِ أَيْنَ مُعْزِ الْأَوْلِيَاءِ وَمُذِلِّ الْأَعْدَاءِ أَيْنَ جَامِعِ الْكَلِمَةِ عَلَى التَّقْوَى أَيْنَ بَابِ
 اللَّهِ الَّذِي مِنْهُ يُؤْتَى أَيْنَ وَجْهِ اللَّهِ الَّذِي إِلَيْهِ يَتَوَجَّهُ الْأَوْلِيَاءُ أَيْنَ السَّبَبِ الْمُتَّصِلِ بَيْنَ

الأرضِ وَالسَّمَاءِ أَيْنَ صَاحِبِ يَوْمِ الْفَتْحِ وَنَاشِرِ زَايَةِ الْهُدَى أَيْنَ مُؤَلَّفِ شَمْلِ
الصَّلَاحِ وَالرِّضَا أَيْنَ الطَّالِبِ بِذُحُولِ الْأَنْبِيَاءِ وَأَبْنَاءِ الْأَنْبِيَاءِ أَيْنَ الطَّالِبِ بِدَمِ الْمَقْتُولِ
بِكَرْبَلَاءَ أَيْنَ الْمَنْصُورِ عَلَى مَنْ اعْتَدَى عَلَيْهِ وَافْتَرَى أَيْنَ الْمُضْطَرِّ الَّذِي يُجَابُ إِذَا
دَعَى أَيْنَ صَدْرِ الْخَلَائِقِ ذُو الْبِرِّ وَالتَّقْوَى أَيْنَ ابْنِ النَّبِيِّ الْمُصْطَفَى وَابْنِ عَلِيٍّ
الْمُرْتَضَى وَابْنِ خَدِجَةَ الْغُرَاءِ وَابْنِ فَاطِمَةَ الْكُبْرَى.

بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي وَنَفْسِي لَكَ الْوِقَاءُ وَالْحِمَى يَا بَنَ السَّادَةِ الْمُقَرَّبِينَ يَا بَنَ النَّجْبَاءِ
الْأَكْرَمِينَ يَا بَنَ الْهُدَاةِ الْمَهْدِيِّينَ يَا بَنَ الْخَيْرَةِ الْمُهَدِّبِينَ يَا بَنَ الْعَطَارِفَةِ الْأَنْجَبِينَ يَا
بَنَ الْأَطَائِبِ الْمُطَهَّرِينَ يَا بَنَ الْخَضَارِمَةِ الْمُنتَجِبِينَ يَا بَنَ الْقَمَاقِمَةِ الْأَكْرَمِينَ يَا بَنَ
الْبُدُورِ الْمُنِيرَةِ يَا بَنَ السُّرُجِ الْمُضِيئَةِ يَا بَنَ الشُّهْبِ الثَّقِيبَةِ يَا بَنَ الْأَنْجُمِ الزَّاهِرَةِ يَا بَنَ
السُّبُلِ الْوَاضِحَةِ يَا بَنَ الْأَعْلَامِ اللَّائِحَةِ يَا بَنَ الْعُلُومِ الْكَامِلَةِ يَا بَنَ السَّنَنِ الْمَشْهُورَةِ
يَا بَنَ الْمَعَالِمِ الْمَأْثُورَةِ يَا بَنَ الْمُعْجَزَاتِ الْمَوْجُودَةِ يَا بَنَ الدَّلَائِلِ الْمَشْهُودَةِ يَا
بَنَ الصَّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ يَا بَنَ النَّبَأِ الْعَظِيمِ يَا بَنَ مَنْ هُوَ فِي أُمَّ الْكِتَابِ لَدَى اللَّهِ عَلِيٌّ
حَكِيمٌ يَا بَنَ الْآيَاتِ وَالْبَيِّنَاتِ يَا بَنَ الدَّلَائِلِ الظَّاهِرَاتِ يَا بَنَ الْبِرَاهِينِ الْوَاضِحَاتِ
الْبَاهِرَاتِ يَا بَنَ الْحُجَجِ الْبَالِغَاتِ يَا بَنَ النَّعَمِ السَّابِغَاتِ يَا بَنَ طَهٍ وَالْمُحْكَمَاتِ يَا بَنَ
يَسٍّ وَالذَّارِيَاتِ يَا بَنَ الطُّورِ وَالْعَادِيَاتِ يَا بَنَ مَنْ دَنَى فَتَدَلَّى فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ
أَدْنَى دُنُوًّا وَاقْتِرَابًا مِنَ الْعَلِيِّ الْأَعْلَى.

لَيْتَ شِعْرِي أَيْنَ اسْتَقَرَّتْ بِكَ النَّوَى بَلْ أَىْ أَرْضٍ تُقَلِّكَ أَوْ ثَرَى أِبْرَضَوَى
أَوْ غَيْرِهَا أَمْ ذِي طَوَى عَزِيزُ عَلَيَّ أَنْ أَرَى الْخَلْقَ وَلَا تُرَى وَلَا أَسْمَعُكَ حَسِيسًا وَلَا
نَجْوَى عَزِيزُ عَلَيَّ أَنْ تُحِيطَ بِكَ دُونِي الْبَلْوَى وَلَا يَنَالِكَ مِنِّي ضَجِيجٌ وَلَا شَكْوَى

بِنَفْسِي * أَنْتَ مِنْ مُغَيَّبٍ لَمْ يَخْلُ مِنْهَا بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ نَارِحٍ مَا نَزَحَ عَنَّا بِنَفْسِي أَنْتَ
 أَمْنِيَّةُ شَائِقِي يَتَمَنَّى مِنْ مُؤْمِنٍ وَمُؤْمِنَةٍ ذَكَرًا فَحَنَّا بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ عَقِيدٍ عَزِيزٍ
 لَا يُسَامِي بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ أَثِيلٍ مَجْدِلًا يُجَارِي بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ تِلَادٍ نِعَمٍ لَا تُضَاهِي
 بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ نَصِيفٍ شَرَفٍ لَا يُسَاوِي إِلَى مَتَى أَحَارُفِكَ يَا مَوْلَايَ وَإِلَى مَتَى
 وَآيَ خِطَابٍ أَصْفُ فَيْكَ وَآيَ نَجْوَى عَزِيزٍ عَلَيَّ أَنْ أَجَابَ دُونَكَ وَأَنَاغِي عَزِيزٍ عَلَيَّ
 أَنْ أَبْكِيكَ وَيَخْذُكَ الْوَرَى عَزِيزٍ عَلَيَّ أَنْ يَجْرِي عَلَيْكَ دُونَهُمْ مَا جَرَى هَلْ مِنْ
 مُعِينٍ فَأُطِيلَ مَعَهُ الْعَوِيلَ وَالْبُكَاءَ هَلْ مِنْ جَزُوعٍ فَاسَاعِدْ جَزَعَهُ إِذَا خَلَاهُ قَدَيْتَ
 عَيْنٌ فَسَاعِدَتْهَا عَيْنِي عَلَى الْقَدَى.

هَلْ إِلَيْكَ يَا بَنَ أَحْمَدَ سَبِيلٌ فَتَلْقَى هَلْ يَتَّصِلُ يَوْمَنَا مِنْكَ بِغَدِهِ فَنَحْظِي مَتَى نَرِدُ مَنَا
 هَيْلَكَ الرَّوِيَّةَ فَتَرَوِي مَتَى نَنْتَقِعُ مِنْ عَذْبِ مَائِكَ فَقَدْ طَالَ الصَّدى مَتَى نُغَادِيكَ
 وَنُرَاوِحُكَ فَتُنَقِرَ عَيْنًا مَتَى تَرَانَا وَنَرِيكَ وَقَدْ نَشَرْتَ لِرِوَاءِ النَّصْرِ تُرَى أترَانَا نَحْفُ بِكَ
 وَأَنْتَ تَامُ الْمَلَأَ وَقَدْ مَلَأْتَ الْأَرْضَ عَدْلًا وَأَذَقْتَ أَعْدَائِكَ هَوَانًا وَعِقَابًا وَأَبْرَتَ الْعُتَاةَ
 وَجَحْدَةَ الْحَقِّ وَقَطَعْتَ دَابِرَ الْمُتَكَبِّرِينَ وَاجْتَشَشْتَ أُصُولَ الظَّالِمِينَ وَنَحْنُ نَقُولُ الْحَمْدُ
 لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

اللَّهُمَّ أَنْتَ كَشَّافُ الْكُرْبِ وَالْبُلُوَى وَإِلَيْكَ أَسْتَعْدِي فَعِنْدَكَ الْعَدْوَى وَأَنْتَ
 رَبُّ الْأَخِرَةِ وَالْأُولَى [الأولى] فَاعِثْ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ عِبِيدَكَ الْمُبْتَلَى وَأَرِهِ
 سَيِّدَهُ يَا شَدِيدَ الْقُوَى وَأَزِلْ عَنْهُ بِهِ الْأَسَى وَالْجَوَى وَبَرِّدْ غَلِيْلَهُ يَا مَنْ عَلَى الْعَرْشِ
 اسْتَوَى وَمَنْ إِلَيْهِ الرَّجْعَى وَالْمُنْتَهَى اللَّهُمَّ وَنَحْنُ عِبِيدُكَ التَّائِقُونَ إِلَى وَلِيِّكَ الْمَذَكَّرِ
 بِكَ وَبِنَبِيِّكَ خَلَقْتَهُ لَنَا عِصْمَةً وَمَلَاذًا وَأَقَمْتَهُ لَنَا قِوَامًا وَمَعَاذًا وَجَعَلْتَهُ لِلْمُؤْمِنِينَ مَنَا

٣٦٦..... تفسير و شرح دعای ندبه

إِمَامًا فَبَلَّغَهُ مِنَّا تَحِيَّةً وَسَلَامًا وَزِدْنَا بِذَلِكَ يَا رَبِّ إِكْرَامًا وَاجْعَلْ مُسْتَقَرَّهُ لَنَا مُسْتَقَرًّا
وَمُقَامًا وَأَتِمِّمْ نِعْمَتَكَ بِتَقْدِيمِكَ إِلَيْنَا أَمَامَنَا حَتَّى تُورِدَنَا جَنَّاتِكَ وَمُرَافَقَةَ الشُّهَدَاءِ مِنْ
خُلَصَائِكَ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ جَدِّهِ وَرَسُولِكَ السَّيِّدِ الْأَكْبَرِ
وَعَلَى [عَلِيٍّ] أَبِيهِ السَّيِّدِ الْأَصْغَرِ وَجَدَّتَيْهِ الصُّدَيْقَةِ الْكُبْرَى فَاطِمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى
مَنْ اصْطَفَيْتَ مِنْ آبَائِهِ الْبَرَّةِ وَعَلَيْهِ أَفْضَلُ وَأَكْمَلُ وَأَتَمُّ وَأَدْوَمُ وَأَكْثَرُ وَأَوْفَرُ
مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَصْفِيَائِكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَصَلِّ عَلَيْهِ صَلَوةً لِأُغَايَةِ
لِعَدَدِهَا وَلِأَنْهَايَةِ لِمَدَدِهَا وَلَا تَفَادَ لِأَمَدِهَا اللَّهُمَّ وَأَقِمْ بِهِ الْحَقَّ وَأَدْحِضْ بِهِ الْبَاطِلَ
وَأَدِلْ بِهِ أَوْلِيَاءَكَ وَأَذِلِّ بِهِ أَعْدَاءَكَ وَصَلِّ اللَّهُمَّ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُ وَصَلِّ تُوْدِي إِلَى مُرَافَقَةِ
سَلْفِهِ وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ يَأْخُذُ بِحُجْرَتِهِمْ وَيَمْكُثُ فِي ظِلِّهِمْ وَأَعِنَّا عَلَى تَأْدِيَةِ حُقُوقِهِ إِلَيْهِ
وَالْإِجْتِهَادِ فِي طَاعَتِهِ وَاجْتِنَابِ مَعْصِيَتِهِ وَامْنُنْ عَلَيْنَا بِرِضَاهُ وَهَبْ لَنَا رَأْفَتَهُ
وَرَحْمَتَهُ وَدُعَائَهُ وَخَيْرَهُ مَا نَسْأَلُ بِهِ سَعَةً مِنْ رَحْمَتِكَ وَفَوْزاً عِنْدَكَ.

وَاجْعَلْ صَلَواتِنَا بِهِ مَقْبُولَةً وَذُنُوبَنَا بِهِ مَغْفُورَةً وَدُعَائِنَا بِهِ مُسْتَجَاباً وَاجْعَلْ أَرْزَاقَنَا
بِهِ مَبْسُوطَةً وَهُمُومَنَا بِهِ مَكْفِيَّةً وَحَوَائِجِنَا بِهِ مَقْضِيَّةً وَأَقْبِلْ إِلَيْنَا بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ
وَأَقْبِلْ تَقَرُّبَنَا إِلَيْكَ وَانْظُرْ إِلَيْنَا نَظْرَةً رَحِيمَةً نَسْتَكْمِلُ بِهَا الْكِرَامَةَ عِنْدَكَ ثُمَّ لَا تَصْرِفْهَا
عَنَّا بِجُودِكَ وَاسْقِنَا مِنْ حَوْضِ جَدِّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِكَاسِهِ وَبِيَدِهِ رِيًّا رَوِيًّا هَنِئاً
سَائِغاً لَا ظَمًا بَعْدَهُ

يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۴	مقدمه
۷	سند دعای ندبه
۱۱	سفارش، صدرالاسلام علی اکبر همدانی
۱۴	سفارش، آیه الله سید شهاب الدین مرعشی نجفی
۱۵	مکاتبت، آقا سید جواد فراسانی <small>مدینه</small>
۱۷	مکاتبت، توسل آقا سید رضا عالم اصفهانی <small>مدینه</small>
۱۸	مکاتبت، آیه الله حاج میرزا صمدی شیرازه <small>مدینه</small>
۲۰	مکاتبت، آیه الله میرجهانی <small>رحمته</small>
۲۲	مکاتبت، آیه الله فادمی شیرازی <small>مدینه</small>
۲۴	مکاشفه،
۲۷	قسمت اول از تفسیر و شرح
۲۳۹	قسمت دوم از تفسیر و شرح
۳۱۱	قسمت سوم از تفسیر و شرح
۳۵۹	آفرین سخن
۳۶۰	متن دعای ندبه

مؤسسه فرهنگی و انتشاراتی
یاران قائم علیه السلام
تقدیم می‌کند:

- ۱- تفسیر و شرح زیارت آل یاسین
- ۲- تفسیر و شرح زیارت استغاثه به امام زمان
- ۳- مدارک تطبیقی دعای ندبه
- ۴- نفس زکیه (در سیر و سلوک)
- ۵- نور فاطمه اطهر در سوره قدر و کوثر

شرحی بر

سایم امام زمان
علیہ السلام

سید جمال الدین حجازی